

# ۳۱ آبراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی

سال پنجم شماره سی و یکم

اسفند ۱۳۹۷ ۶۸ صفحه ۸۰۰۰ تومان



زن مسلمان به مثابه انسان آگاه و مسئول

سخنرانی دکتر محمد مهدی جعفری

در مراسم یادبود ملک بانو طباطبایی

بودجه‌ای برای  
مردم یا فرادستان؟

حسین راغفر



ساختمان حسینیّه ارشاد  
برای ما یک نماد است

سخنان احسان شریعتی در مراسم تشییع پوران شریعت‌رضوی



طالقانی مردم‌گرا،  
ظرفیتی برای گذار

مهدی معتمدی‌مهر



حفظ قدرت  
با هر قیمت

مهدی غنی



فرصت‌های نابرابر  
زنان و مردان

گفت‌وگو با اشرف بروجردی



# پیشخوان

## پیپه ۲۲ ابراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی  
سال پنجم - شماره بیست و چهارم  
۱۳۹۴ - زمستان - ۳۲ صفحه - ۳۰۰ تومان

تفاوت‌های بنیادین  
گفت‌وگو با سید جواد میر

امکان‌های گسترده  
فائزهای جدید

مطلبی: زنان و حکومت  
درواز دهرجی

پرونده  
آیت‌الله طالقانی  
به مسائلیت  
سالگرد ایشان

پژوهش‌های فلسفی  
آرا و افکار  
علی شریعتی  
و سید جواد  
طباطبایی

گفت‌وگو با علی نقی  
مجتهدی  
کتاب: کلام  
مکتب  
مکتب  
مکتب  
گفت‌وگو با سید جواد میر

## پیپه ۲۳ ابراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی  
سال پنجم - شماره بیست و پنجم  
۱۳۹۴ - زمستان - ۳۲ صفحه - ۳۰۰ تومان

حلقه احکام  
اسلام و  
ریاضت صورت  
امر اجتماعی  
ناصر کاویان

مسئله اصلی طالقانی  
استدلال بود  
راوند هروی

چهار خدای اساسی  
شبه لفظی  
مهدی

پرونده  
آیت‌الله طالقانی  
با آقایی از  
انظر طالقانی  
انوارحسین طالقانی  
راوند هروی  
جعفر شریعتی

چشمه‌ای در دل کویر  
نگاهی به بحران آب  
حسن رفیعی  
حمزه راه  
اسیر الله  
سید محمد

راهبردهای واقعه عاشورا  
آیت‌الله مازنی  
مطلبی  
مطلبی  
مطلبی

## پیپه ۲۴ ابراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی  
سال پنجم - شماره بیست و ششم  
۱۳۹۴ - زمستان - ۳۲ صفحه - ۳۰۰ تومان

آینده سنتی  
مطلبی  
مطلبی  
مطلبی

حلقه شهودی  
چاشنی‌ها و افکار  
مطلبی

حالت مشارکت سیاسی  
زنان ایران خوب نیست  
مطلبی

نظام سیاسی باید پدیدآور  
نظامی و دانشجو باشد  
مطلبی

محمد بیستگنار  
یک عمر مجاهدات و تحقیق  
ابن برکات‌پار جانی

لزومه فاطمه‌گونه شدن زنان، علی‌گونه شدن مردان ماست  
زیاده‌زبان با آثار و گفتار از انظر طالقانی، اثر مسعودی، پروانه مشکوی، شهین غلامی، سید محمدعلی، سید محمدعلی

## پیپه ۲۵ ابراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی  
سال پنجم - شماره بیست و هفتم  
۱۳۹۴ - زمستان - ۳۲ صفحه - ۳۰۰ تومان

فلسفه تاریخی، آراء  
امام و آثار علمی  
مطلبی

چهارماد اسلامی  
مطلبی

فردوسی‌های  
با یاداف سوسه‌های  
مطلبی

پرونده  
در آستانه چهل سالگی انقلاب  
پانزدهمین سالگرد انقلاب اسلامی  
مطلبی

مطلبی  
مطلبی  
مطلبی  
مطلبی

## پیپه ۲۶ ابراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی  
سال پنجم - شماره بیست و هشتم  
۱۳۹۴ - زمستان - ۳۲ صفحه - ۳۰۰ تومان

آینده فلسفی  
آینده فلسفی  
آینده فلسفی

سید جواد  
آینده فلسفی  
مطلبی

آینده فلسفی  
آینده فلسفی  
آینده فلسفی

پرونده  
پریش از مردم؛ اصل اجرا نشده قانون اسلامی  
رخزادوم؛ آری یا نه

مطلبی  
مطلبی  
مطلبی  
مطلبی

## پیپه ۲۷ ابراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی  
سال پنجم - شماره بیست و نهم  
۱۳۹۴ - زمستان - ۳۲ صفحه - ۳۰۰ تومان

وکل معنایی  
مطلبی

ایرانی‌ها متنی امیدوار  
ولی بدون امید اجتماعی  
مطلبی

جامعه شریعتی در کاروان  
روشنگری دینی  
مطلبی

مسئله امید اجتماعی  
در ایران  
مطلبی

تعمیق هویت ملی؛ پیش‌نیاز توسعه  
مطلبی

## پیپه ۲۸ ابراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی  
سال پنجم - شماره سی و یکم  
۱۳۹۴ - زمستان - ۳۲ صفحه - ۳۰۰ تومان

مشوی مولانا  
سز نو به نو شدن جهان  
مطلبی

تألیف در پنج‌هائی  
جوان امروز ایرانی  
مطلبی

پرونده  
پس‌نگار در پست‌زمان  
با آقایی  
مطلبی

## پیپه ۲۹ ابراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی  
سال پنجم - شماره سی و دوم  
۱۳۹۴ - زمستان - ۳۲ صفحه - ۳۰۰ تومان

پیرامون آزادی، شورا و نقد  
مطلبی

مناقشه توسعه اجتماعی  
در شهرهای جدید  
مطلبی

پرونده  
نگاهی به شش ملی جهان‌پهلوان تختی  
مطلبی

## پیپه ۳۰ ابراهیم

جامعه زنان انقلاب اسلامی  
سال پنجم - شماره سی و سوم  
۱۳۹۴ - زمستان - ۳۲ صفحه - ۳۰۰ تومان

درسی آموزی با فرهنگها  
در مکتب  
مطلبی

اصل بر توانمندسازی است  
نه واسطه گردن  
مطلبی

از رنجی که می‌بریم  
پرونده‌های درباره آثار تحریکات روح آرزو بر زندگی مردم  
با آقایی از  
مطلبی

# اسم الحسن الرضی

## فهرست

فرصت‌های نابرابر زنان و مردان :: ۵  
گفت‌وگو با اشرف بروجردی

حفظ قدرت با هر قیمت :: ۷  
مهدی غنی

طرح خودگردانی داریوش فروهر ادامه اعتراض حقوقی ما در جدایی بحرین بود :: ۱۲  
گفت‌وگو با خسرو سیف

طالقانی مردم‌گرا، ظرفیتی برای گذار :: ۱۹  
مهدی معتمدی‌مهر

فرار شاه :: ۲۱  
سید یعقوب آل شفیعی فومنی

بودجه‌ای برای مردم یا فرادستان؟ :: ۲۲  
حسین راغفر

نقدی به نظریه «محمد؛ راوی رؤیاهای رسولانه» عبدالکریم سروش :: ۳۵  
بهروز مرادی

مسئله ایرانی بودن :: ۴۳  
علی بیاتی

یادی از حضرت عیسی مسیح<sup>ع</sup> و حضرت مریم<sup>ع</sup> :: ۴۵  
سعید حاتم تهرانی

پیدایش فلسفه علم :: ۴۷  
ابراهیم خوش‌سیرت

کدام خاورمیانه جدید؟ :: ۴۹  
حسین ارغوانی

پیامی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷ :: ۵۱

معرفی کتاب دیوان حافظ شیرازی، آیات نور در سفینه غزل :: ۵۲

اخطار اتوبوس‌های مرگ! :: ۵۳  
احسان شریعتی

ضرورت جایگزینی انرژی‌های پاک :: ۵۴  
گفت‌وگو با کومی نایدو

فرخی یزدی؛ شاعر آزادی :: ۵۶  
عبدالرضا قنبری

من مالیخولیا دارم :: ۵۸  
احمد هاشمی

ساختمان حسینیه ارشاد برای ما یک نماد است :: ۵۹  
سخنان احسان شریعتی در مراسم تشییع شادروان پوران شریعت‌رضوی

پیام تسلیت اعظم طالقانی به مناسبت درگذشت پوران شریعت‌رضوی :: ۶۰

زن مسلمان به‌مثابه انسان آگاه و مسئول :: ۶۲  
سخنرانی دکتر محمد مهدی جعفری

اخبار زنان :: ۶۴  
حوریه خانپور

### صاحب امتیاز

جامعه زنان انقلاب اسلامی

### مدیرمسئول

اعظم طالقانی  
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری

### دبیران

دبیر تحریریه: احمد هاشمی  
کیمیا انصاری (اجتماعی)  
منیژه گودرزی (ادبیات)  
لاله شاکری (اندیشه)  
مهدی غنی (تاریخ)  
حوریه خانپور (خبر)  
زهرا زالی (زنان)

### همکاران

فاطمه پزشکی، صدیقه کنعانی،  
یاسمن عزیز، صدیقه مقدم، مصطفی آشوری

### امور هنری و فنی

صفحه‌آرا: رضا شیخ‌سامانی  
حروفچین: یاسمن عزیز، اکبر حسینی

### نشانی

تهران، خیابان انقلاب، خیابان سعدی شمالی خیابان هدایت  
(شهید برادران قائدی) بعد از ظهیرالاسلام، پلاک ۱۴۹

تلفکس: ۷۷۵۳۷۰۲۲

پست الکترونیکی:

Payam.ebrahimjournal@gmail.com

Telegram: @PayamEbrahimJournal

### اشتراک و آگهی

۷۷۵۳۷۰۲۲

چاپ: ایران چاپ

توزیع: روزنامه اطلاعات

مطالب درج‌شده در مجله لزوماً دیدگاه نشریه نمی‌باشد.

مسئولیت محتوای مطالب بر عهده نویسندگان است.

## آیت‌اللهی که ما می‌شناختیم



سرمقاله

اعظم طالقانی

به عادت مألوف، هر سال دو بار از آیت‌الله طالقانی در رسانه‌های کشور یاد می‌شود: یکی در ایام سالگرد پیروزی انقلاب؛ و دو دیگر در روزهای نزدیک به شهادت ایشان. اینجا واژه شهادت را نه به معنای کشته شدن با آلت قتاله، بلکه به معنای الگو، نماد و راهگشای جامعه به کار می‌برم. کسی که زندگی‌اش در راه آگاهی‌بخشی مردم باشد و جامعه را ارتقا بخشد شاهد است. آیت‌الله طالقانی همه عمر خویش را صرف مجاهدت برای اعتلای ارزش‌های اخلاقی و کاستن از رنج‌های بشر کرد و همه درباره نسبت جهاد و شهادت می‌دانیم.

آیت‌الله طالقانی سال‌های سال در مسیر کسب ارزش‌های دینی و اصول اخلاقی هر مشقتی را به جان خرید. او سال‌ها تلخی زندان و دوری از زن و فرزند را چشید و در همه این روزها از تحقیق و نگارش دست برداشته. روزهایی که بیشتر از همه چیز و همه کس با کتاب خدای خویش انس و الفت داشت. در همان ایام بود که تفسیر پرتوی از قرآن را گردآوری کرد، اما نه این ایستادگی و نه آن تألیفات، مشخصه بارز طالقانی نبود. بسیاری از زنان و مردان برای به ثمر رسیدن ارزش‌ها از جان و مال خویش ایثار کردند، بسیاری دیگر هم بودند که عمر خویش به تألیف و تحقیق سپری کرده‌اند و بی‌گمان، هر دو گروه منشأ بهبود اوضاع جهان بوده‌اند، اما معدودی از این افراد دوران‌ساز شده‌اند و این‌ها همان‌ها بوده‌اند که به مشی و منش و روش فراتر از زمانه خویش زیسته‌اند. مولانا می‌گوید: «صوفی ابن‌الوقت باشد ای رفیق.» شاید این ابن‌الوقت بودن برای خیلی از آدم‌ها ارزش باشد و مایه نجات، اما انسان‌های معدودی هستند که ربطی به «وقت» ندارند. خودشان به زمان معنا می‌بخشند. اینان پسران زمانه خویش نیستند، ابوالوقت‌اند و به ساز روزگار کوک نمی‌شوند که دنیا را به نوای خود می‌نوازند. حرف زدن درباره این آدم‌ها راحت نیست.

موضوع غریب درباره آیت‌الله طالقانی این است که بخشی از رسانه‌ها که با قدرت هم پیوندهای مستحکمی دارند، سعی در تحریف چهره او دارند. گویی از مقبولیت او نزد پیر و جوان بیمناکانند. چندی پیش یکی از برادرهایمان در برنامه‌ای تلویزیونی حضور پیدا کرد. مجری برنامه همچون بسیاری از مواقع از ایشان درباره رابطه آیت‌الله طالقانی و مجاهدین پرسید. پاسخ فرزند آیت‌الله البته شایسته بود. او به منش مجاهدین اولیه اشاره کرد و سیر اتفاقاتی را شرح داد که به برخی انحرافات و در نهایت به حذف‌ها و انشعاب‌ها منجر شد. این‌گونه پرسش‌ها مسبوق به سابقه است.

برای عده‌ای رابطه حسنه پدر طالقانی با گروه‌های مختلف سؤال‌برانگیز است. بسیاری از افراد که از درک این رفتارها ناتوان بودند و سعی کردند با نسبت‌های ناروایی که به آیت‌الله می‌دهند چهره او را مخدوش کنند. برای نمونه یک روحانی با استناد به مقدمه فاضلان آیت‌الله طالقانی برای کتاب راه تجدید عظمت و قدرت اسلامی، تألیف حجت‌الاسلام آقا سیداسدالله موسوی میراسلامی معروف به نجارقانی، آیت‌الله را به وهابیت منتسب می‌کند. بهتر است به جای اتهام‌زنی نگاهی به منش آیت‌الله بیندازیم.

طالقانی با بسیاری از گروه‌های سیاسی از جبهه ملی و نهضت آزادی و جمعیت مؤتلفه گرفته تا مجاهدین رابطه‌ای حسنه داشت. آشکار است که این رابطه حسنه به معنای تأیید مشی آن‌ها نبود. گاهی این روابط به نوعی رابطه پدر و پسر تبدیل می‌شد. پدر طالقانی بارها از در نصیحت وارد می‌شد و گروه‌های مختلف را به سعه‌صدر و دوری از تنش فرامی‌خواند. روزهایی را به یاد بیاوریم که ماه‌عسل انقلاب سپری شده است و مرزبندی‌ها هرروز پررنگ‌تر می‌شود. زخم اختلافات قدیمی سر باز کرده است و هرروز چون آتشی شعله‌ور دامنه می‌گیرد. حرف زمانه این است که هرکسی یا باید این طرف خط باشد یا آن طرف. حصارها هر روز بلندتر می‌شود و خودحق‌پنداری آفت گروه‌های مبارز می‌شود، اما مگر نه این است که حق مطلق نزد ذات باری تعالی است و هر کرشمه‌ای جلوه‌ای از آن وجود نورانی است؟ در آن زمانه پرآشوب، راه راحت‌تر این بود که یک طرف حصار خودساخته بایستی و هل من مبارز بطلبی. سخت بود تحمل کردن و میانجی بودن. آیت‌الله طالقانی با سعه‌صدری که داشت، تلاش می‌کرد عامل پیوند باشد و از درگیری‌ها جلوگیری کند، با این حال هر جا انحرافی می‌دید با صدای بلند بانگ برمی‌آورد و جایگاه و طیف سیاسی و سابقه افراد برایش اهمیت نداشت. این‌گونه بود که از هر دو طرف ناسزا می‌شنید. به یاد بیاوریم که در همان ماه‌های نخست انقلاب چگونه با سران گروه رجوی به تندی برخورد کرد و آنان را به عاقبت کار خویش هشدار داد. افسوس که این هشدارها ثمری نداشت و دو صد افسوس که پدر طالقانی زود از میان ما رفت.

آیت‌الله طالقانی روشنفکر آزادخواهی بود که سعی می‌کرد بین مذهب سنتی و اندیشه نواندیشی دینی پیوند ایجاد کند. دریغ که ایران امروز ما چقدر نیازمند این دست پیوندهاست، چقدر نیازمند آشتی است و چقدر به اهالی مدارا نیاز دارد. والسلام





## فرصت‌های نابرابر زنان و مردان

گفت‌وگو با اشرف بروجردی

اشرف بروجردی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است. وی دکترای فقه سیاسی از دانشگاه بیروت دارد و در دوران اصلاحات معاون وزیر کشور در امور اجتماعی و شوراها بوده است. با او درباره چالش‌های حضور زنان در اجتماع به گفت‌وگو نشستیم.

■ موانع مشارکت سیاسی زنان در پست‌های مدیریتی چیست؟  
 الف) یکی از موانع عمده مشارکت سیاسی زنان در تصدی مناصب مدیریتی برخوردار نبودن از فرصت‌های لازم برای مشارکت در مباحث سیاسی و حضور در نشست‌های سیاسی است که یکی از آن‌ها حضور نداشتن آنان در احزاب و تشکل‌های سیاسی است که مهم‌ترین پایگاه آموزشی و تمرین عرصه سیاست است، چه در تحلیل مسائل و چه در دیده شدن. مردان با حضور خود در تشکل‌های سیاسی همواره به چشم می‌آیند، درحالی‌که زنان با حضور نداشتن، محرومیت از دیده شدن برای تصدی مناصب مدیریت سیاسی را تجربه می‌کنند. البته این ظرفیت را، هم احزاب ایجاد نمی‌کنند و هم بانوان برای مشارکت فعال تلاش نمی‌کنند.  
 ب) شاید در بازنگری جایگاه زنان به مشارکت در عرصه مدیریت سیاسی کشور بتوان به رویکرد تنگ‌نظرانه با توجیه ممانعت دین اسلام از حضور زنان در جایگاه مدیریت توجه کرد که متأسفانه مستمسکی شده برای حذف زنان در جایگاه مدیریت سیاسی.  
 ج) هزینه‌بر بودن این مشارکت برای زنان، چون عرصه مدیریت سیاسی عرصه رقابت هم هست که بعضی بی‌اخلاقی‌ها سبب حذف آنان شده و زنان برای پرهیز از اتهاماتی که ممکن است به آن‌ها وارد شود خود را از صحنه سیاست دور نگه می‌دارند.

نسبت در سنوات اخیر برای مردان ۳۷ درصد و برای زنان ۶۳ درصد بوده است، سبب شده تا مردان به مهارت‌آموزی و حرفه‌آموزی روی بیاورند و این مسئله سبب شده است تا برای شاغل شدن و کسب مناصب شغلی، مردان بتوانند گوی سبقت را از زنان برابند.  
 ج) از آنجا که جامعه ما یک جامعه سنتی است و در سنت‌های اسلامی شرط زندگی مشترک این است که مردان بتوانند امکان تأمین معاش خود، همسر و فرزندان را داشته باشند، لذا مردان همواره در جست‌وجوی شغل هستند، اما زنان لزوماً به دنبال کسب شغل نمی‌گردند مگر آنکه علایق و انگیزه آن را داشته باشند.  
 د) از آنجا که زنان جوان که عمدتاً به دنبال شغل هستند اگر متأهل باشند احتمال بارداری را دارند و بر اساس قانون می‌توانند مرخصی زایمان، فرصت شیردهی به فرزند و دوران بارداری را داشته باشند که عملاً کارفرما ترجیح می‌دهد از کسی بهره‌برد که فاقد این فرصت سوزی برای کارفرما باشد. در نتیجه زنان موفق به کسب مشاغل نخواهند شد؛ اما چه کنیم تا زنان بتوانند پس از فراغت از تحصیل به راحتی اشتغال بیابند؟ شاید آموزش کارآفرینی برای زنان، تشکیل گروه‌های کاریاب، تشکیل تعاونی‌ها و تکیه بر توانایی‌های خود بدون رجوع به دولت برای اشتغال می‌تواند به زنان کمک کند تا شاغل شوند.

■ در سال‌های اخیر شاهد رشد روزافزون تعداد بانوان فارغ‌التحصیل دانشگاه هستیم، با این حال بانوان درصد کمی از بازار کار را به خود اختصاص داده‌اند. به نظر شما دلیل این امر چیست؟ چگونه می‌شود از ظرفیت‌های این بخش از جامعه استفاده کرد؟

یکی از اثرات ثمربخش اقدامات انجام‌شده در جمهوری اسلامی ایران توسعه عرصه دانش برای زنان و دختران است تا جایی که امروزه در بسیاری از رشته‌ها چه در قبولی کنکور ورود به دانشگاه، چه در حال تحصیل و چه در فارغ‌التحصیلی تعداد زنان و دختران تفوق دارد بر تعداد مردان، درحالی‌که در عرصه اشتغال درصد بیکاری زنان به مراتب بیشتر از مردان است. اینکه چه عواملی در ایجاد چنین شرایطی دخیل است یا اینکه اصولاً به این مسئله باید با دید مثبت نگریست یا منفی جای تأمل دارد لذا در تحلیل شرایط به وجود آمده توجه به نکات زیر مثمرتر است:  
 الف) اولاً لزوماً هر فراغت از تحصیلی نباید به اشتغال منتهی شود. عرصه کسب دانش به افزایش فرهیختگی کمک می‌کند که این بسیار مفید است و زن‌ها با کسب دانش می‌توانند در فرهنگ‌سازی برای جامعه مفید واقع شوند.  
 ب) کاهش ورودی مردان به دانشگاه‌ها که این

در پاسخ به این پرسش، ناگزیر از بازنگری جایگاه سازمان‌های غیردولتی و احزاب و تاریخچه و گذشته آن‌ها هستیم. با نگاهی دوباره به نقش احزاب و دیگر نهادهای مدنی در کشور ایران تأثیرگذاری آن‌ها در شکل‌گیری و موفقیت یا شکست جریانات سیاسی و اجتماعی را بررسی می‌کنیم.

از دیرباز که احزاب در ایران شکل گرفت همواره یک‌سویه نگری موجب تضعیف و کاهش نقش اثرگذار آنان بوده است. چه حزب توده یا حزب مؤتلفه یا فدائیان اسلام و... بنابراین تا زمانی که احزاب نتوانند چتری فراگیر داشته و باورهای مردم را مورد توجه قرار دهند محکوم به کاهش سهم تأثیرگذاری بر جریانات سیاسی-اجتماعی خواهند بود. اینکه چرا احزاب و تشکلهای غیردولتی (به‌استثنای خیریه‌ها) قادر نیستند در تحرکات سیاسی-اجتماعی نقش اثرگذاری داشته باشند به عوامل زیر مرتبط است:

الف) نداشتن پشتوانه قانونی محکم برای حمایت از آن‌ها، شناسنامه‌دار شدن و استقلال عمل، در بسیاری از احزاب عملکرد ضعیف و تعداد اندک اعضا امکان مانور سیاسی کامل از آن‌ها را سلب می‌کند. اصولاً در ایران حزب قوی و فراگیری وجود ندارد که بتواند اقشار مختلف جامعه را پوشش داده و آرای بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها به خود اختصاص دهد. تشکلهای غیردولتی هم جایگاه تعریف‌شده‌ای در قوانین کشور ندارند که بتوانند به پشتوانه آن امورات خود را پیش ببرند. البته این وضعیت درباره تشکلهای خیریه کمتر صدق می‌کند.

ب) کار تشکیلاتی و کادرسازی در احزاب و تشکلهای از ملزومات پیشرفت آن‌ها به حساب می‌آید، متأسفانه نه افرادی که هویت سیاسی خود را به هویت حزبی گره می‌زنند و نه افرادی که در سمن‌ها فعالیت می‌کنند هیچ‌یک کار تشکیلاتی و سامان‌یافته را تجربه نکرده‌اند که این موضوع موجب کاهش سهم تأثیر احزاب بر روند فعالیت‌های سیاسی-حزبی می‌شود و در نتیجه ما حزب اثرگذار و قوی را نمی‌توانیم داشته باشیم.

ج) باور نداشتن به‌ضرورت کار حزبی از عوامل دیگری است که مانع فعالیت احزاب و تشکلهای می‌شود.

د) نگاه اتهامی به تشکلهای از سوی نهادهای دولتی بزرگ‌ترین مانع برای موفقیت احزاب به حساب می‌آید. ❖

## زنان تأخیر تاریخی را در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تجربه کرده‌اند. اگر تبعیض مثبت وجود نداشته باشد، همچنان تأخیر در تصدی مناصب برای زنان وجود خواهد داشت

مشارکت زنان ممانعت و محدودیت یا ضرورت افزایش حضور وجود داشته باشد. اگر رویکردها در خصوص مشارکت زنان در میدان عمل بخواند معنی‌دار باشد، زنان باید در همه زمینه‌ها حضور مؤثر را تجربه کنند، چراکه افراد دارای توانایی‌ها و قابلیت‌های متفاوت هستند پس نباید برای حضورشان در هیچ موردی محدودیت ایجاد کرد و آن‌ها باید بر اساس سلیقه، انگیزه و توان خود امکان مشارکت را داشته باشند.

❖ با توجه به اهمیت نهادهای زیرساخت جامعه مدنی، موانع فعالیت مؤثر احزاب و سمن‌ها را حال حاضر چه مسائلی می‌دانید؟

د) کم‌اعتمادی مدیران ارشد جامعه به توانایی‌ها و قابلیت‌های زنان برای ورود به میدان سیاست و نگرانی از تصدی مناصب و اینکه احتمال اخذ تصمیمات غلط ممکن است نتایج مخربی را به وجود آورد.

ه) تنگ شدن فضا برای مردان و تلاش آنان برای حذف زنان.

به هر حال اگر وارد این مباحث شویم، ده‌ها دلیل دیگری در جهت حضور نداشتن زنان در مناصب مدیریتی را شاهد خواهیم بود.

❖ آیا با تبعیض مثبت برای ایجاد امکان مشارکت بیشتر در تصمیم‌سازی‌های سیاسی موافقت می‌کنید؟

قطعاً پاسخ به این سؤال مثبت است؛ چراکه زنان تأخیر تاریخی را در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تجربه کرده‌اند. اگر تبعیض مثبت وجود نداشته باشد همچنان تأخیر در تصدی مناصب برای زنان وجود خواهد داشت. البته این تبعیض نه تنها در تصمیم‌سازی‌ها بلکه در تصمیم‌گیری‌ها هم باید مورد توجه باشد.

❖ به نظر شما حضور زنان در کدام بخش‌ها با چالش‌های بیشتری روبه‌رو بوده؟ در کدام بخش‌ها نیاز بیشتری به مشارکت زنان احساس می‌شود؟  
من فکر نمی‌کنم در هیچ‌یک از عرصه‌های





# تاریخ

## حفظ قدرت با هر قیمت

### دیانت در خدمت قدرت

از شما خواننده فرهیخته تقاضایی دارم، کمی حوصله کنید و با دقت جملات زیر را بخوانید و در حین خواندن حدس بزنید این جملات از آن کیست و در چه زمانی گفته شده است:

«شاید هیچ کس غیر از من و خدای من نداند که چه شب‌ها را تا صبح به تأمل و تفکر گذرانیدم و با خضوع و خشوع تمام برای یافتن چاره از خدای خویش استعانت طلبیدم...»<sup>۱</sup>

«برای خودم مسلم بود که خداوند مایل بود کارهایی به دست من و برای خدمت به ملت ایران انجام بگیرد که شاید از دست دیگری ساخته نبود. من در تمام آنچه کرده‌ام و آنچه خواهم کرد، خود را عاملی برای اجرای مشیات الهی بیش نمی‌بینم و فقط از درگاه احدیتش مسئلت دارم که همواره مرا در انجام مشیات کامله خویش به راه راست هدایت فرماید و از اشتباه دور دارد.»<sup>۲</sup>

«بالاخره به این نتیجه رسیدم که مملکت ما احتیاج به یک انقلاب عمیق و اساسی دارد که در یک زمان و با یک جهش به تمام تناقضات اجتماعی و همه عواملی که باعث بی‌عدالتی و ظلم و استثمار می‌شود و همچنین به تمام جنبه‌های ارتجاعی که مایه جلوگیری از پیشرفت و ممد عقب‌افتادگی است خاتمه دهد.»<sup>۳</sup>

«بدیهی است آنچه در این راه بزرگ‌ترین پشتیبان من بود عنایت و تفضل الهی بود؛ زیرا این انقلابی بود که بر اساس عالی‌ترین موازین عدالت و نوع‌پروری و طبق تعالیم عالی‌بیه اسلامی صورت می‌گرفت و طبعاً در این راه از تأیید الهی برخوردار بود.»<sup>۴</sup>



مهدی غنی

پژوهشگر تاریخ سیاسی

شاه سالی یکی دو بار به زیارت امام رضا در مشهد می‌رفت و عکس‌های آن در مطبوعات منتشر می‌شد. به سفر حج رفت و حاجی شد. در ایام اعیاد مذهبی مانند عید قربان و عید فطر بار عام می‌داد و تعدادی از روحانیون را نیز به حضور می‌پذیرفت. گاه نیز به دیدن آیت‌الله بروجردی در قم می‌رفت و با احترام و ادب با ایشان رفتار می‌کرد

توجهات و الهامات خداوند منان می‌داند. باز هم دقت کنید:

«در سال‌های اخیر احساس کردم که شرایط ملی و بین‌المللی لازم برای انجام انقلاب اساسی و ریشه‌داری که می‌باید اساس جامعه ایرانی را به کلی تغییر دهد و آن را به صورت اجتماعی هماهنگ با پیشرفته‌ترین جوامع امروزی جهان و متکی بر مترقیانه‌ترین اصول عدالت اجتماعی و حقوق فردی در آورد فراهم شده است.»

«ما انقلابی را انجام دادیم که به قول ابراهام لینکلن «بدخواه هیچ کس نبود و در عوض خیرخواه همه کس بود.» هدف آن تنها یک چیز بود و آن این بود که حق را آن‌طور که خواسته خداوند است به مردم بدهیم و در این راه از هیچ قدرتی به جز از خداوند نهراسیم.»

اگر این ادعاها را بپذیریم، باید انقلاب سفید وی را یک انقلاب اسلامی تمام‌عیار بنامیم که حق را آن‌طور که خداوند خواسته به اجرا درآورده است. او مطابق میل خداوند، حقی را که خواسته اوست به مردم ایران عطا می‌کند. قابل توجه اینکه تا آن زمان یعنی سال ۱۳۴۱ که شاه اصول انقلاب سفیدش را اعلام کرد، در ادبیات سیاسی ایران و نیروهای مبارز سخنی از «انقلاب» و لزوم انقلاب مطرح نبود. حتی حزب توده هم که گروهی مدافع مارکسیسم بود بر مطالبات صنفی کارگران تکیه می‌کرد. آنچه مطالبه اصلی مبارزان بود اجرای قانون اساسی و انتخابات آزاد مجلس بود. روحانیون معترض در سال ۴۱ و ۴۲ هم از انقلاب سخن نمی‌گفتند و به شاه توصیه می‌کردند به قانون تن بدهد. این شاه بود که واژه انقلاب و آن هم انقلاب اساسی و ریشه‌دار مبتنی بر تعالیم اسلامی و تغییر اساسی مناسبات جامعه و اجرای منویات و مشیات الهی

اگر به ظاهر جملات و ادعاهای آن توجه کنیم، چه‌بسا حدس بزنیم این جملات از یکی از رهبران انقلاب اسلامی و دقیق‌تر، یکی از رهبران روحانی انقلاب اسلامی ایران است، اما جالب است بدانیم این‌ها بخشی از گفته‌های محمدرضاشاه پهلوی در مقدمه کتاب انقلاب سفید است که در سال ۱۳۴۵ منتشر شد و به صورت یک واحد درسی در تمامی رشته‌های دبیرستان خوانده می‌شد. همان‌طور که می‌بینید ایشان خود را مأمور اجرای مشیات الهی و تحت

را وارد ادبیات سیاسی کرد.

همان‌طور که در نوشته شماره پیشین این نشریه با عنوان «شاه مشروطه را ساقط کرد» نشان داده شد، شاه قانون اساسی مشروطه و مجلس را از سال ۴۰ تا ۴۲ تعطیل کرده بود و به‌جای آن می‌خواست انقلاب کند و حق مردم را آن‌طور که خداوند خواسته! بدهد، درحالی‌که حق این بود که شاه طبق قانون اساسی مشروطه در مسائل اجرایی دخالت نکند و مطابق قانون بگذارد مردم نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند و دولت قانونی بر سر کار بیاورند، اما او که برای قانون ارزشی قائل نشده بود، خود را نظر کرده امام زمان (عج) و حضرت علی (ع) و ابوالفضل معرفی می‌کرد تا به این وسیله نزد توده‌های مذهبی مقبولیت پیدا کند. ادعاهایی که در آخرین کتابش، پاسخ به تاریخ هم تکرار کرد:

«بعد از تاج‌گذاری پدرم، من به بیماری حصبه مبتلا شدم و هر روز حالم بیشتر رو به وخامت می‌رفت، تا آنکه یک‌شب علی (ع) امام اول خودمان را به خواب دیدم. با همان اطلاعات او آن کودکی فوراً متوجه شدم که او کسی جز علی نیست، زیرا در دست راست خود شمشیر ذوالفقار را همان که در تصویرهایش می‌بینیم داشت. او با دست دیگرش جامی حاوی یک نوع مایع به من خورد و فردای آن شب تب من فرونشست و حالم به‌سرعت رو به بهبود نهاد.» «چندی بعد از آن، در اثناء تابستان موقعی که عازم یک محل زیارتی در کوهستان به نام «مامزاده داود» بودم، از فراز اسب به روی تخته‌سنگی افتادم و از حال رفتم. همراهانم تصور کردند که مرده‌ام، اما من حتی خراشی برنداشته بودم؛ و این البته علتی نداشت جز آنکه موقع افتادن از اسب مشاهده کردم یکی از قدیسین ما به نام «عباس» مرا گرفت و بر زمین نهاد.

مشاهده آن رؤیا و این منظره را بعدها مواجهه با صحنه دیگری تکمیل کرد و آن برخورد با امام غایب در نزدیکی کاخ تابستانی شمیران بود. این امام بر اساس اعتقادات مذهبی ما باید یک روز ظاهر شود و دنیا را نجات بخشد.»<sup>۵</sup>

شاه سالی یکی دو بار به زیارت امام رضا در مشهد می‌رفت و عکس‌های آن در مطبوعات منتشر می‌شد. به سفر حج رفت و حاجی شد. در ایام اعیاد مذهبی مانند عید قربان و عید فطر بار عام می‌داد و تعدادی از روحانیون را نیز به حضور می‌پذیرفت. گاه نیز به دیدن آیت‌الله بروجردی در قم می‌رفت و با احترام و ادب با

## تا سال ۱۳۴۱ که شاه اصول انقلاب سفیدش را اعلام کرد، در ادبیات سیاسی ایران و نیروهای مبارز سخنی از «انقلاب» و لزوم انقلاب مطرح نبود

ایشان رفتار می‌کرد.

اما دیکتاتور و مستبد به هیچ قاعده و محدودیتی پایبند نیست و خود را فوق قانون می‌داند، درحالی‌که تظاهر به دین‌داری هم قیدوبندی به دنبال داشت که با طبیعت وی نمی‌خواند، لذا این تظاهر به دین‌داری و اسلام‌خواهی برای او گرفتاری و هزینه‌هایی هم به دنبال داشت. گاهی دم خروس از زیر قبا بیرون می‌زد و برای پوشاندن آن و حفظ ظاهر مجبور می‌شد امتیازات بزرگی به رقیب بدهد.

در آذرماه ۱۳۳۳ شاه همراه ملکه ثریا سفری چندماهه را به اروپا و آمریکا آغاز کردند. بخشی از سفر به مسائل درمانی و مشکل نازایی ثریا اختصاص یافت و بخشی هم به مراکز تفریحی و کلوپ‌ها و تفریحات مختلف مشغول شدند. در این سفر شاه با دردسری پیش‌بینی نشده روبه‌رو شد. زنی از یک خانواده آمریکایی مدعی شد که از شاه ایران حامله شده است. این ماجرا به مطبوعات آمریکا کشیده شد. از سوی دیگر عکسی از ثریا با بدنی نیمه‌عریان در حال اسکی روی آب در مجلات آنجا منتشر شد. این مسئله مشکل بزرگی برای محمدرضا به دنبال داشت. آقای عباس میلانی در کتاب معمای شاه ماجرا را از زبان دنیس رایت، نفر دوم سفارت انگلیس در ایران، نقل کرده که به منزل اسدالله علم دعوت شده بود. علم این مجلات را به وی نشان داده و گفته آیت‌الله بروجردی از این مسئله خبردار شده‌اند و از طریق آقای فلسفی به شاه پیغام داده‌اند که یا باید مراکز بهائیان را در ایران جمع کند و یا این عکس‌ها در اختیار عموم مردم قرار خواهد گرفت.<sup>۶</sup>

در پی این ماجرا بود که همگان با شگفتی دیدند تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران، با عده‌ای سرباز و بیبل و کلنگ به حظیرةالقدس مرکز عبادی بهائیان (مرکز فعلی حوزه هنری) در

خیابان حافظ حمله کرده و به تخریب ساختمان آنجا پرداخته است.

### اصلی‌ترین هدف: حفظ قدرت

قدرت افسونگری است که کمتر کسی می‌تواند از افسون آن مصون بماند. شخصی که در قدرت قرار می‌گیرد، از خود بیگانه می‌شود و شخصیتی کاذب پیدا می‌کند، نسبت به خودش دچار توهم می‌شود، شخصیت واقعی خودش را از یاد می‌برد و دیگری را جای آن می‌نشانند. این دیگری موجودی است که بودن خود را در گرو حفظ قدرت می‌داند و سخت وابسته به آن می‌شود. از همین رو حفظ قدرت برایش حیاتی‌ترین امر جلوه می‌کند.

برای حفظ قدرت هیچ مانع و محدودیتی از جمله قانون، اخلاق و دیانت را نمی‌تواند بپذیرد. وقتی قدرت دارد و بر رقیبان غلبه می‌کند، خود را شکست‌ناپذیر شمرده و آرامش دارد، اما زمانی که توان غلبه بر دیگری را از دست می‌دهد، تعادل روانی ندارد و احساس پوچی و نیستی به او دست می‌دهد. از تعریف و تمجید دیگران ولو واقعیت نداشته باشد، لذت می‌برد، اما از انتقاد و بیان ضعف‌ها هرچند واقعی و درست باشد، رنجیده می‌شود و گوینده را دشمن خود می‌شمرد. به این ترتیب تنها کسانی اطراف او را می‌گیرند و جذبش می‌شوند که چاپلوس و بله قربان‌گو باشند، منتقدان، راست‌گویان و دلسوزان طرد و منزوی و سرکوب می‌شوند. از همین رو اطرافیان و طرفداران شاه هر خطا و جنایتی می‌کردند از مجازات مصون بودند. این رویه موجب گسترش تخلف و فساد در میان آن‌ها می‌شد.

منصور رفیع‌زاده از مریدان مظفر بقایی رئیس شعبه ساواک در آمریکا بود. وی پس از انقلاب بخشی از خاطرات خود را در کتابی با نام شاهد منتشر کرد. وی به دلیل شغلش از بسیاری مسائل پشت‌پرده حکومت پهلوی مطلع بود که در کتاب خاطرات خود به آن‌ها اشاره کرده است. در آنجا می‌خوانید:

«در سال ۱۹۷۶ همسر رئیس امنیت داخلی، که دومین فرد قدرتمند ساواک محسوب می‌شد در حال خرید در فروشگاه جردن تهران بود و طبق معمول چند محافظ ساواک وی را همراهی می‌کردند. او درحالی‌که مشغول تماشای قسمت کفش‌های فروشگاه بود متوجه شد که کیفش گم شده... دستور دادند در ورودی فروشگاه را قفل کنند و اجازه ورود و خروج به کسی ندهند... در همان حال، یک مهندس جوان و عروسش که خرید خود را تمام کرده بودند



نامه‌ای دلسوزانه او را از این کار بازداشت. شاه نه تنها سخن او را نپذیرفت بلکه نامه توهین آمیز و سراسر ناسازی از سوی وزارت دربار برای وی فرستاد و لقب اشرف را نیز از وی پس گرفت. در طول دوران حکومتش هیچ‌گاه نصیحت و انتقاد کسی را نپذیرفت تا به زمان سقوطش رسید.

دو سال قبل از سقوط شاهنشاهی وضعیت اقتصادی نابسامانی ایجاد شده بود. تورم رو به افزایش بود و مردم ناراضی بودند. پرویز ثابتی با مشورت رئیس خود تیمسار نصیری ریاست ساواک، گزارشی از اوضاع اقتصادی و ناراضی‌های مردم تهیه می‌کند و توسط وی به شاه می‌رساند. شاه که اوضاع را طبق معمول بسیار مطلوب می‌دید، وقتی گزارش را برخلاف میل خود می‌بیند، چنان برآشفته می‌شود که به نصیری می‌گوید این مردک باید در دادگاه‌های نظامی به‌عنوان خائن محاکمه شود.

منصور رفیع‌زاده پس از سقوط رژیم پهلوی و رفتن شاه به خارج، در آنجا به دیدار وی می‌رود: شاه پرسید: «خبر تازه‌ای از ایران داری؟ دلم خیلی برای سه تیمسار می‌سوزد، رؤسای ساواک وحشیانه کشته شدند... با اجازه ملوکانه اعلیحضرت، من قبلاً در مورد این موضوع با دکتر بقایی صحبت کرده‌ام، اما به اعتقاد او این تیمسارها نمی‌توانند [آیت‌الله]

**پرویز ثابتی با مشورت تیمسار نصیری، ریاست ساواک، گزارشی از اوضاع اقتصادی و ناراضی‌های مردم تهیه می‌کند و توسط وی به شاه می‌رساند. شاه که اوضاع را طبق معمول بسیار مطلوب می‌دید، وقتی گزارش را برخلاف میل خود می‌بیند، چنان برآشفته می‌شود که به نصیری می‌گوید این مردک باید در دادگاه‌های نظامی به‌عنوان خائن محاکمه شود.**

می‌افتاد، اما حال که افتاده صدایش را در نیاور. به هیچ روزنامه‌ای اجازه درج آن را نده. یک مدتی محافظ مربوطه را در زندان نگاهدار، اما محاکمه‌ای در کار نباشد. محاکمه و مجازات او روحیه سایر نیروهای ساواک را تضعیف می‌نماید.<sup>۴</sup>

#### انتقادناپذیری

شاه در کرسی قدرت تصور می‌کرد از همه بهتر می‌فهمد. هیچ سخن انتقادی و متفاوتی را بر نمی‌تافت. در سال ۱۳۲۸ که می‌خواست با تغییر قانون اساسی حق انحلال مجلسین را از آن خود کند، احمد قوام‌السلطنه که لقب حضرت اشرف را از شاه دریافت کرده بود، طی

به سمت خروجی حرکت کردند، اما در آنجا محافظین ساواک با متوقف نمودن آن‌ها توضیح دادند که چه اتفاقی افتاده است. مهندس جوان به اعتراض گفت: «اما ما که دزد نیستیم. خیلی عجله داریم. اگر به ما ظنین هستید ما را بازرسی کنید و اجازه بدهید برویم...» در این لحظه نگهبان اسلحه خود را بیرون کشید و چندین گلوله به سر و سینه مرد جوان شلیک کرد. جوان درجا کشته شد. همسرش درحالی که جیغ می‌کشید بی‌هوش بر روی زمین افتاد. همسر رئیس امنیت، بدون آنکه نگاهی به پایین بیندازد از کنار زن و مرد بر زمین افتاده گذشت و از فروشگاه چارلز جردن خارج شد. چند هفته بعد که در منزل تیمسار نصیری میهمان بودم، همسر تیمسار این موضوع را پیش کشید: «می‌دانی منصور، خیلی از مردم فکر می‌کنند من در آن روز خرید می‌کردم نه زن رئیس امنیت داخلی.

... هنگامی که بیرون رفتیم رو کردم به تیمسار و گفتم: «خانم شما حق دارد. حتی در نیویورک می‌گفتند زن شما در آن حادثه بوده. چرا کاری نمی‌کنید؟ مطمئناً شما می‌توانید جریان را با توضیحی به خاطر تأخیر درج مطلب در روزنامه‌ها به چاپ برسانید و همسران را تبرئه نمایید.» تیمسار جواب داد: «غیرممکن است... اعلیحضرت به من فرمودند نباید چنین اتفاقی



سخنرانی محمدرضا پهلوی پس از تصویب منشور انقلاب سفید، تهران، ۱۳۴۱

گاهی من هم در این ملاقات‌ها بودم، می‌گفت امریکایی‌ها فلان پرونده و فلان پرونده و فلان اطلاعات را خواسته‌اند. محمدرضا می‌گفت بدهید.»<sup>۱۱</sup>

فرح دیا: «می‌ترسم امریکا همسرم را تحویل مقامات ایرانی بدهد و یا با تشکیل یک دادگاه بین‌المللی موافقت کند... من لحظه‌ای آرام ندارم. به خود می‌گویم اگر امریکا را ترک کنیم و آن‌ها گروگان‌ها را بکشند، خواهند نوشت: اگر نرفته بودند، این اتفاق نمی‌افتاد. اما اگر بمانیم ممکن است دادگاه بین‌المللی تشکیل دهند...»

...این داستان دادگاه بین‌المللی خون را در رگ‌هایم منجمد می‌کند. احساس می‌کنم چون محکومی در دالان مرگ هستم. اگر پادشاه قرار است محاکمه شود، همه این رؤسای دول که در طول سال‌ها از خدمت او به ایران تمجید کرده‌اند، چه خواهند گفت؟

...اقامت ما در لاک‌لاند، به دلیل وضع جسمانی پادشاه و نیز به خاطر تمایل کاخ سفید به خروج هر چه زودتر ما از امریکا، نمی‌توانست دوام پیدا کند، ولی به کجا می‌توانستیم برویم؟ وزارت خارجه امریکا به ما اطلاع داد که حتی دولت آفریقای جنوبی که قبلاً با رفتن ما موافقت کرده بود تغییر عقیده داده است. واقعاً آهانت‌آمیز بود. احساس می‌کردم که ما در نظر همه مردم دنیا از جمله «مطروودین» به شمار می‌آییم، حتی در کشوری مانند آفریقای جنوبی که هنوز از سیاست «آپارتاید» پیروی می‌کرد و من هرگز مایل نبودم به آنجا قدم بگذارم...

... ۲۸ آذر. ده روزی است که حال پادشاه خوب نیست. تصمیم گرفته‌اند طحال او را بردارند. اما کی و کجا؟ من خیلی نگرانم. امید من به ناامیدی مبدل می‌کند.»<sup>۱۲</sup>

### از قدرت تا فلاکت

باورکردنی نیست قدرت و ثروت تا به این حد آدم‌ها را مسخ کند و از هویت انسانی تهی کند. سرانجام اسفناک ملکه مادر به گفته تدوین‌گر خاطراتش بسیار شگفت‌انگیز و عبرت‌آموز است. در پایان کتاب خاطرات وی می‌خوانیم:

«پس از مرگ ملکه مقتدر پهلوی... جنازه او که در بیمارستان مرکزی نیویورک تک و تنها و در نهایت غریبی مرده و در روز مرگ هیچ‌کس بالای سر او نبود، هفته‌ها روی زمین ماند و کسی برای دفن او اقدامی نکرد. پس از مرگ وی هیچ‌یک از بازماندگانش حاضر به پرداخت مخارج بیمارستان و مخارج کفن و دفن او نشدند و جنازه ملکه قدرتمند ایران برای نزدیک به دو ماه در بیمارستان، بلا تکلیف

## امریکایی‌ها که از قدیم در ایران نیروی نظامی داشتند هر وقت احتیاج پیدا می‌کردند از پایگاه‌های ایران و امکانات ایران با صلاحدید خود استفاده می‌کردند و حتی اگر احتیاج داشتند از هواپیماها و یدکی‌های ما استفاده می‌کردند برای پشتیبانی از نیروهای خودشان در ویتنام

دیگری بود به نام «شاپورچی» که با پررویی به محمدرضا می‌گفت من قبل از اینکه تبعه ایران باشم نوکر ملکه انگلستان هستم! ما از امثال این آدم‌ها که جاسوس و نوکر آشکار و یا پنهان انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها بودند دوروبرمان زیاد داشتیم... محمدرضا می‌گفت چه فایده‌ای بر اخراج آن‌ها مترتب است؟ این‌ها را اخراج کنم ده‌ها نفر دیگر را اطرافم قرار می‌دهند. بگذارید این‌ها باشند تا خیال دولت‌های خارجی از حسن انجام امور در ایران راحت باشد... امریکا برای دادن کمک‌های اقتصادی شرط می‌گذاشت که باید فلان شخص بشود رئیس سازمان برنامه و بودجه، اصلاً خدمت شما عرض کنم که این سازمان برنامه و بودجه در ایران وجود نداشت و امریکایی‌ها آن را درست کردند. مثلاً ارتش ایران احتیاج به توپ و تانک داشت می‌گفتند می‌دهیم به شرط آنکه فلان کس بشود رئیس ستاد ارتش...»

ملکه تاج‌الملوک مادر شاه: «یک روز محمدرضا که خیلی ناراحت بود به من گفت: مادر جان! مرده‌شور این سلطنت را ببرد که من شاه و فرمانده کل قوا هستم و بدون اطلاع من هواپیماهای ما را برده‌اند ویتنام. آن موقع جنگ ویتنام بود و امریکایی‌ها که از قدیم در ایران نیروی نظامی داشتند هر وقت احتیاج پیدا می‌کردند از پایگاه‌های ایران و امکانات ایران با صلاحدید خود استفاده می‌کردند و حتی اگر احتیاج داشتند از هواپیماها و یدکی‌های ما استفاده می‌کردند برای پشتیبانی از نیروهای خودشان در ویتنام. حالا بماند که چقدر سوخت مجانی می‌زدند و اصلاً کل بنزین هواپیماها و سوخت کشتی‌هایشان را از ایران می‌بردند... همین آقای ارتشبد نعمت‌الله نصیری که ما به او می‌گفتیم نعمت خرگردن و یک گردن کلفتی مثل خر داشت! می‌آمد خدمت محمدرضا و

خمینی را سرنگون نمایند و حتی اگر یکی از آن‌ها بتواند این کار را بکند قدرت را در اختیار ولیعهد قرار نمی‌دهد، بلکه عنوان شاه را بر روی خودش می‌گذارد. شاه به آرامی گفت: «سی سال دکتر بقایی نظرات خوبی به من ارائه داد و من هرگز به آن‌ها گوش نندادم. مشاوران من از او خوششان نمی‌آمد و او را نزد من بد جلوه می‌دادند. حال برای تعمق در مورد نصایح او خیلی دیر شده.»<sup>۱۳</sup>

### قربانیان قدرت

وقتی حفظ قدرت اصل شد، همه‌چیز مباح می‌شود. گاهی لازم می‌آید نزدیک‌ترین کسان و خدمتگزاران نیز قربانی شوند تا قدرت بماند. شاه در سال پایانی حکومت خود که با اعتراضات وسیع مردمی روبه‌رو شده بود، برای ساکت کردن آن‌ها دست به قمار بزرگی زد. عده‌ای از جان‌نثاران و خدمتگزاران خود را که سالیانی دراز خود را وقف او کرده بودند، به‌عنوان عوامل فساد و جنایت معرفی و بازداشت کرد. از جمله تیمسار نعمت‌الله نصیری که سیزده سال ریاست ساواک او را بر عهده داشت. امیرعباس هویدا نیز که در همین مدت نخست‌وزیری، حرف‌شنو و گوش‌به‌فرمان بود در سال ۵۷ بازداشت شد. فرح دیا، همسر شاه، این واقعه را چنین بیان کرده است:

«این تصمیم در جلسه‌ای با حضور چند تن از وزیران و مقامات ارتشی گرفته شد. همه آن‌ها با توقیف هویدا موافق بودند و پادشاه بالاخره با این اجماع نظر موافقت کرد. اندکی بعد به من گفت آن کسی که در طول جلسه به‌وسيله تلفن با او تماس گرفته، تیمسار مقدم رئیس سازمان امنیت بود که به پادشاه گفته بود: «توقیف هویدا از نان شب هم واجب‌تر است...» امروز، مرگ وحشتناک امیرعباس هویدا توسط جمهوری اسلامی، در نظرم یک فاجعه است، اما در آن زمان هیچ‌کس نمی‌توانست تصور کند که بازداشت هویدا که با هدفی کاملاً سیاسی و در یک محیط متشنج انجام گرفته بود به این ترتیب پایان پذیرد.»<sup>۱۴</sup>

### تسلیم قدرت برتر

کسی که خود را ابرقدرت منطقه و مأمور از جانب خداوند و ناجی ملت ایران می‌دید، وقتی در برابر قدرت‌های بالاتر از خود قرار می‌گرفت، سخت ترسو و مضطرب می‌شد. در برابر منتقدان دلسوز داخلی تمکین نمی‌کرد و آن‌ها را به حساب نمی‌آورد، ولی در برابر قدرت‌های بین‌المللی سر تسلیم فرود می‌آورد. ملکه تاج‌الملوک مادر شاه: «یک پدرسوخته

**منصور رفیع‌زاده ریاست  
ساواک امریکا درباره  
رابطه شاه با برادر و  
دخترش می‌گوید: شاه،  
علیرضا (برادرش) را  
خطری برای قدرت خود  
محسوب می‌کرد و نهایتاً  
همان معامله‌ای را با او  
کرد که با افراد دیگری  
که بر سر راهش قرار  
می‌گرفتند، می‌کرد:  
علیرضا را به قتل رساند**

خاطرات فریده دیبا را بخوانند و هم حرف‌های مرا بشنوند و ببینند کدام‌یک از ماها درست و راست می‌گوییم.

...وقتی یک شاگرد خیاط بی‌سواد به خودش اجازه بدهد کتاب خاطرات بنویسد و هر چه دلش می‌خواهد به خانواده ما (پهلوی) ببندد (!) من هم حق دارم حقایق را بگویم. امیدوارم نوه‌های عزیزم از این صراحت لهجه من ناراحت نشوند و بدانند که من همیشه به خاطر آن‌ها خون جگر خورده‌ام و در برابر اعمال زشت خانواده دیبا و علی‌الخصوص مادرشان (فرح) سکوت کرده‌ام.<sup>۱۴</sup> منصور رفیع‌زاده، ریاست ساواک امریکا، درباره رابطه شاه با برادر و دخترش می‌گوید: «شاه، علیرضا (برادرش) را خطری برای قدرت خود محسوب می‌کرد و نهایتاً همان معامله‌ای را با او کرد که با افراد دیگری که بر سر راهش قرار می‌گرفتند، می‌کرد: علیرضا را به قتل رساند...»

«...شایع بود که رابطه شاه با دخترش تیره است و این مکالمه، که من بعداً آن را شنیدم، این شایعه را بسیار تقویت می‌کرد. در این مکالمه، شاه مؤدبانه می‌پرسد: حالت چطور؟ سرم‌خوردگیت بهتره؟»

شهنواز جواب می‌دهد: چرا به من تلفن می‌کنی، مرده که حرامزاده؟ تنهاییم بگذار. تو یک قاتل... از من چه می‌خواهی؟

شاه: مثل اینکه الآن حالت خوب نیست، بعداً به تو زنگ می‌زنم.

شهنواز: دیگر به من تلفن نکن. به اندازه کافی برایم دردسر درست نکرده‌ای؟ بیشتر از این چه می‌خواهی؟ من در این کشور آزاد نیستم. هر کاری می‌خواهم بکنم نمی‌توانم، انگار که در زندانم! دست از سرم بردار. برو با همان... و منحرفین جنسی خوش بگذران.

مأموران اداره شنود از زبان و نحوه حرف زدن شهنواز با پدرش بهت‌زده شده بودند و طبیعتاً

باقی ماند! ما که برای مدت چند ماه جهت ضبط نوارهای مصاحبه در اطراف او بودیم از این برخورد غیرانسانی با ملکه تاج‌الملوک شگفت‌زده شدیم، به‌ویژه آنکه متوجه شدیم حتی رضا پهلوی نوه ارشد بانو تاج‌الملوک که وارث ثروت عظیم چندین میلیارد دلاری پدرش می‌باشد از پرداخت چند هزار دلار جهت انجام مراسم خاک‌سپاری مادر بزرگش امتناع کرده است... سرانجام فرح پهلوی مبلغ ۵ هزار دلار از پاریس برای غلامرضا فرستاد و از او خواست تا این ۵ هزار دلار را صرف مراسم دفن تاج‌الملوک کند. اما متأسفانه غلامرضا پهلوی که آلوده به مواد مخدر است و از نظر خست و پول‌پرستی شهره خاص و عام می‌باشد پول اهدایی فرح را به جیب زد و صرف اعتیاد خود نمود!

سرانجام جنازه همسر قدرتمند رضاشاه و مادر محمدرضا شاه پهلوی با کمک شهرداری نیویورک و در ضمن خاک‌سپاری افراد معتاد ولگرد و بی‌خانمان و جنازه‌های فاقد هویتی که هر روز و شب در گوشه و کنار بندر نیویورک کشف می‌گردند، بدون هیچ‌گونه مراسمی در گور دسته‌جمعی و بی‌نام‌ونشان مخصوص این افراد به خاک سپرده شد.<sup>۱۵</sup>

**مناسبات خانوادگی دیکتاتور**

روابط غیرانسانی دیکتاتور با ملت به مناسبات درونی خودش نیز سرایت می‌کند. تضادهای حسادت‌ها و کشمکش‌های گاه خشونت‌آمیز در درون دربار پس از سرنگونی آشکار شد. از جمله کشمکش‌هایی که خواهر و مادر شاه با همسران او داشتند. فوزیه از ترس همین خانواده به مصر فرار کرد و دیگر حاضر نشد به ایران برگردد. ثریا نیز دچار همین بلیه بود. سرانجام فرح که ملکه و مادر ولیعهد شمرده می‌شد نیز در همین مناسبات زندگی کرد. مادر شاه که سواد و فهم زیادی نداشت، بدون ملاحظات سیاسی پرده‌داری کرده و در خاطراتش بسیاری از واقعیات را نشان داده است. سخنان او درباره فرح دیبا و مادرش نخوت و غرور و در عین حال تنگ‌نظری این خاندان را تا حدی نشان می‌دهد:

«مادر بی‌سوادش (مادر فرح) هم برداشته یک جلد کتاب خاطرات نوشته و هر چه از دهانش درآمد به خانواده ما گفته است. من شنیدم که این کتاب را رضاقطبی برایش نوشته و منظورش این بوده که فرح و خانواده دیبا را وجیه‌الملله و محبوب‌القلوب کند و برعکس ما را نزد مردم خوار و بدنام سازد. حالا که این‌طور است من با شهامت از شما می‌خواهم خاطرات مرا چاپ کند و در اختیار همه بگذارید تا مردم هم

نمی‌دانستند چگونه محتوای نوار مذکور را به تیمسار نصیری گزارش بدهند.»<sup>۱۵</sup>

مأموران اداره شنود نگران بودند که انعکاس این گزارش به ریاست ساواک چه بازتابی خواهد داشت، غافل از اینکه روزگاری این گزارش‌ها برای عموم مردم منعکس خواهد شد. شیفتگان قدرت چنان در مناسبات درهم تنیده خود محبوس می‌شوند که واقعیت‌های پیش‌روی خودشان را نمی‌بینند، اما آنچه در بهمن ۵۷ اتفاق افتاد، سرنوشت محتومی بود که بارها در تاریخ بشر برای مستبدان تکرار شده بود، درحالی‌که هر کدام گمان می‌کردند، آن‌ها استثنا هستند و با ابزار قدرت می‌توانند ماندگار شوند. درحالی‌که به قول قرآن «مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمُوتُ فِي الْأَرْضِ»؛ آنچه به سود همگان است، پایدار خواهند ماند.

**پی‌نوشت**

۱. پهلوی محمدرضا، انقلاب سفید، کتابخانه سلطنتی، ۱۳۴۵، ص ۱۱.
۲. همان، ص ۲۰.
۳. همان، ص ۲۱.
۴. همان، ص ۳.
۵. پهلوی محمدرضا، پاسخ به تاریخ، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، ناشر مترجم، ۱۳۷۱، ص ۸۲-۸۳.
۶. میلانی عباس، نگاهی به شاه، نشر پرشین تورنتو، ۱۳۹۲، ص ۲۴۹.
۷. خاطرات منصور رفیع‌زاده، ترجمه اصغر گرشاسبی، انتشارات اهل قلم، ۱۳۷۶، ص ۲۸۵-۲۸۲.
۸. نهایندی هوشنگ، ایوب‌ماتی، محمدرضا پهلوی آخرین شاهنشاه، شرکت کتاب لس‌آنجلس، ۱۳۹۲، ص ۶۱۵.
۹. خاطرات منصور رفیع‌زاده، ترجمه اصغر گرشاسبی، انتشارات اهل قلم، ۱۳۷۶، ص ۳۹۹ و ۴۰۰.
۱۰. کهن دیبار؛ خاطرات فرح دیبا، نشر فرزاد، ص ۲۸۰.
۱۱. ملکه پهلوی، خاطرات تاج‌الملوک (مادر شاه)، نشر به‌آفرین، ۱۳۸۰، ص ۳۸۳-۳۸۷.
۱۲. کهن دیبار، خاطرات فرح دیبا، نشر فرزاد، ص ۳۳۳-۳۴۲.
۱۳. ملکه پهلوی، خاطرات تاج‌الملوک (مادر شاه)، نشر به‌آفرین، ۱۳۸۰، ص ۴۸۴.
۱۴. همان، ص ۴۷۸-۴۷۹.
۱۵. خاطرات منصور رفیع‌زاده، ترجمه اصغر گرشاسبی، انتشارات اهل قلم، ۱۳۷۶، ص ۱۸۰-۱۸۱.



## طرح خودگردانی داریوش فروهر ادامه اعتراض حقوقی ما در جدایی بحرین بود

### گفت‌وگو با خسرو سیف

فرید دهدزی: در شماره پیشین پرونده‌ای درباره جدایی بحرین از ایران منتشر شد. در ادامه گفت‌وگوی زیر با خسرو سیف، دبیرکل حزب ملت ایران، تقدیم خوانندگان می‌شود. گفت‌وگوی حاضر بیشتر شامل يك محور مهم یعنی ماجرای جدایی بحرین و اعتراض حزب ملت ایران به آن جریان است. سعی شد پیامدهای خشونت‌بار و زبان‌بار تجزیه بررسی شود.

ایران، تنها حزبی بود که در فروردین سال ۴۹ اعلامیه داد و در ۱۳ فروردین فروهر و منوچهر احمدی و چند تن دیگر را بازداشت کردند.

حزب ملت ایران نسبت به این عملی که انجام و اعلام شد، اظهارنظر و مخالفت کرد و گفت از نظر ملت ایران قابل قبول نیست، چون با اسنادی که در سازمان ملل وجود دارد در تعلق داشتن بحرین به ایران جای تردیدی نبود کما اینکه بعد از این داستان‌ها، استان چهاردهم ایران بود و مسائل فرهنگی‌اش نیز اینجا حل و فصل می‌شد. از اینجا افرادی مأمور می‌شدند که بروند و رئیس فرهنگ بشوند. مدارسی که باید تأسیس بشود زیر نظر این افراد بود و دیگر امور.

در این مخالفت، آمدند و فروهر را به‌اتفاق چند تن دیگر بازداشت کردند و به زندان بردند و هم پس از کوتاه‌مدتی اعلامیه دیگری در تأیید اعلامیه قبلی داده شد و در این زمینه دوستان ما در خارج و سایر دفاتر شروع به فعالیت کردند و مخالفت ما را طی اعلامیه‌های مختلف، منعکس کردند. در سوی دیگر، گروه دیگری بود به نام حزب پان‌ایرانیست که انشعابی از حزب ملت ایران بود که پنج نفر از اعضای آن‌ها در مجلس بودند. محسن پزشکی‌پور، نماینده مجلس و عضو فراکسیون پان‌ایرانیست، دولت هویدا را استیضاح کرد. در آن موقع وکلایی که آنجا بودند و جزو این پنج نفر نبودند. حواسشان جمع‌تر بود و به دوستان پزشکی‌پور گفتند به او بگویید استیضاح نکند و سؤال کند، چون قضیه استیضاح با یک قیام و قعود تمام می‌شود اما مسئله با پرسیدن سؤال باقی می‌ماند. پزشکی‌پور نپذیرفت، آن زمان ما علت این نپذیرفتن را متوجه نشدیم، چراکه این استیضاح دستوری بود!

درباره بحرین در سال ۱۳۴۹ نمایشنامه‌ای اجرا شد که شاهنشاه گفت تصمیم گرفتیم سرنوشت بحرین را به نظر خود مردم آنجا رقم بزنیم. رفراندومی که خودشان بخواهند و ما اجبارشان نمی‌کنیم و این معلوم بود که از پیش تعیین شده است و چیزی نبود که خود شاه به فکرش برسد.

داریوش همایون در نامه‌ای از هویدا می‌خواهد تکلیف بحرین مشخص شود تا مشکلی برای ایران نباشد. در صورتی که بحرین و جزایر سه‌گانه زیر نظر ایران بود، ناگهان گفتند قرار است در بحرین زیر نظر سازمان ملل، رفراندوم انجام شود. یک نفر را مأمور کردند و جالب اینکه فکر می‌کنم قبل انجام این رفراندوم صوری، یک مقام از انگلستان گفته بود کشور بحرین جدا شده است! و در سفری در هندوستان، رضایت شاهنشاه را هم گرفته بودند؛ و ما به‌عنوان حزبی که در خصوص استقلال و تمامیت ارضی ایران حساسیت داشته و داریم، نمی‌توانستیم ساکت بنشینیم، حزب ملت

در زمانی که فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی در جو خفقان و تک‌صدایی دهه ۴۰ در رژیم پهلوی ممکن نبود، حزب ملت ایران پس از سال‌ها که امکان فعالیت چندانی نداشت و جبهه ملی دوم و سوم ایران نیز از سال ۱۳۴۴ رسماً نتوانست فعالیت کند، چه شد که حزب ملت ایران در بزنگاه جدایی بحرین از ایران، به این جمع‌بندی رسید که موضع‌گیری محکمی در مورد اتخاذ کند؟

حزب ملت ایران آن موقع به جمع‌بندی نرسیده بود. در اساسنامه و مرامنامه حزب ملت ایران، چیزی که در رأس قرار می‌گیرد، استقلال و یکپارچگی ایران است و چیزی که همیشه زنگ خطر را درباره استقلال به صدا درمی‌آورد، نبود آزادی و وجود استبداد است که در آن جامعه و در آن موقع حاکم بود. وجود استبداد و نبود آزادی موجب فراگیری فساد و رانت‌خواری در جامعه می‌شود.





ایرانی هستند و تعداد محدودی اهل تسنن حکومت می‌کنند و نظریات اربابان بزرگ را در آنجا اعمال می‌کنند.

این دخالت در بحرین، ممکن است روشش غلط باشد، اما سکوت را در مقابل آنجا نمی‌پذیریم. اکثریت مردم بحرین، اهالی اصفهان و شیراز و سرمایه‌دارانش به‌ویژه شیرازی هستند که البته برخی در همان ابتدا برگشتند. از ابتدا هم این مسئله مطرح بوده، کما اینکه ما پان‌ایرانیست‌ها می‌گفتیم سرزمین‌های جداشده از ایران باید به ایران برگردند که این امر یک مسئله احساسی و ایده‌آلی است. الان به این رسیده‌ایم که نمی‌خواهیم کشورگشایی کنیم، می‌توانیم به شکل دیگری زیر یک چتر قرار بگیریم که به هر حال جای بحثش اینجا نیست.

■ تأکید شما بر حاکمیت ملی، استقلال و آزادی، در حوزه تمامیت ارضی نیز مصداق دارد که اگر این ارکان نباشند، استبداد می‌شود. در استبداد هم امکان تجزیه هست. درست است. شما الان شرایط فعلی مملکت را در نظر بگیرید. عده‌ای از ایرانی‌های بی‌خیال در خارج، چشم امید به خارج بسته‌اند - که در رأسش هم امریکاست - که یعنی به ایران حمله کنند. ولی استقلال برای ما ایرانی‌ها منحصر به حزب ملت ایران نیست. در مواقع مختلف ایرانی‌ها نشان داده‌اند که اگر قرار بر چنین تعرضی باشد، صرف‌نظر از اختلاف‌ها و اینکه با حکومت فعلی مشکلاتی وجود دارد، همه در کنار هم قرار می‌گیرند و فاصله‌ای بین مخالفان با حکومت کم می‌شود و همه یکپارچه به دفاع از مملکت خواهند پرداخت. در ایران، اگر اختلافی بخواهد حل شود باید خودمان آن را حل کنیم. ایرانی هرگز اجازه نمی‌دهد و این انتظار را ندارد که خارجی‌ها دخالت کنند و برای ما تعیین تکلیف کنند. دموکراسی و حقوق بشر به‌صورت ابزاری در دست دولت‌های بزرگ است و در مملکت خودشان هم اجرا نمی‌شود. اگر حمله‌ای شود، فکر می‌کنید حقوق بشر و دموکراسی در اینجا حکم‌فرما می‌شود؟ خیر، صد درصد استبداد خواهد آمد و بسیار بدتر و طولانی‌تر از امروز خواهد بود.

درباره بحرین در سال ۱۳۴۹  
نمایشنامه‌ای  
اجرا شد شاهنشاه  
گفت تصمیم گرفتیم که  
سرنوشت بحرین را به نظر  
خود مردم آنجا رقم بزنیم.  
رفراندومی که خودشان  
بخواهند و ما اجبارشان  
نمی‌کنیم و این معلوم بود  
که از پیش تعیین شده  
است و چیزی نبود که خود  
شاه به فکرش برسد

که در مصاحبه‌ها گفته که اسم حزب با نظر شاه تعیین شد. بخشی از افرادی که با پزشک‌پور همکاری می‌کردند به حزب ایرانیان رفتند و مدتی در آن حزب فعالیت می‌کردند. صدر با شاه ارتباط داشت و مأموریت پیدا کرد به کشورهای اروپایی سفر کند تا عده‌ای را جمع کند، اما حزب دوام چندانی نداشت و از بین رفت. آن‌ها مجوز داشتند که از اعلیحضرت نام ببرند، تعریف کنند و در قبالش، آنچه حکومت می‌خواهد یعنی از هر پایگاه و هر جناحی نیروهای ملی را بگویند.

بعد از شهادت فروهر، مطالبی علیه ما نوشتند و من نامه‌ای به حزب پان‌ایرانیست نوشتم که در شرایطی هستیم که باید همه ایرانیان با هم باشیم. اگر قرار است چنین بگویید، ما هم مطالب زیادی داریم. جعفری که در زندان با من بود، گفت پزشک‌پور نامه شما را پیش یکی آورد که این حرف درست است. وقتی بگوییم باید بشنویم. پزشک‌پور که در فرانسه بود و آنجا هم به او کمک می‌کردند، به ایران آمد. فروهر به من گفت که او آمده و من می‌خواهم به او بگویم نباید می‌آمدی، پس برو به ولایت؛ چون الان هرچه می‌گویند و از تو می‌خواهند باید اطاعت کنی و او گفت که نه من چیزی ندارم. خب پس از مدتی دفتر ... هم پیدا کردند.

■ در حال حاضر نظر شما درباره حاکمیت بحرین چیست؟

هنوز هم معتقدیم بحرین گوشه‌ای از سرزمین ماست. من با نظام کنونی کاری ندارم، دخالتش در منطقه کار درستی نیست، اما درباره بحرین اکثریت مردم بحرین شیعه

من در آن زمان که قرار بود این اعلامیه منتشر شود، برای یک مأموریت اداری در اهواز بودم. آقای فروهر به‌وسیله مهندس هوشنگ کردستانی مرا به تهران فراخواند. چون کلاس داشتم و در حال تدریس بودم، گفتم نمی‌توانم بیایم و هر تصمیمی بگیرند قابل قبول است. ولی حزب پان‌ایرانیست با پایگاه‌هایی که در جنوب کشور هم داشت، فعالیت‌هایی انجام داد. در مجلس نیز که قضیه را این افراد به استیضاح کشاندند. به هر حال رأی‌گیری شد و از بین این پنج نفر پان‌ایرانیست، چهار نفر مخالفت کردند و فقط دکتر صدر رأی داد.

در جلسه بعدی مجلس، من دیدم که عاملی تهرانی رفته و به‌نوعی حرف‌های پزشک‌پور را پس می‌گیرد. بعدها آقای «ناصر انقطاع» که کتاب پنجاه سال با پان‌ایرانیست‌ها را نوشت، در آنجا در خصوص این استیضاح سخنانی به این مضمون گفته: ایرج پزشک‌زاد، کارمند وزارت امور خارجه، در آن زمان در بخش بولتن کار می‌کرده و این را گفته که کاری داشتیم که بسیار عجله‌ای بود و گفته بودند باید روزهای تعطیل هم کار کنید. کاری پیش آمد که باید از مسئولان می‌پرسیدم. وقتی به جلوی در رسیدم و در زدم از لای در دیدم که پزشک‌پور آنجا نشسته است و پس از آن بود که متن استیضاح خوانده شد. این طور که شنیدم، پزشک‌زاد گفته این متن قبل از مطرح شدن در مجلس به دست ما رسید تا در نشریه وزارت امور خارجه آن را چاپ کنیم!

با «مصطفی الموتی» (نماینده مجلس) مصاحبه شد که آیا این استیضاح و نطق با نظر حاکمیت بود؟ و او گفت این چه سؤالی است که می‌پرسید، اگر چنین نبود مگر پزشک‌پور جرئت مطرح کردن چنین چیزی را داشت. داستان بسیار روشن است. پس از فروهر، علی‌اصغر بهنام را گرفتند و سپس آن چهار تن (رسولی، جمشیدی، نمازی و مخبر) را که زیر اعلامیه دوم اسم گذاشته بودند به زندان محکوم کردند. الان هم در نشریات حزب پان‌ایرانیست‌ها نیز می‌گویند تنها ما در مورد بحرین مخالفت کردیم، درحالی‌که حزب ملت ایران بود که زندانی داد و آن‌ها فقط یک دوره از انتخابات محروم شدند. دکتر صدر حزبی ساخت به نام «ایرانیان»

حاکمیت‌مان را بر جزایر سه‌گانه داشته باشیم. به نظر نمی‌آید این جدایی، وضعیت و امنیت جزایر سه‌گانه را تحت شعاع قرار داده است؟

موقعیت همان جزایر سه‌گانه هم با وجود این حرکت، در تهدید است و هنوز هم ادامه دارد. الآن بستگی به شرایط ما دارد که چگونه عمل کنیم و آن‌ها حداکثر بهره‌برداری را انجام می‌دهند. دو جزیره که از نظر سوق الجیشی و نظامی مطرح است و فقط ابوموسی جمعیت دارد. دو جزیره دیگر خالی از سکنه است.

■ از دید حزب ملت ایران و داریوش و پروانه فروهر و دیگر هم‌زمان، ناامنی و تبعیض در شهرهای مرزی، زمینه تجزیه و جدایی را ایجاد نمی‌کند؟

بحث خوبی را مطرح کردید. من به این روستاهای مرزی رفته‌ام. ما که در شهر هستیم مسئولان به بسیاری از مسائل و مشکلاتمان توجه نمی‌کنند، حالا مشکلات را در استان‌های مرزی در نظر بگیرید. اصلاً به آن‌ها توجه نمی‌شود. در مرزها هم معمولاً از دو سوی مرز با هم ارتباط فرهنگی، اقتصادی و حتی روابط خانوادگی (مانند ازدواج) با یکدیگر دارند. با توجه به این شرایط و از سویی تهدیدهای که در مرزها وجود دارد، این بی‌توجهی در آنجا حاکم است. در همه استان‌های مرزی، همان‌طور که در آن زمان توجهی نبود، الآن هم نیست. در دو سوی مرز، مردم با هم مراوده دارند، فامیل دارند، اما در اثر این بی‌توجهی، یک ناراضی‌پتی در این استان‌ها پدید می‌آید. مثلاً در بلوچستان این وضعیت را به بدترین شکل داریم. در خوزستان، کردستان و در همه روستاهای مرزی در اثر بی‌توجهی به مردم و به لحاظ کمبودها، همه ناراحت‌اند. این ناراحتی بستر آمادگی است برای کسانی که سوءنظر دارند و به‌وسیله دولت‌های بزرگ تغذیه می‌شوند و همان‌ها هستند که ندای جدایی‌طلبی را سر می‌دهند، و گرنه در شرایط مختلفی که ایران همواره مورد تهاجم قرار گرفته، کسانی که جلوتر از همه برای مقابله به پا خاستند همان مرزنشینان هستند.

بهترین کاری که می‌توان کرد، این است که به نام یک اتحادیه، سرزمین‌هایی که از ایران جدا شده و هم‌زبان با ایران هست زیر یک چتر قرار بگیرد که می‌تواند در این اتحادیه، به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و صور مختلف با توجه به زبان و فرهنگ مشترک، هنر مشترک و... قرار بگیرد

و فرهنگ مشترک، هنر مشترک و... قرار بگیرند. ما قصد نداریم کشورگشایی کنیم، اما می‌توانیم اتحادیه فرهنگی داشته باشیم مثل اتحادیه اروپا که متأسفانه توجهی به این امر نمی‌شود. این امر تنها طرز فکر ما نیست، به‌خصوص در تاجیکستان، اتحادیه عمومی تشکیل دادند، به مهمانی آمدند، روزنامه‌ای که می‌آمد و بحث می‌کردند نوشته بود: ایران کنونی، بخشی از ایران است. ما هم ایرانی‌یم. تمام خیابان‌های تاجیکستان به نام شعرای ایرانی است.

■ تجزیه بخشی از خشونت حاکمیت‌های مستبد است. خشونتی است که در جامعه و کشور و حتی سطح منطقه را در برمی‌گیرد. آیا بر این باور هستید که جداسازی کشورها خود نوعی خشونت محسوب می‌شود؟

بله، مردمی که در آن سرزمینی قرار گرفته‌اند معمولاً ناراضی‌اند و عکس‌العمل نشان می‌دهند و این عکس‌العمل با برخوردهای شدیدتر حاکمان روبه‌رو می‌شود و خشونت در آنجا اوج می‌گیرد. خشونت باعث می‌شود که کشورهای دیگر هم که طرفدار آن حاکم هستند، به‌ویژه در مورد بحرین، با آن‌ها همکاری کنند که اینک الآن با بحرین همکاری می‌کنند. الآن تنها حاکمان بحرین نیستند که با مخالفانشان برخورد می‌کنند؛ بلکه این‌ها از حمایت دولت‌های هم‌جوار هم برخوردارند.

■ اسدالله علم در خاطراتش گفته ما بحرین را می‌بخشیم تا بتوانیم

■ اگر خاطرتان باشد در ملی شدن صنعت نفت، دکتر مصدق به اسنادی استناد کرد که نمایندگان مجلس در آن دوره اجیر شده دولت انگلستان بودند و بر اساس آن اعلام کردند که این اتفاق غیرقانونی محسوب می‌شود.

درباره بحرین و مالکیت ایران اسناد بسیار معتبری است. البته یک خبر خوب شنیدم که اسم خلیج فارس را رسماً در یونسکو ثبت کردند. در سرزمین‌های شمالی و فروپاشی شوروی و آن اشتیاقی که به ایران وجود آمد، اگر یک حکومت ملی داشتیم می‌توانستیم حداکثر بهره‌برداری را داشته باشیم؛ اما متأسفانه...

■ پس به نظر شما حاکمیت ملی باعث می‌شود ما بتوانیم از حقوق ملت هم دفاع کنیم؟

جز این نمی‌تواند باشد. چون ما ملت را یکپارچه می‌دانیم. در مقوله ملت در مسئله حاکمیت، زبان فارسی و یکپارچگی ایران، این‌ها چیزی است که مدنظر است و نمی‌توانیم بگوییم این‌ها جدای از هم هستند.

■ نظر شما درباره سرزمین‌هایی که طی دوران قاجار تا پهلوی از ایران جدا شده‌اند، چیست؟ آیا این‌ها قابل بازپس‌گیری هستند؟ آیا حزب ملت ایران چنین آرمانی داشته یا دارد؟

صد درصد. در سال ۱۳۳۰ آن روزی که ما به حزب رفتیم، شعارها این بود: «هفده شهر قفقاز باید برگردد، سرزمین‌های ایرانی باید برگردد.» ولی به هر حال باید توجه داشته باشیم که در این قضیه، زمان هم بسیار مؤثر است. الآن سال‌هاست در آنجا حکومت‌هایی حاکم هستند. نه اعتقاد داریم که می‌توانیم آن‌ها را به‌زور بگیریم، نه از نظر ارتش آن آمادگی را داریم که بخواهیم مقابله کنیم. اصولاً زمان مقابله نظامی گذشته است. من قبلاً هم گفته‌ام، الآن فکر می‌کنم بهترین کاری که می‌توان کرد، این است که به نام یک اتحادیه، سرزمین‌هایی که از ایران جدا شده‌اند و هم‌زبان با ایران هستند زیر یک چتر، به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و صور مختلف با توجه به زبان

بله با این موافقم. بنابراین وقتی «خودگردانی» می‌شود، در مسائل اجتماعی و داخلی ملت و سیاست اقوام اختیاراتی دارند. شرایط در اثر بی‌توجهی حکومت‌های مرکزی به استان‌های مرزی، یک بستر آماده برای ناراضی‌ت‌ی ایجاد می‌کند و کسانی که سوءنظر دارند و نامشان را می‌توان «تجزیه‌طلب» نهاد، حداکثر بهره‌برداری را دارند. به‌خصوص دولت‌های بزرگ استعماری که متأسفانه الآن نسبت به ایران نظر خوبی ندارند و در صورتی که ادامه به این شکل پیدا کند و اگر خدای نکرده ایران در این زمان‌ها مورد تهاجم قرار گیرد، متأسفانه مسئله «تجزیه» تنها مسئله خطرناک برای ایران است.

■ اندیشه ملت‌گرایی را پیش‌تر چه افراد یا احزابی مطرح کرده‌اند؟

ملت‌گرایی یعنی  
مشارکت تمام  
آحاد مردم در تمام  
تصمیم‌گیری‌ها و  
توجه به نیازهای  
بومی، فرهنگی و  
اقتصادی و... ملت؛  
و البته همه گروه‌ها  
این را قبول دارند  
اما هیچ‌وقت بیان  
نمی‌کنند. ملت‌گراها  
همیشه بوده‌اند

و قدمت، «زبان فارسی» است. در کنار زبان اصلی، زبان‌های محلی هم می‌توانند باشد.

■ اگر لهجه‌ها و زبان‌های محلی از بین برود، نوعی تجزیه صورت گرفته است!

اگر خدای نکرده ایران مورد تهاجم قرار بگیرد، چون برنامه تجزیه ایران را دارند، همه زمینه‌ها آماده است. ایران قدرت منطقه است از نظر جمعیت، سوق‌الجیشی و دیگر شاخص‌ها مورد اهمیت و توجه است ولی تا به حال که وحدت ما حفظ شده، حامی خیلی بزرگ و قدرتمند داشتیم، به نام آمریکا که او هم به دلیل مرز مشترک ایران و شوروی سابق برای حفظ منافع خودش ما را به لحاظ استقلال حمایت می‌کرد. ولی الآن آن شوروی فروریخته و این‌ها یعنی همان دولت‌ها مثل آمریکا، ممکن است برای تجزیه پیش‌قدم شوند، مثل انگلیسی‌ها.

جای تأسف است که می‌بینیم مثلاً نامه نوشتند به ترامپ و تشکر کرده بودند! چون آن‌ها نه عرق ملی دارند، نه حاکمیت و ملیت را می‌شناسند. یک‌بار در یک مصاحبه تلویزیونی، خانمی می‌گفت یعنی چه که «چو ایران نباشد تن من مباد»؟ ما هر جا زندگی کنیم همان‌جا مملکت ماست. وقتی طرز فکر این است نتیجه همین می‌شود، به‌ویژه وقتی چنین مسائلی را حکومت پدید آورده است.

■ داریوش و پروانه فروهر همواره پیشنهادهایی داشتند؛ به‌عنوان نمونه در ماجرای‌های که پس از انقلاب در کردستان پیش آمد و خود داریوش فروهر تصدی و مسئولیتی در آنجا داشت. پیشنهادی به غیر از خودگردانی، در رابطه با آموزش زبان مادری. خود این‌ها باعث می‌شود که کمی زمینه‌های جدایی‌طلبی از بین برود. در این زمینه نظر شما چیست؟

ما از اول با «فدرالیسم» مخالف بودیم و کشور ما همواره یکپارچه بوده. فدرالیسم مربوط به سرزمین‌های تکه‌تکه است که با هم جمع شده‌اند، ولی معتقدیم قدرت باید از سوی قدرت مرکزی در استان‌ها تقسیم شود تا بتوانند خود را اداره کنند و این می‌شود «خودگردانی». چون کمبودها بیشتر در اثر یک نقطه‌ای بودن قدرت است. وقتی که این‌گونه شود، زبان مادری را می‌توانند داشته باشند، ولی زبان اصل و مشترک بین همه ایرانیان، با توجه به تاریخ



خاطرم هست در اولین راهپیمایی حتی یک شعار علیه شاه داده نمی‌شد؛ یعنی در ابتدا شعار واژگونی رژیم مطرح نبود. ما به انقلاب فکر هم نمی‌کردیم، این انقلاب به ایران تحمیل شد.

■ نخستین کسی که انقلاب کرد شاه بود، در واقع رهبر سلبی انقلاب ایران شاه است!

بله! اولین کسی که نام انقلاب را آورد شاه بود. گفت من صدای انقلاب را شنیدم. در جبهه ملی در شورا، تغییر نظام مدنظرمان نبود. من در فرودگاه بودم که امام خمینی آمدند. او گفت ما اصلاً فکر نمی‌کردیم که به این آسانی بتوانیم موفق بشویم. چنین به نظر می‌رسید که آقای خمینی هم آن زمان دنبال تغییر رژیم به آن معنا نبودند! کما اینکه در سخنرانی‌هایشان می‌گفت جوان نصیحتت می‌کنم.

■ در انقلاب ایران فقط رژیم پهلوی نبود که ساقط شد. بلکه کل نظام سلطنت ساقط شد. شما در آن زمان به این نظریه نرسیدید که خود نظام سلطنت است که استبداد ایجاد می‌کند و هیچ‌گاه نمی‌تواند مشروطه باشد، بلکه اراده دست یک نفر است؟

با حزب ملت ایران کاری ندارم، عقیده شخصی‌ام را می‌گویم. معتقدم در شرایط کنونی، با وضعیت جغرافیایی که ایران دارد و از نظر سوق‌الجیشی مورد توجه خیلی کشورهاست، به یک قدرت مرکزی نیاز دارد. نامش جمهوری یا هر چیز دیگر باشد، اما بدون مسئولیت؛ یعنی بدون کار اجرایی اداره مملکت در دست دولت منتخب مردم باشد و به ملت نیز پاسخگو باشد. آن قدرت مرکزی او به‌عنوان یک سمبل برای وحدت ایران لازم است.

■ شما به جمهوری، همان نظریه ملت‌گرایی و مشارکت کل احاد ملت اعتقاد داشتید؟!

اینکه من می‌گویم هم خارج از احاد ملت نیست. کسی که کار اجرایی می‌کند نمی‌تواند سمبل باشد. من این احساس را دارم. مهم‌تر از همه ما به کار فرهنگی نیاز داریم؛ اما نمی‌شود!

**در شرایط کنونی، با وضعیت جغرافیایی که ایران دارد و از نظر سوق‌الجیشی مورد توجه خیلی کشورهاست، به یک قدرت مرکزی نیاز دارد. نامش جمهوری باشد یا هر چیز دیگر، اما بدون مسئولیت؛ یعنی بدون کار اجرایی. اداره مملکت در دست دولت منتخب مردم باشد و پاسخگو به ملت**

کردند. فروهر حدود دو ساعت صحبت کرد. آن روز به ما خبر رسید که مصطفی خمینی درگذشت. برنامه جشن تولد امام رضا به عزا تبدیل شد. یک نفر روحانی برای افتتاح برنامه آمد. نامش خاطرم نیست. به روحانی گفتیم که درگذشت مصطفی خمینی را اعلام کند. قدری فرد روحانی ترسیده بود و فقط گفت باخبر شدیم فرزند روحانی بزرگ درگذشته و تسلیت می‌گوییم.

نوبت فروهر که شد، گفت به ما خبر رسیده است که آقای حجت‌الاسلام مصطفی خمینی فرزند آقای آیت‌الله عالی‌قدر روح‌الله خمینی درگذشته و ما به ایشان تسلیت می‌گوییم. صحبت ایشان همه حمله به حکومت بود. در خانه باز بود. شماری از افراد نیروی انتظامی در کوچه و تیمسارها همه در کوچه و خانه بودند. مأموران در سالن، روبه‌روی فروهر ایستاده و منتظر دستور بودند. مهندس بازرگان هم بود که همان اوایل برنامه رفت. علی اردلان، دکتر سنجابی، دکتر سحابی و برخی دیگر بودند. خلاصه، گویا دستور رسید که کاری نداشته باشند. پس از پایان صحبت‌های فروهر به همراه سه چهار نفر و با توجه به قرار قبلی از در دیگری از آنجا خارج شد.

■ حزب ملت ایران از نیروهای مهم در جبهه ملی دوم و تأثیرگذار در انقلاب ایران بود. این انقلاب هم به نظر طبیعی بود، زیرا شاه تمام آزادی‌ها را مسدود کرده بود، راه‌ها را بسته بود و استبدادی بی‌رحمانه ایجاد کرده بود. ابتدای راهپیمایی‌های انقلاب ایران بود،

ملت‌گرایی یعنی مشارکت تمام احاد مردم در تمام تصمیم‌گیری‌ها و توجه به نیازهای بومی، فرهنگی و اقتصادی و... ملت؛ و البته همه گروه‌ها این را قبول دارند؛ اما هیچ‌وقت بیان نمی‌کنند. ملت‌گراها همیشه بوده‌اند. احزاب ملی که داشتیم اصلاً در این قضیه نبوده‌اند و یکی از احزابی که در مسائل ملی‌گرایی به ملت‌گرایی پایبند بوده، حزب ملت ایران بوده است.

■ قبول دارید بزرگ‌ترین خیانت پهلوی، کنار گذاشتن مشروطیت و قانون اساسی مشروطیت بوده است؟

من نامش را خیانت نمی‌گذارم، اما بزرگ‌ترین اشتباه آن‌ها همین بوده. زمانی می‌توانیم بگوییم خیانت که مشکلات بعدی ناشی از آن گذشته باشد؛ یعنی شما باور دارید که تمام مشکلات امروز ما به دلیل خطاهای آن روز بود؟ شاهنشاه حکومت را تحویل داد. تا آخرین روز همه کسانی که صادقانه به ایران می‌اندیشیدند و مشکلات را بیان می‌کردند کوبید، ولی در مقابل فقط اماکن مذهبی باز بود. آن‌ها دل در گرو مملکت داشتند اما اشتباه می‌کردند، در سیاست اشتباه یعنی خیانت.

■ حزب ملت ایران از جمله پایه‌گذاران اتحاد نیروها و احزاب و سازمان‌های ملی بودند که به تشکیل جبهه ملی چهارم ایران رسید. شکی نیست که در انقلاب ایران این جریان و فعالیت‌های آنان مؤثر بود، خود زنده‌یاد فروهر به‌طور مثال در دوم آبان ۱۳۵۶ به مناسبت درگذشت حاج مصطفی خمینی سخنرانی کرد.

تولد امام رضا بود، به مناسبت این میلاد، ما و جامعه اصناف و بازاریان یک گردهمایی در منزل شهید اصغر لقای (در خیابان ری) برگزار کردیم (که بعداً شوربختانه ایشان را تیرباران کردند) در آنجا فروهر سخنران بود. فروهر آنجا را به نام بازاری‌ها هماهنگ کرد. خانه بزرگی با سالن‌های بزرگ بود. صحبت او به‌صورت یک جزوه است. روی این جزوه کار شده بود. حسن پارسا و کشاورز صدر در موسسه علوم اجتماعی جزوه را بر اساس مسائل کشاورزی، اصلاحات ارضی تهیه



## در مورد ادامه جنگ، حزب ملت ایران معتقد بود جنگ باید ادامه پیدا کند. تنها سازمانی که می گفتند جنگ را تمام کنید نهضت آزادی بود

دید؛ اما انتقادی که به آنان مطرح هست در ابتدای دهه ۶۰ تا یک دهه تقریباً، حزب ملت ایران و این دو بزرگوار، نقد یا بیانیهای در نقد سیاست‌های حاکم در حوزه جنگ سیاست و اقتصاد مطرح نکردند! خیر، اعلامیه‌های ما در دهه ۶۰ موجود است. روزنامه تا سال ۶۰ که منتشر می‌شد، نقدها مطرح می‌شد بعد از ۶۰ اعلامیه‌ها، مصاحبه‌های انتقادی فروهر و حزب ملت ایران همه بود. در مدتی که رفت به زندان و آمد، کوتاه‌مدتی نبود، ولی دوباره شروع کرد.

### ■ درباره ادامه جنگ؟

در مورد ادامه جنگ، حزب ملت ایران معتقد بود که جنگ باید ادامه پیدا کند. تنها سازمانی که می گفتند جنگ را تمام کنید نهضت آزادی بود. ما به اداره جنگ نقد داشتیم. خود جنگ یک علم است. کسانی که درسش را خوانده‌اند و واردند همه کشته یا خانه‌نشین شدند و افرادی که کمتر چیزی می‌دانند حضور یافتند. ما معتقد بودیم که اداره جنگ باید توسط افراد صلاحیت‌دار واجد شرایط اداره و مدیریت شود.

### ■ حزب ملت ایران با ایجاد نیروی سپاه موافق بود؟

با ایجاد یک نیروی ویژه موافق بود؛ اما زمانی که مهندس مهدی بازرگان کنار رفتند، آقای خمینی می‌خواست آقای فروهر نخست‌وزیر شوند. در آن زمان شروطی داشت. صحبتی که پیش آمد، یکی جمع کردن کمیته‌ها بود. فروهر روی ارتش اعتقاد داشت. مسئله ارتش برایش مطرح بود و این نیروی‌های سلاح‌داری که ایجاد شده بود همه باید به دل ارتش می‌رفت؛ یعنی ایران یک واحد نظامی متشکل داشته باشد و آن هم ارتش.

### ■ طراحان و بنیان‌گذاران نخستین

سپاه، نهضت آزادی، گفته‌اند طرح خام سپاه پاسداران را شهید فروهر ابتدا به‌عنوان «گارد انقلاب» داده بود. این نکته را خود ایشان در نشریه حضور نیز گفته‌اند. بله. اما نه به این شکل و نه با این اختیارات. تا موقعی هم که قرار نخست‌وزیری بود

انتخابات آزاد نبود. اما به کسانی که رأی دادند ایراد نگیرید. چون در فضایی که بعد از فروپاشی نظام گذشته حاکم شده بود، همه تابع احساسات بودند.

■ البته من ایراد نگرفتم که چرا رأی داده شده یا نداده شده. بحث بر سر موضوعی است که در بزنگاه‌های مهم اتخاذ شده است! ما اصلاً صحبت نمی‌کردیم که در انتخابات شرکت کنیم یا نه. الآن هم در شرایطی نیستیم که در مورد کار گذشته‌مان حرف بزنیم و نقد کنیم. من الآن فقط نظر شخصی‌ام را می‌گویم.

آقای صالح در همه‌پرسی نخست به من گفت رأی می‌دهید؟ گفتم بله. گفت آقای فروهر هم؟ گفتم بله. گفت می‌شود به ایشان بگویید اینجا بیایند و به‌اتفاق برویم و رأی بدهیم؟ همه رفتیم در صف، فیلم‌برداری هم شد و همه‌جا گفتند که سیف و فروهر، صالح را برای دادن رأی به صندوق رأی‌گیری بردند، در صورتی که این گونه نبود. صالح شخصاً اعتقاد داشت و یک روز گفت، من حقم را ادا کردم، پرسیدم در چه زمینه‌ای؟ گفت در زمینه شرکت در راه‌پیمایی‌ها؛ از فخر رازی تا میدان انقلاب. خانواده‌اش مخالف بودند اما خودش موافق بود.

■ فروهر و همسرش پروانه بسیار میهن‌دوست، آزادی‌خواه و استقلال‌طلب بودند. ایشان به مرحوم آیت‌الله خمینی هم علاقه داشتند و این را در آخرین گفتارهای پایانی آخر عمر ایشان می‌شود

■ بعد از انقلاب به جمهوری اسلامی رأی دادید؟ این یک احساس خاصی بود که در جامعه ایجاد شده بود. حزب ملت ایران هم در همان فضا بود. این‌ها نتیجه شرایط بود من در حال حاضر نظر شخصی‌ام را می‌گویم.

■ البته داریوش فروهر در مصاحبه‌اش گفته که دکتر صحت به نمایندگی از حزب ملت ایران در پیش‌نویس قانون اساسی بوده؛ یعنی حزب شما نیز به جمهوری در آن زمان باور داشته و خود یکی از پشتیبانان آن پیش‌نویس بود که بر اساس نظام جمهوری طراحی شده بود. البته آن پیش‌نویس انجام نشد.

■ اینکه بعدها چه شد مسئله دیگری است، اما به جمهوری اسلامی رأی داده شد و آن پیش‌نویس نیز مبتنی بر یک نظام جمهوری بود! بله. ولی من گفتم که در این زمینه، نظر شخصی‌ام را گفتم.

■ چرا این سمبل رئیس‌جمهور نباشد و نخست‌وزیر و وزرا مسئول باشند؟ همان‌طور که قبلاً این سمبل به هر نامی می‌تواند باشد.

■ بعد از مجلس خبرگان قانون اساسی، نظر حزب ملت ایران، در فراندوم قانون اساسی آذر ۱۳۵۸، چه بود؟ شرکت کنند یا نه، چون برخی از احزاب ملی شرکت نکردند!

قانون مصوب خبرگان قانون اساسی را به همه‌پرسی گذاشتند. من البته خاطر من نیست. ولی من شرکت نکردم، دو بار بیشتر رأی ندادم، یکی نخستین همه‌پرسی (۱۲ فروردین ۱۳۵۸) بود، یک بار هم اولین انتخابات مجلس شورای ملی که خودم کانیدم بودم. من مسئول ستاد انتخاباتی ریاست جمهوری داریوش فروهر بودم، اما رأی ندادم. چون آن

دیگری را انتخاب کرده‌اند. اگر دوستانه بود که نباید چنین می‌شد!

■ از افرادی که در دولت موقت بودند گفته شده، یکی از خصایص خوب فروهر این بود که هم‌دل و همراه بود و کمتر در جلسات نقد می‌کردند.

نقد هم می‌کرد، در جاهایی هم که بازرگان گیر می‌کرد، سراغ فروهر می‌آمد.

■ مثل قضیه کردستان؟

آقای خمینی، فروهر را به‌عنوان نماینده خودش تعیین کرد. فروهر به کردستان رفت. با همه تماس گرفت. با شیخ عزالدین حسینی تماس گرفت و او را به تهران دعوت کرد. این‌ها با او بد عمل کردند. او که نمی‌آمد، فروهر راضی‌اش کرد. بازرگان که با چنین مسئله‌ای روبه‌رو شد، هیئتی متشکل از صباغیان و سحابی و دکتر چمران تعیین کرد. چمران که اصلاً شرکت نکرد. دو نفر دیگر، در دو سفر به کردستان به همراه فروهر بودند. جریان این سفر را می‌توانید از مهندس شاه‌اویسی که استاندار آنجا بود بپرسید می‌خواستند با هیئت برخورد کنند که استاندار جلوگیری می‌کند. آن هیئت را که فقط دو بار رفتند، به تلویزیون می‌آوردند و همه دور میز می‌نشستند که البته فروهر گزارش می‌داد. شادروان مهندس سحابی و مهندس صباغیان هم بودند. چمران هم که به تنهایی با کمیته‌ها و سپاه عمل کرد. آقای طالقانی هم یک بار رفت و با شدت و حدت گفتارش روش خاص خود را داشت.

■ آیا طرح «خودگردانی» تا آن زمان که دولت موقت بود و تا چندی پس از دولت موقت توسط حاکمیت اجرا شد؟

این طرح را فروهر پیشنهاد داد که فرصتی برای اجرای آن پیش نیامد و دولت موقت که نتوانست کاری کند. بعد از آن هم توجهی به این قضایا نشد. پیشنهاد فروهر به قاسملو، خودگردانی بود و او هم تا حدی پذیرفت و تأیید کرد. حتی اواخر به آنان می‌گفتند چرا این کلمه را به کار نمی‌برید؟ در صورتی که من مطمئنم که آن خودمختاری که آن‌ها می‌گویند یعنی تجزیه‌طلبی. ❖

**پیشنهاد فروهر به قاسملو، خودگردانی بود و او هم تا حدی پذیرفت و تأیید کرد. حتی اواخر به آنان می‌گفتند چرا این کلمه را به کار نمی‌برید؟ در صورتی که من مطمئنم که آن خودمختاری که آن‌ها می‌گویند یعنی تجزیه‌طلبی**

■ دکتر سنجابی را در چه وزارتتی می‌توانست بگذارند؟ کسی که خود مدعی نخست‌وزیری بودند! سنجابی به وزارت امور خارجی و فروهر به وزارت کار منصوب شدند. آیا این نوع انتخاب درست بود؟

من بدبین نیستم و بازرگان را نیز بسیار قبول دارم و به او احترام می‌گذارم. ولی در این زمینه تصور من این است که وزارت کار و زارخانه‌ای بود که مشکلات بسیاری داشت، من نمی‌توانم مثبت فکر کنم که ایشان فکر کرد که فروهر می‌تواند آنجا را سامان دهد و دیگران نمی‌توانند، یا اینکه فروهر را آنجا گذاشت تا با مشکلات رودررو شود. من به دومی فکر می‌کنم. فروهر با همکاری دیگر دوستان و در سخنرانی اولین گردهمایی که با کارگران تشکیل داد گفت من به‌عنوان «وزیر دولت» برای سخنرانی نیامدم، من وزیر شما هستم در دولت.

در اولین کار، دستمزد کارگران را سه برابر کرد. چون هیئت موقوفه، همه سرمایه‌دار بودند، مخالف بودند. مهندس بازرگان و تمام نزدیکان بازرگان که در هیئت دولت بودند مخالفت کردند؛ اما فروهر گفت کارگر باید شکمش سیر باشد تا بتواند کار کند و جالب اینکه وقتی دولت بازرگان استعفا داد و از او پرسیدند چه کارهای مثبتی در دوران دولت موقت صورت گرفت، در رأس سخنانش اضافه حقوق دستمزد کارگران را عنوان کرد. در همین زمان قرار شد جایزه ورزشکاران را بدهند، زنده‌یاد شاه‌حسینی از آقای فروهر دعوت کرد که این کار را انجام دهد و به اتفاق به مراسم رفتند، وقتی برگشت، دید یک حکم روی میزش گذاشته‌اند که از وزارت برکنار شده و شخص

پیشنهاد داده بود که این‌ها باید جمع شوند. در منزل آقای اشراقی، من، فروهر، شیخ فضل‌الله محلاتی و یکی دو نفر دیگر که بودیم، اشراقی گفت آقای خمینی گفتند که چرا فروهر دست‌دست می‌کند! چرا کابینه‌اش را مشخص نمی‌کند؟ فروهر کمی درنگ کرد. محلاتی گفت درست است چرا انجام نمی‌دهید؟ فروهر گفت: آیا شرایط پذیرفته شده؟

■ بعد از بازپس‌گیری خرمشهر شما به ادامه جنگ اعتقاد داشتید، ولی تا پیش از آن نه.

همین‌طور است. ولی این‌ها به‌صورت کلی بود. ولی با توجه به شرایط روحی وقتی نیرو نداریم و اسلحه نداریم چگونه جنگ ادامه یابد. آن موقع هم می‌گفتیم. وقتی برنامه جنگ را کسانی که تخصص جنگ ندارند پیاده می‌کنند معلوم است که جنگ با پیروزی مواجه نمی‌شود. سرهنگ نصرالله توکلی (نخستین فرمانده عملیات ستاد ارتش پس از انقلاب) که دوره این قضایا را دیده بود چرا نباید باشد؟ می‌دانید سرهنگ عزیز امیررحیمی چه کرد؟

■ در دولت موقت آقای فروهر تا شهریورماه ۱۳۵۸ وزیر کار بودند و سپس وزیر سیار و نماینده دولت در امور کردستان.

ایشان پیش‌تر می‌خواستند بروند، اما آقای خمینی اجازه ندادند. زمانی که قرار شد بازرگان دولت تشکیل دهد، آقای خمینی توصیه کردند که سنجابی و فروهر در کابینه باشند. ما در خارج از جلسه شورای جبهه ملی جلسه‌ای داشتیم. در جلسه، هر دو مطرح کردند و گفتند ما تمایلی به این همکاری نداریم. چون افق فکری ما با بازرگان همسو نیست. از نظر مبارزاتی همکاری کردیم؛ اما گفته شد، اگر بازرگان شما را به کابینه دعوت می‌کرد می‌گفتید نمی‌آییم، مشکلی نبود، ولی الان آقای خمینی توصیه کرده و ما اول کار هستیم. اگر شما نه بگویید یعنی رودرروی آقای خمینی ایستاده‌اید. پس درست این است که بپذیرید. این بود که با توصیه شورای مرکزی پذیرفتند.

## طالقانی مردم‌گرا، ظرفیتی برای گذار



مهدی معتمدی‌مهر

فعال سیاسی

**در میدان جهاد  
سیاسی نیز هرگز  
درصد فتوا  
صادر کردن و  
تعیین تکلیف‌های  
خودسرانه نبود. در  
شورای مرکزی نهضت  
آزادی ایران، طالقانی  
تنها یک رأی داشت؛  
مانند هر عضو جوان**

نبود. در شورای مرکزی نهضت آزادی ایران، طالقانی تنها یک رأی داشت؛ مانند هر عضو جوان.

تفسیر ارزشمند پرتوی از قرآن که نوعی آموزش روش‌شناسی فهم قرآن و متمرکز بر باور راسخ طالقانی به بازگشت به سرمنشأ اصیل وحی و دریافت پیام اصلی پیام‌آوران توحید است، به ارائه درک و پیامی نو از قرآن می‌پردازد که متناسب با مفاهیم اساسی عصر جدید، به سازگاری ارزش‌هایی مانند آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و توسعه با آموزه‌های قرآنی و قرائتی عقلانی و اخلاقی از معارف اسلامی عنایت دارد و به همین دلیل از بسیاری تفاسیر معمول در حوزه علمیه متمایز است، اما این اثر ارزشمند، از تمام بنیان‌های اصولی و روایی که به تولید هر تفسیر فقهی اصالت می‌دهند، برخوردار است و از همین روست که حتی فقهای سنت‌گرا هرگز نتوانسته‌اند در مذمت پرتوی از قرآن ادعایی ایراد کنند.

طالقانی مانند مهندس بازرگان به روحانیت و به نقش و کارکرد ویژه آن باور داشت، اما حقوق ویژه برای روحانیت قائل نبود. روحانیت را یک طبقه یا یک صنف نمی‌دید که مبتنی بر درکی آریستوکراتیک به قدرت فائقه و هژمونی طبقاتی در ساختار نظام رسمی اجتماعی و سیاسی نائل آید و حتی این دومی را برای بقا و استمرار خدمات روحانیت زیان‌بار می‌دید. طالقانی به تاریخ ایران و جهان و نیز به سنت حوزه و تجربه تاریخی روحانیت شیعه آگاهی داشت و می‌دانست که در هر کجا که روحانیت جایگاهی برای خود در ساختار قدرت سیاسی رقم زده است، از حوزه عمومی (مردم) دور شده و به نتایج سازنده‌ای دست نیافته است. این باور از پشتوانه‌های عظیم قرآنی هم برخوردار بود.

آیت‌الله طالقانی به جد باور داشت که «قرآن» ظرفیت پاسخ‌گویی به نیازهای روز جامعه را دارد و بی‌آنکه بخواهیم دستاوردهای فکری و مکاتب بشری را نفی کنیم و اسلام را به‌عنوان «ایسمی» در کنار سایر «ایسم‌ها» قرار دهیم، حتی می‌توان بر اساس آموزه‌های قرآنی به حوزه سیاست [نه دولت] گام نهاده و انگیزه و الگویی برای تلاش‌های اجتماعی و مبارزات سیاسی طراحی کرد. از همین روست که اولاً

انسان، فارغ از هرگونه تعلقات عقیدتی، نژادی و سیاسی است. این ویژگی‌های انسانی البته راز محبوبیت طالقانی را می‌تواند توضیح دهد اما همه ماجرا نمی‌تواند باشد.

از دیگر جهات اندیشه و عملکرد طالقانی که این روزها به دفعات یاد می‌شود و بسیار می‌شنویم صدای حسرت آمال مردمی را که «اگر طالقانی زنده می‌ماند، قضایا این‌طور نمی‌شد»، مرتبط است با مخالفت آیت‌الله طالقانی با حکومت روحانیون؛ اگرچه او خود یک روحانی بود و به‌رغم نقدهای تند که به هم‌لباسانش داشت و به مهندس بازرگان هم گفته بود که «این‌ها صفا و وفا ندارند» اما هرگز حاضر نشد جامه روحانیت از تن به در کند.

طالقانی نه در خانه و نه در حوزه مبارزات اجتماعی، هرگز به‌طور مطلق بر وجهه فقاقت خویش تأکید نداشت. طالقانی فرزندی داشت که در گروه‌های سیاسی چپ فعال بودند و طالقانی در این مورد حساسیتی نشان نمی‌داد. در میدان جهاد سیاسی نیز هرگز درصد فتوا صادر کردن و تعیین تکلیف‌های خودسرانه

با آنکه زنده‌یاد آیت‌الله سید محمود طالقانی در همان ماه‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی دیده از جهان فروبست و به‌رغم کم‌لطفی یا غرض خاص رسانه‌های رسمی در نادیده گرفتن شخصیت‌هایی از این دست و نیز به‌رغم فضای سیاست‌زده این روزها و گلايه‌هایی که به سبب عملکرد و بحران ناکارآمدی مدیریت مجموع حاکمیت پس از انقلاب، دامن مدیران انقلاب و بنیان نظام جمهوری اسلامی، علی‌الخصوص رهبران روحانی انقلاب اسلامی را هم گرفته است، اما کمتر شهروند ایرانی از پیر و جوان هست که «طالقانی» را لاقل به نام نشناسد یا به هر مناسبت که از وی یاد می‌شود به نیکویی و حسرت از فقدان این بزرگمرد تاریخ معاصر ایران یاد نکند. این قدرشناسی بی‌مانند که نمونه‌های فراوانی در فرهنگ ایرانی بر آن یافت نمی‌شود، ظاهراً محدود به چهره‌هایی مانند امیرکبیر، دکتر مصدق، مهندس بازرگان، آیت‌الله منتظری و معدودی دیگر مانده است؛ اما راز این ماندگاری و نیک‌نامی طالقانی در چیست؟ علی‌الخصوص که طالقانی در کسوت روحانیت بود و مردم زمانه ما از روحانیت پرسش‌گرند و گله‌مند.

به‌دفعات از روحیه مدارا و مهربانی طالقانی با دگراندیشان و حتی چپ‌های مارکسیست سخن گفته‌اند و گفته‌اند که «مجتهد پیر» در روزگاری که فتوای عدم طهارت مارکسیست‌ها منتشر و شایع شده بود، به تعمد و از سر آگاهی با دست‌ان خیس از آب وضو، پدرانه و بی هیچ شائبه، دست بر سر و روی زندانیان جوان به‌ظاهر بی‌نماز می‌کشید. رهبران خودشیفته سازمان مجاهدین خلق که مدیریت انقلاب را سهم خود از محمل شکنجه‌ها و مبارزات می‌دانستند، در مقابل تنها کسی که لاقل در ظاهر پروا نشان می‌دادند «پدر طالقانی» بود که به‌رغم بدعهدی‌ها و تکروری‌های آنان هرگز به ایشان بی‌اعتنایی یا بی‌حرمتی نکرد. روایت‌هایی که در این سالیان از آیت‌الله طالقانی نقل می‌شود و ناظر به نگاه انسانی او به زندانبانان خویش است یا داستان دکان خمرفروشی که در اثر خشم انقلابی مردم تخریب شده و آیت‌الله طالقانی پیگیر جبران خسارت مالی از صاحب مغازه بود، همه و همه متمرکز بر باور عمیق طالقانی به کرامت

یا محافظه‌کاری نبود؛ کما اینکه هیچ‌کس نمی‌تواند منکر نقش و جایگاه آخوند خراسانی در جنبش مشروطه باشد یا به نقش روحانیت پیشرو در طرح مطالبات ملی مردم تردید کند. میرزای شیرازی بانی قیام مردمی تنباکو بود، اما به‌رغم دعوت صریح برخی کنشگران سیاسی معاصر هرگز حاضر نشد بر کرسی ناصرالدین‌شاهی بنشیند.

آیت‌الله طالقانی نیز به اهمیت نهاد اجتماعی روحانیت در ایران واقف بود و چه‌بسا باور داشت که این نهاد رسالت دارد افزون بر پالایش دین و ارائه دین حقیقی به مردم، در تقویت جنبش اجتماعی و ارتقای مطالبات اساسی مردم در سپهر عمومی نقش‌آفرین باشد و بدیلی هم برای این نهاد تاریخی و اجتماعی وجود ندارد اما برای اینکه بتواند این رسالت عظیم را به انجام رساند لاجرم باید در میان مردم باشد و نه در حوزه حکومت و رودرروی مردم. قدرشناسی ویژه حافظه تاریخی ایرانیان از امثال زنده‌یادان طالقانی یا منتظری نیز از همین منظر می‌تواند ارزیابی شود که روحانیونی مانند ایشان، تبلور آمال و انتظارات مردم از نهادی است که انتظار می‌رود تا مظهر اخلاق، معنویت و دین‌داری باشد و به‌عنوان یک «گروه مرجع اجتماعی» قلمداد شود. این تحلیل نشان می‌دهد که مردم از روحانیت روی گردان نیستند، مردم معترض به عملکرد نهادهای اجتماعی هستند که مبتلا به تبعیض شده و از رسالت اصلی خویش دور افتاده و در چالش‌های عظیم جامعه کنونی ایران سهمی به‌سزا دارد.

اگر مهندس بازرگان را «پدر روشنفکری دینی» و آیت‌الله خمینی را «پدر فقه سیاسی» در دوران معاصر بنامیم، آیت‌الله سید محمود طالقانی را می‌توان «پدر روحانیت مسلمان ایرانی مردم‌گرا» نامید که کرامت بشر و پاسخ‌گویی به نیازهای مردم را در کسوت روحانی آزادی‌خواه و آخوند مهربان‌دیش اهل مدارا دنبال می‌کرد.

الگوی حکومت فقها در طول چهار دهه گذشته موفق نبوده است و چالش‌ها و ابربحران‌های جامعه کنونی ایران ریشه در همین عدم کامیابی دارد. مردم‌گرایی طالقانی، الگویی برای ارتقای جایگاه مرجعیت اجتماعی نهاد روحانیت شیعه ایرانی در چارچوب فرآیندی درون حوزوی و ظرفیتی است برای گذار بهبودگرایانه حوزه‌های فقهی در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای روز جامعه ایران.

راهش پررهرو و نامش زنده باد. ❖

او [صاحب‌اختیار جهان] کسی است که در میان مردم آموزش ندیده، رسولی از میان [و از جنس] همین مردم را برانگیخت تا آیات خویش را بر آنان عرضه دارد و [باورهایشان] را پالایش دهد و به مردم، کتاب خدا و دانش توأم با بینش بیاموزد.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيَسْأَلَ قَوْمَهُ (ابراهیم، گزیده‌ای از آیه ۴)

ما [خداوند] هیچ پیامبری را نفرستادیم، جز آنکه به زبان مردمی سخن گوید که بر آنان مبعوث شده است.

همین آموزه‌ها طالقانی را به این جمع‌بندی رساند تا در مقام یک روحانی که قرار است ادامه‌دهنده رسالت پیام‌آوران توحید باشد، حضور در حوزه عمومی (ناس-مردم) را به سهم گرفتن در ساختار قدرت سیاسی (حوزه رسمی) ترجیح دهد و از همین روست که طالقانی در میان مردم زندگی می‌کند تا حرف مردم را بشنود و با دردها و دغدغه‌ها و نیازهای مردم آشنا شود و به زبان مردم سخن می‌گوید تا بتواند اعتماد و هم‌نشینی با خلق را به دست آورد و پاسخ‌گوی نیازهای اساسی آنان باشد. اندوه‌وار نشستن طالقانی بر زمین «خبرگان قانون اساسی» تنها اعتراض به تغییراتی نبود که اصل حاکمیت ملت را متأثر می‌ساخت و حکایت از حکومت فقها داشت، بلکه مرتبط با بینش تاریخی او و دغدغه‌اش برای مراقبت از جایگاه نهاد اجتماعی روحانیت نیز ارزیابی می‌شود.

این دغدغه و اعتراض جدی، ریشه در تجربه و سنتی فقهی هم داشت و فقط منحصر به ابعاد مبارزات روشنفکرانه سیاسی و اجتماعی طالقانی در چارچوب سازمان‌های جبهه ملی، نهضت مقاومت ملی و نهضت آزادی ایران نبود. طالقانی با اندیشه‌های فقیه‌نامدار میرزای نایینی آشنا بود و کتاب او را در دم استبداد دینی تبیین کرده بود. آخوند خراسانی و پیش از او شیخ مرتضی انصاری مرجع عام شیعیان جهان در کتاب مهم مکاسب مطرح می‌کنند که هیچ دلیلی مبتنی بر اینکه ولایت مطلقه فقیه (در مقام حاکمیت سیاسی) مثل ولایت ائمه باشد، نداریم و از این سنخ حکومت با تعبیری گزنده، معسر و ناپه‌نچار یاد می‌کنند: [کخرط القطاع - دست کشیدن بر گیاه خاردار].

این سنت فقهی که تا همین اواخر ادامه داشت و فقهای اعظامی مانند آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله خویی به آن باور داشتند، هرگز به معنای بی‌تفاوتی سیاسی

جایگاه عقل متعارف در اعتبار فهم قرآنی، برای آیت‌الله طالقانی اهمیت بسیار داشت. ایشان فقیه بود، اما ملاک فهم از آیات را «عقل مردم» می‌دانست و نه «عقل منتزع فقیه» که به‌طور خالص، محدود و متمرکز بر «منقول» باشد و دوم اینکه به حضور در حوزه عمومی (مردم) اولویت می‌داد و در جامعه پیشادموکراتیک، نه تنها اصلتی برای حضور فقها در حکومت قائل نبود، بلکه حکومت فقها را مانعی برای اثرگذاری بر افکار عمومی قلمداد می‌کرد.

این بینش متمرکز بر فهم و قرآنی بود که آیت‌الله طالقانی از آیات بعثت انبیای توحیدی داشت. ایشان معتقد بود که بنا بر آیه ۲۵ سوره حدید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

همانا ما [خداوند] پیامبران را با پیام روشن فرستادیم و به همراه ایشان کتاب [معیار آگاهی] و میزان [شاخص شناخت حق] فرستادیم تا مردم برای برپایی عدالت قیام کنند.

همان‌طور که دیده می‌شود، در این آیه محوری، فاعل قیام برای عدالت مردم‌اند. پیامبران رسالت دارند تا فقط مبلغ انگیزه و آگاهی در راستای ترغیب مردم (اعم از مؤمنان و غیرمؤمنان) برای قیام عدالت‌خواهانه باشند و حداکثر آنکه مردم را در این نهضت انقلابی و اصلاح‌گرانه همراهی کنند؛ اما این مردم‌اند که صرف‌نظر از تفاوت‌های ایمانی یا نژادی و حتی صرف‌نظر از جنسیت و میزان سواد و معارف آموزشی، باید قیام به حق و عدالت کنند. در این آیه هیچ قیدی وجود ندارد که تنها دانشمندان و فقها یا پیامبران و حتی فقط مؤمنان باید قیام کنند. «مردم» به‌طور عام مطرح شده‌اند. به دیگر سخن، مخاطب رسالت آگاهی‌بخشی پیامبران، تمام مردم‌اند، حتی ناباوران به رسالت انبیاء.

این رسالت عظیم که بنا بر لطف و رحمت عام خداوند باید شامل حال همه مردم باشد، عملکرد و حضوری صمیمانه و فارغ از هرگونه شائبه امتیاز و تبعیض را اقتضا می‌کند. از همین روست که اصلی‌ترین امتیاز رسولان الهی این است که خود بشرند و از میان مردم امی و آموزش‌نا دیده برآمده‌اند و به زبان همان مردم سخن می‌گویند.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه، آیه ۲)



## فرار شاه



سید یعقوب آل شفیعی فومنی

فعال سیاسی

**دولت ملی را باید،  
مصدق گزاره ذیل خواند  
که امام علی اگر کشته  
شد و حکومت او کمتر  
از پنج سال دوام آورد به  
دلیل پایبندی به عدالت و  
پاسداشت کرامت انسانی  
بود. دولت مستعجل  
ملی نیز خود را در نصاب  
حکومت امام علی  
می‌دید نه آنکه گام بر گام  
ستم‌پیشه گذارده باشد**

سپهر سیاسی کشور به انسداد سیاسی دست می‌یازید.

نمونه بارز انسداد سیاسی را می‌توان در سرکوب لخت و عریان نیروهای با مشی براندازانه چون مجاهدین خلق، کمونیست‌هایی چون اشرف دهقانی و دیگر چریک‌های فدائیان خلق، چهره‌های سیاسی همانند دکتر علی شریعتی، مصطفی چمران، ابوالحسن بنی‌صدر، حسن حبیبی، ابراهیم یزدی و از روحانیون پیشرو چون طالقانی، منتظری، سعیدی و غفاری رصد و ردیابی کرد.

ربع قرن شکنجه، اعدام، تبعید جوانان با گرایش ملی و رهبر مذهبی آن مرحوم امام (ره)؛ اما در دی‌ماه ۵۷ خود و تشکیلات بدنام و شکنجه‌گر و آدم‌کشش یعنی ساواک را مصداق «فَجَعَلَهُمْ كَعَضِفٍ مَأْكُولٍ» یافت.

پهلوی در صورت التفات به اول آیه سوره فیل، آن‌سان با انذار و یادآوری عاقبت ستم‌پیشگان، به خود آمده و از قتل و شکنجه مخالفان خودداری می‌ورزید در چالش‌هایی چون سقوط و آوارگی گرفتار نمی‌آمد.

نقطه کور همه دیکتاتورها آن هنگام است که در سیاهچاله عمیق و پریپیچ‌وخم افتاده و برای نجات خود یک گزینه را می‌پسندند آن‌هم شکافتن سینه هزاران جوان و سرمایه الهی وطن را.

اینان آن‌سان به جنون شکنجه و آدم‌کشی دچار شده که به «ریک» یعنی ارباب راستین ریب و شک می‌ورزند. اینان آن‌سان اصلت را به حفظ قدرت به هر وسیله باورمندند که مشرک و کافر به «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» بوده‌اند.

اینان آن‌سان مؤمن آل فرعون و دلسوزان به ملک و حتی تخت و تاج پادشاهی را تهدید به مرگ، نیز ساده‌لوحی و «إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» می‌خوانند که باورمند به «كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» نیستند.

در خاتمه به تمسک از سروده رودکی متن را پایان می‌رسانم:

هر که ناموخت از گذر روزگار

نیز ناموزد ز هیچ آموزگار ❖

بسان ابرهه به جنگ ملتی برخاست، با سمت‌وسوی کعبه آمال آزادی احزاب، بیان و قلم و دین‌داری راستین.

ماشین سرکوب و کشتار او حتی به گروه با کنش بطئی و آرام قانونمند نهضت آزادی با کاراکترهای بی‌بدیل چون آیت‌الله سید محمود طالقانی، دکتر بدالله سحابی و آقای مهدی بازرگان تشکیل یافته بود رحم نکرد و سران و اعضای آن را به زندان‌های طویل‌مدت، نیز تبعید به زندان‌های دور کشور کرد.

ابرهه زمان نیز، مخالفان با مشرب التزام به قانون اساسی، جوانان و نسل بی‌بدیل و باورمند به مبارزه مسلحانه و برانداز را حذف و تصفیه خونین کرد.

خرداد ۴۲ را می‌توان نقطه آغاز قیام همگانی و غسل و شکاف عمیق و وسیع ملت با انواع نحلّه و لایه و حکومت خودکامه پهلوی دانست.

شاه به کمک عناصر و پازل‌های سرکوب فیل‌سوار خود، مسیر کعبه آزادی ملت را نشانه گرفت و هر روز با طرحی نو در

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ»

چهل سال قبل در ۲۶ دی‌ماه ۵۷ محمدرضا پهلوی، آخرین سلسله پادشاهی ایران در پی ربع قرن رویارویی عریان و آشکار ملت با تمامیت سلطنت، ناچار و به‌بهانه فرصت معالجات و استراحت و احیانا ریکاوری سیاسی، کشور را به مقصد مراکش، پاناما، مکزیک، امریکا و آنگاه مصر ترک گفت. راقم سطور در اوج مبارزات ملت ایران، پایان تحصیلات ابتدایی را می‌گذرانند و با توجه به فضای سیاسی اغلب خانواده‌ها، از دوران گذار انقلاب تجربه دارد؛ پس مصداق «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ» سوره مکی فیل است.

محمدرضا پهلوی در ۲۸ مرداد ۳۲ کودتایی با همکاری و تلاش مرتجعان داخلی، سرویس امنیتی-اطلاعاتی امریکا و انگلیس رخ داد و دولت برخاسته از اراده ملت را ساقط کرد. دو سال و اندی پس از آن اقدام به تأسیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) کرد.

دولت کودتا با توجه به تجربه سقوط دولت ملی و صراحت خلأ وجودی دستگاه امنیتی حافظ دیکتاتور، نهاد بدنام ساواک را در اسفند ۳۵ البته با رأی مجلس! قانونمند کرد؛ زیرا مصدق در بازه زمانی ۲۸ ماهه دولت خود، نه کسی را به قتل رساند و نه حکم قتل‌عامی را صادر کرد، همچنین نیازی به تأسیس بازوهای قتل و کشتار مثل ساواک نمی‌دید؛ در نتیجه دیکتاتور علت تامه سقوط مصدق را عدم الزام او به ماشین کشتار و سرکوب می‌دانست.

دولت ملی را باید مصداق گزاره ذیل خواند که امام علی اگر کشته شد و حکومت او کمتر از پنج سال دوام آورد، به دلیل پایبندی به عدالت و پاسداشت کرامت انسانی بود. دولت مستعجل ملی نیز خود را در نصاب حکومت امام علی می‌دید نه آنکه گام بر گام ستم‌پیشه گذارده باشد.

پهلوی دوم به کمک سازمان بدنام ساواک، همچنین قداره‌بندان نوکیسه آدم‌کش؛



## بودجه‌ای برای مردم یا فرادستان؟

گزارش لایحه بودجه سال ۱۳۹۸

مقدمه



حسین راغفر

اقتصاددان

بودجه کشور سال‌هاست که هیچ نقش خاصی در توسعه اقتصادی کشور ایفا نمی‌کند و با وابستگی شدید به درآمدهای بادآورده منابع نفت و گاز در تقیای تأمین حقوق و مزایای نیروی انسانی بخش عمومی و هزینه‌های کشور و همچنین تأمین منافع فرادستان است، اما حداقل دوره بعد از جنگ تا کنون، تجلی مناسبی از ذهنیت نظام تصمیم‌گیری در چگونگی تخصیص منابع عمومی کشور بوده است. سه دهه پس از جنگ، میراث نسلی از سیاست‌ها و فرضیات حاکم بر برنامه‌های توسعه و بودجه‌های عمومی کشور، فرو بردن جامعه در باتلاق بحران‌هایی بوده است که محصول آن اضمحلال تولید و بخش واقعی اقتصاد، فربه کردن بخش‌های نامولد و مبتنی بر رانت، رشد بیکاری کم‌سابقه، فرسایش فزاینده سرمایه اجتماعی، افزایش بی‌سابقه نابرابری‌ها، رشد شدید فقر کمرشکن، افسردگی، خشونت، جرم و جرائم، طلاق و فروپاشی خانواده‌ها، نرخ‌های بالای خودکشی، مهاجرت و فرار مغزها و سرمایه‌های مالی همگی بخشی از میراث سیاست‌های غیرمسئولانه، غیراخلاقی و واپس‌گرا بوده است. با تهاجم شبه‌سرمایه‌داری غارتی، لگام‌گسیخته و مقررات‌دایی‌شده، زمینه‌های زهکشی منابع کشور به خارج تسهیل شد و نابرابری و مسکنت برای اکثریت آحاد جامعه به ارمغان آورده شد.

بحران اقتصادی موجود محصول سیاست‌های سه دهه گذشته است و بیانگر بحران سیاسی، بحران ایدئولوژی، بحران باورها و اخلاق است. در نگاه حاکم بر سیاست‌های بخش عمومی، اعتماد، اخلاق عمومی، ارزش‌های

«اقتصاد مدنی» که در آن کالاهای مدنی و کالاهای اقتصادی هر دو تولید می‌شوند، هر دو هزینه‌های اجتماعی (بیکاری، نابرابری، فقر، جرم و جرائم، آسیب‌های ناشی از افسردگی، خودکشی، طلاق، خشونت، مهاجرت، فرار مغزها و سرمایه) و هزینه‌های محیط زیستی (از بین رفتن منابع آبی، آلودگی هوا و بیماری‌های ناشی از آن) وارد محاسبات می‌شوند. اقتصادی که مطالبات مردم و حیات اقتصادی-اجتماعی نه تنها نسل کنونی بلکه نسل‌های آینده را با در نظر گرفتن همه ریسک‌ها و تهدیدهای گوناگون دنیای امروز و فردای مردمان این مرز و بوم پاس‌خگو باشد. در مقابل، اندیشه دیگری می‌کوشد همه را وسوسه کند که دنیای واقعی دنیای ستیزه و سود است و اینکه انسجام اجتماعی، ترغیب روابط انسانی، دگرگون کردن محیط زیست به شکل هوشمند و زیبا، سخنان بی‌ارزش و تزئینی هستند. در زندگی اقتصادی همچون سایر حوزه‌های تجربه انسانی، تلاش برای بقا در دنیای واقعی با چنین ظرفیت‌های نابودکننده امیدها و آرزوها و چشم‌اندازهای مجال‌شده به شرایط فوق‌العاده غیرواقعی منجر شده است. نابرابری‌های تحقیرکننده، لشکر بیکاران، فقر کمرشکن، افسردگی فراگیر، رشد اعتیاد، گسترش جرم و جرائم، آمار تکان‌دهنده خودکشی، صف‌های طولانی مهاجرت، فرار مغزها و سرمایه‌های مالی، دنیای واقعی انسان ایرانی نیست؛ این‌ها دنیای تحمیل‌شده به مردمان این مرز و بوم است.

بُت‌وارگی ابزارهای مالی، دنیای مجازی تجارت بدهی و دارایی‌های کاغذی، نماد مناسبی از آن چیزی هستند که دنیای واقعی شبیه به آن است. اثرات محسوس و مشخص اقتصاد

جمعی، همبستگی و نظم اجتماعی برای دستیابی به سود قربانی شدند و این رفتارهای مخرب، مستهلک‌کننده فرهنگ انسانی بوده‌اند. گسترش سرمایه‌های مالی و تجاری در شریان‌های اقتصاد کشور، به نام جهانی شدن با ترکیبی از حرکت آزاد سرمایه و پیشرفت‌های فناوری دیجیتال، اقتصاد کشور را وارد بازارهای در هم تنیده‌تری کرد. با سلطه سرمایه‌های تجاری و مالی بر اقتصاد کشور و موانع اساسی فراروی تولید و به‌ویژه تولید صنعتی، فرار سرمایه از کشور تبدیل به سرمایه‌های تولیدی و تجاری در کشورهای دیگر شد. بخش قابل‌توجهی از فرار سرمایه توسط کسانی صورت گرفت که وابستگان آن‌ها واردکنندگان کالاهای مصرفی و صادرکنندگان تولیدات منابع‌محور همچون فولاد، تولیدات اولیه پتروشیمی و مواد معدنی کشور هستند.

### قدرت مردم و اقتصاد مدنی

همه این اقدامات به نام مردمی کردن اقتصاد و اقتصاد بازار صورت گرفت، اما در عمل همه فرصت‌ها به خویشاوندان و رفقا اعطا شد و مردم به فراموشی سپرده شدند. به‌جای اقتصاد مردمی و مدنی، اقتصاد رفاقتی حاکم شد. در

دهه‌های اخیر برحسب از هم‌پاشیدگی بافت اجتماعی و خانواده باید ما را از خواب غفلت بیدار کند و چشم ما را بر روی نیاز فوری بازگشت به خود واقعی ما بگشاید و اینکه ما مخلوقات مملو از خاطره‌ها و احساسات و مخلوقاتی اجتماعی هستیم. ما با یکدیگر خشنود هستیم و از آلام هم متأثر، موجوداتی با پیوندهای عمیق و وابستگی‌های متقابل، نه به‌مثابه اراده‌های آز و طمع که برای مزایای روان‌شناختی می‌جنگند.

هنگامی که پس از جنگ تحمیلی، کشور در مقابل قواعد یک نسل از سیاست‌گذاران قوم‌و خویش‌گرا زانو زد، تصمیم‌گیری‌های اساسی جامعه در خدمت استهلاک شدید سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد مردم به یکدیگر و نیز به مسئولان جامعه، شکل گرفت. الیگارش پدیدآمده پس از جنگ تحمیلی، با کنترل بخش مالی و بانک‌های خصوصی، به سیاستمداران رام و همسو نیاز داشت که به «ندای قدرت پول» پاسخ دهند. تصمیم‌های اساسی در خدمت به منافع صاحبان سرمایه اتخاذ شد و عموم مردم به‌ویژه گروه‌های فرودست که رأی و صدای آن‌ها شنیده نمی‌شود و کسی منافع آن‌ها را نمایندگی نمی‌کند، از گردونه تصمیم‌گیری‌ها به حاشیه‌های دور رانده شدند. هنگامی که صندوق‌های اعتباری با غارت منابع سپرده‌گذاران ورشکست شدند، دولت از اعتبارات عمومی تعهدات آن‌ها را متقبل شد و اکنون که بانک‌های خصوصی با سوءتدبیر و آلودگی به فساد سپرده‌های مردم را از بین برده‌اند، دولت - این عاملی که برای گسترش بخش خصوصی مانع تلقی می‌شد - فراخوانده شد تا با افزایش دستوری و شدید قیمت ارز، مستقیماً از جیب مردم، درصدد نجات آن‌ها برآید.

نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی موتور رشد اقتصاد کشور را بر روی فروش درآمدهای معدنی، تأمین مالی بانک‌ها، سوداگری مسکن، تجارت کالا و مخارج عمومی بنا کرده است. سودهای حاصل از سوداگری بانک‌ها در مسکن، فعالیت‌های نامولد و قاچاق و رانت‌های منابع می‌توانستند درآمدهای مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در مخارج عمومی را فراهم آورند، اما نظام مالیاتی در خدمت نظام بانکی تنها به «ندای قدرت پول» پاسخ می‌دهد. تنها صدها هزار میلیارد تومان درآمدهای حاصل از رانت ارزی در سال جاری است، اما هیچ مالیاتی از آن‌ها اخذ نشده است. اقتصاد ایران

نه‌تنها نامتوازن است، بلکه به‌شدت هم نابرابر است. شکاف بین اغنیا و فقرا به‌شدت افزایش یافته است، درحالی‌که منافع و دستمزدهای طبقات برخوردار به‌شدت افزایش یافته، قدرت خرید دستمزدهای طبقات میانه و پایین به‌شدت کاهش یافته است. جالب است که جهانی شدن به‌عنوان دلیل این ناهمسانی معرفی می‌شود؛ اینکه چرا دستمزدها باید برای مدیران منتخب جناح‌های قدرت افزایش یابد (برای این است که طبقات فرادست سهم بالاتری از کیک اقتصاد ببرند، با این توجیه که جامعه به این استعدادها برتر نیاز دارد و برای جلوگیری از فرار مغزها!) و چرا دستمزدها برای طبقات فرودست باید پایین نگه داشته شود (با این بهانه که برای رقابت با کشورهای با هزینه پایین لازم است هزینه‌ها پایین حفظ نگاه داشته شوند، اما در اصل نیت این است که سهم فرودستان از کیک اقتصاد کوچک شود). دولت‌ها محیط کاملی برای کارکرد بانک‌ها و کسب سود توسط آن‌ها فراهم آوردند. بانک مرکزی در ۳۱ مرداد ۱۳۹۶ به بانک‌های خصوصی اجازه داد از بانک مرکزی با نرخ بهره ۱۶ درصد وام بگیرند، همه تلاش‌های دولت در جهت نجات بانک‌های غیرمسئول از جیب مردم بوده است. امروز هم به لطف اعطای وام بانک مرکزی به بانک‌ها و حمایت‌های دیگر، آن‌ها به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. بانک‌ها از بانک مرکزی وام می‌گیرند و دولت از بانک‌ها. مردم هم قربانی بانک‌های خصوصی بوده‌اند که با سپرده‌های مردم علیه منافع مردم عمل کرده‌اند و هم قربانی سیاست‌های دولت. رئیس‌جمهور در ابتدای سال از وجود منابع کافی ارزی خبر می‌دهد و علت عدم تزریق ارز به بازار را حفظ ذخایر ارزی در شرایط سخت‌تر پیش‌رو اعلام می‌کند، اما در ۴ دی‌ماه در مجلس اظهار می‌کند که به‌هیچ‌وجه ارزی در بساط نبوده است؛ سپس آشکار می‌شود که میلیاردها دلار، که از پیش مشخص بود که به‌زودی به دلیل تحریم‌ها بسیار ارزشمندتر می‌شوند، به قیمت ۴۲۰۰ تومان به حساب دوستان و رفقای درون قدرت واریز شده است که این میزان تا ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است. خیر فضاحت‌های مالی دریافت‌کنندگان این ارزها با افزایش قاچاق خودرو آغاز شد؛ سپس مشخص شد ارز برای واردات دارو به مصرف واردات کالاهای لوکس رسیده، به تعداد زیادی از دوستان و رفقا برای واردات گوشی همراه اختصاص یافته که یا وجود

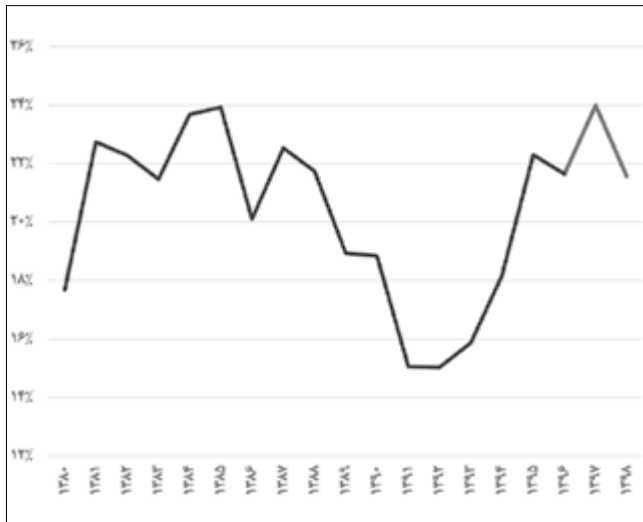
خارجی ندارند، یا وارداتی صورت نگرفته و یا به تعدادی که باید صورت می‌گرفت وارد نشده و همگی هم با قیمت‌های ارز بالای ۱۰ هزار تومان وارد بازار شده است. رئیس‌جمهور برای کاستن از فشار افکار عمومی به وزیر صنعت وقت (و تعاون، کار و رفاه کنونی) دستور می‌دهد ظرف دو هفته در خصوص فضاحت خودروهای قاچاق و تخصیص ارز برای واردات کالاهای دیگر گزارش بدهد که هیچ‌گاه چنین گزارشی منتشر نشد. میلیاردها دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات نیازهای اساسی مردم تخصیص داده می‌شود و گوشت وارداتی که باید کیلویی ۲۰ هزار تومان به دست مردم برسد، به قیمت ۴۰ هزار تومان عرضه می‌شود؛ و چنین است بقیه کالاهای اساسی موردنیاز مردم که البته پیش‌تر از این، اختراهای قاچاق آن تحت عنوان رشد صادرات داده شده بود. نظارت عمومی بر قیمت‌ها هم «ندای قدرت پول» را مدت‌هاست شنیده و به آن پاسخ داده است.

این گزارش اگرچه بر لایحه بودجه متمرکز است، تأملی است بر مصائب و نابخردی‌های سه دهه گذشته؛ اما به شیوه‌ای دیگر یک دعوت گستاخانه و جاه‌طلبانه به یک تجدید حیات فرهنگ سیاسی و تغییر چشم‌انداز اجتماعی است، دعوت به یک تجدید انرژی مدنی و خلاقیت مدنی است. نگارندگان این سطور امید دارند که این گزارش دیگران را به طرح این پرسش وادار کند که چگونه می‌توان این تجدید حیات ضروری را پیش برد. بازگشت به قانون اساسی و تعهدات حکومت و دولت در برآورده ساختن حق دسترسی به آموزش و پرورش همگانی، حق دسترسی به خدمات سلامت، حق دسترسی به سرپناه برای عموم مردم، حق فرصت‌های برابر و عادلانه برای رشد و حق کار برای همه، گام نخست در برپایی یک اقتصاد مدنی و مردمی است که در آن سخت‌کوشی، پاداش عادلانه، احترام به حقوق همه آحاد مردم، مصرح در قانون اساسی، زمینه‌های احیای یک اقتصاد اخلاقی است.

### بودجه کل کشور

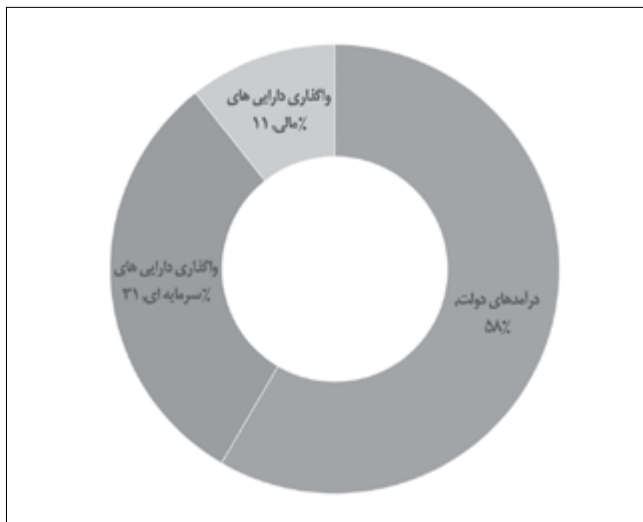
مبلغ کل بودجه کشور بالغ بر ۱۷۵۰ هزار میلیارد تومان در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ است که ۳۷ درصد رشد نسبت به بودجه مصوب سال قبل از آن نشان می‌دهد. از این مبلغ ۴۷۹ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی دولت (با ۷.۸ درصد رشد) و ۱۲۷۵

نمودار ۲: نسبت بودجه عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی ایران در دوره ۹۸-۱۳۸۰



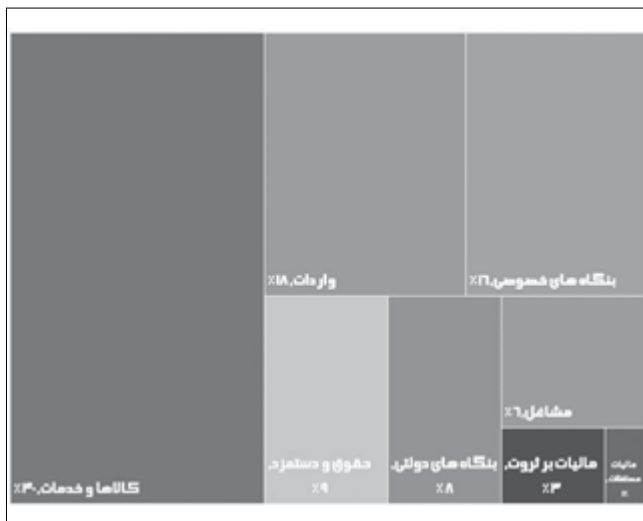
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و لوایح بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

نمودار ۴: سهم منابع بودجه در لایحه بودجه ۱۳۹۸



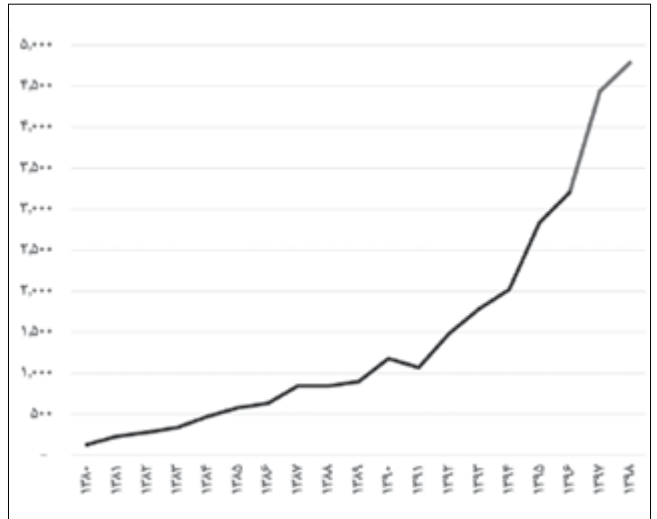
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸

نمودار ۶: سهم بخش‌های مالیاتی از کل مالیات‌ها در لایحه بودجه ۱۳۹۸



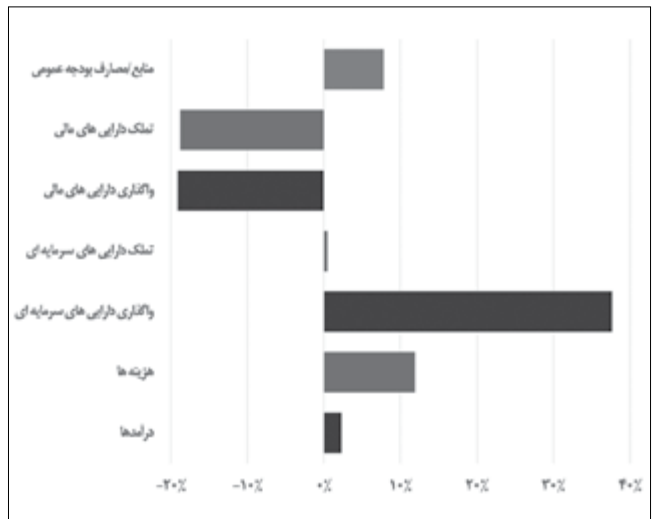
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸

نمودار ۱: رشد بودجه عمومی دولت در دوره ۹۸-۱۳۸۰ (هزار میلیارد ریال)



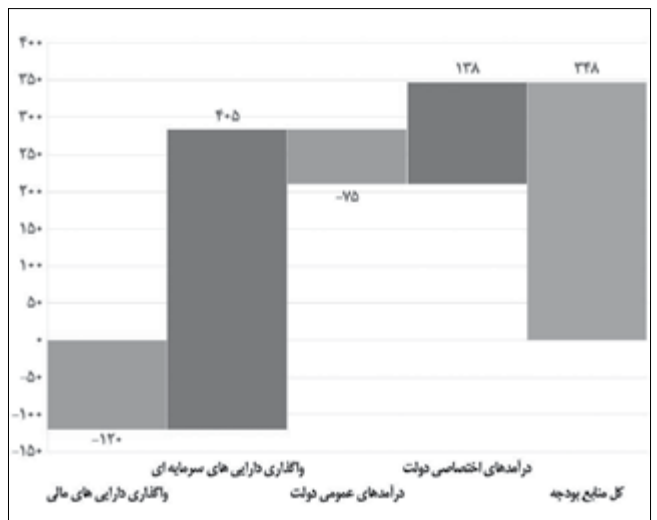
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و لوایح بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

نمودار ۳: تغییرات منابع و مصارف در لایحه بودجه ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب ۱۳۹۷



مرجع: داده‌های بودجه مصوب سال ۱۳۹۷ و لایحه بودجه سال ۱۳۹۸

نمودار ۵: تغییرات منابع در لایحه بودجه ۱۳۹۸ نسبت به بودجه ۱۳۹۷ (میلیارد ریال)



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و لوایح بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸



نشده است. مالیات‌های مرسوم دنیا از قبیل مالیات بر عایدی سرمایه و مالیات‌های املاک و مستغلات (راکد، ارث، فروش، معاملات)، در ایران دریافت نمی‌شود یا نازل است. مالیات املاک و مستغلات فقط یک درصد از کل درآمدهای مالیاتی و ۰.۰۷ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۸ خواهد بود که نسبت به کشورهای دیگر (با سهم ۰.۵ تا ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی) بسیار ناچیز است (نمودار ۱۰). فهرست انواع مالیات‌ها و عوارضی که بر املاک در دیگر کشورها وضع می‌گردد، طولانی است که به عنوان کلی آن‌ها اشاره می‌شود؛ (۱) عایدی سرمایه (ارزش افزوده زمین)، (۲) زمین بایر، (۳) خانه‌های خالی، (۴) ساختمان‌های نیمه‌ساز، (۵) مسکن مازاد (املاک مازاد بر احتیاج یک خانوار)، (۶) مسکن لوکس و ویلا (بر اساس سطح زیربنا، منطقه و ...)، (۷) ارزش افزوده تولید ساختمان، (۸) محیط زیست از ساختمان‌های ویلایی واقع در مناطقی از قبیل جنگل‌ها و کناره رودخانه‌ها، (۹) اراضی کشاورزی از ساختمان‌های مسکونی و به‌خصوص غیرمسکونی واقع در اراضی کشاورزی، (۱۰) نقل و انتقال (واقعی‌سازی)، (۱۱) ارث املاک و (۱۲) اجاره ساختمان (واقعی و منطقی‌سازی). در چین مالیات‌های متنوعی بر زمین و ساختمان وضع شده است. این مالیات‌ها شامل موارد متنوعی از قبیل منابع، نگهداری شهری و ساخت‌وساز، مسکن، املاک شهری، استفاده از زمین شهری، ارزش افزوده زمین و تصاحب زمین کشاورزی می‌شود. در مقایسه با چین، اگر مالیات‌های زمین و مسکن مشابهی در ایران اخذ می‌شد، درآمد سالانه آن به حدود ده درصد درآمد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) یا حجم کل مالیات وصولی کشور بالغ می‌شد. همچنین اگر در حد و اندازه سهم مالیات مستغلات از اقتصاد کشورهایی مانند ژاپن، فرانسه یا انگلستان، در ایران این مالیات وصول گردد، ۲۰ درصد از بودجه عمومی لایحه سال ۱۳۹۸ پوشش داده خواهد شد. نظر به وجود بازار سنتی خرده‌فروشی نامتشکل و دشواری‌های دیگر، بخش قابل‌توجهی از مالیات ارزش افزوده (مهم‌ترین قلم مالیاتی) که در اصل مالیات مصرف است، از تولیدکنندگان کالاهای مصرفی و نهایی داخلی که عمدتاً شامل صنایع کوچک و متوسط هستند اخذ می‌شود. اخذ مالیات و عوارض شرکتی، واردات یا ارزش افزوده از مواد اولیه و خام مصرفی

افزایش این دو قلم مالیاتی بیش از کل افزایش مالیات‌ها در لایحه است. سهم مالیات‌های ثروت و مستغلات از کل درآمدهای مالیاتی لایحه فقط ۳.۷ درصد است و هنوز مالیات عایدی بر سرمایه در بین اقلام مالیاتی جایی ندارد (نمودار ۷). در مردادماه ۱۳۹۷ شورای عالی هماهنگی اقتصادی (سه قوه) مصوبه‌ای را تصویب کرد که بر اساس آن، در صورت انتقال سود سهام به حساب سرمایه، سود شرکت‌های بورسی از مالیات معاف شوند. با توجه به این ابلاغیه، علاوه بر بنیادها و نهادهای اغلب صنایع بزرگ شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی (به‌ویژه سودده) نیز کم و بیش از شمول مالیات‌دهی معاف شدند که نتیجه آن در رشد منفی مالیات بنگاه‌ها در عملکرد هفت‌ماهه سال ۱۳۹۷ و لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ ملاحظه می‌شود. این معافیت گسترده در شرایطی اتفاق افتاده است که با توجه دو برابر شدن نرخ ارز، این بنگاه‌ها از افزایش درآمد فروش حدود دو برابر و از سوی دیگر افزایش به‌مراتب کمتر هزینه‌های تولید برخوردارند. به‌عبارتی هزینه به ریال کم‌ارزش و فروش به دلار پر قدرت بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رانت و منافع در سال جاری ایجاد کرد که با دستور شورای عالی اقتصادی سه قوه کم و بیش از مالیات معاف شد. علاوه بر این‌ها صادرکنندگان مواد خام و اولیه که در سال جاری از رانت افزایش نرخ ارز و آربیتراژ ارزی منافع کلان کسب کردند نیز معافیت مالیاتی کامل دارند. در همین حال تولیدکنندگان و صادرکنندگان مواد اولیه و خام با ایجاد اشتغال پایین، مشارکت پایینی در پرداخت مالیات تأمین اجتماعی دارند. بر اساس لایحه بودجه ۱۳۹۸، نسبت مالیات بر درآمد بنگاه‌ها به تولید ناخالص داخلی در ایران، برای کل بنگاه‌ها ۱.۷ درصد (و بنگاه‌های خصوصی ۱.۱) درصد است و در همین حال این نسبت برای کشورهای مالزی ۶.۵ درصد، استرالیا ۴.۳ درصد، ژاپن ۳.۸ درصد، کره جنوبی ۳.۶ درصد، چین ۳.۵ درصد، هند ۳.۳ درصد، سوئیس ۳ درصد، انگلستان ۲.۸ درصد، سوئد ۲.۵ درصد و آمریکا ۲.۲ درصد است (نمودار ۹). به‌عبارتی بنگاه‌ها (به‌ویژه صنایع بزرگ بالادستی سودده با رانت‌های بالا از اقتصاد)، سهم بسیار پایینی در تأمین هزینه‌های اداره کشور دارند. در زمینه مالیات‌ستانی اشاره‌ای به اخذ مالیات از درآمدها و منافع کلان مانند سود سپرده‌های بانکی یا مستغلات در لایحه بودجه

هزار میلیارد تومان بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت (با ۵۲ درصد رشد) است. مخارج عمومی دولت به ازای هر شهروند کشور ۵.۸ میلیون تومان در سال ۱۳۹۸ خواهد بود. با توجه به برآورد نرخ تورم سالانه حدود ۳۰ درصد در سال جاری و حدود ۲۰ درصد در سال آینده، بودجه عمومی دولت به‌شدت انقباضی محسوب می‌شود.

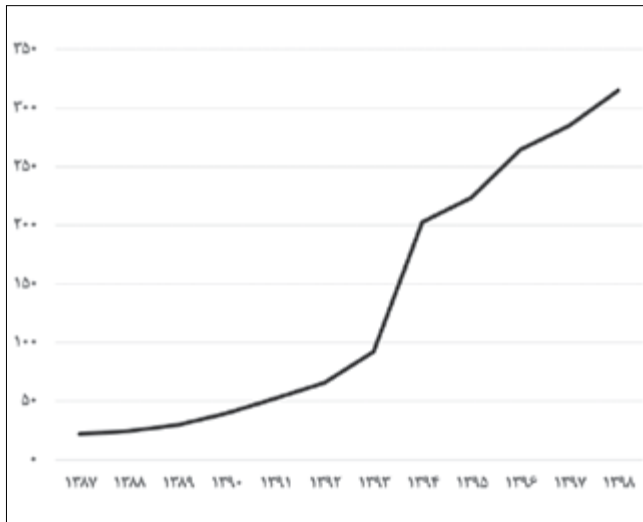
### منابع بودجه عمومی کشور

در بخش منابع بودجه؛ (۱) درآمدهای دولت (با ۲.۳ درصد رشد در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۹۷) ۲۸۰ هزار میلیارد تومان است که سهم ۵۸ درصدی از کل منابع بودجه دارد، (۲) واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (با ۳۸ درصد رشد) ۱۴۸ هزار میلیارد تومان است که از سهم ۳۱ درصد برخوردار است و (۳) واگذاری دارایی‌های مالی (با ۱۹ درصد کاهش) ۵۱ هزار میلیارد تومان است که سهم ۱۱ درصدی دارد (نمودارهای ۳ و ۴). در نتیجه ضمن آنکه درآمدهای حقیقی دولت به میزان قابل‌توجهی کاهش دارد و از سوی دیگر واگذاری دارایی‌های مالی (در ظاهر) تنزل دارد، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای از رشد بالایی برخوردار است و سهم آن از ۲۴ درصد به ۳۱ درصد منابع بودجه افزایش یافته است. عامل مسلط افزایش منابع بودجه در لایحه، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای به میزان ۴۰ هزار میلیارد تومان است و در همین حال درآمدها فقط ۶۳۰۰ میلیارد تومان رشد دارد (نمودار ۵).

### درآمدهای مالیاتی

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، ۵۵ درصد از درآمدهای دولت را درآمدهای مالیاتی به میزان ۱۵۷ هزار میلیارد تومان تشکیل می‌دهد که ۳۳ درصد از منابع بودجه عمومی را شامل می‌شود و نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۹۷، ۸.۶ درصد رشد دارد. در این لایحه نسبت به لایحه مصوب سال ۱۳۹۷، مالیات اشخاص حقوقی (بنگاه‌ها) ۹ درصد کاهش، مالیات بر درآمدها ۲۷ درصد رشد، مالیات بر واردات ۸ درصد کاهش و مالیات بر کالاها و خدمات ۲۴ درصد رشد دارد (نمودار ۶). در نتیجه افزایش بار مالیاتی دولت به عهده کارمندان و کارگران و صاحبان مشاغل و همچنین مصرف‌کنندگان و صنایع کوچک و متوسط قرار گرفته است. اقلام اصلی افزایش مالیات‌ها شامل مالیات مشاغل (با ۶۱ درصد رشد) و مالیات ارزش افزوده (با ۲۵ درصد رشد) است که مقدار

نمودار ۸: درآمد حاصل از خدمات بهداشتی و درمانی در لویج بودجه (هزار میلیارد ریال)



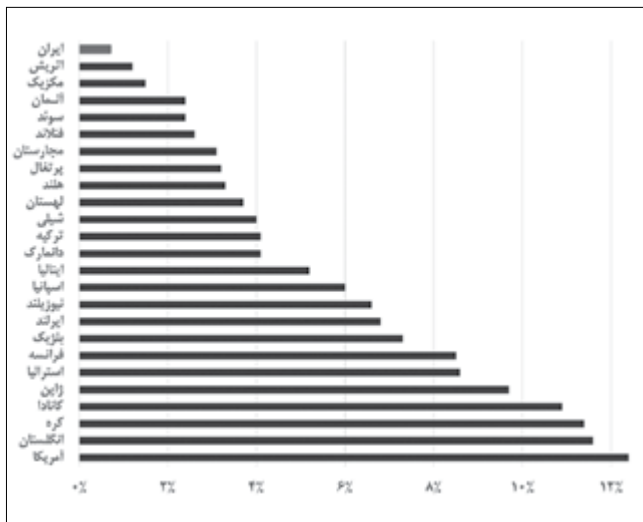
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس لویج بودجه کشور

نمودار ۷: رشد اقلام مالیاتی در لایحه بودجه ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب ۱۳۹۷



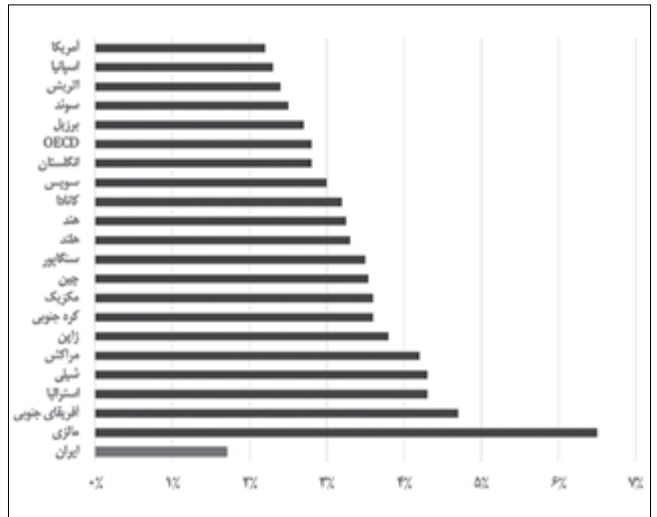
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و لویج بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

نمودار ۱۰: نسبت مالیات مستغلات به تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۶/۱۳۹۶)



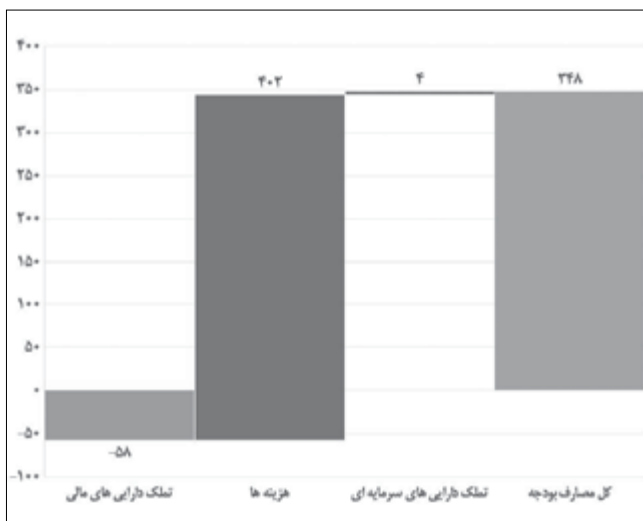
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

نمودار ۹: نسبت مالیات بنگاه‌ها به تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۷/۱۳۹۸)



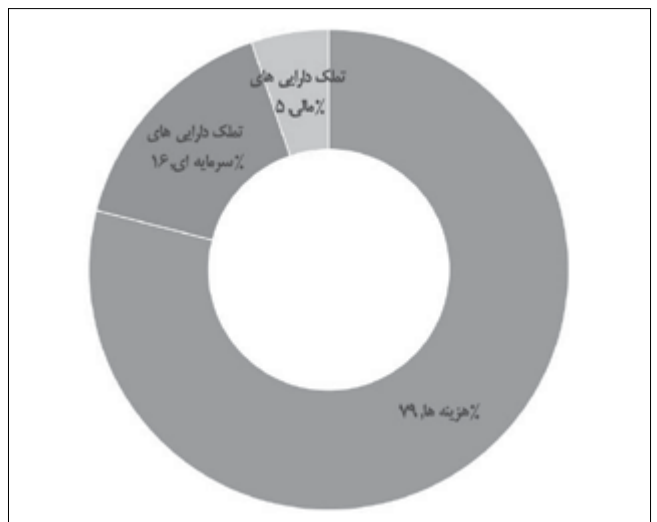
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی، لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

نمودار ۱۲: تغییرات مصارف در لایحه بودجه ۱۳۹۸ نسبت به بودجه ۱۳۹۷ (میلیارد ریال)



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و لویج بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

نمودار ۱۱: سهم مصارف بودجه در لایحه بودجه ۱۳۹۸



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸

تولیدکنندگان صنایع کوچک و متوسط کشور و معافیت صادرات از این مالیات‌ها موجب شده که این تولیدکنندگان در شرایط کاملاً غیررقابتی و نابرابر نسبت به رقبای خارجی قرار گیرند. به‌طور کلی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، نه‌تنها منابع درآمدی مالیاتی جدید از صاحبان درآمدهای بالا ایجاد نشده که برندگان شرایط رانتی سال ۱۳۹۷ (بایستترین بهره‌مندی از اقتصاد کشور) نیز از مالیات معاف شده‌اند و در نتیجه سهم مالیات‌ها از بودجه رشد نیافته است. نکته حائز اهمیت برخورد دوگانه مالیاتی دولت بین فرادستان و حقوق‌بگیران است، چنانچه با وجود کاهش شدید ارزش پول ملی، سقف معافیت مالیاتی سالانه حقوق‌بگیران به میزان ۲۷٫۶ میلیون تومان (ماهانه ۲٫۳ میلیون تومان) در بودجه مصوب سال ۱۳۹۷، در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کماکان ثابت باقی مانده است.

#### درآمدهای حاصل از مالکیت دولت

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۹۷، درآمدهای حاصل از مالکیت دولت ۱۷ درصد کاهش دارد و به ۳۲ هزار میلیارد تومان تنزل یافته است. در این بخش سود سهام شرکت‌های دولتی ۵۲ درصد کاهش و سایر درآمدهای حاصل از مالکیت دولت ۵۳ درصد افزایش یافته است. در لایحه بودجه درآمد حاصل از بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن ۱۵۰۰ میلیارد تومان می‌باشد که معادل حدود ۱۵۰ میلیون دلار است. در شرایطی که زنجیره معدن و محصولات معدنی فقط بیش از ۱۰ میلیارد دلار صادرات دارد که از مالیات معاف می‌باشد، اخذ ۱۵۰ میلیون دلار بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن به مفهوم گذشتن از حق مردم به نفع ذی‌نفعان است. این در شرایطی است که افزایش قیمت‌های صادراتی و همچنین فروش داخلی محصولات این زنجیره به بیش از دو برابر در سال ۱۳۹۷ منافع بسیار کلانی را نصیب دست‌اندرکاران کرده است. در اینجا نیز ملاحظه می‌شود که وجود لابی‌های قدرتمند در بدنه دولت و مجلس که از سوی بخش‌های شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی حمایت می‌گردند، موجب شده که مزایا و منافع حاصل از معادن که حق مردم است، نصیب گروه‌های خاص و منتخب شود.

#### درآمدهای حاصل از فروش کالاها و خدمات و سایر درآمدها

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب سال قبل از آن، درآمدهای حاصل از

فروش کالاها و خدمات ۶ درصد افزایش دارد و به ۵۰ هزار میلیارد تومان بالغ شده است. در لایحه بودجه سهم درآمد حاصل از خدمات بهداشتی و درمانی به میزان ۳۱٫۵ هزار میلیارد تومان از کل این درآمدها ۶۳ درصد است که ۱۱ درصد افزایش دارد، اما بودجه امور سلامت ۹ درصد رشد یافته است (نمودار ۸). رشد ۷٫۲ درصدی خالص مخارج دولت در امور سلامت نشان می‌دهد که با توجه به کاهش شدید ارزش پول، نقش دولت در این حوزه به میزان قابل‌ملاحظه‌ای کم‌رنگ‌تر شده و فشار بیشتری بر روی مخارج خانوارها وارد خواهد شد.

در لایحه بودجه، درآمدهای حاصل از جرائم و خسارات ۲۱ درصد کاهش و درآمدهای متفرقه کم و بیش بدون تغییر باقی مانده است. ۸۰ درصد این درآمدها به میزان ۴ هزار میلیارد تومان، شامل جرائم رانندگی می‌باشد.

#### واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۹۷، درآمدهای حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای به میزان ۳۷ درصد افزایش یافته و به ۱۴۸ هزار میلیارد تومان بالغ شده است. منابع حاصل از نفت و فرآورده‌های نفتی به مبلغ ۱۴۳ هزار میلیارد تومان ۹۶ درصد از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای را شامل می‌گردد که از رشد ۴۱ درصدی در لایحه برخوردار می‌باشد.

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، مجموع صادرات روزانه نفت خام و میعانات گازی ۱۵۴۴ میلیون بشکه در روز (۳۶ درصد کمتر از بودجه سال ۱۳۹۷) با قیمت ۵۴ دلار (۲ درصد کمتر از بودجه سال ۱۳۹۷) در هر بشکه در نظر گرفته شده است. سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت (نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز) از ۳۲ درصد در بودجه مصوب سال ۱۳۹۷ به ۲۰ درصد در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ تنزل یافته است و سهم شرکت‌های ملی نفت یا گاز ۱۴٫۵ درصد می‌باشد. درآمد حاصل از صادرات نفت ۳۰٫۵ میلیارد دلار و خالص صادرات گاز ۳٫۴ میلیارد دلار در نظر گرفته شده که سهم دولت از آن‌ها ۲۱٫۲ میلیارد دلار است. در بودجه مصوب سال ۱۳۹۷ سهم بودجه دولت از درآمدهای صادرات نفت ۲۷ میلیارد دلار با نرخ تسعیر ارز ۳۵۰۰ تومان در نظر گرفته شده بود که ۹۵ هزار میلیارد تومان درآمد ریالی ایجاد می‌کند. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، درآمدهای

ارزی جهت مصارف بودجه ۲۱ میلیارد دلار در نظر گرفته شده که ۱۴ میلیارد دلار آن جهت تأمین کالاهای اساسی با نرخ تسعیر ارز ۴۲۰۰ تومان و ۷ میلیارد دلار آن با نرخ تسعیر ارز ۸۰۰۰ تومانی نیما در بودجه وارد می‌شود که در نتیجه ۱۲۲ هزار میلیارد تومان درآمد ریالی به خزانه دولت واریز می‌شود. علاوه بر این ۲۵۳ میلیارد دلار میعانات گازی به پتروشیمی‌ها به فروش می‌رسد که سهم ارزی دولت از آن ۲۰۱۷ میلیارد دلار است و درآمد ریالی ۱۷۰۳ هزار میلیارد تومانی به منابع دولت اضافه می‌گردد. در هر صورت سهم و وزن مستقیم نفت (از مسیر افزایش نرخ ارز) از ۲۳ درصد منابع بودجه عمومی دولت به ۳۰ درصد در لایحه بودجه ۱۳۹۸ افزایش پیدا می‌کند.

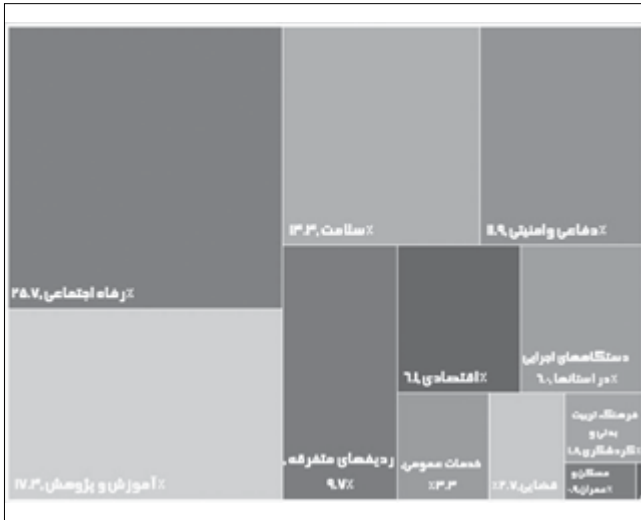
#### واگذاری دارایی‌های مالی

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب سال قبل از آن، حجم واگذاری دارایی‌های مالی ۱۹ درصد کاهش یافته و به ۵۱ هزار میلیارد تومان تنزل پیدا کرده است. کاهش حجم واگذاری دارایی‌های مالی از کم شدن میزان انتشار اوراق قرضه ناشی نمی‌شود و به‌علت انتقال منابع حاصل از استفاده از صندوق توسعه ملی به بخش درآمدهای حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای است. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ منابع حاصل از فروش و واگذاری انواع اوراق مالی اسلامی ۱۴ درصد رشد یافته است و به ۴۴ هزار میلیارد تومان (شامل ۱۳ هزار میلیارد تومان فروش اسناد خزانه اسلامی و ۲۹ هزار میلیارد تومان انتشار اوراق مالی اسلامی) بالغ می‌گردد. در این لایحه منابع حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی با ۴۷ درصد کاهش ۳۶۰۰ میلیارد تومان است.

#### مصارف بودجه عمومی کشور

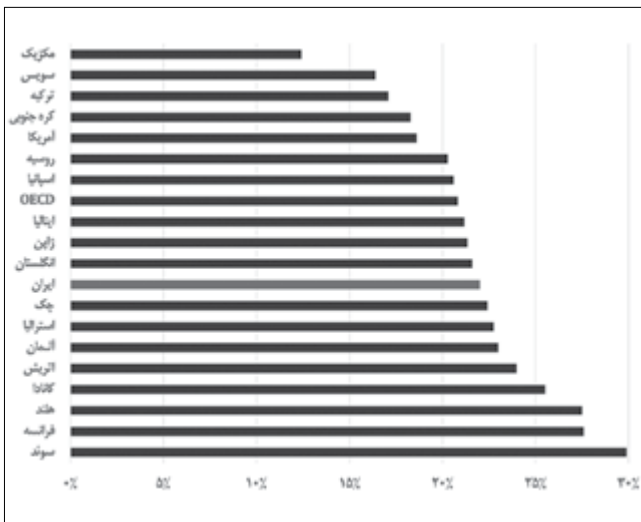
در بخش مصارف بودجه؛ (۱) هزینه‌ها (با ۱۲ درصد رشد نسبت به لایحه بودجه سال ۱۳۹۷) ۳۷۸ هزار میلیارد تومان می‌باشد که سهم ۷۹ درصدی از کل مصارف بودجه را دارد، (۲) تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (با ۰٫۵ درصد رشد) ۷۶ هزار میلیارد تومان است که از سهم ۱۶ درصد برخوردار می‌باشد، (۳) تملک دارایی‌های مالی (با ۱۹ درصد کاهش) ۲۵ هزار میلیارد تومان است که سهم ۵ درصدی دارد (نمودارهای ۳ و ۱۱). هزینه‌ها تنها عامل رشد مصارف بودجه در لایحه محسوب می‌شود (نمودار ۱۲). از کل تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ۷۴ درصد آن شامل طرح‌های

نمودار ۱۴: سهم امور ده گانه بودجه در لایحه بودجه ۱۳۹۸



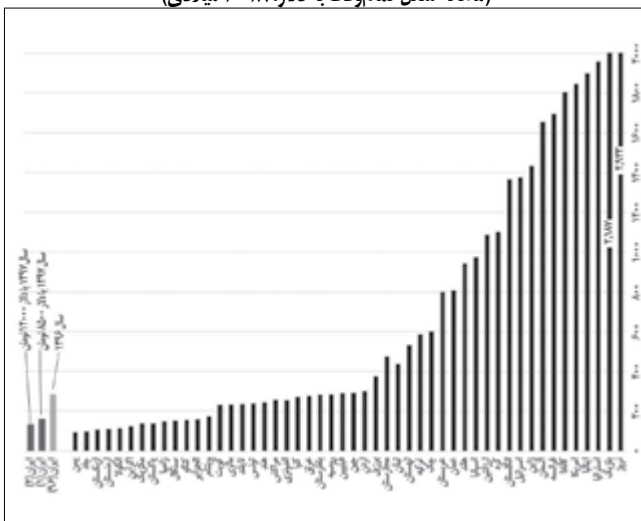
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸

نمودار ۱۶: نسبت بودجه عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۷/۱۳۹۸)



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی، لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

نمودار ۱۸: حداقل دستمزدها در ایران و ۵۰ کشور جهان (ماهانه شغل تمام وقت به دلار، ۲۰۱۸ میلادی)



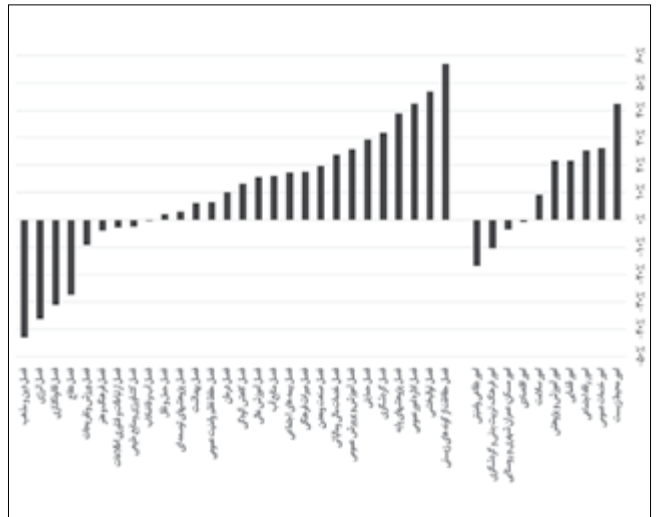
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک جهانی و مراکز رسمی دیگر

نمودار ۱۳: سهم مصارف و فصل‌های هزینه‌های بودجه در لایحه بودجه ۱۳۹۸



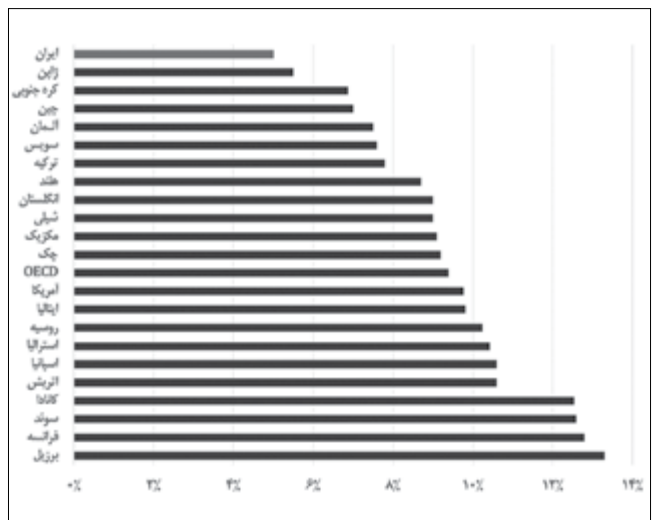
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸

نمودار ۱۵: تغییرات مصارف امور ده گانه و فصل‌های مهم بودجه لایحه بودجه ۱۳۹۸ نسبت به بودجه ۱۳۹۷



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و لویج بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

نمودار ۱۷: نسبت حقوق و دستمزد کارکنان دولت به تولید ناخالص داخلی (۲۰۱۷/۱۳۹۸)



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی، لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی



ساختمانی و سایر مستحدثات است. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، بازپرداخت اصل اوراق مالی ۱۹۲۰۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده که ۷۷ درصد تملک دارایی‌های مالی را شامل می‌گردد که نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۹۷، ۱۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. البته ۷۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار بازپرداخت اوراق در قالب دیگری (هزینه قابل انتقال به سقف دوم بودجه) تخصیص یافته است. همچنین در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ به دولت اجازه داده شده است، از محل وصول مازاد منابع عمومی (به‌ویژه منابع حاصل از صادرات نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز)، اصلاحات ساختاری و همچنین برداشت مجاز از صندوق توسعه ملی، مصارف عمومی را تا سقف ۴۰ هزار میلیارد تومان (به میزان مساوی جهت تقویت توان دفاعی و مصارف معرفی شده در جدول شماره ۲۱ لایحه بودجه) افزایش دهد.

#### امور ده‌گانه بودجه

امور چهارگانه رفاه اجتماعی (با سهم ۲۵.۷ درصد)، آموزش و پرورش (۱۷.۴ درصد)، سلامت (۱۴.۴ درصد) و دفاعی و امنیتی (۱۱.۹ درصد) در مجموع ۷۰ درصد از کل بودجه عمومی (هزینه‌ای و سرمایه‌ای) کشور در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ را شامل می‌شوند. سهم امور فرهنگی، تربیت‌بدنی و گردشگری ۱.۸ درصد، مسکن و عمران شهری و روستایی ۰.۹ درصد و محیط زیست فقط ۰.۰۹ درصد از کل بودجه کشور است (نمودارهای ۱۳ و ۱۴). بایستی توجه داشت که امور کشور دارای درآمد هستند، به‌عنوان مثال حدود نیمی از بودجه امور سلامت تحت عنوان درآمد خدمات درمانی یا یک‌سوم بودجه امور قضائی تحت عنوان درآمد خدمات قضائی از مردم اخذ می‌شود. سهم بالای امور رفاهی تا حد زیادی ناشی از سیاست‌های اقتصادی غیرمردمی دولت‌ها (به‌ویژه بنگاهداری مستقیم و غیرمستقیم و حمایت از بنگاه‌های بزرگ شبه‌دولتی با اشتغال‌زایی پایین و تضعیف و تحدید صنایع کوچک و متوسط) و برداشت مستمر آن‌ها از صندوق‌های بازنشستگی و ورشکستگی این صندوق‌ها است.

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب سال ۱۳۹۷، مجموع امور ده‌گانه هزینه‌ای بودجه ۱۰ درصد رشد یافته و تغییرات مهم بودجه‌ای به شرح زیر ایجاد شده است (نمودار ۱۵):

- (۱) امور خدمات عمومی ۲۶ درصد افزایش: فصل اداره امور عمومی ۴۲ درصد و فصل خدمات مالی و مالیاتی ۲۴ درصد رشد
  - (۲) امور دفاعی و امنیتی ۱۷ درصد کاهش: فصل دفاع ۲۷ درصد کاهش و فصل حفظ نظم امنیت عمومی ۶ درصد رشد
  - (۳) امور قضائی ۲۲ درصد افزایش
  - (۴) امور اقتصادی یک درصد کاهش: فصل انرژی ۳۶ درصد کاهش، فصل صنعت و معدن ۲۰ درصد رشد و فصل منابع آب ۱۶ درصد رشد
  - (۵) امور محیط زیست ۴۲ درصد افزایش: فصل کاهش آلودگی ۱۳ درصد و فصل حفاظت از گونه‌های زیستی ۵۷ درصد رشد
  - (۶) امور مسکن و عمران شهری و روستایی ۴ درصد کاهش: فصل توسعه و خدمات شهری، روستایی و عشایری ۷ درصد کاهش و فصل آب و فاضلاب بدون تغییر
  - (۷) امور سلامت ۹ درصد افزایش: فصل بهداشت ۶ درصد رشد و فصل درمان ۱۰ درصد رشد
  - (۸) امور فرهنگ، تربیت‌بدنی و گردشگری ۱۰ درصد کاهش: فصل دین و مذهب ۴۳ درصد کاهش، فصل ورزش و تفریحات ۹ درصد کاهش، فصل فرهنگ و هنر ۴ درصد کاهش، فصل میراث فرهنگی ۱۸ درصد رشد، فصل رسانه ۵ درصد رشد و فصل گردشگری ۳۲ درصد رشد
  - (۹) امور آموزش و پژوهش ۲۲ درصد افزایش: فصل آموزش و پرورش عمومی ۲۶ درصد رشد، فصل آموزش عالی ۱۶ درصد رشد و فصل پژوهش‌های پایه و توسعه‌ای ۱۵ درصد رشد.
  - (۱۰) امور رفاهی و اجتماعی ۲۵ درصد افزایش: فصل بیمه‌های اجتماعی ۱۷ درصد، فصل حمایتی ۲۹ درصد و فصل توان‌بخشی ۴۷ درصد رشد.
- در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، با وجود اینکه اظهار می‌شود حقوق کارکنان دولت حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است، اما با توجه به برآورد تورم تجمعی کالاها و خدمات مصرفی بین ۶۰ تا ۷۰ درصد در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، افزایش تجمعی حقوق و دستمزد به میزان ۳۰ درصد جوابگوی افزایش قیمت‌ها نخواهد بود. نسبت حقوق و دستمزد کارکنان دولت به تولید ناخالص داخلی حدود ۵ درصد در سال ۱۳۹۸ خواهد بود که نزدیک به نصف نسبت سال‌های دهه هشتاد و همچنین بسیاری از

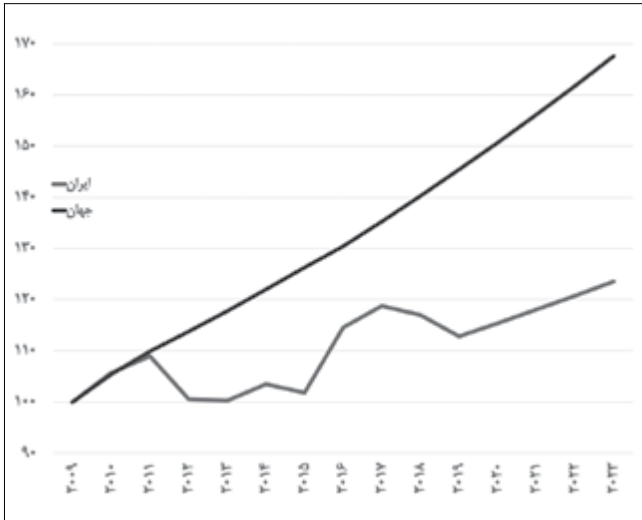
کشورهای جهان (به‌ویژه توسعه‌یافته) است. در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، سهم حقوق و دستمزد از کل مخارج عمومی دولت ۲۰ درصد می‌باشد. کاهش شدید ارزش حقیقی حقوق و دستمزدها و سهم آن از اقتصاد کشور، اثر مالیات تورمی ناشی از شوک ارزی را به‌وضوح نشان می‌دهد. موضوع کلیدی این است که کاهش سهم حقوق‌بگیران از اقتصاد در مقابل کم و بیش متناسب با افزایش سهم گروه‌های اقتصادی بهره‌مند از رانت افزایش نرخ ارز و منافع حاصله از بی‌ثباتی اقتصاد کلان کشور است که در همین حال از معافیت‌های مالیاتی بیشتر و گسترده‌تر برخوردار شده‌اند. به همین علت است که مالیات تورمی بدترین نوع مالیات محسوب می‌شود، زیرا بر روی اقشار متوسط و ضعیف متمرکز شده و به نفع فرادستان تمام می‌شود.

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، سهم رفاه اجتماعی و حقوق و دستمزد کارکنان دولت از کل مخارج دولت ۴۶ درصد می‌باشد. بایستی توجه داشت که با توجه به افزایش تورمی حجم اسمی اقتصاد در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، هم سهم مخارج دولت از کل اقتصاد (در حدود ۲۰ درصد) و هم مجموع سهم رفاه اجتماعی و حقوق و دستمزد کارکنان دولت از کل مخارج دولت (و به همین ترتیب حجم اقتصاد) کاهش یافته و نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بالا نیست. (نمودارهای ۱۶، ۱۷ و ۲۲)

#### بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت

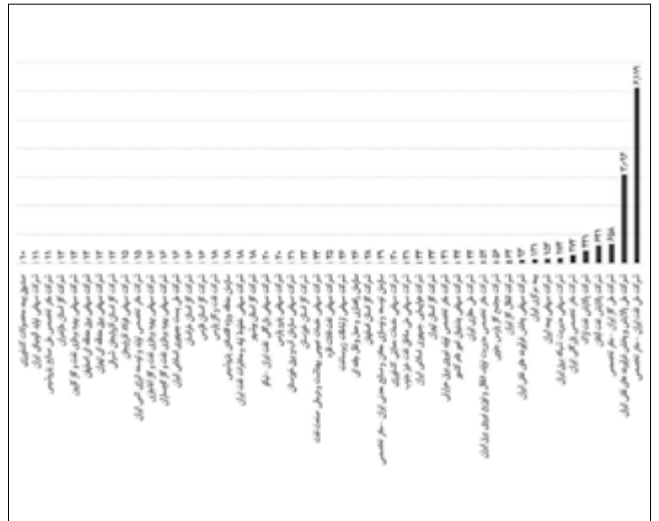
در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب سال قبل از آن، بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت با ۵۲ درصد افزایش به ۱۲۷۵ هزار میلیارد تومان بالغ گردید (نمودار ۱۹). شرکت‌های دولتی با سهم ۹۱ درصد و رشد ۵۹ درصد و بانک‌ها با سهم ۸ درصد و رشد ۳.۵ درصد، در مجموع سهم ۹۹ درصد از کل بودجه این بخش را دارند. برحسب بودجه ۹۹ درصد از شرکت‌ها و بانک‌های دولتی سودده یا در نقطه سر بسر هستند. بخش غالب شرکت‌های دولتی در حوزه‌های نفت و گاز و برق و آب فعالیت دارند. شرکت‌های مادر تخصصی ملی نفت ایران و ملی گاز ایران با درآمد به ترتیب ۶۱۲ و ۶۶ هزار میلیارد تومان، بیش از نیمی از فعالیت شرکت‌ها و بانک‌های دولتی را شامل می‌گردند. بخش اصلی افزایش

نمودار ۲۰: رشد شاخص تولید ناخالص داخلی ایران و جهان (۱۰۰=۱۳۸۸/۲۰۰۹)



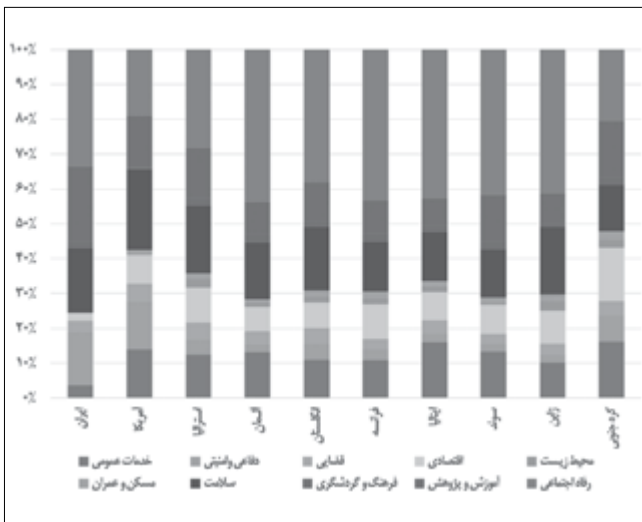
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول (سال ۲۰۱۸ میلادی به بعد برآورد)

نمودار ۱۹: بودجه (درآمد) ۵۰ شرکت بزرگ دولتی بودجه ۱۳۹۸ (هزار میلیارد ریال)



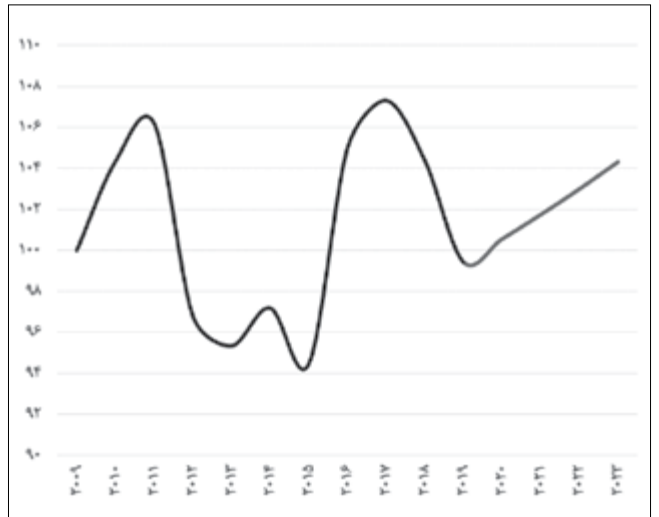
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸

نمودار ۲۲: ترکیب سهم امور ده‌گانه در هزینه لایحه بودجه ۱۳۹۸ ایران و بودجه کشورها



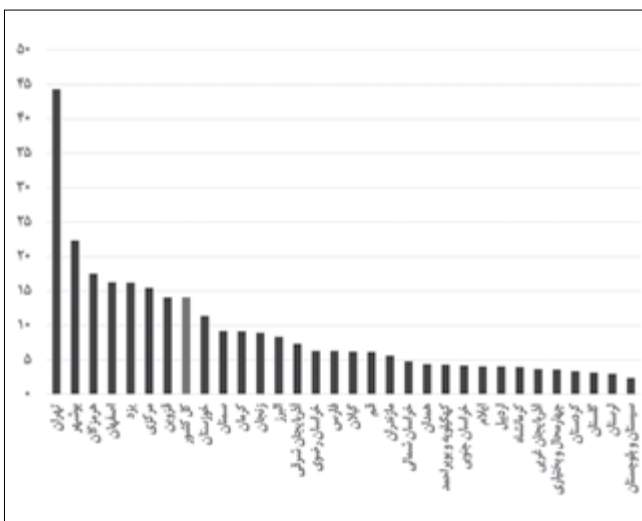
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های لایحه بودجه سال ۸۹۳۱ و بودجه کشورها (۶۱۰۲)

نمودار ۲۱: شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه ایران (سال ۱۰۰=۱۳۸۸/۲۰۰۹)



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول (سال ۲۰۱۸ میلادی به بعد برآورد)

نمودار ۲۴: سرانه درآمد استان‌ها در لایحه بودجه ۱۳۹۸ (میلیون ریال)



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ و مرکز آمار ایران

نمودار ۲۳: بهای روزانه سبب نفتی اوپک در سال ۲۰۱۸ میلادی (دلار در بشکه)



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های اوپک

بخش صنعت و معدن ایجاد واحدهای صنعتی و معدنی (معمولاً ناکارآمد و با هزینه بالا) و سپس واگذاری آن با بهای زیر قیمت به بخش به اصطلاح خصوصی است.

یکی از مهم‌ترین اشکالات تأمین منابع مالی از طریق استقراض در اقتصاد ایران این است که نظر به فساد و ناکارآمدی دستگاه‌ها و سایر عوامل (مانند سیاسی)، در عمل منجر به بزرگ‌تر شدن سهم بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی می‌شود. در نتیجه منابع مالی کشور از دسترس بخش خصوصی واقعی خارج شده و به سمت بخش‌های دولتی، شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی هدایت می‌گردد. یکی از کارکردهای بسیار مخرب استقراض در اقتصاد ایران خلق نقدینگی است که از طریق افزایش پایه پولی (استقراض دولت یا بانک‌ها از بانک مرکزی) یا ضرب فزاینده نقدینگی (ایجاد نقدینگی توسط بانک‌ها) عمل می‌کند.

#### عملکرد هفت‌ماهه بودجه سال ۱۳۹۷

عملکرد هفت‌ماهه بودجه سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که برحسب منابع، ۳۷ درصد از محل فروش نفت، ۳۱ درصد از محل مالیات‌ها و ۲۵ درصد از محل استقراض تأمین گردیده و برحسب مصارف ۷۸ درصد صرف پرداخت‌های هزینه‌ای، ۱۶ درصد صرف طرح‌های عمرانی و ۶ درصد صرف پرداخت بدهی‌های دولت شده است. در این مدت حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان به بدهی‌های دولت افزوده شده که دو برابر میزان مصوب است.

در هفت‌ماهه سال ۱۳۹۷ نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۹۶، منابع و مصارف بودجه عمومی دچار تحولات زیر شده‌اند:

- مصارف بودجه عمومی (مخارج دولت) ۳۱ درصد بالا رفته است که در این میان پرداخت‌های هزینه‌ای حدود ۲۱ درصد، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (طرح‌های عمرانی) ۱۲۲ درصد و تملک دارایی‌های مالی منفی ۱۵ درصد تغییر داشته است.

- منابع بودجه عمومی (درآمدهای دولت) ۲۳ درصد افزایش یافته است که عوامل مسلط منابع حاصل از نفت و فرآورده‌ها با ۵۵ درصد رشد (و سهم ۶۱ درصد) و واگذاری دارایی‌های مالی (استقراض) با ۴۳ درصد رشد (و سهم ۳۵ درصد) هستند. کل درآمدهای مالیاتی ۱۴ درصد افزایش، اما مالیات اشخاص حقوقی ۱۱ درصد کاهش یافته است. افزایش درآمدهای مالیاتی ناشی از مالیات واردات و مالیات بر کالاها و خدمات می‌باشد. سایر درآمدهای

۵ هزار میلیارد تومان توسط دولت جهت بازپرداخت اصل و سود اوراق سررسید شده در سال ۱۳۹۸.

- انتشار اوراق مالی اسلامی (ریالی یا ارزی) در سقف ۳۵۰۰ میلیارد تومان توسط وزارتخانه‌های نفت و صنعت، معدن و تجارت جهت طرح‌های نفت و گاز با اولویت میداین مشترک و طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای صنعتی و معدنی.

- انتشار ۳ میلیارد دلار اوراق مالی اسلامی (ریالی یا ارزی) توسط وزارت نفت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه ذی‌ربط جهت بازپرداخت اصل و سود اوراق ارزی-ریالی سررسید شده، تسهیلات بانکی و تضمین سررسید شده و همچنین بازپرداخت بدهی‌های سررسید شده به پیمانکاران قراردادهای بیع متقابل طرح‌های بالادستی نفت و گاز.

- بهادارسازی تا سقف ۲۰ هزار میلیارد تومان بخشی از بدهی‌های قطعی و حسابرسی شده توسط دولت جهت اجرای عملیات بازار باز و نیز توثیق اوراق مالی اسلامی دولتی نزد بانک‌ها توسط بانک مرکزی.

- مبلغ ۱۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای اتمام طرح‌های گازرسانی به روستاها، با اولویت روستاها و شهرهای استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، جنوب کرمان و خراسان جنوبی.

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ تا حدی حجم و تنوع استقراض افزایش پیدا کرده است و مجموع حجم اوراق مالی منتشره توسط دولت، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها به ۷۳ هزار میلیارد تومان بالغ می‌گردد. علاوه بر اوراق مالی، مجوز بهادارسازی بخشی از بدهی‌های دولت به بانک‌ها صادر شده است که هرچند در جمع بدهی‌های دولت تغییری ایجاد نمی‌کند، اما آن‌ها را به تعهد پرداخت و بار مالی بودجه‌ای در یک تا سه سال آینده تبدیل می‌کند.

موضوع قابل توجه استقراض وزارت صنعت، معدن و تجارت برای طرح‌های توسعه‌ای صنعتی و معدنی است، آن هم در شرایطی که با افزایش نرخ ارز و معافیت مالیاتی از طریق انتقال سود حساب سرمایه، سازمان‌های تحت پوشش این وزارتخانه مانند سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران که بخش اعظم معادن و صنایع بزرگ معدنی و فلزات اساسی را مدیریت می‌کند، منافع کلانی را تحصیل کرده‌اند. رویکرد سی‌ساله دولت در

بودجه شرکت‌ها و بانک‌های دولتی در لایحه بودجه مربوط به این دو شرکت است به صورتی که درآمد شرکت‌های ملی نفت و گاز در لایحه بودجه به ترتیب ۹۸ و ۱۹۱ درصد افزایش دارد. سازمان صدا و سیما با برآورد ۳۸۴۰ میلیارد تومان هزینه و ۲۰۰۰ میلیارد تومان درآمد، زیان ۱۸۴۰ میلیارد تومانی را به بودجه کشور وارد می‌کند.

#### تسهیلات تأمین مالی و انتشار اوراق قرضه در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸

- تسهیلات تأمین مالی خارجی (فاینانس) علاوه بر باقیمانده سهمیه سال قبل، معادل ریالی ۳۰ میلیارد دلار جهت طرح‌های دولتی و همچنین بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی.

- تسهیلات از محل منابع بانک‌های عامل به مبلغ ۴۰۰۰ میلیارد تومان جهت خرید تجهیزات آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی و فناوری از محل توثیق اموال در اختیار آن‌ها

- انتشار اوراق مالی اسلامی ریالی تا سقف ۴۵۰۰ میلیارد تومان توسط شرکت‌های دولتی جهت اجرای طرح‌های آن‌ها.

- انتشار اوراق مالی اسلامی (ریالی-ارزی) تا سقف مجاز اوراق منتشره تسویه نشده تا پایان سال ۱۳۹۸ به میزان ۲۹ هزار میلیارد تومان توسط دولت جهت طرح‌های نیمه‌تمام و طرح‌های ساماندهی دانشگاه‌ها، اعتبارات طرح‌های استانی و همچنین تعهدات قبلی.

- انتشار اوراق مالی اسلامی ریالی تا سقف مجاز ۵۵۰۰ میلیارد تومان توسط شهرداری‌های کشور و سازمان‌های وابسته، با اولویت حداقل ۵۰ درصد از سقف اوراق به طرح‌های قطار شهری و حمل و نقل شهری

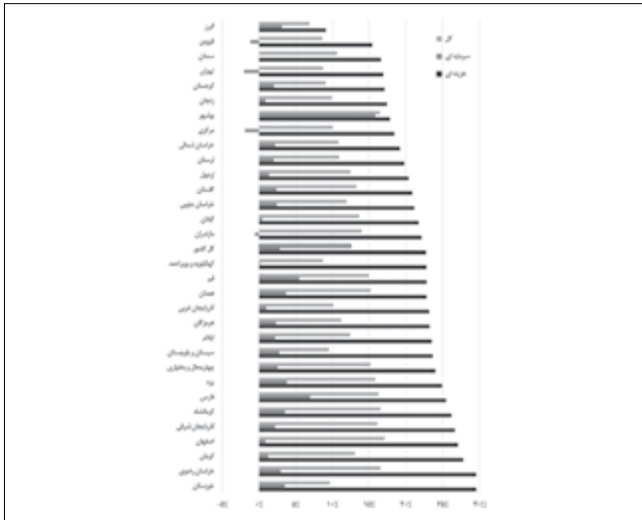
- صدور اسناد خزانه اسلامی با حفظ قدرت خرید و با سررسید تا سه سال تا سقف ۱۳ هزار میلیارد تومان توسط دولت جهت واگذاری به طلبکاران.

- انتشار اسناد تسویه خزانه تا مبلغ ۲ هزار میلیارد تومان توسط دولت جهت پرداخت بدهی‌های قطعی تا پایان سال ۱۳۹۷.

- انتشار اسناد خزانه اسلامی با سررسید کمتر از یک سال تا مبلغ ۱۰ هزار میلیارد تومان توسط دولت جهت استمرار جریان پرداخت‌های خزانه‌داری کل کشور (تخصیص‌های ابلاغی از سوی سازمان برنامه و بودجه با اولویت اعتبارات استانی).

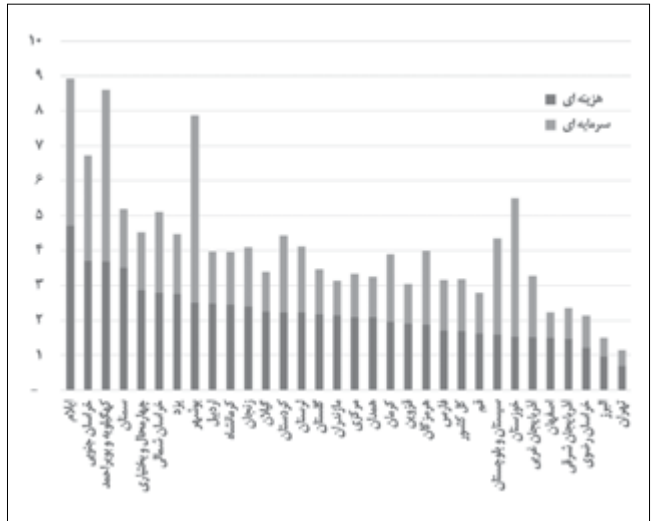
- انتشار اوراق مالی اسلامی ریالی تا معادل

نمودار ۲۶: تغییرات مصارف هزینه‌ای و سرمایه‌ای بودجه عمومی استان‌ها  
لایحه بودجه ۱۳۹۸ نسبت به بودجه ۱۳۹۷



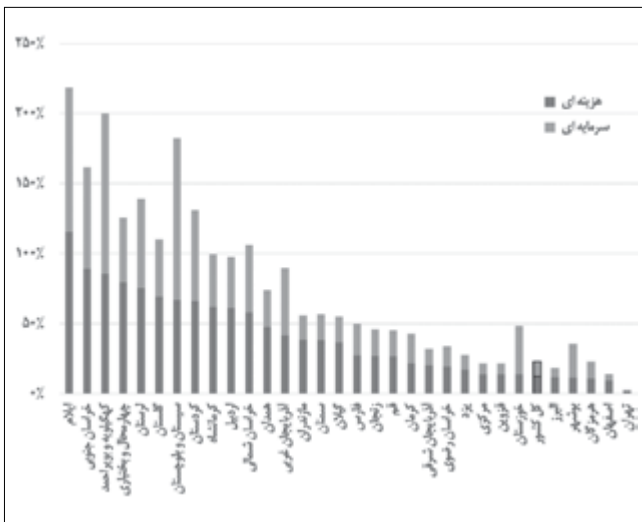
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و لویج بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

نمودار ۲۵: سرانه بودجه عمومی استان‌ها در لایحه بودجه ۱۳۹۸ (میلیون ریال)



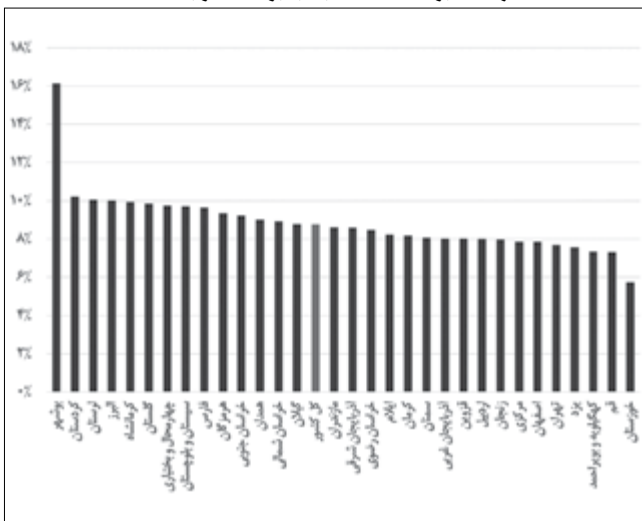
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ و مرکز آمار ایران

نمودار ۲۸: ضریب بازگشت درآمدهای استانی در لایحه بودجه ۱۳۹۸



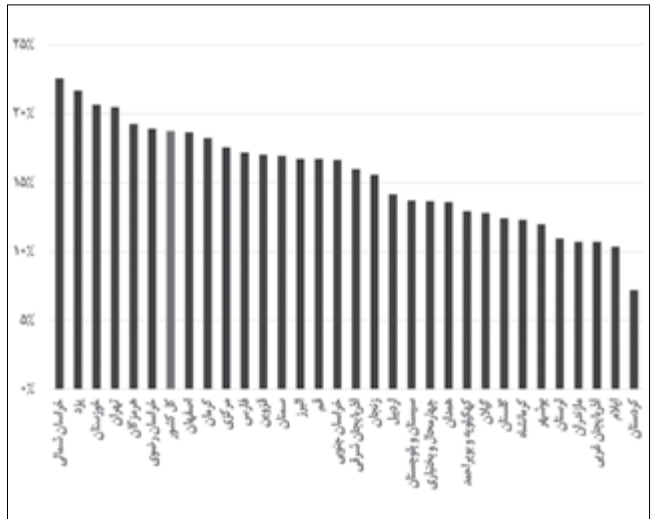
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و لویج بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

نمودار ۳۰: رشد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی  
در لایحه بودجه ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب ۱۳۹۷



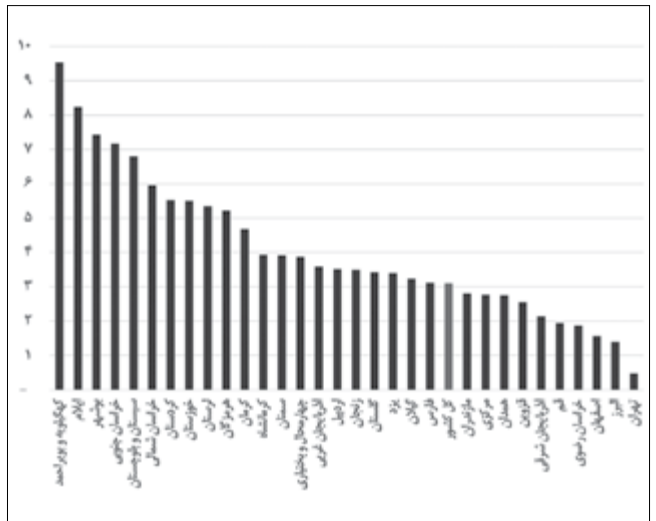
مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و لویج بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

نمودار ۲۷: رشد درآمدهای استانی در لایحه بودجه ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب ۱۳۹۷



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران و لویج بودجه سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

نمودار ۲۹: سرانه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی در لایحه بودجه ۱۳۹۸  
(میلیون ریال)



مرجع: یافته‌های تحقیق بر اساس داده‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۸



دولت کاهش قابل ملاحظه‌ای دارد.

در هفت‌ماهه سال ۱۳۹۷ دولت مخارج خود (به‌ویژه طرح‌های عمرانی) را به شدت افزایش داد و درآمد آن را از محل افزایش درآمدهای نفتی (افزایش نرخ ارز و تا حدی بالا رفتن قیمت نفت) و استقراض (همچنین پرداخت نکردن بدهی‌های قبلی) تأمین کرد. معافیت بخش قابل توجهی از بنگاه‌های بزرگ شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی سودده از پرداخت مالیات (طبق ابلاغیه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سه قوه) و از سوی دیگر تا حدی کاهش حاشیه سود و زیان‌دهی بنگاه‌های کوچک و متوسط، عوامل عدم تحقق و تنزل درآمدهای مالیاتی بنگاه‌های حقوقی به شمار می‌روند.

کسری تراز عملیاتی و سرمایه‌ای در هفت‌ماهه سال ۱۳۹۷ بالغ بر ۳۹ هزار میلیارد تومان شد که نسبت به مدت مشابه در سال قبل، ۷۵ درصد افزایش یافته است. در این مدت اگر دولت اقدام به افزایش نرخ ارز و استقراض نکرده بود، فقط ۶۹ درصد از منابع درآمدی‌اش محقق شده بود.

**جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها**  
عملکرد هفت‌ماهه بودجه کشور در سال جاری نشان می‌دهد که سهم درآمدهای نفتی و استقراض به شدت بالا رفته و به ترتیب به ۳۷ و ۲۵ درصد کل منابع دولت بالغ گردیده است. سهم درآمدهای نفتی از درآمدهای دولت (بدون استقراض) از ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۵۰ درصد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته و در مقابل سهم درآمدهای مالیاتی از ۴۱ به ۳۱ درصد کاهش پیدا کرده است. به عبارتی در سال جاری بخش اصلی منابع بودجه دولت از محل فروش نفت و استقراض تأمین می‌شود. افزایش ۵۵ درصدی منابع حاصل از نفت و فرآورده‌ها در شرایط تحریمی به‌وضوح نشان می‌دهد که چگونه دولت با افزایش نرخ ارز در پی کسب درآمد بوده است.

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸، منابع حاصل از نفت و فرآورده‌های نفتی ۴۱ درصد رشد دارد که در شرایط تحریم‌های سنگین (و کاهش قیمت نفت) فقط می‌تواند از افزایش نرخ ارز حاصل شود. با وجود کاهش میزان استقراض دولت، ۲۵ هزار میلیارد تومان به بدهی دولت افزوده خواهد شد که برآورد می‌شود در صورت تأمین آن از سیستم بانکی، فقط این عامل می‌تواند حدود ۱۰

درصد به حجم نقدینگی در سال ۱۳۹۸ اضافه کند. خطای راهبردی بزرگ پنج‌ساله اخیر دولت استقراض از بانک‌ها و از سوی دیگر افزایش ۴۴ درصدی ضریب فزاینده بود که منجر به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان خلق نقدینگی توسط بانک‌ها گردید. در شرایط کنونی با توجه به میزان نامتعارف و بالای ضریب فزاینده نقدینگی (۷.۲)، هرگونه استقراض مستقیم یا غیرمستقیم دولت از بانک‌ها یا بانک مرکزی منجر به افزایش شدید حجم نقدینگی خواهد شد، به صورتی که ۱۰ درصد استقراض بودجه عمومی، حدود ۲۰ درصد افزایش حجم نقدینگی را به دنبال خواهد داشت. به همین ترتیب استقراض شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی و دیگر بخش‌های اقتصادی با توجه به تنگنای اعتباری بانک‌ها و مؤسسات مالی مخاطره‌آمیز است. همچنین وضعیت به شدت بحرانی حدود نیمی از بانک‌های خصوصی به صورتی است که اگر اصلاحات نظام بانکی انجام نشود، آوار عظیم سیاست‌گذاری‌های مخرب اقتصادی و مالی پنج سال اخیر بر سر اقتصاد و دولت پایین خواهد آمد.

نظر به معافیت گسترده مالیاتی بنگاه‌های بزرگ شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی سودده که بیشترین سهم از رانتهای متنوع (به‌ویژه منابع و انرژی) در اقتصاد را دارا هستند و از سوی دیگر استمرار و تشدید زیان‌دهی بنگاه‌های پایین‌دستی، درآمد مالیاتی بنگاه‌ها بیش از مقدار برآورد شده در لایحه بودجه در سال ۱۳۹۸ کاهش خواهد یافت. با توجه به تشدید رکود تورمی در سال ۱۳۹۸، مشخص نیست که افزایش ۶۱ درصدی مالیات مشاغل از چه محلی تأمین خواهد گردید، مگر اینکه مشاغل پردرآمدی مانند پزشکان تحت پوشش مالیاتی قرار گیرند. همچنین مالیات حقوق کارکنان بخش خصوصی رشد کمتری از آنچه در لایحه در نظر گرفته شده را تجربه خواهد کرد. نظر به کاهش درآمد و قدرت خرید عامه مردم، درآمدهای حاصل از فروش کالاها و خدمات و جرائم و خسارات از آنچه در بودجه پیش‌بینی شده کاهش بیشتری خواهد یافت.

با سقوط ارزش پول ملی (در داخل و خارج از کشور) دستمزدها سقوط کرده، به صورتی که حداقل دستمزدها در حد کشورهای کمتر توسعه‌یافته آفریقایی تنزل یافته است. هم‌اکنون دستمزد یک کارگر (اگر کار داشته

باشد و حقوق خود را دریافت کند) در حد یک‌سوم تا یک‌هشتم کشورهای نفتی همسایه و همچنین ترکیه و عراق کاهش پیدا کرده است (نمودار ۱۸). دولت با افزایش غیرواقعی و دستوری نرخ ارز و افزایش قیمت‌ها؛ در اصل دارد از مردم مالیات نامرئی تورمی می‌گیرد و به خودش و فراداستان و وابستگان (بنگاه‌های شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی) یارانه افزایش نرخ ارز می‌دهد.

افزایش سهم هزینه‌های رفاهی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ و مفاد آن نشان می‌دهد، با توجه به سازوکار حاکم بر اداره بنگاه‌های شبه‌دولتی، بخش غالب یا قابل توجهی از درآمدهای کلان حاصل از افزایش نرخ ارز و رانتهای منابع و انرژی که به بنگاه‌های بالادستی (مانند هلدینگ‌ها و بنگاه‌های شستا یا ایمیدرو) تعلق می‌گیرد، به خزانه دولت یا صندوق‌های بازنشستگی واریز نمی‌شود. به‌عنوان مثال فقط حدود ۲۰ درصد سود خالص بزرگ‌ترین بنگاه صنعتی کشور (شرکت فولاد مبارکه) که در سال جاری بالغ بر ۱۰ هزار میلیارد تومان خواهد شد، به خزانه دولت واریز می‌شود.

خصوصی‌سازی‌های ظاهری بنگاه‌های دولتی و سازوکار حاکم بر اداره بنگاه‌های شبه‌دولتی (به اصطلاح خصولتی) به تدریج گونه‌ای سازمان‌یافته که این بنگاه‌ها به دور از هرگونه نظارت در هزینه و درآمد و خرج کرد خود عمل کنند، در همین حال بالاترین سهم از انواع رانتهای تخصیص منابع اقتصاد کشور را ببرند و از سوی دیگر به انحاء گوناگون از پرداخت مالیات معاف شوند. در همین شرایط به درآمدهای کلان بخش معدن نیز بهره مالکانه و حقوق دولتی اندکی تعلق می‌گیرد، چنان‌چه در لایحه بودجه درآمد ۴ هزار میلیارد تومانی حاصل از جرائم رانندگی نزدیک به سه برابر درآمد ۱۵۰۰ میلیارد تومانی حاصل از بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن است. سلطه بنگاه‌های رانتهی شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی بر اقتصاد ایران که از تصدی‌گری دولت‌ها و درهم‌تنیدگی و تعارض منافع و فساد سیستماتیک ریشه می‌گیرد، به مانع اصلی در سر راه کسب درآمد لازم و کافی توسط دولت‌ها تبدیل شده است که به تبع آن کسری بودجه و کسب درآمد از طریق مالیات تورمی را به دنبال دارد.

با وجود کاهش شدید ارزش پول ملی سقف

معافیت مالیاتی سالانه حقوق‌بگیران (۲۷.۶ میلیون تومان) در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ نسبت به بودجه مصوب سال قبل تغییری نداشته است. در سال آینده درآمد ماهانه ۲.۳ میلیون تومان در شهرهای بزرگ به مفهوم زندگی در زیر سطح فقر می‌باشد و در نتیجه دولت برای جبران معافیت‌های مالیاتی گسترده از فرادستان و بنگاه‌های بزرگ، اخذ مالیات از کسانی که در زیر سطح فقر زندگی می‌کنند را در دستور کار خود قرار داده است. رشد حقیقی منفی مخارج خالص دولت در امور سلامت نیز نشان می‌دهد که در حوزه بهداشت و درمان وضعیت مردم بدتر خواهد شد.

اقتصاد صدقه‌ای و غیرمردمی قابل اداره و استمرار از سوی دولت و قابل تحمل از سوی مردم نیست، چنان چه حداقل حوائج و نیازهای عامه مردم فراتر از چند قلم مواد غذایی اساسی است که دولت بخواهد با تأمین سبد معیشتی مردم را قانع و راضی نگه دارد. نکته کلیدی این است که یک واحد افزایش درآمد دولت از محل افزایش نرخ ارز، در عمل منجر به چند واحد افزایش هزینه مردم می‌شود، بنابراین هیچ‌گاه هیچ دولتی نخواهد توانست اثرات مخرب ناشی از تضعیف دستوری پول ملی بر روی زندگی، کسب‌وکار و معیشت مردم را جبران کند. موضوع حیاتی برای استمرار حیات اقتصادی، برگشت منافع و عواید حاصل از رانت افزایش نرخ ارز و بی‌ثباتی اقتصاد کلان در سال ۱۳۹۷ (و همچنین سال ۱۳۹۸) به خزانه دولت در سال ۱۳۹۸ است. چالش و مخاطره بزرگ اقتصاد ایران کمبود منابع درآمدی برای دولت نیست، چنانچه اگر رانت‌های متنوعی که به بخش‌های شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی اعطا می‌شود کاهش پیدا کند و اخذ مالیات از صاحبان ثروت، منافع و درآمدهای کلان در دستور کار دولت قرار گیرد، نه تنها تنگنای مالی دولت برطرف خواهد گردید که بدون نیاز به استقراض، منابع مالی جدید هم ایجاد خواهد شد.

در صدر همه دشواری‌ها و بحران‌های کشور، فساد و رانت فرادستان قرار دارد، اعم از بنگاه‌های شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی، واردکنندگان بزرگ یا دیگر ذینفعانی که تحت عنوان بخش خصوصی اقتصاد کشور را تخریب کرده و به یغما می‌برند. رانت‌های متنوع در اقتصاد ایران ایجاد می‌شود که

مهم‌ترین آن‌ها رانت‌های معادن و منابع ملی، انرژی، انحصارها، نرخ ارز، سرمایه و مستغلات هستند. عامه مردم ایران که تنها از بخشی از رانت انرژی بهره‌مند هستند و درآمدشان به ریال کم‌قدرت است، قادر نیستند بهای حامل‌های انرژی را به دلار پر قدرت بپردازند. بنابراین دولت با قیمت‌گذاری جهانی، بایستی رانت‌های معادن و منابع ملی و انرژی را از آن دسته بخش‌های اقتصادی اخذ کند که درآمد یا بهای فروش خود را برحسب دلار و قیمت‌های جهانی دریافت می‌کنند.

همچنین معافیت گسترده بهره‌مندان از سه‌وجهی رانتی «نرخ ارز-مستغلات-سرمایه» از پرداخت مالیات (مانند معافیت صادراتی مواد خام و اولیه، مالیات ناچیز زمین و مستغلات و نبود مالیات بر عایدی سرمایه و سود سپرده‌های بانکی) فرار مالیاتی قابل توجهی را شکل داده است که حداقل ۱۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. فساد و رانت که به‌عنوان زهکش اقتصاد ایران عمل می‌کند، نه تنها چرخه فلاکت را به کار انداخته و مانع توسعه شده که همچنین درآمدهای دولت را به شدت کاهش داده و مانع از ایفای نقش لازم و کافی و درست حاکمیتی دولت گردیده است. این واقعیت که در اقتصاد نیم‌قرن اخیر ایران همواره فاصله زیادی بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ بازده سرمایه (ترکیب سود بانکی، ارز، طلا، زمین و مسکن و سهام) وجود دارد، به‌روشنی نشان می‌دهد که سازوکار حاکم بر اقتصاد ایران بر ضد نیروهای مولد و عامه مردم و به نفع نیروهای نامولد و گروه‌های منتخب عمل می‌کند.

### راهکارها

در خاتمه پاره‌ای راهکارهای پیشنهادی جهت اصلاح و بهبود اقتصاد کشور و بودجه دولت به شرح زیر ارائه می‌شود.

- (۱) مبارزه با فساد و رانت؛ زهکش‌های اقتصاد ایران
- (۲) کاهش قیمت ارز در جهت تقویت ارزش پول ملی و برگرداندن بخشی از قدرت خرید عامه مردم و حقوق‌بگیران
- (۳) شمول بنگاه‌های شبه‌دولتی و شبه‌خصوصی سودده در پرداخت مالیات با لغو یا تعدیل معافیت‌های مالیاتی خاص
- (۴) افزایش قیمت مواد خام و انرژی و آب مصرفی صنایع انرژی‌بر و متکی به رانت منابع، متناسب با افزایش بهای قیمت فروش

- (۵) لغو معافیت‌های مالیاتی بر روی صادرات مواد خام و اولیه
- (۶) لغو معافیت‌های مالیاتی تولیدکنندگان معدنی و مواد اولیه و خام (متکی به رانت منابع معدنی و نفت و گاز و انرژی)
- (۷) افزایش بهره مالکانه و حقوق دولتی معادن در حد و اندازه منافع اقتصادی حاصله
- (۸) اخذ مالیات از کلیه فعالیت‌های سفته‌بازی و دلالی، مستغلات، سود سپرده‌های بانکی، عایدی سرمایه و دیگر منافع کلان و فعالیت‌های نامولد و همچنین بخش‌های معاف از مالیات
- (۹) اخذ مالیات بر روی درآمدهای کلان حاصل از سفته‌بازی، دلالی و رانت افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۹۷
- (۱۰) اعمال معافیت‌های مالیاتی و پشتیبانی از صنایع اشتغال‌زا (به‌ویژه صنایع کوچک و متوسط) جهت ایجاد اشتغال مولد و در نتیجه کاهش بار رفاه اجتماعی دولت
- (۱۱) کاهش نرخ بهره بانکی (به‌ویژه جهت بخش‌های مولد و اشتغال‌زا)
- (۱۲) اصلاح ساختاری و عمیق نظام بانکی و کنترل دقیق و شدید کارکرد بانک‌های بد در جهت مقابله با ایجاد هزینه برای اقتصاد و خلق نقدینگی جدید
- (۱۳) محدودیت استقراض دولت و به‌ویژه ممنوعیت استقراض از سیستم بانکی
- (۱۴) انضباط مالی و صرفه‌جویی کامل دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی
- (۱۵) کاهش تعداد کارکنان دولت (به‌ویژه در بخش‌های غیر آموزشی، بهداشتی و رفاهی)
- (۱۶) تعدیل بودجه سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و معاونت‌های غیراصلی یا غیرحاکمیتی یا موازی (بر اساس عملکرد و خروجی سال‌های اخیر)
- (۱۷) کنترل شدید بودجه‌های عمرانی (بر اساس اولویت‌های راهبردی و منفعت/هزینه اقتصادی-اجتماعی)، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند طرح‌های انتقال آب و سدسازی و انتقال گاز
- (۱۸) قطع یا کاهش هزینه‌ها و بودجه‌های سازمان‌ها و ارگان‌های خاص
- (۱۹) قطع بودجه نهادهای مذهبی از دولت و تأمین آن از محل منابع مالی بنیادها و آستان قدس رضوی
- (۲۰) محدودسازی جمعیت یارانه‌بگیر و افزایش مبلغ یارانه‌ها ❖



## نقدی به نظریه «محمد؛ راوی رؤیاهای رسولانه» عبدالکریم سروش

مقدمه

بیش از سه دهه است که دیدگاه‌های عبدالکریم سروش در خصوص دین در مرکز توجهات دین‌پژوهان و دین‌دوستان قرار دارد. بسیاری از نظریات روشنگرایانه وی جان مشتاقان نوگرا را همواره به وجد آورده و طرح‌هایی نو که از درک دین بر روح دین‌دوستان درآفکنده، جان دین را نیز در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر خاصه در ایران، نو ساخته و طراوت بخشیده است. چند سالی است که نظریه «رؤیاهای رسولانه» ایشان مطرح و مناقشات و مباحثات بسیاری را به وجود آورده است؛ اما این دیدگاه را حکایتی دیگر است، آن چنان که حتی در میان نوگرایان مسلمان نیز مخالفان بسیاری داشته است. این مقاله که توسط یکی از نوگرایان مسلمان نگارش یافته، بر آن است این نظریه را بررسی و نقد کند تا از یکسو میزان قابل‌پذیرش بودن آن را بکاود و از سوی دیگر نسبت آن را با سنت روشنفکری دینی روشن سازد. پیش از این‌ها ضرورت است که در آغاز به توصیف و تشریح نظریه مذکور اقدام شود.

### طرح موضوع

عبدالکریم سروش در سلسله مقالاتی با عنوان: «محمد (ص) راوی رؤیاهای رسولانه» که چند سال پیش منتشر ساخت، حضرت رسول (ص) را نه مخاطب و مخبر پیام وحی مستقیم خداوند، بلکه روایتگر و ناظر مناظری نامید که خود در خواب دیده است. به بیان او: «خطابی و مخاطبی و اخباری و مخبری و متکلمی و کلامی در کار نیست، بل همه نظارت و روایت است». به نظر او:



بهروز مرادی

قرآن‌پژوه و مدرس دانشگاه

عبدالکریم سروش در سلسله مقالاتی با عنوان: «محمد(ص) راوی رؤیاهای رسولانه» که چند سال پیش منتشر ساخت، حضرت رسول(ص) را نه مخاطب و مخبر پیام وحی مستقیم خداوند، بلکه روایتگر و ناظر مناظری نامید که خود در خواب دیده است. به بیان او: «خطابی و مخاطبی و اخباری و مخبری و متکلمی و کلامی در کار نیست، بل همه نظارت و روایت است»

مراد همین آب و باد و آتش و کتاب و ترازوست که در بیداری می‌بینیم و می‌شناسیم و غافل بوده‌اند از اینکه روایتگری تیز چشم، آن‌ها را در رؤیا و خیال دیده و شنیده است، آن‌هم با زبانی رمزی که بیگانه با زبان بیداری است. فی‌المثل مفسران در قرآن خوانده‌اند: إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (وقتی که خورشید گرفت و ستارگان تیره شدند) و چنین معنا کرده‌اند: روزی که همین خورشید که در آسمان است، بگیرد و همین ستارگان که در بیداری می‌بینیم، تیره شوند... الخ یعنی روز قیامت. آنان نیندیشیده‌اند که خورشید و ستارگان رؤیا، تعبیری دیگر دارند و لزوماً بر خورشید و ستارگان واقعی دلالت نمی‌کنند، چنان که داستان خواب یوسف(ع) در سوره یوسف بر آن گواه است. چرا نگوییم که محمد(ص) در خواب دیده که خورشید گرفته و آنگاه به دنبال تعبیر صحیح آن خواب برویم؟»

سروش می‌نویسد: «چنین است که قول به رؤیاهای رسولانه، حجم عظیمی از تعبیرات مجازی را از قرآن می‌زدايد و نیاز به تأویل را از میان برمی‌دارد و عبارات قرآن را بر معانی ظاهرشان باقی می‌گذارد.»

او می‌گوید: «در زبان رؤیا، مجاز و کنایه راه ندارد، یعنی الفاظ بر غیرمعانی حقیقی‌شان حمل نمی‌شوند، گرچه برای فهمیدنشان به کتاب لغت مراجعه نمی‌توان کرد، بلکه باید از شیوه خوابگزاری بهره جست.» به نظر او «قرآن که خواب‌نامه است، نیازمند خواب‌گزاران است تا حقیقی را که به زبان ویژه رؤیا بر او، یعنی حضرت محمد(ص) پدیدار شده‌اند، به زبان شهادت برای ما بازگویند و زبان خواب را به زبان بیداری برگردانند و تعبیر را به جای تفسیر

ننوشت، بل انسانی تاریخی (یعنی حضرت رسول) به‌جای او سخن گفت و کتاب نوشت و سخنش همان سخن او بود.» او می‌نویسد: «ما هنگام قرائت قرآن، گویی فراموش می‌کنیم که خواب‌نامه‌ای را می‌خوانیم که زبانش، زبان بیداری نیست، بلکه زبان خواب است. تفسیر عموم مفسران مسلمان، آلوده به مغالطه خواب‌گزارانه است. مثلاً واژه‌های آتش، خورشید، باغ، غضب، رحمت، آب، تخت، حور، ترازو، کتاب و... را که در قرآن دیده‌اند، گمان برده‌اند که

رخ می‌داد و حضرت رسول در واکنش نسبت به آن، خود مبادرت به پاسخ‌گویی می‌نمود، اما سپس آیاتی نازل می‌شد و پاسخ حضرت را یا تکمیل یا حتی نقض می‌کرد. همه آن فرآیند و زمینه‌ای که سبب می‌شد تا آیاتی از سوی خداوند به حضرت رسول (ص) نازل گردند را «اسباب نزول» و دلیل مستقیم نزول آیات را «شأن نزول» می‌گویند. گاهی اوقات یک یا چند آیه در واکنش نسبت به رخدادی نازل می‌شدند که شأن نزول آن آیات را تشکیل می‌دهند. دانستن شأن نزول و اسباب نزول آیه‌های قرآنی در فهم آن آیات نقشی مهم و گاه حتی تعیین‌کننده دارد. مثلاً در شأن نزول آیه ۳۴ از سوره نساء چنین آورده‌اند: زنی به نام حبیبه به همراه پدر خود خدمت حضرت رسول آمد و سر و صورت کبود خود را نشان داد و گفت شوهرش چنین بلایی بر سر او آورده. چه کند؟ حضرت رسول ناراحت شد و فرمود برو و قصاص کن. همین که می‌خواستند از پیش حضرت بروند، به آن‌ها فرمود: صبر کنید. پس از اندکی تأمل چنین گفت: هم‌اینک جبرئیل این آیه را آورده و سپس آن را قرائت نمود:

«مردان سرپرست (مسئول امور) زنان هستند، به خاطر امکاناتی که خدا به برخی از آن‌ها در برابر برخی دیگر داده است و آنیزاً به سبب آنکه از اموالشان [برای آن‌ها] خرج می‌کنند. پس زنان صالحه، مطیع و در غیاب [همسرشان] امانت‌دار و حافظ حدودمرزهای خداوندی هستند؛ و آن دسته از زنان را که از زشت‌کاری آن‌ها بیم دارید [ابتدا] اندرز دهید و [در مرحله دوم] در بستر از آن‌ها دوری کنید [و اگر مؤثر واقع نشد] آن‌ها را بزیند؛ اما اگر مطیع شما شدند، بر آن‌ها بهانه مجوید. همانا خداوند والای بزرگوار است.» (نساء: ۳۴)

در اینجا نه خوابی بر حضرت رسول مستولی شده، نه آن حضرت به خواب رفته که در رؤیا این پاسخ را دریافت کرده باشد و نه هنگام شب بدون مراجعه کسی این پاسخ‌نامه قرآنی را در خواب رؤیت نموده، بلکه در عالم بیداری و در جریان زندگی روزمره پس از مراجعه زنی به همراه پدرش و در پاسخ مسئله‌ای این آیه نازل شده و خود حضرت مراجعین را فراخوانده تا صبر کنند و پاسخی که جبرئیل آورده را بشنوند. نکته قابل توجه در این واقعه (شأن نزول)، اختلافی است که میان رأی حضرت رسول و پاسخ خداوند وجود دارد. برخلاف آرای آقای سروش، اینجا دو کس سخن می‌گویند، یکی خداوند و دیگری محمد(ص)

## گاهی اوقات حادثه‌ای رخ می‌داد و حضرت رسول در واکنش نسبت به آن، خود مبادرت به پاسخ‌گویی می‌نمود، اما سپس آیاتی نازل می‌شد و پاسخ حضرت را یا تکمیل یا حتی نقض می‌کرد

و دچار گسستگی‌های مکانی می‌شوند. گاه راوی را به درون داستان می‌کشند و گاه او را در جایگاه تماشاچی می‌نشانند. از اول شخص به سوم شخص می‌روند و بالعکس و البته درک معنای آن‌ها هم جز با نگاه خوابگزارانه و غیرمورخانه میسر نیست.»

سروش قرآن را دارای نظمی پریشان می‌بیند: «ابتدای سوره با میان و انتهای آن پیوند ندارد و سخنان در هم می‌رود.» وی برای مثال سوره مائده و نور را شاهد می‌آورد که آیات و موضوعات پراکنده‌ای را مطرح می‌سازند. از نظر او؛ «پراکندگی و گسستگی در آیات این سوره‌ها... نه معلول تصرف دشمنان، نه غفلت جمع‌آورندگان، نه بی‌خبری صاحب وحی و خدای آداب‌دان، بلکه از آن است که ساختار روایی سوره‌ها تابع ساختار مه‌آلود و خواب‌آلود رؤیاهاست که غالباً نظم منطقی ندارند و از سویی به سویی و از گوشه‌ای به گوشه‌ای می‌روند و فاقد انسجام و انتظام هستند.» چنین گفت آقای سروش.

پس از توصیف اجمالی دیدگاه دکتر سروش، هم‌اینک در این قسمت به نقد این نظرات پرداخته می‌شود که این نقد در پنج بعد انجام می‌پذیرد:

۱. نادیده گرفتن دانش اسباب نزول. آیات قرآن در مدت ۲۳ سال نازل شدند. بسیاری از آیات قرآن در پاسخ به مسائل اجتماعی روزمره بیان شده‌اند. در کمتر مواردی این آیات فی‌البداهه و بدون وجود زمینه اجتماعی فرو فرستاده شده‌اند. گاهی اوقات پرسشی از سوی مؤمنان با نزول آیاتی پاسخ داده می‌شد. برخی از رفتار مخالفان اعم از ریاکاران و بت‌پرستان و شرک‌ورزان و شک‌آوران پیام حضرت رسول(ص) توسط آیات نازل پاسخ داده می‌شد. گاهی اوقات حادثه‌ای

و تأویل متن بنشانند و بی‌میانجی زبان، خود را به جهان پرمغوض و پر رموز رؤیا نزدیک کنند و...»

سروش برای اثبات خواب‌آلودگی کلام حضرت رسول چنین می‌گوید: «مگر پیامبر هنگام دریافت وحی به ناهشیاری نمی‌رفت و غفلتی گران بر او عارض نمی‌شد و پس از هشیاری، دیده‌ها و شنیده‌های بیخودانه خویش را با مخاطبان در میان نمی‌نهاد؟»

او می‌نویسد: «شک نیست که همه قرآن زبانی واحد دارد؛ یا زبان بیداری است و یا زبان خواب. نه غیر این دو است و نه آمیزه‌ای از این دو؛ اما به حکم آنکه فضای وحی، فضایی رؤیایی است، تردید نباید کرد که زبان قرآن هم یکسره زبان رؤیاست.»

سروش مطرح می‌کند که: «جبرئیل هم همان محمد(ص) بود که در رؤیای قدسی بر خود او چون فرشته ظاهر شد و به او همان را داد که خود از پیش داشت. محمد(ص) تعبیر جبرئیل بود. غفلت از زبان رؤیا و مغالطه خوابگزارانه، جمعی را بر آن داشته است تا روح‌الامین را تعبیر نکرده، واسطه‌ای بپندارند که قرآن را به قلب محمد(ص) می‌رساند: نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ \* عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ \* بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (روح‌الامین این قرآن را به زبان عربی بر قلب تو وارد کرده است.) (سوره شعراء: ۱۹۴-۱۹۲)؛ اما با توجه به سرشت رؤیا و زبان آن، آشکار می‌کند که اینجا دو کس در کار نیستند، بلکه یک کس است که از پیش خود به پیش خود می‌رود و با خود سخن می‌گوید و گرنه جبرئیل را با عربی سخن گفتن چه کار؟» او می‌افزاید: «تاریخ انبیا در رؤیاهای محمد(ص) تکرار می‌شود و او آدم و نوح و ابراهیم و یعقوب و یوسف و موسی و عیسی و... و قومشان را می‌بیند و می‌آزماید... او در خواب می‌بیند که نوح ۹۵۰ سال دعوت می‌کند، پاره‌ای از یهودیان به سبب نافرمانی‌شان خوک و بوزینه می‌شوند... این‌ها همه محتاج تعبیرند تا معنای مستقیمی بیابند.»

داستان‌سرایی‌های قرآن از نظر سروش آشکارا صورتی رؤیایی دارند: «پرش‌ها، حفره‌ها و خلأهای روایتگرانه در این داستان‌ها چنان است که خواننده به‌خوبی حس می‌کند که راوی از روی حوادث می‌پرد و همه‌چیز را نمی‌بیند و نمی‌گوید و گاه چیزهایی را می‌بیند و می‌گوید که در بیداری دیدنی نیست و این شباهت تام دارد با رؤیاهای که وقایع در آن‌ها به‌سرعت عوض می‌شوند، پاره‌پاره می‌شوند، زمان را درمی‌نوردند



ارتباط دائمی باشد و یا آن ارتباط اولیه توهمی بیش نبوده است. ایشان نگران بر بالای کوه ابوقبیس مدتی را در بیم و امید به سر می‌بردند تا اینکه سوره الضحی در چنین شرایطی نازل می‌شود (مطهری، ۱۳۶۳: ۶۰۸). «سوگند به روز روشن و به شب آن دم که آرام گیرد که پروردگارت تو را وا نگذاشته و دشمن نداشته.» این نزول نشان می‌دهد که او مشتاق ارتباطی شده که در عالم بیداری صورت پذیرفته و آنگاه که در رابطه اولیه وقفه‌ای می‌افتد، دل‌تنگ وحی و سخن خداوند می‌شود و خواهان مکاشفه می‌شود که جان متعالی ارتباط متعالی می‌طلبد و روح والا هم‌سخن والا می‌خواهد و اگر در تجلی هم‌صحبتی یار کریم با کریم‌ترین یار وقفه‌ای افتد، جان کریم آن را برنتابد. این چنین است که خداوند در چنین شرایطی واقعه‌ای بر پیامبرش تجلی می‌کند و او را متوجه این امر می‌سازد که ارتباط قطع نشده، بلکه ایشان باید صبر پیشه کنند تا زمان نزول هر بخشی از آیات فرا برسد و حوادث و جریان واقعی امور روزمره، زمینه‌ساز نزول آیاتی بشوند که در ارتباط با واقعیات عینی فرو فرستاده خواهند شد.

نکته بنیادین در دانش اسباب نزول این است که این دانش، مجموعه اطلاعاتی را در بر می‌گیرد که در عالم واقعیت ریشه دارند و حامل و شامل فرآیندی است که در عالم عینی رخ داده‌اند و

### نکته بنیادین در دانش اسباب نزول این است که این دانش، مجموعه اطلاعاتی را در بر می‌گیرد که در عالم واقعیت ریشه دارند و حامل و شامل فرآیندی است که در عالم عینی رخ داده‌اند و واقعیات روزمره زندگی مسلمانان را نمایندگی می‌کنند

تا آیه ۹۰ از سوره مائده را دریافت نمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! جز این نیست که مشروب الکلی و قمار و بت‌هایی که قربانی در پای آن‌ها ذبح می‌کنند و [قماربازی با] تیرهای قرعه، [همه] پلیدند و شیطانی. پس از آن‌ها اجتناب ورزید، بدان امید که رستگار شوید.» (محقق، ۱۳۵۹: ۵۳).

یک نمونه دیگر برای توجه به جایگاه شأن نزول آیات در فهم قرآن، اسباب نزول سوره الضحی است: پس از مدتی که از نزول آیات اولیه گذشت، حضرت رسول برای مدتی مورد مخاطب آیات جدید قرار نگرفت و این امر ایشان را نگران می‌ساخت که مبدا این قطع

که اتفاقاً این دو سخن با یکدیگر تفاوت بسیار دارند. از قول حضرت رسول (ص) آورده‌اند که ایشان آن هنگام پس از نزول آیه چنین فرمود: «اینک جبرئیل است که این آیه را برای من آورده است. ما را اراده‌ای است و خدا را هم اراده‌ای، ولی آنچه خدا اراده کرده، بهتر است.» (طبرسی، ۱۳۵۲: ۳، ج ۳)

این تنها یک مورد از شأن نزول آیات قرآن است که بر خلاف نظر آقای سروش نشان می‌دهد این محمد (ص) نیست که سخن می‌گوید، بلکه این خداوند است که وحی نازل می‌کند و از طریق جبرئیل با ایشان سخن می‌گوید.

بسیارند آیاتی از این دست که شأن نزولی اجتماعی دارند. یک نمونه دیگر شأن نزول آیه سومی است که در پرهیز از مشروب‌خواری نازل شده: گروهی از مسلمانان در خانه‌ای جمع بودند که هنگامه نماز شد و شخص مشهوری (سعد بن ابی وقاص) را به امامت نماز برگزیدند. وی مست از نوشیدن مشروب الکلی بود و در قرائت سوره الکافرون، برخی کلمات را به اشتباه خواند آن‌چنان که معنی سوره را به کلی دگرگون نمود، این چنین: «ای کافران؛ من به دین شما و شما به دین من!» مسلمانان حاضر نماز را قطع کردند و نزد حضرت رسول رفتند و ماجرا را تعریف کردند. سپس حضرت چهره در هم کشید و اندکی در خود فرو رفت

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ



خوانشی هرمنوتیکی، قرآن ناگزیر از آن بوده که گفتمان خود را با گفتمان رایج و حوزه باورهای فرهنگ-اعتقادی مردم آن سرزمین هماهنگ و هم‌زبان و تنظیم نماید تا بتواند بر نظام باورهای فرهنگی آن‌ها تأثیر بگذارد و محتوای اعتقادی آن مردم را دستخوش تغییرات تدریجی نماید. رسالت قرآن از جمله همین دگرگونی فرهنگی، اجتماعی، انسانی بوده و این رویکردی واقعیت‌گرایانه را طلب می‌نموده است. در این بُعد مأموریتی؛ هنگامی که مخاطبان و گفتمان و نظام باورها و اسباب نزول همه بنیانی واقعیت‌گرایانه دارند و در عالم بیداری به زیست اجتماعی راجع هستند، چه لزومی دارد پیامی که قرار است در این فضای گفتمانی برای تأثیرگذاری دگرگون‌ساز بر مخاطب نازل شود و در انتظار فراهم آمدن اسباب نزول صبور می‌ماند، در عالم خواب منتقل گردد؟ به خواب‌آلوده دانستن آیات قرآنی ناشی از بی‌توجهی به رسالت و مأموریت آیات در زندگی روزمره اجتماعی و زیست اجتماعی و عدم فهم سازوکار تغییر گام‌به‌گام و پایدار و با ثبات در حیات درونی و بیرونی انسانی و نافی ضرورت اسباب نزول آیات قرآنی است.

**۲. بی‌توجهی به شکل‌گیری ساختار قرآن**  
 آقای دکتر سروش گرامی در مقاله خود به بی‌نظمی در قرآن اشاره می‌کند و پراکندگی و گسستگی ساختار برخی از سوره‌ها را ناشی از شکل‌گیری آن‌ها در فضای رؤیاگونه می‌داند و فهم آن‌ها را بر دوش خواب‌گزاران و خواب‌گزاران می‌نهد. این ادعا از نظر دور می‌دارد که ساختار کنونی قرآن نه توسط خداوند و یا حضرت رسول، بلکه توسط خلیفه سوم پیشنهاد و محقق گردید و جانمایی آیات در کتاب، امری است بشری و مسئولیت ساختاربندی آن بر دوش پیروان دین اسلام است. اینکه کدامین آیات در کدام سوره قرار بگیرند (به جز سوره‌های کوتاه)، کاری است عمدتاً مربوط به تاریخ اسلام و نه مربوط به خداوند. تردید نیست که آقای سروش خود از این ماجرا به خوبی مطلع هستند و طرح چنین موضع و موضوعی از جانب ایشان تعجب‌برانگیز است و این شائبه را در ذهن می‌پروراند که مبدا ایشان برای اثبات ادعاهای خود حاضر است واقعیت‌های متقن و روشن تاریخ اسلام را نادیده بینگارد و حتی با وارونه‌سازی داده‌های محکم تاریخی، آبی به آسیاب تأیید نظرات خویش از هر راهی بیفشانند. برنوشتن واقعیات تاریخ اسلام در امر کتابت قرآن به پای خداوند یا حضرت رسول و

## دیدگاه ایشان این امر را از نظر دور داشته که آن دسته از مجموعه آیاتی که هنگامه نزول، ساختار یک سوره مشخص را داشته‌اند، از استواری و نظم و پایداری نظام‌مند اعجاز‌آمیزی برخوردارند

پرورش و بالندگی خود، انسان و جامعه اقدام کند. این طریقتی است واقع‌گرایانه که خداوند برای ساختن انسان و جامعه سالم برگزیده و تحقق راهبردی آن (هدایت) را بر عهده پیامبرش نهاده است. هنگامی که آیات قرآن در بسیاری از موارد سرچشمه‌هایی اجتماعی دارند که در واکنش نسبت به وقایع عینی و روزمره فرورفته شده‌اند تا راهی بگشایند یا معضلی را حل کنند یا به پرسشی پاسخ بدهند و یا هشدار می‌دهند که به کسانی که به بیراهه می‌روند بدهند و یا نور امید در دل مؤمنان بتاباندند و یا راه‌حلی اخلاقی برای متقاضیان ارائه دهند، چه نیازی است که این مسائل اجتماعی در رؤیا پاسخ خود را بیابند. مسائل عینی واکنش‌هایی عینی می‌طلبند و عالم واقعیت را پاسخی از عالم بیداری نباید. درحالی که رؤیا عالم توهم است که بر آن اطمینانی نیست.

پس قرآن مجموعه‌ای است که اجزای تشکیل‌دهنده آن تا حد قابل‌ملاحظه‌ای در بستر واقعیات فعال و جاری و یا عینیات مردم‌شناختی غیرفعال و مستور در اندیشه‌ها و با فرهنگ و باورهای عرفی شکل گرفته است و با هدف هدایت یعنی راه بردن مردم ایمان آورده به سوی راهی دیگرگون و زیبا به صورت تدریجی و گام‌به‌گام صورت پذیرفته و این طریقت راهبرد پرورشی نمی‌توانسته در عالم خواب تحقق یابد. این امر به‌ویژه در تشریح احکام اجتماعی خود را بیش از پیش نمایان می‌سازد. برخی از آیاتی که بیشتر فرهنگی‌اند تا اجتماعی، ریشه در باورهای اعتقادی و مردم‌شناختی مخاطبان مستقیم وحی دارند که برای فهم هر چه بهتر آن آیات لازم است از دانش مردم‌شناسی (انسان‌شناسی) و جامعه‌شناسی بومی و روان‌شناسی اجتماعی-جنسیتی مربوط به جامعه آن زمان عربستان استفاده شود که با

واقعیات روزمره زندگی مسلمانان را نمایندگی می‌کنند. حضرت رسول(ص) در مواجهه با واقعیت‌های عینی پاسخ‌هایی عینی دریافت می‌کرده‌اند. هم اسباب نزول و هم مواجهه مؤمنان و حضرت رسول و هم پاسخ‌های قرآنی همه در عالم واقعیت صورت می‌پذیرفته‌اند و ضرورتی به خواب نبوده و رؤیایی محلی بر اعراب نمی‌یافته است. قابل توجه اینکه دریافت وحی در بسیاری از موارد در حضور پاره‌ای از مؤمنان تحقق می‌یافته و حتی یک‌بار در هیچ کجا بیان نشده که کسی گفته باشد من شاهد آن بودم که محمد(ص) از خواب برخاست و آیهای قرائت نمود.

نزول تدریجی آیات در مواجه شدن با زندگی روزمره انسان، حکایت از بنیان واقعیت‌گرایانه بسیاری از آیات و کلیت متن و ساختار قرآن دارد. حادث شدن وحی عمدتاً در حضور دیگر مؤمنان روی می‌داد و بسیاری از پیروان و یاران شاهد تجربه دریافت وحی توسط حضرت رسول بوده‌اند. این درست است که حال حضرت به هنگام دریافت وحی، دگرگون می‌شد و حالتی سنگین تمامت وجود ایشان را فرامی‌گرفته است، اما این سنگینی وجودی نه به معنی به خواب فرورفتگی و رؤیایی، بلکه به معنی فراگیری حضرت ایشان توسط عالم قدسی است. گشوده شدن عالم غیب به سوی فرد و قرار گرفتن در بطن تجربه باطنی با احساسات و حالات خاصی توأم است و وجود هرکسی را آن‌چنان فرامی‌گیرد که در لحظه مکاشفه درونی، هیچ از او باقی نمی‌ماند. چرا می‌بایست چنین حالتی را از جنس خواب و رؤیا بیندازیم و تجربه وصل باطنی را تا سر حد خواب فرو بکاهیم و ارزش و قدر آن را چنین نازل ببینیم تا اعتبار محصول این مکاشفه معجزه‌آسا و متعالی را به توهمی شبه‌ناک تقلیل بدهیم؟

مضاف بر این؛ سرچشمه‌های اجتماعی وحی بر این حقیقت دلالت می‌کنند که قرآن محصول مکاشفه خداوند بوده و حضرت رسول در عالم بیداری و صورت یافته در تعامل با محیط اجتماعی است. این بدین معنی است که قرآن که حاوی و حامل آیات اجتماعی بسیار است و نیز مملو از واکنش نسبت به بافتار اجتماعی، زبان بیداری است. ارائه پاسخ‌ها و راهکارها و راه‌حل‌های قرآنی، واکنش دیالکتیکی و پویای خداوند به واقعیت‌های اجتماعی است که قصد داشت حضرت رسول را در یک رابطه تعاملی، گام‌به‌گام و به تدریج در بستر رخدادهای عینی جامعه هدایت نماید تا ایشان از این طریق به

کتاب قرآن خطایی است فاحش.

از سوی دیگر؛ دیدگاه ایشان این امر را از نظر دور داشته که آن دسته از مجموعه آیاتی که هنگامه نزول، ساختار یک سوره مشخص را داشته‌اند، از استواری و نظم و پایداری نظام‌مند اعجاز‌آمیزی برخوردارند. سوره‌های کوتاه قرآن جزو این دسته‌اند. سوره‌های العصر، فلق، ناس، توحید، لیل، ماعون، کافرون، انشراح و... شاهدی بر این مدعایند. مثلاً در سوره فلق؛ پیامبر (و انسان) فراخوانده شده که از شر فراگیرنده مخلوقات این جهانی که بلا تولید می‌کنند به خدا پناه ببرد. این مخلوقاتی که در عقده‌های پر گره درغلته‌اند و به‌ویژه از شر حسود آنگاه که حسادت خود را عملیاتی می‌کند و شر بالقوه را بالفعل می‌سازد. این سوره از پلیدی بالقوه نفس انسانی سخن می‌گوید و نیز از شری که هنگام بالفعل ساختن این پلیدی مستور تولید می‌شود. این سوره در چنین شرایطی از انسان می‌خواهد تا به‌جای واکنش تخریبی شرگونه عقده‌گشایانه، به خدا پناه ببرد. این یک راهکار باکیفیت اخلاقی است که انسان برای تحقق آن به تقوا و درستکاری و ایمان نیاز دارد. این نظمی که در رابطه میان آیات این سوره وجود دارد، فوق‌العاده تأثیرگذار است و بعید است و جای تردید دارد اگر که آقای سروش قدرت و قابلیت و صلاحیت کشف آن را نداشته باشد. وجود تعبیه‌شده این نظم در آیات قرآن؛ تضمین‌کننده مقصود و منظور خداوند در برکشیدن و تعالی بخشیدن انسان و جامعه است. کم نیستند چنین آیاتی از این جنس که رؤیا پنداشتن آن‌ها، هم از ارزش آن‌ها می‌کاهد و هم فهم آن‌ها را دچار اختلال می‌سازد و هم امکان ارتباط‌گیری انسانی برای خودسازی درونی و تزکیه نفس و برگزیدن طریقتی اخلاقی در زندگی را از انسان ایمان آورنده به قرآن سلب می‌کند. فروکاستن چنین آیاتی بیدارکننده و تعالی‌بخش به محصولات بی‌پشتوانه خواب، بسی تقلیل‌گرایانه و بسیار پریشان‌کننده و تباه‌کننده است. پیام‌هایی که خود بیدارکننده‌اند و موجب بیداری می‌شوند، چگونه ممکن است از خواب ریشه و نشئت گرفته باشند؟

آنجا که به عمل خداوند برمی‌گردد، نظم در آیات قرآن از اعجازی فرازمینی برخوردار است. مرحوم مهندس بازرگان فرآیند نزول آیات را در زمان ۲۳ سال به دقت بررسی کرد و نتیجه گرفت که این فرآیند از نظمی ریاضی‌بنیان پیروی می‌کند که این خود بعدی از ابعاد متنوع

## مرحوم مهندس بازرگان فرآیند نزول آیات را در زمان ۲۳ سال مورد بررسی دقیق قرار داد و نتیجه گرفت که این فرآیند از نظمی ریاضی‌بنیان پیروی می‌کند که این خود بعدی از ابعاد متنوع معجزه بودن قرآن است

معجزه بودن قرآن است. باری چگونه ممکن است چنین نظمی در خواب برساخته شود؟ برخلاف نظر آقای سروش، قرآن معجزه بودن خود را از جمله مدیون و مرهون نظم استوار حاکم بر اجزای خود می‌داند. پراکندگی بخشی آن را جمع‌آوران کتاب‌ساز به ساختار آن تحمیل کردند و البته این امر هیچ خدش‌های به نظم بنیادین و ریشه‌دار ساختار این کتاب و پیام‌های بیدارکننده و جان‌ساز و روح‌نواز آن وارد نمی‌آورد.

### ۳. ستیزه با منطق عقلی

عقل سلیم نمی‌پذیرد که پیامبری که برای تبدیل حال انسان و جامعه به احسن‌الحال مبعوث گردیده، عالم بیداری را و بانهد و الهام مبدل‌کننده موردنظر خود را از عالم رؤیا برگیرد. منطق عقلی حکم می‌کند که راهکارها و راه‌حل‌های معضلات انسان و جامعه در عالم بیداری اندیشیده بشوند و مطابق با ظرفیت مخاطبان ساخته و پرداخته شوند و هنگامه عرضه، امکان پذیرش معقول یابند. بر کیفیت و فرآیند و حالات و احوال و اصالت و حقانیت رؤیا و خواب اعتمادی نیست و مردم از پیرامون پیامبری که سخنان خود را از خواب وام‌برگیرد و منشأ تعالیمش در رؤیاهایش نهفته باشد، پراکنده می‌گردند و از وی تأثیری درخور نمی‌پذیرند و به او تاسی نمی‌کنند و رسالت او را جدی نمی‌گیرند و مایه تفریح و دستمایه تمسخرش می‌کنند، آن‌چنان‌که پیامش را که هرگز از جنس خواب ندانستند، او را به سخره و تمسخر گرفته بودند. اگر چنین بود که آقای سروش می‌گوید، مردم هرگز آموزه‌های او را جدی نمی‌گرفتند و به او ایمان نمی‌آوردند و کلام او را معتبر نمی‌شمردند و به راهی که نشان می‌داد نمی‌رفتند و همراه او نمی‌شدند و بنیان کلام و بنیاد پیام او را به رسمیت نمی‌شناختند.

مخالفتان حضرت رسول با همه درجات مختلفی که داشتند، او را به شاعر بودن و دروغ‌گویی و ساحری و جنون متهم نمودند، اما با این‌همه هرگز نگفتند که او محصولات خواب‌های خود را بر ما می‌افکند و انتظار دارد ما به خواب‌های او ایمان بیآوریم و بر محصول خواب اعتمادی نشاید. این واکنش‌هایی که هرگز شنیده نشده‌اند نشان می‌دهد که هیچ‌کسی یا هیچ گروهی چنین شائبه‌ای نسبت به این امر نداشته که آنچه بر حضرت اتفاق می‌افتاد، در عالم بیداری است. منطق عقلانی نیز حکم می‌کند که پیامبری که قرار است کار اجتماعی- فرهنگی بکند، نمی‌بایست تعالیم را هریدی خود را بر بنیان رؤیا که شانه به شانه توهم و پندار است، بنا بنهد. چنین امری، احتمال جدی گرفتن رسالت او و پیروی از تعالیم او را به حداقل ممکن می‌رساند و مأموریت این جهانی او را با شکست مواجه می‌ساخت. عقل حکم می‌کند که پیامبر بیدارکننده خودش بیدار باشد و در بیداری سخنان مردم را بشنود و در بیداری راه ببرد و در بیداری واکنش نشان بدهد و در بیداری وقایع ضد را چاره کند و هدایت و پرورش انسان و جامعه را در بیداری تدبیر کند. او زنده‌ترین انسان زمانه و تاریخ است و چنین زنده و بیداری را نشاید که خود در مقام خفتگی سخن ساز کند و در بستر توهم و پندار تدبیر جامعه و انسان نماید.

به‌جز سوره‌های کوتاه قرآن که عمدتاً در جزو سی‌ام گنجانده شده‌اند، هزاران آیه وجود دارند که منطق عقلانی نمی‌پذیرد که منشأ تولید آن‌ها رؤیا باشد. به‌ویژه آیاتی که قصد تصحیح مواضع فکری و عملی حضرت رسول را عهده‌دار می‌باشند. در اینجا چند نمونه از آن‌ها از سوره بقره بیان می‌شوند:

«این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوای پیشگان است.» (۲)

«همان‌ها که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.» (۳)

«و همان‌هایی که بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان می‌آورند و آنان‌اند که به آخرت یقین دارند.» (۴)

«انان برخوردار از هدایتی از سوی پروردگار خویش‌اند و انان همان رستگاران‌اند.» (۵)

«در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند، چه بیمشان دهی چه بیمشان ندهی، برایشان

#### ۴. نفی امین بودن قرآن و حضرت رسول (ص)

اصرار آقای دکتر سروش مبنی بر اینکه قرآن نه سخن خداوند، بلکه سخن محمد(ص) است و این حضرت محمد(ص) بوده که به تمامی سخن گفت و کتاب نوشت و او را راوی مناظری می‌داند که در خواب دید، سبب نفی امین بودن آیاتی می‌شود که به‌ویژه در ابتدای برخی سوره‌ها بیان شده‌اند و بر نزول آیات از سوی خداوند بر محمد(ص) تأکید می‌ورزند. این آیات بسیارند و به‌عنوان مثال چند نمونه از آن‌ها در اینجا بیان می‌شوند:

سوره فصلت، آیه ۲: [این آیات] فرو فرستاده از جانب [خداوند] بخشاینده مهربان است.

سوره شوری، آیه ۳: این‌گونه خداوند مقتدر حکیم به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی می‌کند.

سوره دخان، آیه ۳: همانا ما آن [قرآن] را در شبی مبارک نازل کردیم که ما بیم‌دهنده بوده‌ایم.

سوره جاثیه، آیه ۲: نازل کردن [این] کتاب از جانب خدای شکست‌ناپذیر حکیم است.

سوره کهف، آیه ۱: ستایش خدای را که این کتاب را بر بنده خود نازل کرد و هیچ‌گونه انحرافی در آن نهد.

سوره سجده، آیات ۲ و ۳: نازل کردن این کتاب که هیچ شکی در آن نیست، از طرف پروردگار جهانیان است. (۲) آیا می‌گویند [محمد] آن را به‌دروغ ساخته است؟ [نه] بلکه آن حق است و از جانب پروردگار توست تا مردمی را که پیش از تو هشداردهنده‌ای برایشان نیامده هشدار دهی، بدان امید که هدایت یابند. (۳)

سوره یس، آیات ۲ تا ۵: سوگند به قرآن حکیم (۲) که تو همانا از پیامبرانی (۳) بر راهی راست (۴) [و این آیات] نازل شده آن عزیز مهربان است. (۵)

در هیچ‌کدام از این آیات و نه در هیچ جایی از قرآن بیان نشده که این قرآن از سوی خداوند نیست، یا نزول آیات آن در خواب رخ داده است و یا طرح این آیات، سخن و کار خود حضرت محمد(ص) است. اعتقاد به راست بودن سخن قرآن و امین بودن نویسنده قرآن به معنی پذیرفتن این اصل برای مؤمنان به آن است که به قول حضرت حق و به سخن قرآن اعتماد نمایند. به نظر می‌رسد که رؤیا پنداشتن وحی توسط آقای دکتر سروش، امین بودن و راست‌گو بودن کلام وحی را نفی می‌کند و به همین خاطر ضرورت است که ایشان رفع

#### اصرار آقای دکتر سروش مبنی بر اینکه قرآن نه سخن خداوند، بلکه سخن محمد(ص) است و این حضرت محمد(ص) بوده که به تمامی سخن گفت و کتاب نوشت و او را راوی مناظری می‌داند که در خواب دید، سبب نفی امین بودن آیاتی می‌شود که به‌ویژه در ابتدای برخی سوره‌ها بیان شده‌اند

متن را جذاب و گیرا می‌سازد. این چنین است که گاهی خداوند دعاهایی را بیان می‌کند که در چنین صورتی در مقام تعلیم چگونگی ارتباط‌گیری انسان با خداست. خداوند معلم است و در راستای آموزش و پرورش انسان نمونه‌هایی عملی بیان می‌دارد تا آدمی بداند چگونه با او وارد رابطه دعایی بشود. خداوند از طریق ارائه نمونه‌های دعاهای قرآنی، آدمی را طریقه دعاکردن می‌آموزد. خودش بارها در قرآن فرموده: مثال‌های متنوع و سخنان گوناگون را به تفصیل بیان می‌کنیم، بدان امید که مردم اندیشه کنند. (از جمله ر.ش. به: سوره حشر، آیه ۲۱)

بخشی دیگر از اجزای قرآن که مورد بی‌توجهی منطق عقلانی آقای سروش قرار گرفته مربوط است به داستان‌های قرآنی. ایشان خود حضرت رسول را راوی داستان‌های پیامبران می‌داند و نه خداوند را. به گمان او محمد(ص) پیش از بعثت، خود از داستان زندگی پیامبران پیشین آگاهی داشته و بعد از بعثت این داستان‌ها را در خواب مشاهده نموده و سپس ماجرای خواب‌های خود درباره آن‌ها را بازگو نموده است. در پاسخ به این ادعای عجیب باید پرسید اگر چنین بوده که حضرت رسول(ص) پیش از بعثت خود از داستان زندگانی انبیاء پیش از خود مطلع بوده، دیگر چه نیازی بوده ابتدا آن‌ها را در خواب ببیند و پس از خواب ببینی، آن‌ها را روایت کند؟ اگر چنین بوده پیش از رؤیایبینی هم می‌توانسته راوی آن‌ها باشد. چرا باید شخصی همچون حضرت رسول(ص) بیان چیزی را که ابتدا به ساکن از آن آگاه هست، و این‌همه منتظر بماند تا همان داستان را در خواب ببیند و سپس آن را به مرحله بیان برساند؟ ادعای آقای سروش در این زمینه به‌راستی نفی‌کننده منطق عقلی است.

یکسان است. [آن‌ها] ایمان نمی‌آورند. (۶) «بسیاری از اهل کتاب با اینکه حق برایشان آشکار شده بود، از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می‌کردند که شما را بعد از ایمانتان به کفر بازگردانند. پس بگذرید و در گذرید تا خدا فرمان خویش را بیاورد که خدا بر هر کاری تواناست.» (۱۰۹)

«و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید و هرگونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا باز خواهید یافت. آری خدا به آنچه می‌کنید بیناست.» (۱۱۰)

«و گفتند هرگز کسی به بهشت درنیاید مگر آنکه یهودی یا مسیحی باشد. این آرزوهای [واهی] ایشان است. بگو اگر راست می‌گویید دلیل خود را بیاورید.» (۱۱۱)

«و چون بندگان من از تو درباره من بپرسند، [به آن‌ها بگو که] همانا من [به آن‌ها] نزدیکم و دعای دعاکننده را وقتی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم. پس آن‌ها نیز دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند، باشد که رشد کنند.» (۱۱۶)

«[ای پیامبر!] هدایت آنان بر عهده تو نیست، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند و هر مالی که انفاق کنی، به سود خود شماس است و جز برای طلب خشنودی خدا انفاق مکنید و هر مالی را که انفاق کنی [پاداش آن] به طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت.» (۲۷۲)

«[این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندیانی است که در راه خدا به تنگنا افتاده‌اند و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری [و مناعت]، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آن‌ها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، [چیزی] از مردم نمی‌خواهند و هر مالی [که به آنان] انفاق کنی، قطعاً خدا از آن آگاه است.» (۲۷۳)

«کسانی که اموال خود را شب و روز، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند.» (۲۷۴)

این آیات حاوی دستورات اخلاقی و راهبردی و تشریح اصول بنیادین دینی ... است و سخن‌گویی خداوند در آن‌ها کاملاً هویدا است. اینکه گاهی اوقات خداوند در مقام اول شخص مفرد سخن می‌گوید و گاهی سوم شخص مفرد می‌شود و گاهی نیز اول شخص جمع، مربوط است به فنون ادبی بیان که همین فنون متنوع بیانی، جاذبه کلام را افزایش می‌دهد و



برای فهم صحیح قرآن پیشنهاد می‌کند، هرگز خود را از روش‌های سنتی مواجهه با قرآن (شامل واشکافی و ریشه‌یابی کلمات و تفسیر مفاهیم و آیات)، بی‌نیاز نمی‌بیند، بلکه تأویل را شامل تفسیر و نیز فراگیرنده و دربرگیرنده آن می‌داند؛ اما نظریه پیشنهادی آقای سروش با نفی و نسخ همه روش‌های پیشین و موجود، مفسران و تأویل‌گرایان قرآنی را روندگانی در راهی خطا برمی‌شمرد که اکنون می‌بایست به راه صحیح که خوابگزاری است بازگردند. ضمن عجیب نمودن نفی همه انواع روش‌های فهم قرآنی از سوی آقای سروش، این ادعایی بی‌روش از سوی ایشان است که می‌خواهد اعتبار مدعای خویش را از نفی سایر روش‌ها اخذ کند.

مضاف بر این؛ رویکرد خوابگزاری به قرآن، فروکاهنده شأن قرآن نیز هست، چراکه این رویکرد، قرآن را در سطح محصول خواب، نزول درجه و ارزش و جایگاه می‌دهد و آن را از جنس سخنان دست دوم می‌سازد. دیدگاه سروش در شأن قرآن خلل وارد می‌آورد و ارزش انسان را پایین‌تر از آنی معرفی می‌کند که مخاطب مستقیم خداوند قرار بگیرد. این دیدگاه فاصله میان خدا و انسان را بسیار زیاد می‌کند و خدا را از انسان و انسان را از خدا بسیار دور می‌سازد و انسان را آن‌قدر لایق نمی‌بیند که خداوند او را مستقیماً مخاطب سخن خود قرار بدهد و خدا را آن‌چنان از زندگی انسانی دور می‌سازد که او دیگر نزدیک به انسان همچون رگ گردنش نیست. این رویکرد بدین ترتیب ضد اومانستی و در تقابل با رویکرد هرمنوتیک اومانستی پروفیسور ابوزید است که انسان را در مرکز و محوریت رویکرد قرآنی خود قرار می‌دهد. هرمنوتیک ابوزید بر تأویل آیات جزء در سایه روح کلی حاکم بر کتاب تأکید می‌کند که در این صورت اجزا در سایه کل و با ارجاع به روح کلی حاکم بر کتاب فهم می‌شوند. ضمن اینکه رویکرد هرمنوتیکی، بافتار اجتماعی و ساختار فرهنگی و گفتمان مردم‌شناختی و نظام اعتقادی و روان‌شناسی جمعی و واقعیات تاریخی و محدودیت‌های زبانی را در ساختار بندی متن و فهم آن، صاحب اثر و بلکه تعیین‌کننده می‌داند و از این منظر نقشی برجسته، هم برای انسان و هم برای جامعه دریافت‌کننده وحی قائل می‌شود و نیز برای زبان قرآن منشایی با اصالت و نویسنده‌ای مدبر و ادبیاتی فاخر قائل است و از این منظر مقام متن کتاب را به برمی‌کشد و بالا می‌برد و

### سروش معاشکافی کلمات قرآنی و واشکافی مفاهیم آن و تفسیر و حتی تأویل قرآن را بیهوده می‌داند و بدین ترتیب هم روش سنت‌گرایان برای درک قرآن را که بر فهم تحت‌اللفظی آیات استوار و یا بر تفسیر مبتنی بوده است بی‌نتیجه می‌داند و هم روش مدرن هرمنوتیکی مورد نظر نوگرایان مسلمان همچون مرحوم پروفیسور ابوزید را به کناری می‌نهد

سوی خداوند به پیامبرش مبدول داشته است. در بحث داستان‌های مربوط به پیامبران نیز در این قسمت باید توجه داشت که قرآن بارها بیان نموده که ای پیامبر تو از این داستان‌ها که در گذشته اتفاق افتاده‌اند، هیچ‌گونه اطلاعی نداشته‌ای و ما داریم تو را به آن‌ها آگاه و مطلع می‌سازیم. ادعای آقای سروش خلاف بیانات قرآن در این مورد است که می‌گوید محمد(ص) پیش از نبوت از تاریخ گذشته و داستان انبیا مطلع بوده است.

### ۵. غیرروشنمند بودن نظریه رؤیاهای رسولانه

نظریه آقای دکتر سروش هیچ روشی را برای مطالعه، واشکافی و فهم قرآن ارائه نمی‌دهد مگر خوابگزاری. ایشان در مقالات مربوطه چنین مطرح می‌کنند که قرآن به تمامی محصول رؤیاهای قدسی حضرت محمد(ص) بوده و خداوند سخنی با آن حضرت به میان نیاورده است. خواب‌ها را باید خواب‌گزاران تعبیر کنند و این تعبیر نیز کار مردم‌شناسان و روان‌شناسان است. وی معاشکافی کلمات قرآنی و واشکافی مفاهیم آن و تفسیر و حتی تأویل قرآن را بیهوده می‌داند و بدین ترتیب هم روش سنت‌گرایان برای درک قرآن را که بر فهم تحت‌اللفظی آیات استوار یا بر تفسیر مبتنی بوده است بی‌نتیجه می‌داند و هم روش مدرن هرمنوتیکی مورد نظر نوگرایان مسلمان همچون مرحوم پروفیسور ابوزید را به کناری می‌نهد. با این همه او پس از انکار و رد و طرد روش‌های سنتی و مدرن فهم قرآن، خود روشی قابل‌انکار و روشن به‌عنوان بدیل پیشنهاد نمی‌کند و تنها معتقد است که قرآن تنها و تنها به خوابگزاری نیاز دارد.

قابل توجه است که هرمنوتیک مدرن که تأویل را و نیز رویکرد اومانستی و تاریخی و اجتماعی و فرهنگی و ادبی و مردم‌شناختی به قرآن را

این شبهات نموده، با راست‌گویی قرآن تجدید بیعت نماید.

مطلب دیگر در این بخش مربوط است به امین بودن شخص حضرت رسول کریم(ص). از پیش از بعثت، محمد(ص) به پاکی، درستکاری، راست‌گویی، امین بودن و سایر سجایای اخلاقی شهره بود. پس از بعثت درست است که ایشان از سوی غیرباورمندان و قدرت‌طلبان و زرمدران به دروغ متهم می‌شد، اما جمع پیروان و یاران و آشنایان او بر درستکاری و امین بودن وی گواهی می‌دادند، به‌گونه‌ای که ایمان به آن حضرت جزئی از ایمان به اسلام تلقی می‌گردید و به‌مرور زمان او پرده‌های بیشتری را از شخصیت خود کنار می‌زد و سجایای بیشتری از ایشان به محیط پیرامون عرضه می‌گردید. کسانی که به او می‌گرویدند، در پیام‌آوری او و نبی بودن او و رسول بودن او تردیدی نداشتند و در اینکه ایشان از جانب خداوند مبعوث گردیده و آیات قرآن را در بیداری از جانب خدا دریافت نموده هیچ‌گونه شکی نداشتند. باور به حقانیت و نبوت او از سوی یارانش با آسمانی بودن آیات قرآن همراه بود و هم‌خانه و نیز با قدسی بودن قرآن همسنگ بود و هم‌شانه. هم ایشان به قدسی بودن منشأ الهی دریافت وحی تأکید داشت و هم قرآن به صراحت اعلام می‌دارد که کلام خداوند است که از طریق جبرئیل به محمد(ص) قرائت و ابلاغ و منتقل شده است. آقای سروش بر این موضع است که وحی و مخاطبی در کار نبوده و محمد(ص) ناظر و تماشاگر و راوی مناظری بوده که در رؤیا می‌دیده و سپس آن‌ها را در قالب آیاتی بیان می‌نموده است. این روایت ساخته آقای دکتر سروش با آنچه در قرآن بیان شده و با آنچه حضرت رسول عنوان نموده به تمامی متفاوت و بلکه متضاد است که امین بودن و راست‌گو بودن و صدق نبوت و کیفیت رسالت و محتوای درونی پیامبری حضرت رسول را به چالش می‌کشد و نفی می‌کند، آن‌چنان که امین بودن و صادق بودن و راست‌گو بودن خداوند را نیز مورد تردید و چون و چرا قرار می‌دهد. در هیچ جایی از قرآن بیان نشده که این سخنان در خواب ریشه دارند و از هیچ کلامی در قرآن بوی خواب و رؤیا به مشام نمی‌رسد، بلکه برعکس، بارها گفته شده این آیاتی است که خداوند از طریق «جبرئیل امین» بر پیامبرش فرو فرستاده است. امین نامیدن جبرئیل نیز به خاطر تأکید بر امانت‌داری و دقتی است که این واسطه قدسی نسبت به ابلاغ کلمات و آیات از

والا می‌نماید.

نظریه دکتر سروش بدین ترتیب از یک نظریه فاصله می‌گیرد، چراکه اعتبار خود را از نفی سایر نظریه‌ها اخذ می‌کند، بدون آنکه در ازای این نفی و نسخ، روشی بدیل و قابل استفاده برای اهل دین عرضه نماید. ضمن آنکه حواله دادن فهم قرآن به خوابگزاران سبب می‌شود که ارتباط مؤمنان غیرخوابگزار با این کتاب قطع شود و آن‌ها برای فهم قرآن مجبور بشوند واسطه‌گرایی غیرمخصص و جدید را به میانه فرابخوانند تا آن‌ها را در امر تعبیر خواب یاری برسانند و خود بدین ترتیب به میانجی‌گرایی جدید در امر انتقال پیام دین به مردم تبدیل گردند. این امر، بی‌گمان درب معضلی جدید را به روی مؤمنان غیرخوابگزار خواهد گشود و مدعیانی جدید را در آستین خود می‌پرورد که ادعای خوابگزاری آیات قرآنی را خواهند داشت. این فرآیند البته ضلع شوم دیگری نیز خواهد داشت و آن هم: فراهم‌سازی بستری برای تشکیک هرچه بیشتر نسبت به حقانیت آیات برآمده از بستر خواب و نیز صحت خوابگزاری خوابگزاران خواهد بود. سپردن فهم آیات قرآن به قشری نوظهور به نام خوابگزاران سبب می‌شود تا دین از دسترس مردم هرچه بیشتر دور شود و در انحصار گروه‌های انحصارگر و مدعی رسمی جدید درآید. ضمن اینکه پرورش قشر جدید خوابگزاران برای تعبیر قرآن امری ناممکن می‌نماید، چراکه اسلوبی و بنیادی دینی برای این کار هرگز اندیشیده نشده است. مطلب از این قرار است که هرگاه نظریه‌ای، روشی راهبردی برای کمک به مخاطبان در راستای اقتناع ذهنی آن‌ها عرضه نکند، مشتاقان بسیاری را در وادی سرگردانی رها می‌سازد و از سویی دیگر بهانه‌های بسیاری به دست مغرضان در تهاجم به قرآن و پیامبر کریمش می‌دهد. نظریه پیشنهادی آقای سروش با قرآن چنین می‌کند. ضمن اینکه فقر روشمندی این نظریه آن‌چنان است که امکان آزمون تجربی و علمی را از آن سلب می‌کند. به قول کارل پوپر اگر امکان آزمون تجربی نظریه‌ای وجود نداشته باشد، در نتیجه امکان ابطال آن هم فراهم نمی‌شود. این محصور بودن در حصار آزمون‌ناپذیری به معنی غیرمعتبر بودن آن نظریه است. (رش به: بلیکی، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۲)

تعبیه کردن سازوکاری برای تعیین میزان صدق یک نظریه از راه آزمون آن، از مصادیق معتبر بودن و قابل پذیرش بودن آن نظریه است. در عالم واقعیت، چنین نظریاتی در صد

## دیدگاه دکتر سروش، نه یک نظریه، بلکه یک ادعای غیرقابل پذیرش است. این ادعا قادر به توضیح هیچ چیز نیست، به‌ویژه اینکه روشی قابل پذیرش برای فهم قرآن ارائه نمی‌دهد و تنها کارکردی که دارد؛ همانا ایجاد اختلال در فهم راستین قرآن است

برمی‌آیند تا این ضعف آزمون‌ناپذیری خود را با یافتن برخی شواهد اثبات‌کننده جبران نمایند. درواقع آن‌ها به وادی توجیه بی‌پایه ادعاهای خود فرومی‌غلتنند و دفاع آن‌ها صورتی احساسی از جنس تأکید بر ادعاهای غیرقابل اثبات و پذیرش می‌یابد.

### نتیجه

بنا به نقد پنج‌گانه فوق، آنچه آقای دکتر سروش مطرح کرده، ویژگی‌های یک نظریه را ندارد. ادعای ایشان غیرروشمند است و استواری سخن خداوند را به تزلزل رؤیا فرو می‌کاهد، بافتار اجتماعی نزول وحی را نادیده می‌گیرد، ارتباط دیالکتیکی میان کلام خداوند و ساختار فرهنگی، مردم‌شناختی و تاریخی بستر دریافت‌کننده وحی را قطع می‌کند، وجه اجتماعی مأموریت حضرت رسول را خصلتی توهمی می‌بخشد و زمینه‌های مهیا می‌کند تا نسبت به حقایق کلام پیامبر تشکیک وارد آید. این دیدگاه به امین بودن کلام خداوند و قول حضرت رسول خدشه وارد می‌آورد، گواهی اجزای ساختاری قرآن مبنی بر صدق رسول و راست‌گویی خداوند را به هیچ می‌انگارد و منطق عقلانی فهم پیام قرآن را زیر پا می‌نهد. این سخن چون خود پریشان و غیرروشمند است در قرآن پریشانی می‌بیند.

همچنین این ادعا نه اسباب نزول آیات را در نظر می‌گیرد، نه ارتباط آیات قرآن با واقعیت اجتماعی-فرهنگی را لحاظ می‌کند، نه به چگونگی ساخته شدن ساختار کتاب قرآن توجه دارد و نه نظم ساختاری آیات را در نظر می‌گیرد. این ضعف‌ها و نادیده گرفتن‌ها و خلل‌ها سبب می‌شود تا نظریه وی به ساحت و صداقت خداوند و حضرت رسول و قرآن خدشه وارد آورد، ایمان را که مایه آرامش دل و اطمینان خاطر و زیستن یقین‌مند در اعمال و پیام خداست را مخدوش و مختل و تباہ سازد، ذهن مسلمانان را پریشان

و قلب مؤمنان را ویران کند و موجبات شک و تردید را نسبت به صحت و ریشه‌داری کلام الهی فراهم آورد. همچنین نظر ایشان، ضرورت ظهور قشر جدیدی به نام خوابگزاران قرآنی را به میانه می‌کشد و از این طریق عموم مردم را از قرآن دورتر می‌سازد و این کتاب و فهم آن را در انحصار گروهی جدید قرار می‌دهد که در اسلام هیچ جایگاهی برای آن در نظر گرفته نشده و تحویل فهم قرآن به چنین کسانی ارتباط همگانی را با این کتاب دچار اختلال بسیار می‌سازد. این قشر جدید واسطه از قبیل انحصار در خوابگزاری قرآنی، رسمیت و تقدس جدید و خطرناکی را علیه دین بر خواهد ساخت و همین پیامدهای خطرناک و ویرانگر نشان‌دهنده این امر است که این نظر را نمی‌توان پذیرفت.

دیدگاه دکتر سروش، نه یک نظریه، بلکه یک ادعای غیرقابل پذیرش است. این ادعا قادر به توضیح هیچ چیز نیست، به‌ویژه اینکه روشی قابل پذیرش برای فهم قرآن ارائه نمی‌دهد و تنها کارکردی که دارد؛ همانا ایجاد اختلال در فهم راستین قرآن است. به همین خاطر است که این نظر نه نظریه است و نه قابل پذیرش.

فروید را در روان‌شناسی بسیار بزرگ می‌دانند و پس از قرنی که از طرح مباحث روانکاوانه او می‌گذرد، هنوز و همچنان نظریات او برای روان‌شناسان جهان معتبر و قابل استناد هستند؛ اما فروید نظریه‌ای درباره دین هم دارد و این نظریه آن‌چنان بی‌ریشه و سست‌بنیان، نامعتبر و ضعیف است که به عقیده بسیاری از منتقدان اگر این نظریه از فروید نبود، کسی آن را جدی نمی‌گرفت و اندکی پس از عرضه، نسخ و به وادی فراموشی سپرده می‌شد. به نظر می‌رسد این سرنوشت برای نظریه رؤیاهای رسولانه دکتر سروش نیز صدق می‌کند.

### فهرست منابع

۱. بلیکی، نورمن (۱۳۹۳). پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی. ترجمه: سید حمیدرضا حسنی و دیگران. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. سروش، عبدالکریم (۱۳۹۵). محمد؛ راوی رؤیاهای رسولانه. سایت فرهنگی نیلوفر.
۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۲). تفسیر مجمع‌البیان. ترجمه: احمد بهشتی. تهران: فراهانی.
۴. محقق، محمدباقر (۱۳۵۹). نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین عامه و خاصه. تهران: اسلامی.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). مجموعه آثار ۲۸: آشنایی با قرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ❖

## مسئله ایرانی بودن

علی بیاتی

پژوهشگر

در گذر تاریخی بر سرنوشت  
اکثریت تمدن‌ها و ملل  
تأثیرگذار، متفکران و  
دانشمندان و فلاسفه‌ای  
را می‌بینیم که در  
معرفت‌بخشی و تحکیم  
هویت مردم خویش، از طریق  
آگاهی‌بخشی و تعمیق سطح  
خودآگاهی تاریخی آن ملت  
نقش مهمی ایفا کرده‌اند و  
هویت مردم خود را انسجام و  
همبستگی بخشیده‌اند

در ایران امروز، ایرانی بودن یک پرسش جدی و اساسی است که باید با طرح آن طرحی نو درافکند. امانوئل کانت در پاسخ به پرسش «روشنگری چیست؟» پاسخی بدین مضمون داده: روشنگری خارج شدن انسان است از قید و بند تفکر پیشینیان و

مسئله «هویت» و تعریف و تبیین آن، یکی از مسائل مبتلابه جامعه ما و بلکه جهان ماست و فلاسفه و نویسندگان متعهد به حقیقت‌طلبی و متفکران دغدغه‌مند وظیفه دارند که هویت امروزی ایرانی را تعریف کنند و آن را معنای دوباره‌ای ببخشند. اهمیت تحلیل و تعقل فلسفی از همین‌جا نشئت می‌گیرد که در معنابخشی به واژه‌ها و احیاناً جا انداختن و مقبولیت بخشیدن به آن‌ها، فیلسوفان نقش بسزایی دارند و اهمیت اندیشیدن و فلسفه‌ورزی در استحکام تمدن هر کشوری در جهان امروز امری ضروری به نظر می‌رسد. اهمیت فلسفه‌ورزی وقتی خود را بهتر نشان می‌دهد که ببینیم در طول تاریخ هم جوامعی که سردمدار تغییر و تحول و رشد و پویایی بوده‌اند. به اندیشیدن و موضوع معرفت‌جویی و حقیقت‌طلبی توجه فراوانی مبذول داشته‌اند. در خاورمیانه امروز مسئله هویت به گونه پیچیده‌ای با تمامی اجزای زندگی ساکنان این قسمت از کره خاکی گره خورده و درهم تنیده است.

صغارت و کودکی، روشنگری چیزی نیست جز تفکر مستقل و اندیشیدن خالص در باب عالم و آدم.

در گذر تاریخی بر سرنوشت اکثریت تمدن‌ها و ملل تأثیرگذار، متفکران و دانشمندان و فلاسفه‌ای را می‌بینیم که در معرفت‌بخشی و تحکیم هویت مردم خویش، از طریق آگاهی‌بخشی و تعمیق سطح خودآگاهی تاریخی آن ملت نقش مهمی ایفا کرده و هویت مردم خود را انسجام و همبستگی بخشیده‌اند.

بگذریم از این نکته که بعضی فیلسوفان معتقدند فلاسفه در هنگام افول تمدن‌ها و ظهور بحران‌های اجتماعی ظاهر شده‌اند و در شکل‌گیری و بنیان‌گذاری تمدن‌ها تأثیری نداشته‌اند؛ اما از قضاوت مشکل و مناقشه‌برانگیز میزان تأثیرگذاری فیلسوفان در برهه‌های متفاوت تاریخ که بگذریم، در این گزاره شکی نیست که متفکران، از جمله فیلسوف‌ها، حتی شاعران و هنرمندان که به ظاهر ممکن است نقشی نداشته باشند، در شکل‌گیری حکومت‌ها و بنیان‌گذاری تمدن‌ها نقش بازی می‌کنند، هرچند کم یا زیاد بودن این تأثیر محل مناقشه است و گرنه در تأثیر کلام و هنر از طرفی و استدلال و دلیل از دیگر سو محل تردیدی باقی نمی‌ماند. مثال بارز این تأثیرگذاری در تأسیس کشور آلمان در قرون گذشته است که به‌قول تری پینکارد در کتاب *فلسفه آلمانی*، «آلمان تنها حین بازاندیشی گذشته آلمان شد.» در سال ۱۸۱۰ مادام دو استال در کتابش *درباره آلمان*، ایده و رؤیای کشور آلمان را به‌عنوان سرزمین شاعران و فیلسوفان خلق کرد تا آنچه را در جغرافیای سیاسی هنوز تحقق پیدا نکرده بود در ساحت تفکر و ایده، مطرح می‌کند و تکامل بخشد. پرسش‌ها و مسائلی که متفکران و فیلسوفان آلمانی مطرح کرده‌اند پرسش‌های امروز جامعه ما نیز هست و زمان آن رسیده که به آن‌ها به‌طور جدی و روشمند بیندیشیم و ایده‌ای را که دکتر جواد طباطبایی تحت عنوان «تأملی برای ایران» مطرح کرده، واکاویم و بشکافیم و درباره آن غور و بررسی جدی کنیم.





نقادانه مطرح نشده و ایده آن پیگیری نشود.

امید است که مسئله و موضوع «ایران» در کلیت خود، انسجام، همبستگی و پایداری پیدا کند و بین پژوهشگران و متفکران جانی تازه بگیرد و با روش نقادانه و به دور از حاشیه‌سازی و توهین و تحقیر دیگری دوباره و چندباره مورد بحث قرار بگیرد تا شاید این بحث درازدامن، در افزایش آگاهی‌های جامعه ما از هویت و تاریخ خویشتن خویش مؤثر افتد و خودآگاهی تاریخی ایرانی اصیل پدید بیاید. امید که به‌قول استاد مصطفی ملکیان، ما ایرانیان بتوانیم با استفاده از عقلانیت، از اشکالات مختلف و ناتوانی‌های متفاوتمان دست کشیده و روش صحیح تعقل و استدلال‌ورزی ما را به راه درست و ثواب رهنمون سازد. ❖

جمهوری اسلامی ایران، در ساحت تفکر و ایده تکامل بخشیم تا بتوانیم در ساحت عمل و سیاست هم از آن بهره برده و آن را به کار بندیم.

نگارنده در پی آن است در این باره متفکران و اندیشمندان باز هم بیشتر اندیشیده و محصول اندیشه‌های خود را در جامعه مدنی به بحث بگذارند تا حاصل این نقد و بررسی‌ها و موشکافی‌ها به کار امروز و اکنون ما بیاید. از یاد نبریم که آلمان به‌عنوان سرزمین شاعران و فلاسفه ابتدا در حوزه تفکر و نظر جامه تحقق بر تن کرد و سپس در عالم جغرافیای سیاسی به وقوع پیوست و حال که ایران‌زمین پس از سال‌ها گذر از پیچ‌وخم‌های تاریخ بدین جا رسیده، چرا این مطلب درباره ایران امروز به‌عنوان سرزمین اندیشه و اندیشه‌ورزان و صلح‌طلبان و مدافعان تفکر

البته نگارنده در عین جدی انگاشتن پرسش طباطبایی، در روش پاسخ‌گویی وی و پرخاش و توهین او به متفکران امروز و دیروز این سرزمین رضایت و دلالتی نمی‌بیند و معتقد است که اگر کسانی چون جلال آل‌احمد و دکتر علی شریعتی در گذشته تاریخی ما و امروزه دکتر عبدالکریم سروش و روشنفکران دین‌دار که به اندیشه‌ورزی و تفکر مشغول‌اند از دیدگاه ما در اشتباه‌اند، تنها کافی است استدلال خود را بنگاریم و انتقادات خود را مطرح کنیم، نه اینکه به تخطئه و تخریب آنان مشغول باشیم، چراکه اگر قرار به تخریب باشد دیگر جایی برای ساختن نمی‌ماند و البته اذهان آگاه بهتر می‌دانند که این آسیاب به نوبت است و نوبت همه دیر یا زود خواهد رسید. این روند دقیقاً عکس اندیشیدن و تفکر نقادانه است که به تصحیح و پالایش اندیشه‌ها و بررسی صحت و سقم گزاره‌های آن‌ها می‌پردازد، نه افراد و عادات و سلیقه‌هایشان.

پرسش از «ایرانی بودن» یک شهروند ایرانی در پناه نظریه ملت-دولت مدرن، به قول دکتر احمد زیدآبادی، مقوله‌ای جدید و ناآشناست و اندیشه‌ای نو می‌طلبد و اگر نگارنده بخواهد به آرای یکی از متفکرانی که نامش برده شد یعنی دکتر سروش استناد کند، باید گفت که هویت امروزی ما ایرانیان سه وجه غالب دارد که شامل ایرانیت، اسلامیت و نحوه مواجهه ما با مدرنیته و اندیشه تفکر آزاد است، چراکه نگارنده معتقد است که بر اساس همان تقسیم‌بندی ملت-دولت مدرن و مرزهای سیاسی و جغرافیایی کنونی، ما ایرانیان سه ساحت گوناگون داریم که باید درباره هر یک بیندیشیم و گفت‌وگوی نقادانه داشته باشیم تا هرکدام از این سه، در تعادل با دیگری بوده و هیچ‌کدام بر دیگری غلبه پیدا نکنند.

در باب ایرانیت یا همان تاریخ و فرهنگ ما، در باب اسلامیت یا همان مذهب و زیست جهان ما و در باب مواجهه‌مان با مدرنیته و علم جدید و حقوق بشر و به‌اصطلاح علوم جدید از رنسانس به بعد باید با روش تفکر نقادانه و مستقل، درباره هر یک از این‌ها دوباره و دوباره بیندیشیم تا بتوانیم شناخت خود از هویت امروزی‌مان را پس از چهل سال از تشکیل





یادی از حضرت عیسی مسیح<sup>ع</sup> و حضرت مریم<sup>ع</sup>

به مناسبت آغاز سال نو مسیحی به روایت آیات قرآن

اسباط نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آورده‌ایم میان هیچ‌یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم. (سوره بقره، آیه ۱۳۶)

قرآن کریم، این تسلیم در برابر خدای جهان را، «دین» نامیده است. «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ حَلِيلًا»

و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی نموده است و خدا ابراهیم را دوست گرفت. (سوره نساء، آیه ۱۲۵) انبیاء با اشاره به این حقیقت که خدای متعال، رب و مربی همه جهان هستی است، هم خود به‌سوی معبود خویش عارفانه و عاشقانه شتافته‌اند و هم انسان‌ها و جوامع انسانی را به عرفان و شناخت و سپس عبودیت آن یگانه، فراخوانده‌اند، «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَابْتَدُوا هَذَا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا».

در حقیقت خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید [که] راه راست این است. (سوره آل عمران، آیه ۵۱)

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند. (سوره الذاریات، آیه ۵۱)

البته اغلب عالمان و محققان، عبادت خداوند را فرع بر شناخت او می‌دانند. در تبیین همین حقیقت، از امام صادق (ع) روایتی را نقل می‌نمایند. خرج الحسین بن علی (ع) علی اصحابه فقال: ایها الناس! ان الله - جل ذكره - ما خلق العباد الا ليعرفوه، فاذا عرفوه عبدوه، فاذا عبدوه استغنوا لعبادته عن عباده ما سواه؛ و...بقیه روایت که به موضوع دیگری می‌پردازد. حسین بن علی (ع) نزد یاران خود آمد و گفت: ای مردم! خدای متعال، بندگان را جز برای اینکه او را بشناسند نیافرید، پس چون او را بشناسند، پرستش او می‌کنند و چون او را بپرستند، از پرستش جز او بی‌نیاز می‌شوند. (الحیاه، استاد محمدرضا حکیمی، جلد دوم، ص ۶۳۷)

حضرت عیسی (ع) حسب ظاهر و بر مبنای محاسبات عرفی، به طرز معجزه‌آسایی به دنیا آمده‌اند. قرآن کریم نیز به این خلقت که به صورتی غیرعرف و غیرمعمول نسبت به



سعید حاتم تهرانی

فعال سیاسی

### در نگاه قرآنی، همه انبیاء از ناحیه خداوند متعال برگزیده شده و مورد خطاب و وحی الهی قرار گرفته و همگی در یک مسیر بوده و یک هدف را دنبال نموده‌اند

در نگاه قرآنی، همه انبیا از ناحیه خداوند متعال برگزیده شده‌اند و مورد خطاب و وحی الهی قرار گرفته‌اند و همگی در یک مسیر بوده و یک هدف را دنبال نموده‌اند. تمامی آن‌ها ندای توحید سر داده و انسان‌ها و جوامع انسانی را به خداوند عالم و حقایق هستی که انعکاسی از نور پروردگار هستند، خوانده و با یادآوری قانونمندی‌های الهی که در فطرت همه انسان‌ها ریشه دارد، آنان را به عاقبت‌گرایی جهان هستی و حرکت آن به‌سوی آخرت، آگاهی بخشیده‌اند و یک‌صدا و هم‌نوا و یکپارچه، انسان‌ها و جوامع انسانی را به خدای هستی، خوانده‌اند. (یعنی داعی الی الله بوده‌اند) و تنها او را شایسته حمد و ستایش و پرستش دانسته‌اند و تسلیم در برابر او و حقایق آفریده شده توسط او بوده و انسان‌ها و جوامع را نیز به تسلیم در برابر او فر خوانده‌اند. «فَقُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ».

بگویید ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ»  
[یاد کن] هنگامی [را] که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می‌دهد درحالی‌که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است. (سوره آل عمران، آیه ۴۵)

بر اساس سنتی دیرینه، مسیحیان جهان، ابتدای سال را اول ژانویه می‌دانند. همان‌گونه که ما ایرانیان، ابتدای سال خود را روز اول فروردین دانسته و کشورهای عربی نیز، سال جدید خود را از اول محرم شروع می‌کنند. البته مبدأ تاریخ مسیحیان، تولد حضرت عیسی (ع) یعنی ۲۵ دسامبر هر سال (یک هفته قبل از شروع سال نو) بوده و به‌عنوان کریسمس، جشن گرفته می‌شود. همان‌گونه که مبدأ تاریخ هجری (اعم از شمسی یا قمری)، ماه ربیع‌الاول است که مصادف با هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه است. البته تفاوت سال‌های هجری شمسی و هجری قمری در طول حدود ۱۴۰۰ سال، موجب شده است که به‌طور مثال، سال جاری هجری شمسی، یعنی سال ۱۳۹۷، مصادف با سال ۱۴۴۰ هجری قمری باشد. (۱۴۴۰ = ۱۳۹۷ + ۴۳ = ۱۵۳۶۷ / ۳۵۶ = ۱۱ \* ۱۳۹۷)

به هر صورت، سال نو مسیحی از اول ماه ژانویه شروع می‌شود و مصادف با ایام جشن و سرور مسیحیان جهان و حتی همه انسان‌های خداجو و موحد و عاشقان انسانیت و محبت، به مناسبت میلاد پیامبر مؤید به تائیدات روح القدس، یعنی عیسی مسیح (ع) است.

«وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْكُمْ فَرَّحْتُمْ بِرُوحِ الْقُدُسِ فَقَرِّبُوا لَكُمُ الْوَعْدَ الَّذِي لَكُمْ وَفَرِّقُوا بَيْنَ الْمُقَرَّبِينَ».

و همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم و او را با روح القدس تائید کردیم پس چرا هرگاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد کبر ورزیدید گروهی را دروغ‌گو خواندید و گروهی را کشتید. (سوره بقره، آیه ۸۷)

کلام خدا را از آمیختن به کجی‌ها و انحراف‌ها بازدارند و چنان‌که هست بنمایانند. او پس از مرتبه تکوین نام و نشان و نسب یافت: اسم‌ه المسیح عیسی بن مریم». (پرتوی از قرآن، جلد سوم، ص ۱۳۳)

همچنین در جای دیگری می‌گویند: چون برای مردم قیام کرد، وجیه شد: «وجیه‌ها فی الدنيا و الاخره». وجیه از این رو بود که او به مردم و مردم به او روی می‌آوردند. «فی الدنيا و الاخره»، ظرف «وجیه» است، یعنی در دنیا و آخرت وجاهت دارد. هم در متن زندگی و دنیای مردم و با گرفتاری‌ها و غم‌ها و شادی‌ها و بندها و پیوندهای آنان دمساز است، چون به حیات خلق وابسته است و به مردم، در دنیای کینه‌ها و نفرت‌ها، محبت می‌ورزد و پیام محبت می‌رساند و هم با حیات روحی و معنوی‌شان. (پرتوی از قرآن، جلد سوم، ص ۱۳۴)

در ایام آغاز سال نو مسیحی و میلاد پیامبر پربرکت و وجیه در دنیا و آخرت، حضرت عیسی مسیح (ع) همانند خداوند که او را آفریده خود خوانده و می‌فرماید، «مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قُضِيَ الْأَمْرُ فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»

خدا را نسزد که فرزندی برگیرد منزّه است او چون کاری را اراده کند همین قدر به آن می‌گوید موجود شو پس بی‌درنگ موجود می‌شود. (سوره مریم، آیه ۳۵)

هم‌نوا با سخن آن پیامبر رحمت و محبت و دارای جاذبه معنوی پرکشش و پرجاذبه نزد مسیحیان و همه انسان‌های خداجو، بر او سلام و درود می‌فرستیم و می‌گوییم، «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا»

و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم. (سوره مریم، آیه ۳۳)

و همراه او که خداوند در قرآن کریم، از زبانش، برای مادر مطهرش، دعا نموده، «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا»

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است. (سوره مریم، آیه ۳۲)

برای مریم مقدس، آن بانوی مطهره و پاکیزه و باخلاص، از درگاه ایزد منان، بهترین دروهای نیکو را می‌فرستیم و آغاز سال نوی مسیحی و میلاد پیامبر آبرومند (وجیه) در بارگاه الهی و نیز نزد مسیحیان و دیگر موحدان عالم را به تمام مسیحیان جهان، خصوصاً هم‌وطنان مسیحی ایرانی و همه پیروان دین حنیف توحیدی، تبریک و تهنیت می‌گوییم. ❖

## او کلمه گزیده‌ای از کلمات خدا بود که با کلمه کُن تکوین یافت. روشن بینان در انتظار چنین کلمه‌ای بودند تا کلام خدا را از آمیختن به کجی‌ها و انحراف‌ها بازدارند و چنانکه هست بنمایانند

و او را به‌عنوان پیامبری به‌سوی بنی‌اسرائیل می‌فرستد که او به آنان می‌گوید در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌ای آورده‌ام من از گل برای شما چیزی را به شکل پرند می‌سازم آنگاه در آن می‌دمم پس به اذن خدا پرند می‌شود و به اذن خدا نابینای مادرزاد و پیر را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می‌گردانم و شما را از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم مسلماً در این معجزات برای شما اگر مؤمن باشید عبرت است. (سوره آل‌عمران، آیه ۴۹)

و در همان کودکی، به لسان فصیح عنوان نمود، «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» [کودک] گفت منم بنده خدا به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است. (سوره مریم، آیه ۳۰)

همچنین در آیات دیگری مجدداً تأکید می‌نماید که عیسی مسیح، فقط «رسول» خدا است و مادر بزرگوار و مطهرش را «صدیقه» می‌خواند. مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأَمَّهُ صَدِيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَتَى يُؤْفَكُونَ مسیح پسر مریم جز پیامبری نبود که پیش از او [نیز] پیامبرانی آمده بودند و مادرش زنی بسیار راست‌گو بود هر دو غذا می‌خوردند بنگر چگونه آیات [خود] را برای آنان توضیح می‌دهیم سپس ببین چگونه [از حقیقت] دور می‌افتند. (سوره مائده، آیه ۷۵)

مرحوم آیت‌الله طالقانی در تفسیر سوره آل‌عمران، در آیات مربوط به حضرت مریم (ع) و حضرت عیسی (ع)، نکات بسیار ظریف و لطیف و عمیقی را بیان می‌کنند. ایشان درباره حضرتش می‌گویند: «او کلمه گزیده‌ای از کلمات خدا بود که با کلمه کُن تکوین یافت. روشن‌بینان در انتظار چنین کلمه‌ای بودند تا

تولدهای معمولی در جوامع بشری صورت پذیرفته، اشاره نموده و آن را با خلقت آدم مقایسه کرده است، «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». (سوره آل‌عمران، آیه ۵۹)

درواقع مثل عیسی نزد خدا همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید سپس بدو گفت باش پس وجود یافت.

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ [یاد کن] هنگامی [را] که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود که نامش مسیح عیسی بن‌مریم است مژده می‌دهد درحالی‌که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است. (سوره آل‌عمران، آیه ۴۵)

و برای تأکید بر شایستگی و پارسایی مادر بزرگوارش مریم، در آیه دیگری فرموده است، «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» و [یاد کن] هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است. (سوره آل‌عمران، آیه ۴۲)

و به او کتاب و حکمت آموخته، «وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد. (سوره آل‌عمران، آیه ۴۸)

و در روزگاری که دین موسی در دست علمای بی‌عمل و دنیا‌دار، به دکانی تبدیل شده بود که در آن، دین خدا را با دنیای خود معامله می‌نمودند و آن عالمان دنیاطلب، دین مبین موسی را در راه امیال خود، تحریف و تاویل می‌کردند و زنان و مردانی که آگاهی و بصیرت در دین داشتند، اغلب خانه‌نشین و مطرود بوده و فرصت‌طلبان جاه‌طلب و زراندوزان مردم‌آزار، دست در دست آن عالمان بی‌عمل و دنیا‌دار، میدان‌دار سرنوشت مردم بودند، در چنین محیطی بود که خداوند عیسی مسیح را برگزید و رسولش به‌سوی بنی‌اسرائیل خواند، «وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخْبِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

## پیدایش فلسفه علم



ابراهیم خوش‌سیرت

### در فلسفه کلاسیک، واقع‌انگاری غالباً در عالم ذهن و ذهنیت مفهوم می‌یافت نه در خارج از ذهن که به تعبیر امروزی به صورت فیزیکال و تجربی قابل ادراک باشد

بوده است. علم منطق با موضوعاتی از قبیل تفکر، تعقل، تدبیر، استدلال، برهان، قیاس، استقراء، اصول موضوعه، قضایای ایجابی و سلبی، یقینیات، بدیهیات، مسلمات و... تعریف می‌شد.

هر فیلسوفی به کمک سازه‌های مزبور در پی استنتاج قضایا برمی‌آمد و پس از آن حکم کلی صادر می‌کرد. شیوه اندیشندگی فلاسفه پیشین در خصوص هر گزاره‌ای به طریق انتزاعی تعیین می‌شد که در فلسفه روان‌شناختی امروز به‌عنوان سوپژکتیویته مصطلح است. به عبارتی در فلسفه کلاسیک، واقع‌انگاری غالباً در عالم ذهن و ذهنیت مفهوم می‌یافت نه در خارج از ذهن که به تعبیر امروزی به صورت فیزیکال و تجربی قابل ادراک باشد. در این نظرگاه نخستین پدیده‌هایی که ذهن متفکران یونان قدیم را به خود مشغول می‌داشت، عبارت بود از اسرار پیچیده عالم هستی که همواره آنان را به حیرت و شگفتی وامی‌داشت.

متفکرانی چون دکارت و کانت در آغاز کارکردهای فلسفه شکاک (سوبتسیزم) بوده‌اند. نیچه، آبرکامو و برتراند راسل به نهیلیسم (عبث‌گرایی) گراییدند. به‌طورکلی

فلسفه یونان قدیم به تعبیر علامه طباطبایی «فنی بود که از قدیم به‌عنوان فلسفه حقیقی یا علم اعلی شناخته شده است، یعنی فن تحقیق در نظام عام و توضیح سرپای هستی تعریف می‌شده است.»<sup>۱</sup>

درباره دلیل سوپژکتیوی یا انتزاعی اندیشیدن درباره نظام کلی عالم و غایت‌انگاری در واقع می‌توان نبود سازه‌های شناخت‌شناسانه پراکسی و تجربی را لحاظ نمود؛ چراکه در عصر پیشامدرن هنوز بشر با علوم دقیقه و سازوکارها و مولفه‌های مربوط به آن چنان‌که در علوم تجربی، ریاضی و فیزیک امروز شاهد آن هستیم دست نیافته بود. از این نظر رویکرد اگزیستانسیالیستی یا وجودشناسی که بخش اعظم فلسفه قدیم و فلسفه اولی یا متافیزیک را تشکیل می‌دهد در واقع بر پایه تفکر و عقلانیت فلسفی تبیین و تشریح می‌گردید. اگرچه بعداً توضیح داده خواهد شد که برخی مؤلفه‌های شناخت‌شناسانه فلسفه علم هم نظیر فلسفه قدیم است. با آغاز رنسانس علمی و صنعتی شدن دنیای غرب، اومانیزم یا اصالت انسانی، انسان محور همه امور و تصمیم‌ساز در تمامی عرصه‌ها و علوم جهان قرار گرفت تا آنجا که نیچه، انسان را آلترناتیو (جایگزین) خدا پنداشت و درنهایت در عصر مارکسیسم جسارت به آنجا کشید که خدا از صفحه تاریخ و عالم هستی حذف گردید.

عصر مدرنیته با کشف سازه‌های فناوری مدرن یا روی آوردن به مدرنیزاسیون و شکوفایی و رونق گرفتن زندگی جدید مادی بشر در مقابل بسیاری از حقایق متافیزیکی در دوره‌ای از تاریخ مدرنیسم مغفول مانده بود.

این شرایط تک‌بعدی‌نگری و روی‌آوری به ماتریالیسم، عمدتاً با ظهور داروین و طبیعیون امری جدی به خود گرفت. در نظریه داروینیسم «فرایند زیست تکاملی» بر پایه مکانیسم چرخه حیات طبیعی از تک‌یاخته به پرسلولی و تشکیل‌دهنده ساختمان کامل موجودات زنده جهان در طی ادوار تاریخ به رویکرد ماتریالیستی تقویت بخشید. به هر حال در رویارویی با نظرگاه برآمده از تفکر جهان‌بینی علمی و ماتریالیستی صرف، عده‌ای از فیلسوفان غرب

فلسفه علم و فلسفه یونان باستان دو اردوگاه فکری جداگانه‌ای هستند که باوجود افتراق میان آن‌ها، به جهاتی دارای وجوه مشترکی دارند و در مواردی هم تفکیک‌ناپذیر به نظر می‌آیند.

فلسفه کلاسیک در اصل به یونان قدیم بازمی‌گردد. پیشتازان و پایه‌گذاران اصلی این‌اندیشه عبارت‌اند از: سقراط حکیم، افلاطون، ارسطو، زنون و... آنان در خردورزی و خلق اندیشه در آن مقطع تاریخی به چنان دستاوردی عظیم روی آوردند، طوری که اکنون قریب به ۲۵ قرن از قدمت آن می‌گذرد، هم‌چنان فیلسوفان مشرق‌زمین و پس از آن‌ها فلاسفه جدید در شاخه‌های مختلف علوم انسانی و تجربی از مشرب و سازوکارهای آموزه‌های فیلسوفان قدیم بهره گرفته و بدین‌وسیله بر گستره دانش خود می‌افزایند.

تاریخ پیشامدرن اندیشه‌ورزی بشر به مفهوم فلسفی آن در هیچ نقطه جغرافیایی دقیقاً مشخص نیست، درحالی‌که قدمت تمدن‌های باستانی بشر در بسیاری از مکان‌های جغرافیایی از جمله: هند، چین، بابل، مصر، ایران را آرکولوژیست‌ها یا باستان‌شناسان و مورخان بزرگی چون هروودوت، گزنفون، ویل دورانت و گوستالوبون به‌طور دقیق شناسایی کرده‌اند. در گفتمان فلسفه قدیم نظریه‌پردازی و اندیشیدن درباره موضوعات مهمی از جمله نشئه عالم، ازلی و ابدی بودن هستی و هستنده‌ها، قوانین حاکم بر نظام جهان، علیت و غایت‌انگاری در نظام عالم، وجود پیچیدگی‌های شگفت‌آور در طبیعت از منظر رازآلود بودن و... تماماً مستلزم تفکر بود و اندیشیدن را در پی داشت. در آغاز، اندیشندگی بیشتر به دوران یونان باستان بازمی‌گردد که در یک صورت‌بندی کلی آن را «فلسفه» می‌نامیدند.

ریشه فلسفه از «سوف» می‌آید، واژه سوف به زبان یونانی «دانایی و دانش» معنا می‌دهد. «سوفیست» به مفهوم دانشمند است، به هر سوفیستی «فیلسوف» هم می‌گویند. فیلسوف عموماً به کسانی اطلاق می‌گردد که نظریه‌پردازان بزرگی در زمینه‌های علوم معاصر خود به شمار می‌آمدند. سازوکارهای اندیشه‌ورزی فیلسوفان کلاسیک «منطق»

عملی و عینی استوار است، مشربی که از نوع اول آن فلسفه تعقلی افلاطونی و نوافلاطونیان است و مشرب عملی از جنس حکمت عملی ارسطویی بوده که پس از رنسانس علمی و شکل‌گیری مکتب‌های جدید، تجربه‌گرایان منطقی درواقع از فیلسوفان باستانی سرمشق و الگوگیری کرده بودند و امروز شاهد فلسفه مدرن هستیم.

چنان‌که می‌دانیم پس از دوران یونان باستان ما با دو دوره تاریخی فلسفه‌اندیشی یا فلسفه‌گرایی مواجه هستیم. یک دوره به قرون هفتم و هشتم و تا به قرن دهم و یازدهم منتهی می‌شود و این زمان‌ها فیلسوفان اسلامی از جمله: ابن‌سینا، فارابی، سهروردی، صدرالمطالین و حکیم سبزواری (عمدتاً فیلسوفان اسلامی ایران) وارد علم فلسفه می‌شوند و به دنبال آنان فلسفه‌دانانی چون علامه طباطبایی، آیت‌الله صدر، عبدالکریم سروش، داوری اردکانی و دینانی‌ها عموماً پیرو مشی تفکر افلاطون هستند، هرچند اکثر آن‌ها به دیدگاه‌های فلسفه علم فیلسوفان جدیدی چون دکارت، کانت، هگل، پوپر و هایدگر علاقه نشان می‌دهند.

دوره دوم درواقع به دوران پسایونان قدیم و یا عصر مدرنیسم و دوران شکوفایی فلسفه جدید علمی بازمی‌گردد که به‌اجمال درباره آن بحث شده است. به هر حال حاصل این گفتمان ما را به چند موضوع مهم جریان علمی در طول دوره‌های مختلف فلسفه‌گرایی رهنمون می‌گردد.

اولاً: فلسفه جدید یا فلسفه علم عموماً از رهگذر فلسفه یونان باستان می‌گذرد.

ثانیاً: فلسفه پوزیتیویسم یا تجربه‌گرایی منطقی خواسته یا ناخواسته باید بر پایه دو رویکرد تعقلی و تجربی تعریف و تفسیر شود. ثالثاً: هنوز هم نقدها و چالش‌های زیادی بر ایده‌ها و آراء مکاتب و ایدئولوژی‌های قرون هجده و نوزده و بیست میلادی در گرایش‌های ماتریالیسم وارد است که چنانچه فرصتی باقی بماند در حد وسع فکری و علمی خود به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

**پی‌نوشت:**

۱. اصول فلسفه و روش رئالیسم، ص ۴، جلد اول، ترجمه آیت‌الله مطهری.
۲. درآمدی بر فلسفه علم، ص ۵۴-۵۰، نویسنده: الکس روزنبرگ، ترجمه: علی حقی، ویراستار: دکتر مصطفی ملکیان ❖

## آزمایش علمی و مشاهده هرگز نشان‌دهنده این نیستند که اشیا چگونه باید باشند، بلکه نشان‌دهنده این‌اند که اشیا اکنون چگونه هستند

صورت عقلی و علمی تبیین پذیرند. در حقیقت این همان آغاز پیدایش فلسفه علم است که بر دو پایه عقل و علم استوار است. الکس روزنبرگ، یکی از طرفداران بزرگ فلسفه علم، می‌نویسد: «آزمایش علمی و مشاهده هرگز نشان‌دهنده این نیستند که اشیا چگونه باید باشند، بلکه نشان‌دهنده این‌اند که اشیا اکنون چگونه هستند». وی در اثبات این ادعا می‌گوید: «در سده‌های ۱۹ - ۱۸ میلادی اعتقاد پوزیتیویست‌های منطقی (تجربه‌گراها) این بود که یگانه باورها درباره جهان که می‌تواند شناخت محسوب شود از رهگذر تجربه توجیه می‌شوند. از بابت این اعتقاد آنان با سنتی وجه اشتراک داشته‌اند که سابقه آن دست‌کم به فیلسوفان سده هفدهم، یعنی جان لاک بارکلی و هیوم، تجربه‌گرایان انگلیسی می‌رسد؛ بنابراین علم نیازمند معرفت‌شناسی است. چون کار فلسفه با آزمایش و مشاهده پیش نمی‌ورد؛ پوزیتیویست‌ها بر آن بودند روایتشان را از تجربه‌گرایی به‌جای آنکه مستقیماً همچون دعوی درباره شناخت ابراز کنند، بسان تیزی درباره معانی به بیان درآوردند. به همین دلیل فلسفه علم آن‌ها همچون سلسله‌ای از تعریف‌ها و بازتعریف‌های پیشنهادشده و از مفهوم‌های سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده‌ای به بیان درآمد که مشی‌ها و پیامدهای پژوهش علمی را وصف کند. این رسم و روال ارائه تعریف‌ها یا دست‌کم تحلیل‌های زبانی مشخصه فلسفه علم و به‌وجه کلی تر ویژگی فلسفه تحلیلی دیری پس از افول پوزیتیویسم باقی مانده است.<sup>۲</sup>

با این توصیف، از تبیین علمی پوزیتیویست‌های منطقی فهمیده می‌شود که فلسفه علم بر دو پایه حکمت نظری و حکمت

را به واکنش وامی‌داشت و در این واکنش فیلسوفان منتقد که بعداً توضیح داده خواهد شد با دلایل علمی و متقن نظریه آنان را به چالش کشیدند.

از زمان دکارت و امانوئل کانت یک رنسانس علمی جدیدتری در فلسفه رخ نمود و آن رویداد جدید بزرگ آمیختن و آشتی دادن فلسفه راسیونالیسم یا فلسفه تعقلی با فلسفه پوزیتیویسم یا علم تحصلی و اثبات‌گرایی بوده که معروف به تجربه‌گرایی است. این رویکرد دوگانه‌اندیشی و یا به سخنی دو بعدی‌نگری، کلید راهگشای مورد منازعه فیلسوفان کلاسیک و پیروان نوافلاطونی‌ها و نوارسطویی‌ها بود و از دیگر سو فلاسفه جدید غرب را رقم زده بود که چند قرن ادامه داشته است.

پیدایش فلسفه علم درواقع از همین نقطه کلید خورده است. در تبیین علمی علی‌گزاره‌های مورد آزمون، هرگاه که در راستای اغراض، اهداف و رضایت مدعیان تجربه‌گرا به‌صورت پراکسی یا عینی و عملیاتی نتایجی کسب می‌شد، چون استنتاج آزمون‌ها در نظرشان درست و منطقی می‌نمود، به این ترتیب نتایج مورد آزمون را به‌عنوان قانون‌های فراواقعیت ثبت و ضبط می‌کردند. در مقابل، بسیاری از واقعیاتی را که وجود داشتند و در حیات بشر ارزشمند و نقش‌آفرین به نظر می‌آمدند، چون در حیطه آزمون‌های فیزیکی و تجربی آنان قرار نمی‌گرفت یا به‌طور کلی طرد و انکار می‌کردند و یا دست‌کم در حاشیه امور واقعیات قرار می‌دادند.

در تبیین علی نظر علمای ریاضی و تجربی علت هر معلولی در سطحی محدود و نهایتمند می‌نمود. از این روی هیچ‌گونه اهداف فراعلمی را به‌عنوان پارادایم حاکم بر سیانتیسم یا تجربه عملی بر نمی‌تابیدند. این درحالی است که هر انسان متفکری حائز مغز کامپیوتری چندبعدی‌نگر است؛ طبق این نظر، هر متفکری که فراتر از جهان فیزیکی می‌اندیشید، هرگز نمی‌توان او را در چنبره دنیای دگم و بسته محصور نمود. از این روی برخی از فیلسوفان جدید در تبیین علمی علی در پی پاسخ به چیستی و چگونگی علت‌العلل غایی بسیاری از گزاره‌های موردتحقیق برآمدند. چون گزاره‌هایی که به علت‌العلل نامحدود متصل بوده‌اند بالطبع بر پایه دو رویکرد تعقلی و علمی تبیین می‌شدند. به دیگر سخن واقعیات اگزستانسیال به دو





## کدام خاورمیانه جدید؟

### حسین ارغوانی

**بهار عربی و جنگ  
سوریه و تحریم ایران  
و بحران آب و محیط  
زیست نمادهای  
وجود بحران در  
سراسر خاورمیانه و  
علائم دردهای پیش  
از زایمان و نشان  
نزدیکی یک زایش  
جدید در منطقه است**

اکنون درست یک قرن از اجرای این توافق استعماری می‌گذرد و خاورمیانه بر اثر تقسیمات نادرست و غیرمنطبق بر ساختارهای جمعیتی و اقلیم‌های طبیعی و جغرافیایی و نیز وجود رژیم‌های اقتدارگرا و نظام‌های قبیله‌ای به‌جا مانده از دوران استعمار غرق در بحران‌های متعدد و آستان حوادثی جدید است. بهار عربی و جنگ سوریه و تحریم ایران و بحران آب و محیط زیست نمادهای وجود بحران در سراسر خاورمیانه و علائم دردهای پیش از زایمان و نشان نزدیکی یک زایش جدید در منطقه است.

اکنون قدرتهایی در خاورمیانه تأثیرگذار هستند که در زمان اجرای قرارداد سایکس پیکو در یک قرن پیش حضور نداشتند یا اثرگذار نبودند. آمریکا، روسیه، اسرائیل، ایران و عربستان از جمله کشورها و قدرت‌های نوظهور جهانی و منطقه‌ای هستند که در هنگام اجرای این نقشه یا نبودند یا در آن دخیل نبودند و نقشه موجود خاورمیانه را مطابق با منافع خود نمی‌بینند و خواهان تغییر آن و ترسیم مجدد آن بر طبق منافع خویش هستند.

اسرائیل در راستای آرمان آژانس بین‌المللی یهود و جنبش جهانی صهیونیسم برای تشکیل اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات خواهان حفظ برتری نظامی و اعمال سلطه امنیتی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی خود بر کشورهای خاورمیانه از طریق سلطه بر منابع آب و انرژی آن و نفوذ در نظام‌های اقتدارگرای حاکم بر این کشورها و القای توطئه‌های تفرقه‌افکنانه و فتنه‌انگیز خود به حاکمان آن‌هاست.

راهگشای ظهور گرایش یهودستیزی در آلمان و آغاز جنگ دوم جهانی از اروپا و اسکان یهودیان در فلسطین شد. در سال ۱۹۱۷ در روسیه انقلاب بلشویکی به وقوع پیوست و حکومت تزاری ساقط شد و همین مسئله سبب شد تا لنین تحت تأثیر افکار انقلابی و همچنین مشکلات داخلی انصراف کشورش را از اجرای این قرارداد و همچنین از قرارداد ۱۹۱۵ روسیه و انگلستان برای تقسیم ایران اعلام کند. در نتیجه با سقوط امپراتوری عثمانی در ۱۹۱۸ و بدون حضور روسیه و آمریکا، مفاد قرارداد سایکس پیکو را انگلستان و فرانسه به اجرا درآوردند و متصرفات امپراتوری عثمانی میان آن‌ها تقسیم شد، اما قسمت‌های شرق و مناطق کردنشین عثمانی که مطابق آن قرارداد قرار بود به تصرف روسیه درآید بلا تکلیف و تحت تصرف ترکیه باقی ماند.

اجلاسی که به دعوت آمریکا در شهر ورشو پایتخت لهستان با حضور تعداد زیادی از سران کشورهای منطقه و جهان با محوریت موضوع امنیت خاورمیانه و نقش ایران در ناامنی آن برگزار شد، مسئله بسیار مهمی است که می‌تواند آینده خاورمیانه را در قرن کنونی تحت تأثیر خود قرار دهد و باید از سوی مردم و مسئولان و صاحب‌نظران و تحلیل‌گران و روشنفکران ایرانی بسیار جدی گرفته شود.

بنا به شواهد و قرائن موجود، آمریکا در این اجلاس به‌طور قطع به دنبال کسب موافقت اعراب، اسرائیل، روسیه و اروپا برای حل نهایی مسئله فلسطین و اتحاد و همکاری آنها برای انزوای ایران و احتمالاً مقابله نظامی با آن و تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه و نیز شکستن شاخ اتحادیه اروپا و تشویق برخی از کشورها مثل لهستان به خروج از آن است؛ موضوع مهمی که ترامپ آن را معامله بزرگ قرن نامیده است.

این اجلاس را به لحاظ اهمیت شاید بتوان با قرارداد سایکس پیکو مقایسه کرد. قراردادی که درست یک قرن پیش میان انگلستان و فرانسه با رضایت روسیه در ۱۹۱۶ و در اثنای جنگ اول جهانی بر سر تقسیم قلمرو دولت عثمانی در صورت شکست آن در جنگ منعقد شد و کشورهای عربی مطابق نقشه‌ای که در آن قرارداد ترسیم شده بود روی نقشه جغرافیای سیاسی خاورمیانه پدیدار شدند. طرح تأسیس موطن یهودی در فلسطین هم با صدور بیانیه بالفور در سال ۱۹۱۷ و پس از عقد قرارداد سایکس پیکو ریخته شد. صدور بیانیه بالفور برای تأسیس موطن یهودی در فلسطین در واقع

پای ایران و عربستان و ترکیه و قطر در باتلاق سوریه و برفروختن آتش جنگ شیعه و سنی در سراسر خاورمیانه و جهان اسلام.

توافق برجام مهم‌ترین سلاح سیاسی بازدارنده برای تأمین امنیت ایران و بسیار کاراتر و قوی‌تر از سلاح‌های نظامی موردنظر نظام بود که با زحمت و تلاش و خون دل خوردن‌های بسیار گروه متخصص، دلسوز و قدرتمند محمدجواد ظریف در وزارت خارجه حاصل شد، به تأیید رهبری و اعضای دائم شورای امنیت رسید، به صورت قطعنامه سازمان ملل تصویب شد و سلاحی استراتژیک و بازدارنده بود که متأسفانه به دلیل اختلافات سیاسی و رقابت‌های جناحی و جنگ قدرت داخلی مورد بی‌مهری اصولگرایان مخالف روحانی و طرفدار رهبری قرار گرفت و قدر آن شناخته نشد و در مورد آن ناسپاسی و فرصت‌سوزی شد.

اکنون برجام به مویی بند است. و این مو در اثر کشیده شدن از طرف ایران و اروپا بر سر رد یا قبول FATF و نحوه تأمین مالی ایران توسط اروپا نزدیک است که از هم گسیخته شود. مهم‌ترین عامل و مؤلفه تأمین امنیت ملی وجود یا ایجاد وحدت ملی است. که با هیچ سلاح نظامی و استراتژیک دیگری قابل تأمین و تحقق نیست. وحدت ملی وقتی برقرار می‌شود که بین احاد ملت و نیز بین ملت و دولت و نظام هیچ شکاف و فاصله و گسست عمیقی وجود نداشته باشد. اما از سال ۸۸ به این سو این شکاف ایجاد شده و مدام در حال تعمیق و گسترش بوده است. روی کار آمدن دولت روحانی این شکاف را به صورت موقتی تا حدودی ترمیم و پر کرد و اعتماد ملت به دولت و نظام رفته‌رفته بازگشت. اما شکست برجام و بازگشت تحریم‌ها و در نتیجه افزایش رکود، بیکاری، تورم، فقر، فاصله طبقاتی، اختلاس‌های مدیران دولت و نظام عواملی است که دوباره بی‌اعتمادی را باز آورد و فاصله‌ها و شکاف‌های گذشته را مجدداً باز و گسل‌های سیاسی و اجتماعی را فعال کرد. اینک ایران بر روی گسل‌های بسیار فعال و قدرتمندی قرار دارد که هر لحظه می‌تواند چون زلزله‌ای مخرب و مرگبار و ویرانگر کیان ایران را بر باد دهد. ❖

## اسرائیل در پی توسعه‌طلبی و تنش‌آفرینی در خاورمیانه است، اما نه به‌طور مستقیم و محسوس بلکه با پیگیری سیاست انگلیسی مرموز و غیرمحسوس و توطئه‌گرانه «تفرقه بینداز و حکومت کن». از طریق به جان هم انداختن و مهار دوجانبه کشورها و نظام‌های منطقه

موارد پنهان کاری نمی‌کنند. همان‌طور که انگلیسی‌ها عرب‌ها را با دادن وعده دروغ استقلال و تشکیل امپراتوری متحد عربی به تجزیه‌طلبی از امپراتوری عثمانی تحریک کردند و همان‌طور که آن‌ها وعده تشکیل دولت اسرائیل را به یهودیان دادند و به وعده خود عمل کردند به نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها هم به رهبران کردها وعده حمایت از تأسیس یک دولت کردی را داده‌اند و تا تحقق این وعده خود به آن‌ها از پای نخواهند نشست و به نظر می‌رسد که روس‌ها و امریکایی‌ها و اروپایی‌ها و سعودی‌ها هم با این نقشه آن‌ها موافق و همراه باشند...

اسرائیل در پی توسعه‌طلبی و تنش‌آفرینی در خاورمیانه است، اما نه به‌طور مستقیم و محسوس بلکه با پیگیری سیاست انگلیسی مرموز و غیرمحسوس و توطئه‌گرانه «تفرقه بینداز و حکومت کن». از طریق به جان هم انداختن و مهار دوجانبه کشورها و نظام‌های منطقه، از طریق برفروختن آتش منازعه بین ایران و عراق در طی یک جنگ هشت‌ساله، با دمیدن در انگیزه‌های قومی و ناسیونالیستی یا اسلام‌خواهی در میان رهبران دو کشور.

آن‌ها با عوامل نفوذی‌شان روزی صدام را فریب دادند برای شروع جنگ با ایران با سودای سلطه بر خوزستان و داعیه رهبری جهان عرب و تحرکاتی انجام دادند برای تداوم جنگ. روزی آتش انقلاب را در یک کشور عربی کوچک تحت نفوذ خود مثل تونس برفروختند تا آتش آن را به کشور مجاور و نظام‌های غیرهمسو با خود سرایت دهند برای ساقط کردن نظام‌های رادیکال عرب مثل سوریه و لیبی و درگیر کردن

اسرائیلی‌ها در راستای دست‌اندازی بر منابع آبی خاورمیانه شامل دو حوزه اصلی نیل و فرات از تجزیه جنوب سودان برای دست‌اندازی بر منابع آب نیل حمایت کردند و اکنون در فاز دوم حرکت خزنده و استراتژی بلندمدت خود از تجزیه ایران، سوریه، عراق و ترکیه و تأسیس یک موطن کردی متحد با خود برای سلطه بر منابع آب دجله و فرات که در مناطق کردنشین این چهار کشور قرار دارد حمایت می‌کنند و بر آتش استقلال‌طلبی کردها می‌دمند. کردها مدعی‌اند حقوق ملی آن‌ها در توافق سایکس پیکو و در ترسیم نقشه موجود خاورمیانه نادیده گرفته شده و لذا خواهان احقاق حق تاریخی خویش از طریق استقلال‌یابی از کشورهای مادر خود و اتحاد با یکدیگر و تشکیل یک وطن کردی متحد برای خویش در میان چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه هستند و این در واقع همان سهم روسیه از قرارداد سایکس پیکو است که به دلیل انقلاب روسیه به انجام نرسید.

اگر در ۱۹۱۷ در روسیه انقلاب نشده بود و قرارداد ۱۹۱۵ انگلیس و روسیه برای تقسیم ایران و قرارداد ۱۹۱۶ سایکس پیکو برای تقسیم عثمانی با حضور روسیه محقق شده بود، اکنون شمال ایران تا اصفهان و مناطق کردنشین ترکیه جزو جمهوری‌های استقلال‌یافته از شوروی سابق و جزو کشورهای مشترک‌المنافع کنونی روسیه بود. روس‌ها یک بار دیگر در زمان استالین و اشغال ایران توسط ارتش‌های متفقین برای در اشغال نگاه داشتن مناطق شمالی ایران و استقلال آذربایجان و کردستان از خاک ایران و اجرای توافقی‌های استعماری پیشین در زمان تزارها خیز برداشتند که به دلیل مخالفت امریکایی‌ها و ایستادگی ایرانی‌ها موفق نشدند و ناکام شدند و در نتیجه ملامت‌طلبی به روسیه پناهنده شد و بعدها از آنجا به دامن شاه ایران پناه برد و با حمایت او جنگ استقلال کردها علیه حکومت مرکزی عراق را شروع کرد ولی جلال طالبانی در کنف حمایت روس‌ها باقی ماند. امروز هم موضع روس‌ها در برابر استقلال‌طلبی کردها مبهم و نامشخص است.

اما موضع اسرائیل در برابر کردها کاملاً مشخص است و در این مورد مثل دیگر

## پیامی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (سوره رعد آیه ۱۱)

با عرض سلام و درود به یاران و همراهان حزب جامعه زنان انقلاب اسلامی در سراسر میهن عزیزمان در ایام سالگرد پیروزی انقلاب ایران

اعضای محترم و همراه حزب جامعه زنان، بانوان گرمای، آقایان محترم!

یاد شهدا و رفتگان از قافله داغداران به خصوص شهدای انقلاب اسلامی را در این ایام دهه فجر و پیروزی ملت گرمای می‌داریم؛ روزهایی که شاهد فداکاری‌ها، همراهی‌ها و همدلی‌های مردم عزیزمان بودیم که پاسخ گلوله را با گل دادند و از همان ابتدا تساهل و تسامح را که از ابزارهای دموکراسی است به نمایش گذاردند.

شما فرهیختگان دغدغه‌مند از همه نسل‌های جامعه با حضور پرشور خود در مراسم مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده حزب جامعه زنان انقلاب اسلامی، نمونه‌ای دیگر از روحیه مسئولانه خود را در معرض دید همگان گذاشتید. به‌عنوان خادمی از خادمان ملت شریف ایران که حدود پنج دهه برای پایبندی به مبانی دینی و دفاع از حقوق مدنی مردم، تلاش کرده و سه دهه نیز برای ایجاد، نگهداری و ارتقای کم‌وبیش این مجموعه با همراهی دوستان وفادار و فداکار تلاش کرده‌ایم صمیمانه از شما قدردانی می‌کنم.

حزب جامعه زنان امروز یک سرمایه اجتماعی است. در اینجا جا دارد از دو نفر از اعضای شورای مرکزی، سرکار خانم‌ها پروین دخت دفتری و بدرالملوک امام سپاسگزاری کنم که حدود بیست سال پشتیبانی و یاری مداوم خود را دریغ نکردند و امروز که هر دو در کهولت به سر می‌برند هنوز هم در تقویت توان این‌جانب بسیار مؤثرند.

این حزب ظرفیت آن را دارد تا در مسیر اهداف ملی و با تأکید بر تلاش در چارچوب قانون و در راستای منافع ملی به تشکیلاتی اثرگذار تبدیل شود. یقین دارم با پایبندی به مبانی و اصول فعالیت جمعی و محور قرار دادن صداقت، راستی، شفافیت، پاکی، آزادی، پایمردی، عدالت‌خواهی و پاسخگویی بجا

که از جمله میثاق‌های حزب است، خواهیم توانست برای حراست از یکپارچگی میهن، دفاع از حقوق و آزادی‌های انسانی هم‌میهنان، نگهبانی از میراث تاریخی و پرغنای فرهنگ ملی-دینی و کوشش برای افزودن به این میراث در چارچوب قانون اساسی و تأکید بر اجرای بدون تنازل و فارغ از برجسته‌سازی آن، تلاش کنیم و فعالیت‌های قانون‌مدارانه خود را گسترش دهیم. در این راه، مردم عزیز کشور را در سراسر ایران، امیدوارانه به استمرار تکاپوی مدنی، فرامی‌خوانیم و دست دوستی و همکاری خود را به روی همه کسانی که دل در گرو اعتلای میهن و دفاع از منافع ملی دارند دراز می‌کنیم. از مسئولان محترم کشور تقاضا داریم فضای مساعد را برای فعالیت احزاب فراهم کنند؛ البته این پذیرفته است که در قانون اساسی، بعضی موارد رعایت حقوق ملت تحت‌الشعاع حقوق حاکمیت قرار می‌گیرد، ولی در چهل‌سالگی انقلاب که خود یک نقطه ترقی است نیازمند گشایش بیشتری هستیم. در این شرایط همگی با رعایت قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی، باید اهداف و منافع ملی را سرلوحه قرار دهیم و با شفافیت در برابر ملت عزیز و بزرگواریان، زمینه‌های هرچه بیشتر اعتلای کشور و اصلاحات و تغییر مورد لزوم را ایجاد کنیم. باید همه ملت و خصوصا جوانان، آینده‌سازان این سرزمین، را به آینده‌ای مطمئن امیدوار کنیم؛ آن‌چنان‌که قرآن کریم وعده داده با تکیه بر ایمان و عمل و تشکیل پناهگاهی برای اندیشیدن به میثاق‌ها در مسیر تعالی قرار گیریم: «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

قرآن کریم و آموزه‌های حیات‌بخش آن را بزرگانی از نسل‌های گذشته با مرارت‌های فراوان در صحنه زندگی فردی و اجتماعی ما نشر و آموزش دادند. نسل‌هایی که از حدود ۱۵۰ سال قبل، تلاش‌های طاقت‌فرسای آنان غالباً با تحمل استبداد، خشونت و ایثار عمر و حیاتشان توأم بوده است. آن نسل‌ها برای دفاع از حقوق مدنی و حقوق شهروندی زنان، مردان، جوانان، نوجوانان و کودکان این سرزمین پرافتخار ایستادگی کردند و از میراث دینی و ملی پرتو گرفتند و خود مانند پرتوی درخشان پیشگام ملت شدند و در

کنار سایر آحاد مردم با جان‌فشانی از حقوق ملت در برابر استبداد داخلی و استیلا خارجی جانانه دفاع کردند. آموزش‌های آنان به نسل‌های خود و نسل‌های بعدی این بود که قرآن مملو از تأکید بر میثاق‌هایی چون صداقت، راستی، شفافیت، پاکی، آزادی، پایمردی و عدالت‌خواهی و پاسخگویی در بینش، منش و روش است. در محضر بزرگان و بیش از همه مرحوم طالقانی، آموختیم که بدون تقید عملی در منش و روش و پایبندی به اجزای به هم پیوسته این میثاق‌ها نمی‌توان حتی با داشتن اهدافی خوب، اما صرفاً در بینش، به نتایج درست و پایدار دست یافت و نمونه‌های تاریخی فراوانی در همین دوران معاصر داریم که کسانی با زیر پا گذاشتن کوچک‌ترین ملاک‌های پذیرفته‌شده عقلانی، در منش و روش، به‌مرور زمان، فاصله بسیار قابل توجه و معنی‌داری با اهدافی یافتند که در ابتدا در بینش خود به آن دل‌بسته بودند. دوستان و همراهان گذشته و حال و آینده! این بنده خدا، (اگر او پند برد) دست یاری شما را می‌فشارد و از همراهی‌هایتان در همه حال استقبال می‌کند. خودم و شما را به پایبندی در اندیشه، رفتار و گفتار یا به تعبیر دیگر در بینش، منش و روش، به تعهدات و میثاق‌های الهی و انسانی فرامی‌خوانم. بدون پایبندی به این اصول، نمی‌توانیم امیدوار باشیم ما نیز همچون کسانی که امروز مورد نقد و ارزیابی مردم و خودمان قرار گرفته‌اند و به آن‌ها درباره رعایت نکردن میثاق‌های اولیه منتقدیم، پای در چالش تناقض گفتار و کردار نگذاریم.

از همه کسانی که در این مدت، مجموعه جامعه زنان انقلاب اسلامی را همراهی کردند و در برگزاری مراسم مجمع تلاش کردند، تشکر می‌کنم. از اعضای مجمع عمومی در سراسر میهن عزیزمان قدردانی می‌کنم که با پذیرش مشکلات سفر و با حضور در جلسه، قوت قلبی برای حال و آینده حزب شدند. از این پس نیز، تنها و تنها با کمک و مساعدت شما و منتخبان محترم و توکل به خدای دانا و توانا و اعتماد و حمایت مردم خواهیم توانست در مسیر رشد و تعالی حزب و تحقق آرمان‌های آن به موفقیت‌های بیشتر دست یابیم. در همه حال وظیفه داریم با همه آحاد

و شهروندی هریک از آحاد ملت می‌شود و از هر دستگاه و مقامی که این نوع رفتارها صادر می‌شود، نسبت به همه شهروندان با هر عقیده و مرامی حساس و فعال باشیم، برای ارائه نقدهای خود نسبت به وضعیت کنونی و پیشنهاد برنامه‌های اصلاحی درباره امور کشور، قانون‌مداری را سرلوحه رفتارهای خود قرار دهیم. از مسئولان محترم کشور، به‌خصوص رئیس‌جمهور محترم و مقام محترم رهبری نیز انتظار دارم زمینه‌های قانونی هرچه بیشتر و آزادتر و سریع‌تر فعالیت احزاب را فراهم کنند و با اعتماد به ملت، نهادهای مدنی و نهادهای حزبی، رشد و توسعه همه‌جانبه کشور را تسریع کنند.

**اعظم علائی طالقانی**

**دبیرکل منتخب شورای مرکزی ❖**

آرامش در جامعه هستند تا صرفاً شرایطی تضمینی را برای منافع شخصی و گروهی خود تأمین کنند، اعم از افراطیون داخلی و رادیکال‌گرایان براندازنگر بیرون از مرزهای کشور، جدا می‌کنم و پایبندی به حفظ میراث به‌جای مانده از اهداف اصلی انقلاب اسلامی و قانون اساسی را، به همه همراهان توصیه می‌کنم.

همگی به خاطر بسپاریم که هنوز پاسخ وزارت کشور را درباره اجازه تمدید فعالیت حزب دریافت نکرده‌ایم؛ لذا تلاش کنیم ضمن رعایت حدود قانونی فعالیت حزب و هماهنگی با شورای مرکزی و سیاست‌های آن که از طریق دبیرکل حزب به دفاتر استانی اطلاع‌رسانی می‌شود با استقامت در برابر رفتارهایی که موجب تضییع حقوق مدنی

مردم در سراسر کشور و نیز منطقه فعالیت خود، با احترام و شفافیت عمل کنیم و خود را پاسخگوی ملتی بدانیم که الحق و انصاف، حاکمان و مالکان اصلی کشور و ولی نعمت ما و همه نخبگان و مسئولان کشور از صدر تا ذیل هستند.

یاد شهدا و رفتگان از قافله دغدغه‌مندان، خصوصاً شهدای انقلاب اسلامی را در این ایام دهه فجر پیروزی ملت، گرامی می‌دارم و به همه سرمایه‌های کنونی، که در مسیر اهداف ملی در کنار ملت خواهند بود، دست همکاری و همراهی متقابل دراز می‌کنم.

در همین فرصت مرز فعالیت‌های قانون‌مدارانه حزب جامعه زنان انقلاب اسلامی را از کسانی که بدون آنکه دغدغه منافع ملی را داشته باشند، خواهان به هم ریختن فضای

## معرفی کتاب دیوان حافظ شیرازی، آیات نور در سفینه غزل

همان غزل نگاشته شده است. این کتاب اخیراً به چاپ هشتم رسیده است. ❖

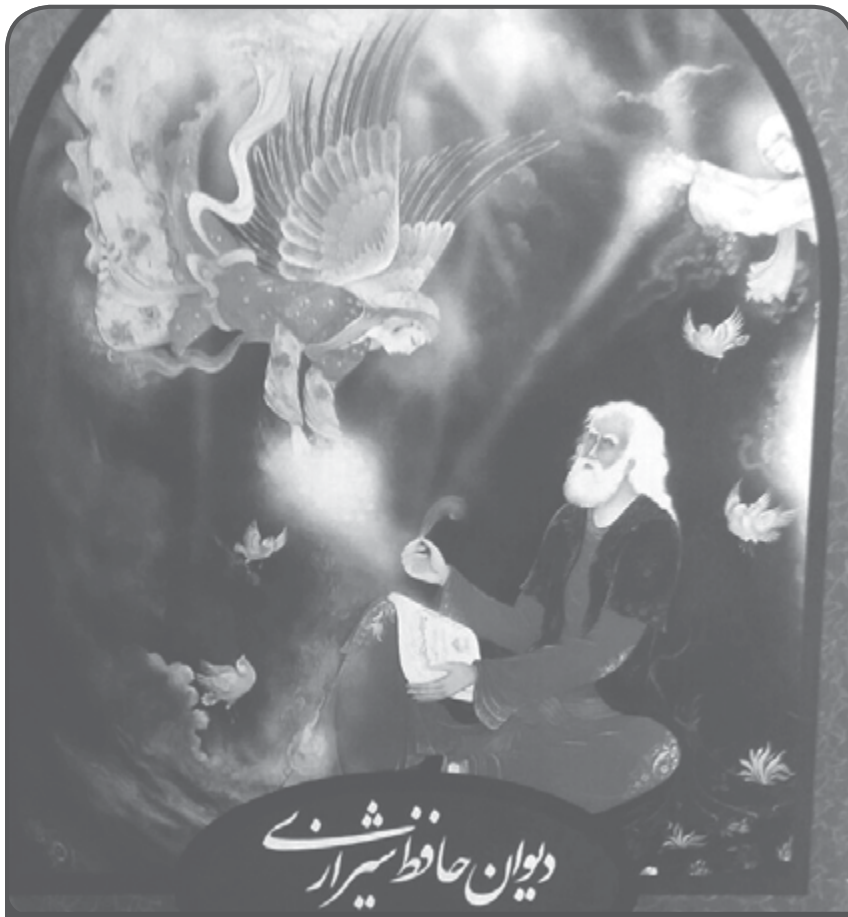
است، سپس روح غزل مورد توجه قرار گرفته و آنگاه برای باورمندان و علاقه‌مندان بخش کوتاهی تحت عنوان رهنمود فال برای

دکتر مصطفی بادکوبه‌ای متخلص به «امید»، نویسنده و شاعر دوزبانه مسلط به زبان عربی است که تاکنون بیش از ۲۳ عنوان اثر ادبی و تاریخی به‌صورت تألیف، ترجمه یا ویراستاری منتشر کرده که برخی از آن آثار به چاپ‌های مکرر رسیده‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به آثاری چون زندگینامه خیام، زندگینامه خواجه نصیرالدین طوسی، زندگینامه عطار نیشابوری، نگاه قرآنی به حافظ و آوای امید (مجموعه شعر) اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین آثار این شاعر و پژوهشگر، کتاب دیوان حافظ شیرازی، آیات نور در سفینه غزل از انتشارات محمد است که در سال ۱۳۸۴ کتاب برگزیده شناخته شد و به افتخارش در موزه امام علی(ع) از سوی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و انجمن حافظان فرهنگ و هنر ایران بزرگداشتی برگزار شد.

این اثر حاصل سال‌ها انس نویسنده با قرآن کریم و دیوان حافظ است که برای اثبات تأثیرپذیری یا بهره‌گیری حافظ از قرآن کریم، از آغاز تا پایان غزلیات بررسی شده‌اند تا میزان حضور مستقیم یا غیرمستقیم قرآن را در غزلیات حافظ نشان دهد.

هر صفحه شامل آیه، ترجمه و بیت موردنظر



**دیوان حافظ شیرازی**



## اخطار اتوبوس‌های مرگ!



احسان شریعتی

استاد فلسفه

**هدف عام ملی اگر دامن  
زدن به انزجار وجدانی و  
امتناع عملی از تکرار چنین  
حوادثی باشد، برای تحقق  
این مقصود و برای آنکه  
حرمت جان آدمیزاد، جان  
جوانان و فرزندانمان، اعم  
از دانش آموز و دانشجو،  
وارد وجدان ملی و مدنی  
ما شود، می‌بایست بهای  
مسئولیت‌ها بس بالا رود**

«جمهوری» مسئولیت تصمیمات و اقدامات هر مقامی در این نظام، به کل اجزا و پاره‌های آن سرایت می‌کند، به گونه‌ای که گویی: بنی دولت اعضای یک پیکرند!

این اصل ساده و ابتدایی که غالباً در پاس‌کاری مسئولیت‌ها میان دولتمردان سابق و لاحق فراموش می‌شود. باید در کنار چند خصلت دیگر هر «جمهوری»<sup>۲</sup> مانند: «مردم‌سالار» (دموکراتیک)، «عرفی» (لائیک) و «اجتماعی» (سوسیال) بودن، در آینده بیشتر بپردازیم، زیرا در هر یک از این وجوه و محورها، در دیار ما سوءتفاهم‌های بزرگی همچنان محسوس است.

فعالاً تا زمان رفع شبهات در فرصت‌های کافی، بیاییم با سعدی همسرا شویم و «یادداشتان را با اندیشیدن در ایبات «ضدسلطنتی» او به پایان بریم که زمانی سروده بود:

خبر داری از خسروان عجم  
که کردند بر زبردستان ستم؟  
نه آن شوکت و پادشاهی بماند  
نه آن ظلم بر روستایی بماند...  
چه  
جهان‌بانی و تخت کیخسروی  
مقامی بزرگست کوچک مدار!  
که گر پای طفلی برآید به سنگ  
خدای از تو پرسد به روز شمار!

پی‌نوشت

1. INDIVISIBILITÉ

2. RES-PUBLICA ❖

حادثه فجیع «اتوبوس مرگ» دانشگاه علوم و تحقیقات تهران بار دیگر وجدان جامعه ما را جریحه‌دار کرد. اعلام خبر این رخداد درک‌ناشدنی، از پی فاجعه اخیر آتش‌سوزی مدرسه زاهدان، این پرسش حیاتی را مطرح کرد که مسئولیت حفظ امنیت محیط آموزشی در کشور متوجه کیست و برای جلوگیری از تکرار چنین فجایع توجیه‌ناپذیری در آینده چه اقدامات فوری ضروری است. در کنار همه وجوه غم‌بار این مصیبت ملی، خوشبختانه به همت و پیگیری دانشجویان همه دانشگاه‌ها ابعاد این فاجعه مکرر، این‌بار جدی‌تر از پیش گرفته شده و پژواک اجتماعی این حادثه همچنان به گوش‌ها می‌رسد. مهم‌تر از همه پیامدها، مطالبات و دستاوردهای محتمل قضائی و صنفی ماجرا (همچون عذرخواهی و استعفای مسئولان، تأمین و تضمین امنیت جانی در محیط تحصیلی، نوسازی ناوگان حمل و نقل، نظارت بر معاینه‌های فنی، ساخت حفاظ‌ها، استقرار اورژانس‌ها و بازبینی کلیه موارد ایمنی در فضای مؤسسات آموزشی کشور و راه‌ها)، پیامدهای اخلاقی و سیاسی این واقعه است.

هدف عام ملی اگر دامن زدن به انزجار وجدانی و امتناع عملی از تکرار چنین حوادثی باشد، برای تحقق این مقصود و برای آنکه حرمت جان آدمیزاد، جان جوانان و فرزندانمان، اعم از دانش آموز و دانشجو، وارد وجدان ملی و مدنی ما شود، می‌بایست بهای مسئولیت‌ها بس بالا رود و پرداخت هزینه هر گونه اهمالی در این گونه موارد و پرونده‌ها بسیار سنگین شود. هدف عالی‌تر اما در فقدان حضور مقتدر «دولتی» ملی و مردمی، به اقرار بسیاری از دولتمردان مستعفی که تنها پس از کناره‌گیری به صرافت راست‌گویی می‌افتند، غافل از اینکه راست‌گویی اگر چه در برابر قدرت ارجمند است، راستی آزمایی اما در همان مسند قدرت صورت می‌گیرد (که به قول سعدی علیه‌الرحمه:

به بازوان توانا و قوت سر دست  
خطاست پنجه مسکین ناتوان بشکست  
نترسد آن که بر افتادگان نبخشاید  
که گر ز پای درآید کسش نگیرد دست  
و بنا به اصل «تقسیم‌ناپذیری»<sup>۱</sup> در نظام‌های





## ضرورت جایگزینی انرژی‌های پاک

گفت‌وگو با کومی نایدو؛ مشهورترین مدافع حقوق بشر آفریقای جنوبی در حوزه محیط زیست

کومی نایدو<sup>۱</sup> یکی از مشهورترین مدافعان حقوق بشر آفریقای جنوبی در زمینه محیط زیست و عدالت‌های قضائی است. کومی نایدو دارای مدرک دکتری در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه آکسفورد است. اخیراً دکتر نایدو برای ارائه يك سخنرانی به دانشکده حقوق ییل رفته و سخنرانی خود را با عنوان «ایالات متحده: دوست یا دشمن عدالت جهانی؟» ارائه کرد. سوالاتی را که در گفت‌وگو با ایشان مطرح کردیم.

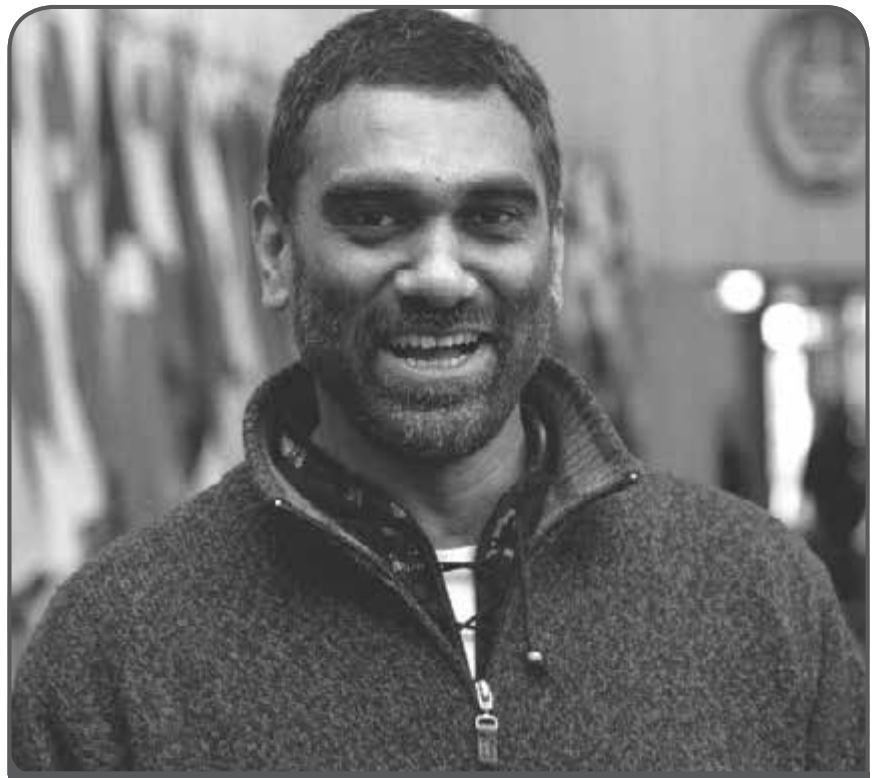
باید یاد بگیرند که محیط زیست نقش مهمی را در زندگانی آنان ایفا می‌کند. انسان‌ها با کمک و همکاری یکدیگر باید از دریاها، دریاچه‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها و جنگل‌ها محافظت کنند تا بتوانند از آن‌ها منفعتی را که نیازمند آن هستند کسب کنند. به‌شخصه فکر می‌کنم اگر بتوانم با کمک کردن به محیط زیست زندگی خود، از این حجم عظیم از منفعت بهره‌مند شوم ذره‌ای دریغ نخواهم کرد و به هر شکل ممکن برای بهتر شدن شرایط نه‌تنها برای محیط زیست، بلکه برای بهتر شدن شرایط زندگی خود و سود بیشتر این کار را انجام خواهم داد و مردم را برای انجام این کار و کمک به یکدیگر تشویق خواهم کرد. به عقیده من حفاظت از محیط زیست بدین منظور نیست که فقط از آن محافظت کنم تا از بین نرود، بلکه این کار را بیشتر برای نسل‌های آینده و قرن‌های بعدی انجام می‌دهم تا آن‌ها نیز بتوانند این‌همه زیبایی را با چشم دیده و بتوانند به‌طور مستقیم با آن ارتباط برقرار کنند.

اکثر مردم تغییرات آب و هوایی اخیر را تهدیدی بزرگ برای محیط زیست می‌دانند. به نظر شما کدام مشکل تأثیرگذارتر از سایر مشکلات است؟

در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکلی که با آن مواجه هستیم نحوه تولید انرژی و درکل سیستم انرژی ماست. باید انقلابی در این زمینه انجام دهیم تا در

چه چیزی در زندگی باعث شد تا پیگیر انجام فعالیت‌های محیط زیستی شوید؟ آنچه من را به سمت این کار کشاند و باعث شد تا با پشتکار بسیار زیادی پیگیر شوم، درک مفاهیمی بسیار ساده بود. انسان‌ها

باید یاد بگیرند که محیط زیست نقش مهمی را در زندگانی آنان ایفا می‌کند. انسان‌ها با کمک و همکاری یکدیگر باید از دریاها، دریاچه‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها و جنگل‌ها محافظت کنند تا بتوانند از آن‌ها منفعتی را که نیازمند آن هستند کسب کنند. به‌شخصه فکر می‌کنم اگر بتوانم با کمک کردن به محیط زیست زندگی خود، از این حجم عظیم از منفعت بهره‌مند شوم ذره‌ای دریغ نخواهم کرد و به هر شکل ممکن برای بهتر شدن شرایط نه‌تنها برای محیط زیست، بلکه برای بهتر شدن شرایط زندگی خود و سود بیشتر این کار را انجام خواهم داد و مردم را برای انجام این کار و کمک به یکدیگر تشویق خواهم کرد. به عقیده من حفاظت از محیط زیست بدین منظور نیست که فقط از آن محافظت کنم تا از بین نرود، بلکه این کار را بیشتر برای نسل‌های آینده و قرن‌های بعدی انجام می‌دهم تا آن‌ها نیز بتوانند این‌همه زیبایی را با چشم دیده و بتوانند به‌طور مستقیم با آن ارتباط برقرار کنند.



عمل می‌کنند، نمی‌توان اقدامی مؤثر انجام داد» باید کاری که می‌خواهند را بررسی کرد و دید که آیا این کار با همکاری این بخش و این اشخاص عملی می‌شود یا خیر. اگر از من بپرسید، می‌گویم هرگونه عملی که در این زمینه انجام گیرد و پایه و اساس درستی داشته باشد، اقدامی مؤثر موفق خواهد بود و هیچ‌وقت نمی‌گویم «با بخش‌های شخصی کار کردن اشتباه است». اگر کار درست انجام گیرد و موفق هم باشد، چراکه نه، مردم می‌توانند بیشتر این کار را انجام دهند.

■ در آخر، توصیه شما به دانشجویان در این زمینه چیست؟  
توصیه می‌کنم دانشجویان تحت تأثیر هیچ‌گونه بی‌عدالتی، بی‌انصافی و نژادپرستی قرار نگیرند و فقط راه درستی را که در ذهن دارند دنبال کنند و مطمئن باشند به نتیجه خواهند رسید. همچنین پیشنهاد می‌کنم تا ویدئو یک دقیقه‌ای از مارتین لوتر به نام «maladjustment» را مشاهده کنند. این ویدئو در زندگی من دگرگونی بسیار بزرگی ایجاد کرد.

پی‌نوشت:

1. kumi Naidoo ❖

در حال حاضر انسان‌ها به‌هیچ‌عنوان از منابع آب خود مراقبت نمی‌کنند. هم‌چنین برای کاشت غذای خود از خاک مراقبت کافی نمی‌کنند و همین امر باعث شده کیفیت غذای خود را کاهش دهند، به‌طوری‌که در هنگام برداشت، برخی مواد غذایی برای فروش و استفاده وارد بازار هم نمی‌شوند

اقدام‌های بزرگ طبیعت‌دوستانه، از کشوری تا کشوری دیگر فرق داشته و وابسته و محدود به نوع دموکراسی آن کشور و هم‌چنین مقدار آزادی افراد در کشوری که در آن زندگی می‌کنند است.

■ بیشتر مردم و دانشجویان سعی دارند تا بیشتر بخش‌های خصوصی را در این زمینه همراهی کرده و با آن همکاری کنند. آیا این اقدام درستی است؟  
نمی‌توانیم بگوییم «چون بخش‌های خصوصی و شرکت‌های خصوصی چنین

آن به‌جای استفاده از سوخت‌های فسیلی و آلوده که آسیب‌های بسیار زیادی را نه‌تنها به محیط زیست بلکه به انسان‌ها وارد می‌سازند، از سوخت‌های سبز، پاک و تجدیدپذیر استفاده کنیم. اگر این کار را بتوانیم به‌صورت کاملاً خلاقانه، هوشمندانه و حرفه‌ای انجام دهیم، مطمئناً می‌توانیم این نوع از انرژی را جایگزین انرژی‌های قبلی کنیم.

■ در مصاحبه با گاردین در سال ۲۰۱۵ اشاره کردید که انجام تمام این کارها برای نجات کره زمین به‌طور کامل نیست، بلکه برای خارج کردن انسان‌ها از مصرف بی‌رویه و استفاده از مواد غیرضروری است. آیا انسان‌ها با کمک یکدیگر می‌توانند در این زمینه بهتر گام برداشته و عمل کنند؟

اگر دقت کنید، انسان‌ها فقط به آب، خاک و غذا در طبیعت احتیاج دارند. انسان برای زنده ماندن محتاج آب و غذاست و برای اینکه بتواند برای خود غذایی کاشت و برداشت کند، نیازمند خاک است. در حال حاضر انسان‌ها به‌هیچ‌عنوان از منابع آب خود مراقبت نمی‌کنند. هم‌چنین برای کاشت غذای خود از خاک مراقبت کافی نمی‌کنند و همین امر باعث شده کیفیت غذای خود را کاهش دهند، به‌طوری‌که در هنگام برداشت، برخی مواد غذایی برای فروش و استفاده وارد بازار هم نمی‌شوند؛ بنابراین زمین نجات نخواهد یافت و حتی نیازی به نجات پیدا کردن ندارد، بلکه این انسان است که باید خودش برای بقای بیشتر و بهتر، به خود کمک کند. تمام این مواردی که به آن‌ها اکوسیستم زندگی «انسان» می‌گویند، از طبیعت و محیط زیست، انسان با توجه به احتیاج بسیار زیاد، در حال نادیده گرفتن آن است.

■ در حال حاضر یک شخص به‌تنهایی چگونه می‌تواند کمک به حل این مشکلات داشته باشد؟

متأسفانه کمک انسان‌ها در زمینه محیط زیست و حفظ آن و مهم‌تر از آن، انجام







## فرخی یزدی؛ شاعر آزادی

عبدالرضا قنبری

روزنامه‌نگار

به سزای آن لب‌های او دوخته می‌شود و به زندانش می‌افکنند. (۱۳۲۷ یا ۱۳۲۸ ه.ق) و زمانی هم‌نوا با انقلاب مردم در مشروطه، سرود آزادی سر می‌دهد:

قسم به عزت و قدر و مقام آزادی  
که روح‌بخش جهان است نام آزادی  
به پیش اهل جهان محترم بود آن کس  
که داشت از دل و جان احترام آزادی  
(دیوان: ۷۳)

و زمانی به قرارداد ننگین ۱۹۱۹ میلادی که بین وثوق الدوله و انگلستان بسته شد، اعتراض می‌کند و توفنده‌ترین مقالات و اشعار را در روزنامه خود، «طوفان» می‌نویسد. زمانی که سرانجام مشروطه را به چشم می‌بیند، غمگینانه می‌گوید:  
دادند بسی به راه آزادی، جان اما چه نتیجه،  
ملت آزاد نشد. (دیوان: ۳-۱۲۲)

فرخی یزدی، همراه با شاعران دیگر بیداری مانند ایرج‌میرزا و ابوالقاسم لاهوتی به دفاع از حقوق توده مردم و محرومیت‌های کارگران می‌پردازد، در یکی از سروده‌هایش، سرمایه‌داران را مورد انتقاد قرار می‌دهد:

آنچه را با کارگر، سرمایه‌داری می‌کند  
با کیوتر پنجه باز شکاری می‌کند  
می‌برد از دست رنجش گنج اگر سرمایه‌دار  
بهر قتلش از چه دیگر پافشاری می‌کند؟  
سال و مه در انتظار قرص نان شب تا به  
صبح، دیده زارع چراختر شماری می‌کند؟  
تا به کی، از باب یا رب برخلاف بندگی  
چون خدایان بر دهاقین کردگاری می‌کند؟

اشعار فرخی یزدی خط و سیری واحد را می‌پیماید. در مرور اولیه بعضی از غزلیات او به نظر می‌رسد که عاشقانه است، اما با دقت در این اشعار درمی‌یابیم که معشوق واقعی

نیود. اندوه مردم و ستمی که برایشان می‌رفت قلب فرخی را می‌خلید. او با درک شرایط زمانه با شعر و نثر برای بیداری مردم تلاش می‌نمود و علیه استبداد به ستیزی می‌پرداخت و پرده از نقش‌های ضد مردمی آن‌ها برمی‌داشت. این موضوع تا اواخر عمر شاعر و بعد از مشروطه نیز ادامه داشت. زمانی در مخالفت با ظلم «ضیغم‌الدوله قشقایی» شعر می‌سراید که



آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی  
دست خود ز جان شستم از برای آزادی  
«سخن آزادی و این کلمه را گفتن با مشروطیت شروع می‌شود. پیش از مشروطه، مفهوم آزادی که مترادف دموکراسی غربی است، به هیچ‌وجه وجود نداشت. آزادی، به معنای دموکراسی غربی، با مشروطیت آغاز می‌گردد و این تفکر حاصل انقلاب کبیر فرانسه (بعد از ۱۷۸۹) و انقلاب صنعتی انگلستان (از حدود ۱۷۵۰ به بعد) و پیامدهای آن است». (شفیعی: ۱۳۷) سه سال از آغاز جنبش مشروطه مانده بود که «میرزا محمد» فرزند «محمدابراهیم یزدی» شاعر آزادی چشم به جهان گشود. او نخستین اشعار خود را در پانزده سالگی (۱۳۲۱ ه.ق) به عشق وطن سرود. در کلاس پنجم ابتدائی در مدرسه «مرسلین» انگلیسی‌ها در یزد بود که مسمط «سخت بسته با ما چرخ، عهدست پیمانی» را سرود. این شعر برای مسئولین مدرسه سخت آمد، چراکه اندیشه‌های آزادی‌خواهانه او در تضاد با اهداف توسعه‌طلبانه و زیادی‌خواهانه انگلیسی بوده است و منجر به اخراج وی شد؛ اما با قریحه‌ای که داشت همچنان به سرودن ادامه داد و تخلص شعری‌اش را «فرخی» نهاد. با بیداری مردم و آغاز جنبش مردمی مشروطه، فرخی نیز اشعارش را در جهت پیروزی مردم علیه استبداد می‌سرود. درون‌مایه و محتوای شعر زمانه که به عصر بیداری خوانده می‌شود، گرد مسائلی می‌گردد که در جامعه‌ی آن روز جریان داشت. مسائلی چون آزادی‌خواهی، میهن‌پرستی، زن، غرب و تمدن غرب، انتقادهای اجتماعی، بیشترین مسائل آن روزگار بود. فرخی یزدی همچون بسیاری از شاعران عصر بیداری، از مردم و درد آن‌ها جدا



لبیک گویم گر به قانون مجری قانون شوی  
بهمن و کی خسرو و جمشید و افریدون شوی  
(دیوان: ۸۰)

اشعار انقلابی و تند و تیز فرخی یزدی باعث شد که  
با مخالفت دنباله‌چی‌های استبداد و استعمار روبه‌رو  
شود و همواره تحت تعقیب باشد. شعر فرخی زبان  
گویای جامعه بود، او وظیفه خود می‌دانست که  
با زبان مردم سخن بگوید و با آنان ارتباط داشته  
باشد.

در شرع ما که خدمت خلق از فریض است  
انصاف طاعتی است که کم از نماز نیست  
(دیوان: ۲۱)

از مجموعه اشعار فرخی ۲۲۷۳ بیت در دسترس  
است. از این مجموعه ۸۶ غزل (۱۲۴۸ بیت)، ۲۷۱  
بیت اشعار متفرقه ۳۷۷ و رباعی (۷۵۴ بیت) است.  
بسیاری از مقالات فرخی در روزنامه او منعکس  
شده، یعنی روزنامه «طوفان» که سرانجام توقیف و  
از انتشار آن جلوگیری به عمل آمد.

گوهرفشانی «طوفان» گواه طبع من است  
که در فنون غزل فرخی کند اعجاز  
فرخی یزدی سرانجام در سال ۱۳۱۸ چشم از  
جهان فروبست در حالی که قلبش مملو از درد و  
اندوه ایران بود.

یکدم دل ما غم‌زدگان شاد نشد  
ویرانه ما از ستم آباد نشد ❖

## با بیداری مردم و آغاز جنبش مردمی مشروطه، فرخی نیز اشعارش را در جهت پیروزی مردم علیه استبداد می‌سرود. درون‌مایه و محتوای شعر زمانه که به عصر بیداری خوانده می‌شود گرد مسائلی می‌گردد که در جامعه‌ی آن روز جریان داشت

چو موجد آزادی ما قانون است  
ما محو نمی‌شویم تا قانون است  
محکوم زوال کی شود آن ملت  
در مملکتی که حکم با قانون است  
(دیوان: ۹۹)

او قانون را وسیله‌ای برای نیل به آزادی می‌دانست،  
در دیوان اشعار فرخی، ابیات بسیاری در ستایش از  
قانون و اطلاعات از آن می‌توان یافت.

خود تو می‌دانی نیم از شاعران چاپلوس  
کز برای بیم بنمایم کسی را پای بوس  
یا رسانم چرخ ریسی را به چرخ آنوس  
من نمی‌گویم تویی درگاه هجا همچو توس

و حقیقی او توده مردم و میهن ستم‌دیده  
اوست. او از اینکه معشوقه‌اش رنج می‌کشد،  
رنج می‌برد. فرخی حاضر بود که برای مردم  
و وطن جان‌فشانی کند.

شب چو درستم و مست از می نایش کردم  
ماه اگر حلقه به در کوفت جوابش کردم  
دیدی آن ترک خطا دشمن جان بود مرا  
گرچه عمری به خطا رفت، خطابش کردم  
منزل مردم بیگانه چو شد خانه چشم  
آن‌قدر گریه نمودم که خرابش کردم...  
دل که خونابه غم بود و جگر گوشه درد  
بر سر آتش جور تو کبابش کردم  
زندگی کردن من مردن تدریجی بود  
آنچه جان کند تنم عمر حسابش کردم  
(دیوان: ۵۴)

بعد از امضای مشروطه و آشنایی ایرانیان  
با دگرگونی‌های سیاسی کشورهای دیگر،  
مجلس شورا تشکیل شد. در این مجلس  
قوانینی که به سود مردم بود، تصویب گردید  
و شاعران و نویسندگان خواستار ادامه روند  
قانون‌گذاری مجلس شدند. از میان این  
شاعران فرخی یزدی بر این باور بود که  
نمایندگان مجلس با قوانینی که در مجلس  
ارائه می‌دهند، می‌توانند داد دل ستم‌دیدگان  
و محرومان را بستانند:



با استراک، پیام ابراهیم را همراهی کنید



حق استراک سالانه داخل کشور  
ایا هزینه بسته

شهرستان ۵۰۰۰۰ تومان

تهران ۵۰۰۰۰ تومان

پی‌ابراهیم

نام و نام خانوادگی .....

نشانی .....

تلفن .....

کد پستی .....

حساب سیبا شماره ۰۱۰۶۵۷۴۴۷۰۰۷ بانک ملی به نام مدیر مسئول

تهران: خیابان انقلاب، خیابان سعدی شمالی، خیابان هدایت (شهید بهرمان قلندی)

تلفن: ۷۷۵۳۷۰۲۲

پعد از ظهر اسلام، پلاک ۱۴۹

پست الکترونیکی: info.payamebrahim@gmail.com

## من مالیخولیا دارم

نگاهی به رمان جوکس، نوشته محمد پروین



احمد هاشمی

روزنامه‌نگار

**رسالت رمان کالبدشکافی  
فرهنگی جامعه است.  
این مسئولیت در فقدان  
جریان رسانه‌ای آزاد و  
رسانه‌های مسئولیت‌پذیر  
سنگین‌تر است. جوکس  
روایت‌گر ماجراهایی است  
که بنگاه‌های اطلاع‌رسانی  
تصمیم گرفته‌اند درباره  
آن‌ها اظهار نظر نکنند  
و بیشتر از آن، مردم  
توافق کرده‌اند درباره‌شان  
سکوت کنند**

در دهه ۴۰، اصلاحات ارضی و رشد صنایع مونتاز، باعث مهاجرت گسترده روستاییان به شهر شد. طبقه نوکیسه‌ای شکل گرفت و از طرفی نواری حاشیه‌ای حول تهران شکل گرفت. همین فاصله طبقاتی، موتور محرک تغییرات شد. آن روزها اعتراض معادل تعهد گرفته می‌شد و مرز باریکی میان زیبایی و ابتذال وجود داشت، اما همان آدم‌ها برای فرزندان‌شان میراثی جز سرخوردگی به‌جا نگذاشته‌اند. این است که در دنیای جوکس، دیگر جنگیدن و ایستادگی فضیلت نیست، آدم‌ها دنبال خلوت خودشان می‌گردند و از مواجهه با امور جدی گریزان‌اند. آدم‌های جوکس، راه را بر هر نوع کنج‌کاوی درباره سبک زندگی‌شان بسته‌اند: «من مالیخولیا دارم.»

نوشتن از این آدم‌ها راحت نیست، اگر بخواهیم در سطح نمایم. کار راحت‌تر که از قضا مد روز هم هست، نوشتن از طبقات دور از مرکز است؛ بدون اینکه وارد جزئیات بشویم. شرح ماجراهایی که می‌تواند توی هر کشوری اتفاق بیفتد، مثل زندگی یک قاچاقچی یا دزد یا معتاد. حتماً از این آدم‌ها کارهایی سر می‌زند که جذاب است، اما آنچه به کالبدشکافی فرهنگی جامعه مربوط می‌شود، جزئیات آشکارکننده از زوایای زندگی آدم‌هاست. خیلی وقت‌ها وقتی درباره مافیای حرف می‌زنیم، عیناً همان تصویر دن کورلثونه را روی کاغذ می‌آوریم، با همان منش و با همان تکیه کلام‌ها. دزد، معتاد و قاچاقچی تصویری کلیشه‌ای دارند که گویی تخطی از آن به اعتبار نوشته لطمه وارد می‌کند. داستان‌هایی که روی این مد حرکت می‌کنند، زیرمجموعه ادبیات ترجمه قرار می‌گیرند.

نویسنده جوکس از این ایراد مبراست که ایران و کلمبیا را با هم اشتباه بگیرد. مابازای دزد و معتاد و قاچاقچی جوکس توی همین شهر پیدا می‌شود و توصیف آدم‌ها و خیابان‌ها زنده است. آدم‌هایی که شعار دهان‌پرکن بلد نیستند، تنها هنرشان این است که خودشان باشند و این هنر بزرگی است. ❖

جوکس یک رمان جاده‌ای است، با مراعات همه قواعد مرسوم. هر توفقی با کشفی همراه است و خرده‌روایت‌ها همه در خدمت یک کل است. سفری که قرار است به آشنایی منجر شود و ماهیت هر اتفاقی با مفهوم شناخت ارتباط دارد.

رسالت رمان کالبدشکافی فرهنگی جامعه است. این مسئولیت در فقدان جریان رسانه‌ای آزاد و رسانه‌های مسئولیت‌پذیر سنگین‌تر است. جوکس روایت‌گر ماجراهایی است که بنگاه‌های اطلاع‌رسانی تصمیم گرفته‌اند درباره آن‌ها اظهار نظر نکنند و بیشتر از آن، مردم توافق کرده‌اند درباره آن‌ها سکوت کنند. شخصیت‌های جوکس چند جوان هستند که آدم‌بزرگ‌ها سر ندیدن آن‌ها با هم رقابت می‌کنند و اگر خیلی حوصله داشته باشند، گاهی مانند «حاجی» نصیحتی از سر لطف نثارشان می‌کنند. حاجی‌ها هستند که قواعد را تعیین کرده‌اند. در رفتار آن‌ها برای کسانی که پایشان را از این دایره بیرون می‌گذارند، عبرت‌هایی هست. یک‌جور تنبیه از جنس محروم کردن از امکانات یا کشیدن گوششان به وقت لزوم.

داستان با یک پرسش شروع می‌شود: امیر کجاست؟ اما خیلی زود متوجه می‌شویم مسئله داستان این نیست. آنجا که راوی، هنگام بیرون رفتن از در دانشگاه با مردی تنومند با ریشی پرپشت روبه‌رو می‌شود. پس از آن به صحنه‌ای شبیه بازجویی می‌رسیم. از نظر مرد مستنطق، هر چیزی باید دلیل خاصی داشته باشد، حتی «منم و این صنم و عاشقی باقی عمر». مسئله آدم‌های جوکس همین است: اینکه این‌همه سال برای هر امری قاعده ساختید و برای هر کاری دنبال دلیل گشتید، آخرش این شد که هست. جوکس قصه آدم‌های جدا افتاده و رانده شده است. این رانده‌شدگی همان مضمون تکراری ادبیات و سینمای دهه ۴۰ است، با این تفاوت که در اینجا، رانده‌شدگی لزوماً با حاشیه‌نشینی همراه نیست.



## ساختمان حسینیہ ارشاد برای ما یک نماد است

سخنان احسان شریعتی در مراسم تشییع شادروان پوران شریعت‌رضوی

امروز در چهلمین سالگرد انقلاب در این مکان نمادین جمع شدیم تا پیکر مادرمان، پوران شریعت‌رضوی، همسر دکتر علی شریعتی، معلم انقلاب مردم، را تشییع کنیم.

اینجا، حسینیہ ارشاد، پایگاه آن جهان‌بینی بود که امروز بیش از ایران در سایر کشورها گوش شنوا دارد و اینجا و این ساختمان برای ما تنها یک نماد است؛ و الا ساختمان برای تفکر شریعتی هیچ ارزشی ندارد. پدر خودش می‌گوید ارشاد ساختمان نیست و یک جنبش است. اگر اینجا را انتخاب کردیم و امروز می‌گویید حق ورود ندارید، شرم بر ما!

ما امروز اینجا آمده‌ایم تا نیمه دیگر شریعتی را تشییع کنیم. پیکر او خواهد آمد و ما همین‌جا در خیابان شریعتی برای او نماز خواهیم خواند. پوران شریعت‌رضوی، علی شریعتی را وادار کرد به ایران بازگردد و رنج زندان را به جان بخرد. مادر ما یکی از مبتکران نهادهای آموزشی در ایران بود و بعد از دکتر شریعتی به حسینیہ ارشاد دعوت شد. پدرم بعد که به زندان رفت همیشه خیالش راحت بود که پوران هست. وقتی دکتر شریعتی از زندان آزاد می‌شود و در خانه‌نشینی است حوادثی همچون دستبرد به مقالاتش به هجرت او می‌انجامد و وقتی از کشور خارج می‌شود، در شرایط مشکوکی به شهادت می‌رسد و پوران ممنوع‌الخروج می‌شود. در آن شرایط سخت یادمان هست پوران چگونه مقاومت کرد.

انقلاب ایران از تشییع شریعتی در لندن آغاز شد. آرمان انقلاب استقلال، آزادی و توسعه بود. الآن بعد از چهل سال مستقل هستیم، اما می‌دانیم با آزادی و عدالت چه فاصله‌ای داریم، با این حال در همین کشور ایستادیم و پوران آثار دکتر شریعتی را جمع‌آوری کرد. مجموعه مقالات و مدارسی که پوران شریعت‌رضوی ساخته است، باقیات‌صالحات است. او از نظر مادی مستقل ماند. نشان این استقلال این است که امروز نمی‌توانیم وارد حسینیہ شویم و در کنار ساختمان، نهضت را نگه داشته‌ایم. ❖





## پیام تسلیت اعظم طالقانی به مناسبت درگذشت پوران شریعت‌رضوی

❖ درگذشت دکتر پوران شریعت‌رضوی، همسر دکتر علی شریعتی، ضایعه‌ای جانکاه است. پوران شریعت‌رضوی، مادر احسان، سوسن، سارا و مونا شریعتی بود که هریک صفات خوبی از پدر و مادر را دارند، لکن پوران شریعت‌رضوی مادر ملتی بود که درس مقاومت را به زمانه خود آموخت. روحش شاد و با صدیقین و صالحان قرین باشد. ضروری است بدانیم در ایران ما، زنان و مادران بسیاری داریم که گمنام و ناشناخته‌اند، ولی بسیارند و مظلوم. امیدواریم پروردگار حق همه آنان را در پناه خویش ادا کند.

❖ اعظم‌علایی طالقانی





## گزارش تصویری مراسم تشییع زنده‌یاد پوران شریعت‌رضوی



## زن مسلمان به مثابه انسان آگاه و مسئول

سخنرانی دکتر محمدمهدی جعفری در مراسم یادبود ملک بانو طباطبایی

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض تسلیت خدمت همه انسان‌های

حق طلب.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ  
وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا  
وِنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ  
كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا

هان ای مردم، پروا بگیرید از پروردگاری که شما را از نفسی یگانه آفرید و از همان نفس، همسرش را آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را پراکنده و خدایی را پروا بگیرید که به سبب او از یکدیگر درخواست می‌کنید و پروا یابید خویشاوندان را. به راستی خداوند مراقب و ناظر بر شماست.

ندای آگاهی بخش پروردگار، صفات همه انسان‌هایی است که می‌خواهند مسیر تعالی و تکامل انسانیت را، زن و مرد، دوش به دوش یکدیگر بی‌هیچ تبعیض و تفاوتی ببیمایند. پروردگار آفریننده، به همه آفریدگان خود، به همه مردم هشدار می‌دهد که همه شما، زن و مرد، از یک گوهر آفریده شده‌اید و در پیشگاه خداوند؛ جنسیت، ملیت، رنگ، زمان و مکان، سنجه ارزش‌گذاری نیست. تنها معیار ارزشی انسان‌ها در پیشگاه خداوند، پروا پیشگی است و فرمود: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ.**

در این آیه، پروردگار به همه مردم اعلام می‌کند در مسائل فردی و اجتماعی و در مسائل حقوقی به تناسب شرایط زندگی اجتماعی، تفاوت‌هایی

اعتباری بر شما انسان‌ها تحمیل شده است. مبدا این قوانین اعتباری و وضعی باعث شود که شما به یکدیگر به چشم تبعیض و ترجیح و برتری مرد بر زن بنگرید.

خدای را پروا بگیرید که برای ایجاد عاطفه و مهربانی نسبت به یکدیگر و تحکیم همبستگی با هم، از همان خدا درخواست می‌کنید و بنیادهای خانواده خویشاوندان شما را بدان وسیله تحکیم می‌بخشیم. هُش دارید و آگاه باشید که خدا پیوسته مراقب و ناظر بر رفتارهای شماست.

انسان موجودی مختار و آزاد است و قوانین و مقررات اجتماعی محدودکننده را خود با

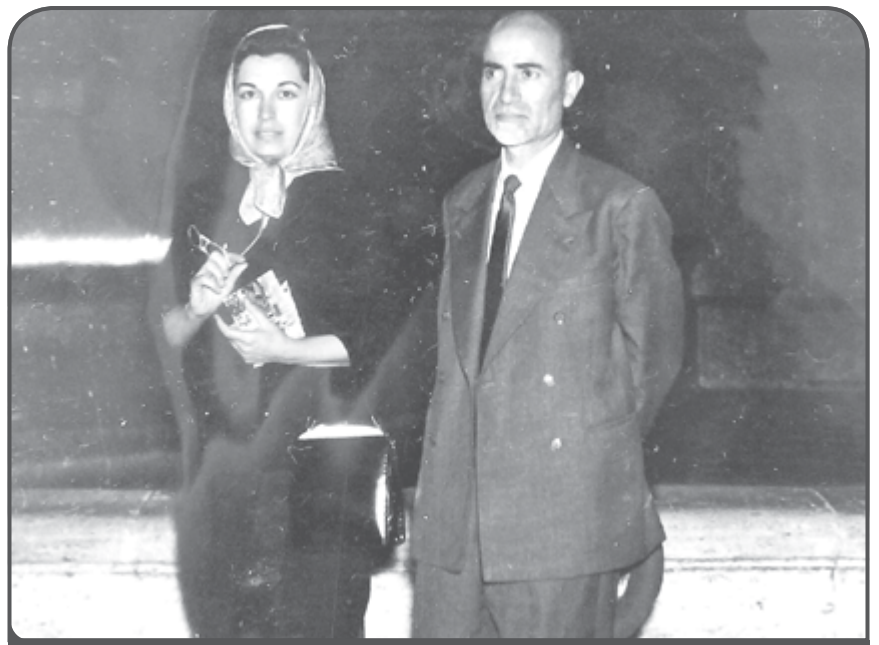
**انسان موجودی مختار  
و آزاد است و قوانین  
و مقررات اجتماعی  
محدودکننده را خود با  
آگاهی و آزادی اختیار  
کرده است. لیکن  
در این قانون‌گذاری  
باید به سنت حاکم  
بر هستی که همان  
مشیت پروردگار است،  
توجه داشته باشد**

آگاهی و آزادی اختیار کرده است. لیکن در این قانون‌گذاری باید به سنت حاکم بر هستی که همان مشیت پروردگار است، توجه داشته باشد، زیرا به گفته آیت‌الله طالقانی، این قدرت مجهز به اندیشه و اختیار، با آن قوای نهفته و پیچیده که جز آفریننده‌اش به آن آگاهی کامل و همه‌جانبه ندارد، اگر با رهبری پروردگار در روابط درونی و بیرونی تنظیم شود، همه قوای طبیعت را مستخر می‌کند و حاکم بر آن‌ها می‌شود و قوای خود را به فعلیت و به کمال شایسته‌ای که بالقوه دارد، می‌رساند. اگر در این روابط و نظام‌ها و مسئولیت‌ها بی‌تفاوت و بی‌پروا شوید، قوای خود و دیگران را می‌سوزانید و ویران می‌کنید.

از تحول و سقوط انسان و آزادی غریز و ذات درونی نفوس به میان جمع کشیده و باطل می‌شود. در دنیایی که انسان از اصل خود و از آفرینش و ربوبیت خود بیگانه شده، علم از انسان، اندیشه از احساسات و قوانین از وجدان، جدا و انسان‌ها مسخ شده‌اند و دنبال رشته‌های کور غریز می‌روند و می‌دوند و نمی‌دانند چه می‌خواهند و چه می‌جویند، اندیشمندان و مکتب‌دارانی که اندیشه و مغزشان در بند غریز است و خود چون کالایی بی‌اراده در خدمت قدرت‌ها و ثروت‌ها مسخ و واژگون شده‌اند و مکتب‌های ساخته اینان جز از بندی به بند دیگر کشیدن مردم نیست.

آیا سردمدارانی که مسخ قدرت و گرفتار در شهوت ریاست و وابسته به مقام و ثروت خویش هستند و خود راه مستقیم انسانیت متعالی و متکامل را گم کرده‌اند، می‌توانند راهنما و راهبر باشند؟ آیا کسانی که هر روز به نوعی اختلاف میان افراد جامعه را به نام زن و مرد، حاکم و محکوم، خودی و بیگانه، مذهب، مشی سیاسی، اقتصاد، فرهنگ و مانند این‌ها دامن می‌زنند، می‌توانند شهروندان را به حقوق والای انسانی خود برسانند و توده‌های مردمی که گرفتار در مسائل اولیه اجتماع و آب و نان و حتی شیوه لباس پوشیدن هستند، می‌توانند به فکر زندگی معنوی و قوت انسانی و رشددهنده خود باشند؟ تنها راه علاج، آزادی و عدالت و همبستگی و وحدتی است که پروردگار در میان زن و مرد قرار داده است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ  
وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا



در یافتیم که در این خانواده دموکراسی به معنای واقعی حاکم است؛ و هیچ فردی از افراد خانواده نظر شخصی یا اندیشه و حتی باور دینی خود را بر یکدیگر تحمیل نمی‌کنند. اگرچه زن در نظر اسلام به سنت نبوی مقام انسانی والایی دارد و گوهر وجودی او با مرد یکی است و نمونه‌های بسیاری در تاریخ، این ادعا را به اثبات می‌رساند، لیکن برخی از تنگ‌نظری‌ها و کوتاه‌بینی‌های تخصصی در زمینه‌های فقه و حدیث، تحت تأثیر شرایط مختلف تاریخی و اجتماعی، زن را به‌عنوان موجودی پست‌تر از مرد قرار داده که نباید در اجتماع ظاهر شود و نباید از حقوق انسانی و شهروندی خود دفاع کند. این مرد است که اگر مصلحت اقتضا کند می‌تواند با نظر لطف به زن نگرد و به‌عنوان قیم حق او را به او عطا فرماید، اما امروز دیگر کسی منتظر آن نمی‌ماند که عده‌ای خاص در چارچوب تنگ فقه، حقوق فردی و اجتماعی او را تحریف کنند و او را مقید و مجبور به اجرای وظایف و رفتاری کنند که آنان می‌خواهند و آنان مصلحت می‌بینند.

امیرالمؤمنین به فرزندش و به همه انسان‌ها خطاب می‌کند که: *و لا تَکُنْ عَبْدَ غَیْرِكَ* و قد جَعَلَکَ اللهُ حُرًّا. بنده هیچ‌کس مباش، تنها بندگی کسی را بکن که تو را آزاد و آزاده قرار داده است. منظور امیرالمؤمنین از این حریت، آزادی اندیشه، آزادی باور و آزادی‌گزیدن نوع زندگی است. آزادی انسان باعث می‌شود که آزادی را برای همه انسان‌ها بخواهد و چون به آزادی باور دارد به آزادی هیچ‌کس تجاوز نمی‌کند.

امروز، زن مسلمان به دور از تبلیغات و دستورها و سفارش‌های قالبی و به‌ویژه در کتاب سنت، به‌عنوان یک انسان آگاه و مسئول، رسالتی به عهده دارد که در هیچ زمان و شرایطی چنین مسئولیتی و رسالتی نداشته است و آن رسالت، آگاه شدن و آگاه‌سازی است.

آگاه شدن از وظایف و مسئولیت‌هایی که در شرایط جهانی امروز بر دوش یک زن به‌عنوان عضوی از جامعه جهانی انسانی قرار دارد و انتقال آن به نسل فردا رسالت زن است؛ و این پرچم را به قول امیرالمؤمنین تنها کسانی می‌توانند بر دوش گیرند که اهل صبر و بصیرت باشند. صبر به معنای پایداری ورزیدن در برابر مشکلات و موانع و بصیرت برای شناخت بدعت‌هایی به نام سنت، هوا و هوس‌هایی به نام دین و بیراهه رفتن‌هایی به‌جای راهنمایی و راهبری. صبری همچون خدیجه کبری، بصیرتی همچون فاطمه زهرا، رسالتی همچون زینب کبری. ❖

## امروز، زن مسلمان به دور از تبلیغات و دستورها و سفارش‌های قالبی و به‌ویژه در کتاب سنت، به‌عنوان یک انسان آگاه و مسئول، رسالتی به عهده دارد که در هیچ زمان و شرایطی چنین مسئولیتی و رسالتی نداشته است و آن رسالت، آگاه شدن و آگاه‌سازی است

فراوانی روبه‌رو شد؛ اما در برابر پیشامدهای ناگوار و دشواری‌های بسیار به زندان و تبعید و محرومیت‌ها و ستم‌های ناروا سر خم نکرد و تسلیم نشد و در جهت حفظ حقوق اجتماعی و انسانی، اهل سازش نبود.

و این باور روحیه را هم در زندگی فردی و خانوادگی و هم در محیط علمی و دانشگاهی و هم در ضمن مسئولیت‌ها و وظایف اجرایی و اجتماعی به کار می‌برد. پیوسته در همه حال صداقت داشت و از نفاق و منافق و ریاکار و متظاهر به‌شدت بی‌زار بود.

آیا مهندس بازرگان در مراحل مختلف زندگی، با این همه فراز و نشیب، بدون اینکه در خانه و خانواده، پشتیبان، مشوق، غم‌خوار، تسلی‌بخش و مراقبی همانند چنین بانویی داشته باشد، می‌توانست چنین توفیقی به دست آورد؟ من خود در سال‌های ۴۲ تا ۴۶، شاهد و ناظر جریان‌هایی در دادگاه‌های نظامی، در زندان قصر تهران، در دژ برازجان بوده‌ام و می‌دیدم که روحیه محکم و شاد و سرزنده زنده‌یاد مهندس بازرگان پس از هر ملاقات با خانواده و به‌ویژه با این بانو، شادتر و سرزنده‌تر می‌شود.

زندگی، رفتار و گفتار مهندس بازرگان، سراسر درس بود و به‌ویژه برای ما جوانان آن روز، نکته‌های آموزنده بسیار داشت. او به ما آموخت که در خانواده، نه مردسالاری درست است و نه زن‌سالاری، در یک خانواده پدر و مادر و فرزندان، در عین وابستگی عاطفی، هرکدام شخصیت مستقلی دارند که در کنار یکدیگر جمعیت انسانی متعاون رو به رشد بالنده‌ای را به وجود می‌آورند.

با تحلیل‌هایی که مهندس بازرگان از روابط درون خانواده می‌کرد، همیشه حتی مسائل خصوصی را هم بیان می‌کرد و برخی ایراد می‌گرفتند، ولی برای ما درس‌های بسیار آموزنده‌ای است.

در سراسر تاریخ در کنار هر مرد موفق، زنی مهربان و دانا به چشم می‌خورد و بدون همیاری و غم‌خواری آن زن، هرگز مرد به پیروزی نرسیده است. اسلام از بعثت و رسالت رسول خدا به تأیید روحی و خلقی و آگاهی یک زن، خدیجه کبری آغاز شد.

رسول خدا در محیط نامساعد و سراسر دشمنی، مسئولیت سنگین ابلاغ رسالت را انجام می‌داد و آن زن به‌تنهایی، هم مدافع و مؤید و امیددهنده و تسلی‌بخش بود و هم مربی اطفال و نگهبان خانه رسالت و پشتیبان علی، در روزهای تنهایی پس از رسول خدا، تنها فاطمه بود و تنها مدافع و تنها غم‌خوار بزرگ منادی و مجری عدالت و زینب، میراث‌دار شهادت و مبلغ رسای پیام امامت در برابر ظلم و جور و پایمال شدن حقوق بشریت. این پشتیبانی‌ها و همراهی‌ها پیش از آنکه برخاسته از عواطف همسری یا خویشاوندی و هم‌خونی باشد، نشئت گرفته از ایمان به پروردگار و آگاهی از استعداد قوای انسانی و احساس مسئولیت اجتماعی بود.

باز به گفته آیت‌الله طالقانی، هرچه پیوستگی میان آن‌ها بیشتر و آگاهانه‌تر باشد، قدرت و وسعت تأثیرات و مسئولیت‌های ناشی از آن بیشتر و تقابل و تراحم قوی‌تر و عمیق‌تر و از حدود روابط زندگی به نیازهای مادی برتر می‌گردد.

بی‌گمان زنده‌یاد مهندس بازرگان در زمینه اصلاح اندیشه دینی، یکی از تأثیرگذارترین افراد در تاریخ معاصر ایران است و این تأثیر روزبه‌روز و سال به سال بیشتر خود را نشان می‌دهد. شیوه اصلاحی مهندس بازرگان دنباله و برگرفته از برنامه اصلاحی پیامبران الهی در طول تاریخ بوده است. همه پیامبران می‌گفتند: *إِن أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ*. قصدی و اراده‌ای جز اصلاح در میان مردم، تا آنجا که بتوانم ندارم و همان‌گونه که تأثیر اصلاح پیامبران جاودانه بود، تأثیر اصلاح مهندس بازرگان هم جاودانه است و در آینده آثار آن را بیشتر خواهند دید.

آری، شیوه اصلاحی زنده‌یاد مهندس بازرگان، زدایشی و سپس اثباتی بود. همچون لا اله الا الله، نفی هر نوع معبودی جز الله و در این راه از سرزنش هیچ سرزنشگری بیم نداشت. او با همه وجود معتقد به آزادی و دموکراسی بود و در همه مراحل زندگی به این اعتقاد قلبی خود، عمل می‌کرد. پایبند به اصول بود و در هیچ شرایطی تحت تأثیر جَوّ حاکم قرار نمی‌گرفت. بر اثر همین پایبندی به اصول و یکدندگی برای اجرای آن، با گرفتاری‌ها و مشکلات



## اخبار زنان



حوریه خانپور

### ۱۱ فوریه مصادف با روز ۲۲ بهمن، روز بین‌المللی زنان و دختران در عرصه‌های علمی

دیده‌بان علم: سازمان ملل ۱۱ فوریه را به‌منظور ارج نهادن به فعالیت‌ها و دستاوردهای بانوان دانشمند و تشویق هرچه بیشتر دختران به تحصیل نام‌گذاری کرده است. هدف از نام‌گذاری این روز دستیابی به برابری و توازن جنسیتی در علم و دانش است و شعار امسال «سرمایه‌گذاری بر زنان و دختران در علم برای شکوفایی‌شان» است. دبیرکل سازمان ملل متحد، آنتونیو گوترز در این باره می‌گوید: «ما باید مشوق و حامی زنان و دختران باشیم تا توان و استعداد بالقوه آن‌ها در زمینه علم و نوآوری به ظهور بنشیند.»

علم و برابری جنسیتی دو عنصر مهم در توسعه پایدار هستند. هنوز زنان بسیاری از مشارکت کامل در علم محروم هستند: کمتر از ۳۰ درصد محققان جهان را زنان تشکیل می‌دهند. یکی از روش‌های مقابله با این چالش استفاده از تمام استعدادهاست. به این معنی که زنان در تمام این زمینه‌ها مشغول کار شوند. تنوع در تحقیقات مجموعه محققان با استعداد را گسترش می‌دهد و دیدگاه تازه، استعداد و خلاقیت را به وجود می‌آورد.

نمونه‌هایی از زنان دانشمند ایرانی: پروفیسور مریم میرزاخانی (ریاضیدان)، انوشه انصاری (مهندس)، او اولین زنی بود که با بودجه خود به ایستگاه فضایی بین‌المللی سفر کرد، پریسا تبریز (کارشناس امنیتی کامپیوتر که مجله علمی فوربس او را در فهرست سی زن دانشمند زیر سی سال جهان معرفی کرده است و او را به‌عنوان پرنسس امنیت گوگل می‌شناسند)، رکسانا ورزا (در حال حاضر فعالیت‌های راه‌اندازی مایکروسافت در فرانسه را هدایت می‌کند در آوریل ۲۰۱۳، Business Insider او را

به‌عنوان یکی از سی زن دانشمند زیر سی سال جهان در زمینه فناوری معرفی کرد.)

۲۲ بهمن ۹۷

### درخواست فراکسیون زنان برای در دستور کار قرار گرفتن طرح مقابله با کودک‌همسری

ایسنا: فریده اولادقباد رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی گفت که این فراکسیون با رئیس مجلس مکاتبه کرده تا با تجدیدنظر در رد طرح کودک‌همسری و در صورت موافقت، این طرح در دستور کار مجلس قرار گیرد. وی اضافه کرد: منظور ما در کودک‌همسری ممنوعیت ازدواج برای افراد زیر سیزده سال است و از سیزده تا شانزده سال نیز ازدواج با اذن ولی پیش‌بینی شده است چراکه معتقدیم ازدواج در این سن مانع شکوفایی شخصیت، تضعیف سطح آموزشی و تربیتی خانواده می‌شود. علاوه بر این وجود خطرات باروری در سنین پایین، زایمان‌های زودرس، پیامدهای روانی ازدواج در سنین پایین از دیگر مشکلات ازدواج در این سن است و می‌تواند باعث افزایش خشونت خانگی و اختلالات اضطراب و افزایش طلاق شود. نماینده مردم تهران در مجلس در پایان گفت: کودکان نیازمندی‌های مراحل رشد جسمانی، اجتماعی، روحی روانی و بلوغ فکری هستند لذا باید شرایط را برایشان آماده کنیم تا خودشان با همفکری و همراهی خانواده تصمیم بگیرند و پذیرای مدیریت خانواده و مسؤولیت اجتماعی شوند.

۲۱ بهمن ۱۳۹۷

### «نفس» فیلم برگزیده جشنواره سیاتل امریکاشد

خبرگزاری مهر: فیلم‌های کودکان «سیاتل» ۲۰ بهمن مصادف با ۹ فوریه به کار خود پایان داد

و فیلم سینمایی «نفس» ساخته نرگس آبیاری یکی از جوایز مهم جشنواره فیلم‌های کودکان «سیاتل» را دریافت کرد.

این جشنواره که از سال ۲۰۰۵ راه‌اندازی شده، از ۴ تا ۲۰ بهمن (۲۴ ژانویه تا ۹ فوریه) در آمریکا برگزار شد و شامل ۱۴ فیلم بلند و ۱۳۳ فیلم کوتاه در برنامه خود بوده و هیئت داوری جایزه زوم جهانی را به فیلم «نفس» اعطا کرد و این فیلم را بهترین فیلم جشنواره در جهت ارتقای درک و تفاهم بین‌فرهنگی ارزیابی کرد.

۲۱ بهمن ۱۳۹۷

### اولین زن هرمزگانی معاون استاندار هرمزگان شد

فردای هرمزگان: با حکم «فریدون همتی» استاندار هرمزگان، «نازنین شیبانی تدرجی» با حفظ سمت مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری هرمزگان، به‌عنوان سرپرست معاونت توسعه مدیریت و منابع استانداری هرمزگان منصوب شد.

در متن حکم استاندار هرمزگان خطاب به «نازنین شیبانی تدرجی» آمده است: با توجه به تفکیک معاونت توسعه منابع از معاونت هماهنگی امور اقتصادی و با استعانت از درگاه خداوند، نظر به مراتب تعهد، تجارب ارزنده و شایستگی‌های سرکار عالی، به‌موجب این ابلاغ با حفظ سمت به‌عنوان سرپرست معاونت توسعه مدیریت و منابع استانداری هرمزگان منصوب می‌شوید.

۲۱ بهمن ۱۳۹۷

### انصراف ۳۲ هزار زوج از طلاق در نه ماهه امسال

عصر شهروند: فاطمه عباسی، معاون توسعه پیشگیری بهزیستی درباره اجرای برنامه کاهش طلاق، گفت: نه ماهه نخست سال جاری بیش از



### ◆ قهرمان رنگینگ اسنوکر زنان

ایران معرفی شد

ایرنا: به نقل از فدراسیون بولینگ، بیلارد و بولس؛ هفدهمین رنگینگ کشوری اسنوکر بانوان ایران به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی برگزار و «سارا بهاروندی» به مقام قهرمانی رسید. این رقابت‌ها از دهم تا چهاردهم بهمن‌ماه به میزبانی استان خوزستان برگزار شد. در فینال این مسابقات، «سارا بهاروندی» صاحب عنوان قهرمانی شد و در دیدار رده‌بندی نیز «مریم ابراهیمی» به مقام سوم دست یافت.

۱۵ بهمن ۹۷

### ◆ آیین افتتاح و کلنگ‌زنی ۴۱

پروژه عمرانی در شهرستان عسلویه

آغاز شد/ توسعه انسانی شاخصه مهم

آموزش و پرورش است

معاونت امور زنان و خانواده: در آیینی با حضور دکتر معصومه ابتکار معاون رئیس‌جمهور، عبدالکریم گراوند استاندار بوشهر و مسئولان استان بوشهر و شهرستان عسلویه، ۴۱ پروژه عمرانی در شهرستان عسلویه افتتاح و کلنگ‌زنی شد.

معصومه ابتکار در آیین چهلمین گلبانگ انقلاب اسلامی در دبستان شهید باهنر عسلویه استان بوشهر گفت: از نظر شاخص آموزش نسبت به اول انقلاب، بیشترین رشد را در عرصه سوادآموزی و آموزش ابتدایی داشته‌ایم و در این زمینه سهم دختران بیشتر بوده است. فرماندار شهرستان عسلویه نیز در این آیین اظهار داشت: در دهه فجر امسال ۴۱ پروژه عمرانی با اعتبار ۷۱ میلیارد تومان در این شهرستان افتتاح و یا کلنگ‌زنی خواهد شد.

۱۳ بهمن ۱۳۹۷

### ◆ ارسال لایحه اصلاحیه قانون

مدنی در مورد طلاق به دولت

معاونت امور زنان و خانواده: شهناز سجادی، دستیار ویژه حقوق شهروندی معاونت رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، از ارسال اصلاحیه ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی به دولت خبر داد. وی با بیان اینکه طبق ماده ۱۱۳۳ زوج می‌تواند هر زمان که اراده کرد با مراجعه به دادگاه همسر خود را طلاق دهد و در این خصوص اختیار مطلق دارد بر ضرورت اصلاح این ماده تأکید کرد و افزود دلیل اصلی تقدیم این اصلاحیه به دولت، کمک به تحکیم

در حوزه ورزش در این چهل سال افتخارات بزرگی را کسب کرد و به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی شعار «چهل سال ورزش و چهل سال انقلاب» را انتخاب کردیم و وقتی کارنامه ورزش بعد از انقلاب را مرور می‌کنیم در همه بخش‌ها افتخارات قابل توجهی نصیب ملت ایران شده است. در حوزه ورزش بانوان نیز رشد چشم‌گیری داشته و مدال‌آوری بانوان نیز هفده برابر شده است. وی در خصوص پیشرفت‌های ورزش بانوان نیز افزود: بانوان ورزشکار در عرصه‌های بین‌المللی حین مدال‌آوری و افتخارآفرینی ترویج‌دهنده ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی بوده‌اند و توانسته‌اند با حجاب اسلامی موفقیت‌های بسیاری را کسب کنند.

۱۵ بهمن ۹۷

### ◆ انتصاب یک زن به‌عنوان مدیر

سرمایه‌گذاری شرکت ملی نفت ایران

ایرنا: به نقل از شرکت ملی نفت ایران، مسعود کرباسیان در این حکم از منصوریان خواسته است با همراهی تمام مدیران و کارمندان صنعت نفت «در پیشبرد امور و دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی در شرکت ملی نفت ایران» اقدام کند.

جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی در قالب‌های سرمایه‌گذاری، شناسایی فرصت‌های افزایش ارزش‌آفرینی فعالیت‌ها و دارایی‌های شرکت و طراحی و ارائه پیشنهادهاى تجارى مناسب، طراحی مدل‌های تجاری مناسب به‌منظور برون‌سپاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی و ارائه مدل‌های تأمین منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری موردنیاز سال‌های آتی از جمله وظایف وی اعلام شده است.

صنعت نفت تا چندی پیش به‌عنوان صنعتی مردانه به شمار می‌رفت و زنان امکان راه یافتن به پست‌های ارشد مدیریتی در آن را نداشتند اما در دولت یازدهم و دوازدهم، این روند تغییر کرد و زنان به‌تدریج در پست‌های مختلف منصوب شدند.

انتصاب «مرضیه شاهدایی» به‌عنوان مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی و سپس قائم‌مقامی وزیر نفت، اوج ورود زنان به صنعت نفت محسوب می‌شود. وزیر نفت در آبان امسال نیز برای نخستین بار یک زن «زهره گودرزی» را به عضویت در هیئت‌مدیره این شرکت منصوب کرد.

۱۵ بهمن ۹۷

۳۲ هزار زوج متقاضی طلاق در سراسر کشور از خدمات مشاوره سازمان بهزیستی بهره‌مند شده و از این اقدام صرف‌نظر کرده‌اند.

وی افزود: این معاونت علاوه بر خدمات مشاوره حضوری، خدمات تخصصی روان‌شناختی را به‌صورت غیرحضوری (تلفنی و اینترنتی) نیز اجرا می‌نماید که در نُه ماهه سال جاری تعداد ۶۸۱ هزار ۷۹۲ نفر خدمت مشاوره تلفنی و ۷۷۹۵ نفر نیز خدمات مشاوره اینترنتی دریافت کرده‌اند.

وی همچنین گفت: برنامه‌های کاهش طلاق، مبتنی بر رویکردهای جامع و انسجام و پیوستگی ارائه خدمات در سطوح مختلف پیشگیری است که این مهم توسط معاونت مشاوره و امور روان‌شناختی در حال اجراست. این اقدامات در سه سطح پیشگیرانه شامل آموزش‌های هنگام ازدواج، پیش از ازدواج و زندگی خانواده، ارائه خدمات تخصصی روانی-اجتماعی به زوجین متقاضی طلاق در مراکز مشاوره و روان‌شناختی و تخصیص یارانه مشاوره طلاق به زوجین نیازمند است.

۱۷ بهمن ۱۳۹۷

### ◆ جوان‌ترین شهردار کشور در

سیستان و بلوچستان به عضویت

کمیته جوانان یونسکو درآمد

تسنیم: کوثری سرپرست معاونت سیاسی و اجتماعی استانداری سیستان و بلوچستان در مراسم افتتاح پروژه‌های شهرستان دلگان اظهار داشت: سهیلا بامری، شهردار چگردک دلگان، به‌عنوان جوان‌ترین شهردار کشور به عضویت کمیته ملی جوانان کمیسیون ملی یونسکو در ایران درآمده است. کوثری افزود: شهردار جوان چگردک دلگان از مدیران موفق و پرتلاش است که به‌عنوان بانوی بلوچ جوان‌ترین شهردار کشور است.

کمیسیون ملی یونسکو نهاد رابط جمهوری اسلامی ایران با مقر یونسکو است و از اعتبار بین‌المللی برخوردار است.

۱۷ بهمن ۱۳۹۷

### ◆ بعد از انقلاب مدال‌آوری بانوان

در ورزش هفده برابر شده است

معاونت امور زنان و خانواده: سید عبدالحمید احمدی معاون وزیر ورزش و جوانان در نشست شورای عالی ورزش استان با بیان اینکه بعد از انقلاب رشد ۳۲ برابری در زمینه ایجاد فضاهای ورزشی را داشته‌ایم، گفت: ملت ایران

◆ مشاور سابق روحانی: نتوانستیم حتی یک لایحه برای زنان به مجلس ببریم

ایرنا: شهیندخت مولاوردی، دستیار پیشین حسن روحانی در امور شهروندی، در نخستین گفت‌وگویی پس از خروج از دولت، با بیان مشکلات و موانع کاری خود در دولت‌های یازدهم و دوازدهم اذعان کرد که به دلیل موانع از طرف جناح مقابل نتوانستیم حتی یک لایحه برای زنان به مجلس ببریم به مشکلات و سختی‌های کار در دولت اشاره کرده است. به گفته او، در طول فعالیت خود در دولت با «موانع و چالش‌های جدی» از سوی جناح مقابل روبه‌رو شد. مولاوردی در توضیح این مشکلات گفت: هر مصاحبه یا صحبتی داشتیم یا هر فعالیتی را که آغاز می‌کردیم، از همان ابتدا محکوم به حمله و شکست بودیم. در سال‌های همکاری مولاوردی در دولت، تلاش‌های او در احقاق حقوق زنان و حقوق شهروندی با حساسیت‌ها و واکنش‌های اصولگرایان مواجه می‌شد. مخالفت او با ازدواج دختران کمتر از پانزده سال، تلاش‌هایش برای حضور زنان در استادیوم والیبال و همچنین پیگیری اجرای کامل منشور حقوق شهروندی از جمله فعالیت‌های مولاوردی بود.

تعیین تکلیف وضعیت حقوقی کودکان حاصل ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی و تلاش برای تدوین لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت و همچنین لایحه اصلاحی ممنوعیت ازدواج فرزندان خوانده با سرپرست از جمله فعالیت‌های شهیندخت مولاوردی به‌عنوان معاون و دستیار ویژه رئیس جمهوری بود که تقریباً هیچ‌یک به سرانجام روشنی نرسید. به گفته وی، برنامه‌هایی که در نظر داشت و گزارش‌هایی که در دست تهیه و تدوین داشت، همگی «نیمه‌تمام» باقی مانده‌اند. مولاوردی در بخشی از این گفت‌وگو تأکید می‌کند که متهم می‌شده است به اینکه در حال «پرونده‌سازی برای نظام» است حال آنکه او این اتهام را رد می‌کند. شهیندخت مولاوردی، در دولت یازدهم دولت نخست حسن روحانی، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری ایران بود، اما در دولت دوم حسن روحانی این سمت را به معصومه ابتکار واگذار کرد و خود به سمت دستیار ویژه رئیس‌جمهوری ایران منصوب شد. همکاری شهیندخت مولاوردی با دولت، در آذرماه سال ۱۳۹۷ در پی تصویب و اجرای قانون منع به‌کارگیری بانزستگان، از آنجا که بانزست‌ها بودند، پایان یافت.

۱۱ بهمن ۹۷

◆ برای اولین بار در تاریخ لبنان یک زن وزیر کشور شد

ایرنا- «ریا الحسن» اولین زن در تاریخ لبنان است که به‌عنوان وزیر کشور که یکی از چهار وزیر کلیدی این کشور است، منصوب شده است. جلسه هیئت دولت لبنان در حالی پس از حدود نُه ماه انتظار برگزار شد که انتخاب الحسن به‌عنوان وزیر کشور توجهات زیادی را متوجه خود کرده است. الحسن فارغ‌التحصیل رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا در مقطع کارشناسی ارشد بوده و از سیاستمداران سنی نزدیک به «سعد الحریری» نخست‌وزیر لبنان است. وی از سال ۲۰۱۵ تاکنون رئیس هیئت‌مدیره و مدیرکل منطقه ویژه اقتصادی شهر طرابلس در شمال لبنان است. الحسن همچنین در دولت نخست سعد الحریری (۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱) وزیر دارایی بود.

تارنمای روزنامه «النهار» لبنان اقدام الحریری در انتخاب یک زن به‌عنوان وزیر کشور را «جسورانه» خواند. علاوه بر الحسن، سه زن دیگر در کابینه جدید لبنان حضور دارند: «ندی بستانی» وزیر انرژی، «فیولیت الصفدی» وزیر مشاور در امور توان‌بخشی اجتماعی و زنان و «می شدیاق» وزیر مشاور در امور توسعه اداری. طی سال‌های اخیر مطالبه برای افزایش نقش زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری در لبنان افزایش یافته است.

۱۲ بهمن ۹۷

◆ اولین کنفرانس علمی بین‌المللی زن و مقاومت در اندیشه دانشمندان جهان

معاونت امور زنان و خانواده: اولین کنفرانس علمی بین‌المللی زن و مقاومت در اندیشه دانشمندان جهان، با حضور پژوهشگران هشتاد کشور در باغ موزه دفاع مقدس برگزار شد. مریم مجتهدزاده رئیس سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان در دفاع مقدس اظهار کرد: این کنفرانس با هدف تبیین نقش بی‌بدیل زنان در عرصه مقاومت، تبیین نقش و تأثیر زنان مجاهد در مبارزه با استکبار و استعمار جهانی و همچنین بررسی راهکارهای اجرایی و رسانه‌ای نهادهای سازگی‌گوها و اسوه‌های صبر و مقاومت در جهان معاصر به همت سازمان و با همکاری معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری و جامعه المصطفی‌العالمیه برگزار شد.

۱۱ بهمن ۹۷

بنیان خانواده است تا زوج نتواند بدون دلیل و برخلاف مصالح خانواده، همسر خود را به‌راحتی طلاق دهد و این اصلاحیه به‌نوعی منجر به کاهش آمار طلاق نیز خواهد شد. سجادی تصریح کرد: به‌عبارتی طلاق زوجه نیازمند ارائه دلیل و توجیه قانونی نیست. درعین حال هم حق تعدد زوجات اعم از دائم و موقت دارد و با این روش نمی‌توان به تحکیم بنیان خانواده اندیشید و حرمت و استحکامی برای آن فرض کرد. وی با اشاره به اینکه در این اصلاحیه ده شرط پیش‌بینی شده تا قاضی با استناد به آن‌ها بتواند در خصوص صدور حکم طلاق تصمیم‌گیرنده نهایی باشد، افزود: اینکه زوجه و قاضی دادگاه نقشی در امر طلاق نداشته و خواسته زوج به معنای حرف اول و آخر باشد، محل اشکال است و با صاحب‌اختیار شدن دادگاه امنیت و آرامش بیشتری بر محیط خانواده حاکم می‌شود.

۱۳ بهمن ۹۷

◆ احقاق حقوق زنان در کشورمان مسیر طولانی را طی می‌کند

معاونت امور زنان و خانواده: مشاور حقوقی معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، اشرف گرامی‌زادگان در نشست تخصصی زنان در چهل‌سالگی انقلاب از مجموعه سلسله برنامه‌هایی در سی‌وپنجمین نشست میان‌دوره اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور که با شعار «توسازی مشارکت، کارآمدی جمهوری» به میزبانی دفتر تحکیم وحدت در مجتمع یاوران مهدی قم برگزار می‌شود، با اشاره به معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری اظهار کرد: دولت‌ها تاکنون نتوانسته‌اند که حقوق زنان را احقاق کنند، احقاق حقوق زنان در کشورمان مسیر طولانی را طی می‌کند، به‌عنوان مثال لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت در دولت دهم تدوین شد، اما هنوز این لایحه پس از دولت به سرانجام نرسیده و در دفتر ریاست قوه قضائیه مانده است، درحالی‌که هجده قاضی در تدوین آن نقش داشتند. گرامی‌زادگان جنبه فعالیت معاونت زنان و خانواده را سیاست‌گذاری دانست و تصریح کرد: تنها زمانی این معاونت قدرت اجرایی پیدا می‌کند که با یک نهاد تفاهم‌نامه امضا کند، اراده‌ای در دولت‌های پس از انقلاب در تبدیل معاونت زنان و خانواده به یک سازمان وجود نداشته است.

۱۳ بهمن ۱۳۹۷





# طالعاتی

و دیگر کونی تاریخ

پروشی در اسناد و اندیشه



سید محمد حسین میرزا طالعاسی